



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

میرزا باقر خان
حرفیاز

جمہوری نذر تلال معرفت بی کرون میرزا عثمان علیؒ

لہور ہسٹری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یک حرف از هزاران

نویسنده:

امیر شیاسی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۶	یک حرف از هزاران
۳۶	مشخصات کتاب
۳۶	اشاره
۴۰	فهرست مطالب
۸۶	پیشگفتار
۹۷	فصل اول
۹۷	اشاره
۹۹	فضیلت حفظ چهل حدیث
۱۰۰	منظور از «حفظ حدیث» چیست؟
۱۰۱	اسرار عدد «چهل» در آیات و روایات
۱۰۱	اشاره
۱۰۱	الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی
۱۰۲	ب: جاری شدن چشمه های حکمت از قلب بر زبان
۱۰۳	ج: میقات حضرت موسی علیه السلام با پروردگارش
۱۰۳	د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت علیهم السلام
۱۰۳	ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین علیه السلام
۱۰۴	و: اسرار دیگر عدد چهل
۱۰۴	اربعینت «کتاب های چهل حدیث»
۱۰۶	۱- فضایل بی پایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)
۱۰۷	۲- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بی کران فضایل
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	نقطه «باء»
۱۱۳	۳- آثار بیان فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

- ۴-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در عالم انوار ۱۱۴
- ۵-نام امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۱۴
- ۶-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) مولود کعبه ۱۱۵
- ۷-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) اولین مسلمان ۱۱۶
- ۸-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) نخستین نمازگزار ۱۱۷
- ۹-برتری ایمان امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۱۷
- ۱۰-شمایل زیبای امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۱۷
- ۱۱-کنیه ها و لقب های امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۱۹
- ۱۲-نقش نگین انگشترهای امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۱۹
- ۱۳-فضیلت های اختصاصی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۲۰
- ۱۴-دوستی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن ۱۲۱
- ۱۵-دوستی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ، محوکننده گناهان ۱۲۲
- ۱۶-علم و آگاهی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به قرآن ۱۲۲
- ۱۷-ازدواج امیرمؤمنان علی(علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۱۲۲
- ۱۸-دستور خداوند به دوستی با امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۲۳
- ۱۹-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) راستگوی بزرگ ۱۲۳
- ۲۰-پیروی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ، پیروی از خداست ۱۲۴
- ۲۱-شبهات امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به انبیا علیهم السلام ۱۲۴
- ۲۲-شجاعت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جنگ أحد ۱۲۵
- ۲۳-شجاعت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جنگ بدر ۱۲۵
- ۲۴-شجاعت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جنگ خندق ۱۲۶
- ۲۵-شجاعت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جنگ خیبر ۱۲۶
- ۲۶-ملائکه یاور امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جنگ ها ۱۲۷
- ۲۷-در مشکلات باید به امیرمؤمنان علی(علیه السلام) مراجعه کرد ۱۲۸
- ۲۸-امیرمؤمنان علی(علیه السلام) محبوب رسول خدا ۱۲۸
- ۲۹-سفارش رسول خدا به امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۲۹

- ۳۰- غیر از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد ۱۳۰
- ۳۱- امیرمؤمنان علی(علیه السلام) پرداخت کننده قرض های رسول خدا ۱۳۰
- ۳۲- پیش گویی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) از شهادت خود ۱۳۱
- ۳۳- قاتل امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ، بدبخت ترین مردم ۱۳۲
- ۳۴- آثار شهادت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در کائنات ۱۳۲
- ۳۵- اتفاقات شب شهادت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۳۳
- ۳۶- امیرمؤمنان علی(علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید ۱۳۳
- ۳۷- بهشت، مشتاق دیدار امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۳۳
- ۳۸- جایگاه امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در بهشت ۱۳۴
- ۳۹- درخشش امیرمؤمنان علی(علیه السلام) برای بهشتیان ۱۳۴
- ۴۰- حوریه مخصوص امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در بهشت ۱۳۴
- فصل دوم ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶
- در مسیر اثبات امامت و ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۳۸
- ۱- آیه «ولایت» ۱۴۲
- اشاره ۱۴۲
- امیرمؤمنان علی(علیه السلام) و آیه «ولایت» ۱۴۲
- آیه «ولایت» از دیدگاه مفتخران شیعه و سنی ۱۴۳
- معنای صحیح ولایت در آیه ۱۴۴
- چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟ ۱۴۵
- ۲- آیه «ولی الأمر» ۱۴۶
- اشاره ۱۴۶
- «ولی الأمر» در روایات اهل تسنن ۱۴۶
- اطاعت از «ولی الأمر» دستور خداست ۱۴۷
- «ولی الأمر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند ۱۴۷
- «ولی الأمر»، دوازده امام علیهم السلام هستند ۱۴۷

- ۱۴۸ دلالت آیه «اولی الامر» بر عصمت ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۴۹ دلالت آیه «اولی الامر» بر اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۵۱ ۳-آیه «تبلیغ»
- ۱۵۱ اشاره
- ۱۵۱ نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ»
- ۱۵۲ آیه «تبلیغ» بیانگر امامت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) -
- ۱۵۳ فریاد شیطان در غدیر
- ۱۵۴ حزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه
- ۱۵۵ ۴-آیه «کمال دین»
- ۱۵۵ اشاره
- ۱۵۵ تفسیر آیه «کمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۵۶ ویژگی های روز عید غدیر در آیه
- ۱۵۶ اگر عظمت غدیر شناخته می شد...
- ۱۵۷ برترین فضیلت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۵۸ ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ، رکن اساسی اسلام
- ۱۵۸ ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ، محور قرآن
- ۱۵۸ کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۱۵۹ ۵-آیه «تطهیر»
- ۱۵۹ اشاره
- ۱۵۹ تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۶۰ نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر»
- ۱۶۱ معنای «رُجس» در قرآن
- ۱۶۱ اشاره
- ۱۶۲ الف. پلیدی معنوی :
- ۱۶۲ ب. پلیدی مادی :
- ۱۶۲ ج. پلیدی مادی و معنوی :

- نتیجه تفسیر «آیه تطهیر» ۱۶۳
- ۶-آیه «عَلَّمَ الْكِتَابَ» ۱۶۴
- اشاره ۱۶۴
- تفسیر آیه «علم الكتاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۶۴
- مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان علیه السلام ۱۶۵
- آگاهی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به کتاب های آسمانی ۱۶۶
- برترین فضیلت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در قرآن ۱۶۶
- نکات مهم آیه ۱۶۷
- ۷-آیه «مِابَاهِلَه» ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- معنای «مِابَاهِلَه» در لغت ۱۶۸
- تفسیر آیه «مِابَاهِلَه» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۶۸
- اتفاق مفسرین بر نزول آیه مِابَاهِلَه در مورد اهل بیت علیهم السلام ۱۶۹
- واقعه تاریخی مِابَاهِلَه ۱۶۹
- دلالت آیه «مِابَاهِلَه» بر امامت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۷۰
- ۸-آیه «مُودَّتْ» ۱۷۲
- اشاره ۱۷۲
- تفسیر آیه «مودت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۷۲
- اجر و مُزد رسالت انبیای الهی ۱۷۲
- چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟ ۱۷۳
- وجوه دلالت آیه «مودت» بر امامت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۱۷۴
- اشاره ۱۷۴
- ۱- وجوب مودت، مستلزم وجوب اطاعت : ۱۷۴
- ۲- وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت : ۱۷۵
- ۳- محبت مطلق، ملازم با عصمت : ۱۷۶
- ۹-آیه «لِیْلَه الْمِیْتِ» ۱۷۷

- ۱۷۷ اشاره
- ۱۷۷ تفسیر آیه «لילה المبيت» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۷۸ واقعه «لילה المبيت» قابل انکار نیست
- ۱۷۸ ظهور فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت
- ۱۷۹ دلالت آیه «لילה المبيت» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۱۸۰-۱۰ آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»
- ۱۸۰ اشاره
- ۱۸۰ معنای «بریه»
- ۱۸۰ تفسیر آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۸۱ آیا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل است؟
- ۱۸۲ امیرمؤمنان علیه السلام بهترین بندگان
- ۱۸۳ نتیجه
- ۱۸۳ «شیعه» کیست؟
- ۱۸۵-۱۱ آیه «هدایت»
- ۱۸۵ اشاره
- ۱۸۵ تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۸۵ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایت گر همه عالمیان
- ۱۸۶ نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت»
- ۱۸۸ آیه «سابقون»
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۸۸ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون»
- ۱۸۹ وجوه دلالت آیه «سابقون» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۱۹۰ سبقت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فضیلت ها
- ۱۹۱-۱۳ آیه «صادقین»
- ۱۹۱ اشاره
- ۱۹۱ تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی

- ۱۹۱ معنا و مفهوم «صدق و صادقین»
- ۱۹۲ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر»
- ۱۹۲ مراد از «صادقین» فقط اهل بیت علیهم السلام هستند
- ۱۹۵ ۱۴-آیه «صلوات»
- ۱۹۵ اشاره
- ۱۹۵ تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی
- ۱۹۶ معنای «صلوات» در روایات
- ۱۹۶ کیفیت صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۹۷ آل محمد : در آیه «صلوات» چه کسانی اند؟
- ۱۹۷ آثار و برکات صلوات
- ۱۹۷ اشاره
- ۱۹۷ (۱) موجب صلوات خدا :
- ۱۹۷ (۲) موجب صلوات فرشتگان
- ۱۹۸ (۳) موجب آمرزش گناهان :
- ۱۹۸ (۴) موجب برآورده شدن حاجات :
- ۱۹۸ (۵) موجب زدوده شدن نفاق :
- ۱۹۸ (۶) نور روز قیامت :
- ۲۰۰ فصل سوم
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۲ نور اول
- ۲۰۳ نور دوم
- ۲۰۳ نور سوم
- ۲۰۴ نور چهارم
- ۲۰۴ نور پنجم
- ۲۰۴ نور ششم
- ۲۰۵ نور هفتم

- ۲۰۵ نور هشتم
- ۲۰۷ نور نهم
- ۲۰۷ نور دهم
- ۲۰۹ نور یازدهم
- ۲۱۰ نور دوازدهم
- ۲۱۰ نور سیزدهم
- ۲۱۱ نور چهاردهم
- ۲۱۴ فصل چهارم
- ۲۱۴ اشاره
- ۲۱۶ چرا باید نسبت به امیرمؤمنان علی(علیه السلام) معرفت داشت؟
- ۲۱۶ (۱) معرفت و محبت امام علیه السلام منشأ همه برکات.
- ۲۱۶ (۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام علیه السلام ممکن نیست.
- ۲۱۷ (۳) هیچ عملی بدون معرفت امام علیه السلام پذیرفته نیست.
- ۲۲۰ حدیث اول: امیرمؤمنان علی(علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۲۰ حدیث دوم: معرفت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به خدا و رسول صلی الله علیه و آله
- ۲۲۱ حدیث سوم: امیرمؤمنان علی(علیه السلام)، تقسیم کننده بهشت و دوزخ
- ۲۲۱ حدیث چهارم: دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) کافر است
- ۲۲۲ حدیث پنجم: اشتیاق ملائکه به دیدار امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۲۲۳ حدیث ششم: امیرمؤمنان علی(علیه السلام)، نخستین مسلمان
- ۲۲۳ حدیث هفتم: زمین، مهریه همسر امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۲۲۴ حدیث هشتم: هدیه های خداوند به امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۲۲۴ حدیث نهم: مقام والای امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در روز قیامت
- ۲۲۵ حدیث دهم: پیروی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام)، موجب رستگاری
- ۲۲۶ حدیث یازدهم: سؤال از ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) پس از مرگ
- ۲۲۶ حدیث دوازدهم: اثر عبادت بدون ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۲۲۷ حدیث سیزدهم: امیرمؤمنان علی(علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن

۲۲۸ حدیث چهاردهم: امیرمؤمنان علی(علیه السلام) همانند عیسی بن مریم علیها السلام
۲۲۹ معرفی امیرمؤمنان علیه السلام در کلام آخرین پیامبران صلی الله علیه و آله
۲۳۳ فصل پنجم
۲۳۳ اشاره
۲۳۵ منقبت اول
۲۳۶ منقبت دوم
۲۳۶ منقبت سوم
۲۳۸ منقبت چهارم
۲۴۰ منقبت پنجم
۲۴۰ منقبت ششم
۲۴۱ منقبت هفتم
۲۴۲ منقبت هشتم
۲۴۳ منقبت نهم
۲۴۴ منقبت دهم
۲۴۶ منقبت یازدهم
۲۴۶ منقبت دوازدهم
۲۴۸ منقبت سیزدهم
۲۴۹ منقبت چهاردهم
۲۵۱ فصل ششم
۲۵۱ اشاره
۲۵۳ حضرت علی مرتضی علیه السلام؛ آفتاب عالم آرا
۲۵۶ سخن اول
۲۵۷ سخن دوم
۲۵۷ سخن سوم
۲۵۷ سخن چهارم
۲۵۸ سخن پنجم

۲۵۸	سخن ششم
۲۵۹	سخن هفتم
۲۶۰	سخن هشتم
۲۶۰	سخن نهم
۲۶۱	سخن دهم
۲۶۲	سخن یازدهم
۲۶۲	سخن دوازدهم
۲۶۳	سخن سیزدهم
۲۶۵	سخن چهاردهم
۲۶۶	فصل هفتم
۲۶۶	اشاره
۲۶۸	پیشینه تاریخی روز عید غدیر
۲۶۹	عظمت غدیر در کلام معصومین علیهم السلام
۲۶۹	غدیر در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۶۹	غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۲۶۹	غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۲۷۰	غدیر در کلام امام حسن مجتبی علیه السلام
۲۷۰	غدیر در کلام امام حسین علیه السلام
۲۷۱	غدیر در کلام امام سجاد علیه السلام
۲۷۱	غدیر در کلام امام جعفر صادق علیه السلام
۲۷۲	غدیر در کلام امام کاظم علیه السلام
۲۷۲	غدیر در کلام امام رضا علیه السلام
۲۷۲	غدیر در کلام امام عسکری علیه السلام
۲۷۳	مدارک و اسناد متن خطبه غدیر
۲۷۴	تحلیل و بررسی معنای حدیث غدیر
۲۷۵	قراین اثبات ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیث غدیر

۲۷۵	قرینه اول
۲۷۶	قرینه دوّم
۲۷۷	قرینه سوّم
۲۷۷	قرینه چهارم
۲۷۸	قرینه پنجم
۲۷۹	قرینه ششم
۲۸۰	قرینه هفتم
۲۸۱	قرینه هشتم
۲۸۲	قرینه نهم
۲۸۳	قرینه دهم
۲۸۵	فرازهایی از خطبه غدیر
۲۸۵	اشاره
۲۸۵	فراز اول
۲۸۶	فراز دوّم
۲۸۶	فراز سوّم
۲۸۷	فراز چهارم
۲۸۷	فراز پنجم
۲۸۸	فراز ششم
۲۸۸	فراز هفتم
۲۸۹	فراز هشتم
۲۸۹	فراز نهم
۲۹۰	فراز دهم
۲۹۰	فراز یازدهم
۲۹۱	فراز دوازدهم
۲۹۱	فراز سیزدهم
۲۹۲	فراز چهاردهم

۲۹۳	آداب و اعمال عید غدیر
۲۹۳	فضیلت روزه داری
۲۹۴	فضیلت افطاری دادن
۲۹۴	فضیلت اطعام دادن
۲۹۴	فضیلت دیدار با مؤمنان
۲۹۴	فضیلت صلوات فرستادن
۲۹۴	فضیلت نماز و عبادت
۲۹۵	فضیلت بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام
۲۹۵	فضیلت عید گرفتن
۲۹۵	فضیلت عیدی دادن
۲۹۵	آداب تبریک گفتن
۲۹۶	آداب عقد برادری
۲۹۸	فصل هشتم
۲۹۸	اشاره
۳۰۰	کیمیای محبت
۳۰۱	عوامل محبت
۳۰۱	الف) انجام کارهای نیک
۳۰۱	ب) خوش گمانی
۳۰۲	ج) خوش رفتاری
۳۰۲	د) گشاده رویی
۳۰۲	ه) اظهار دوستی
۳۰۲	و) وفاداری
۳۰۲	ز) انصاف
۳۰۳	ح) کرامت
۳۰۳	ط) بخشندگی
۳۰۳	ی) نیکی کردن به مردم

- ک) صله رحم ۳۰۳
- ل) هدیه دادن ۳۰۳
- م) سجده کردن میان اذان و اقامه ۳۰۳
- مواع محبت ۳۰۴
- الف) بدخویی ۳۰۴
- ب) پریشانی ۳۰۴
- ج) تکبر داشتن ۳۰۴
- د) کینه توزی ۳۰۴
- ه) حسادت ۳۰۴
- و) گناه ۳۰۵
- ن) بی انصافی ۳۰۵
- ح) فریب دادن ۳۰۵
- ۱- الحُبُّ فی الله و التُّبُّ فی الله ۳۰۶
- اشاره ۳۰۶
- دوستی و دشمنی برای خدا ۳۰۶
- ۲- حُبُّ عَلَیِّ علیه السلام أساسُ الأسلام ۳۰۷
- اشاره ۳۰۷
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است ۳۰۷
- ۳- حُبُّ عَلَیِّ علیه السلام علامه طیب الولاده ۳۰۷
- اشاره ۳۰۷
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه حلال زادگی ۳۰۸
- ۴- حُبُّ عَلَیِّ علیه السلام علامه الأیمان ۳۰۸
- اشاره ۳۰۸
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان ۳۰۹
- ۵- من أحبّ علیاً فهو مؤمن ۳۰۹
- اشاره ۳۰۹

- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است ۳۰۹
- ۶- حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِيزَانُ الْأَعْمَالِ ۳۱۰
- اشاره ۳۱۰
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میزان سنجش اعمال ۳۱۰
- ۷- يُشْتَلُّ عَنْ حَبِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۳۱۱
- اشاره ۳۱۱
- سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قیامت ۳۱۱
- ۸- حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ ۳۱۲
- اشاره ۳۱۲
- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال ۳۱۲
- ۹- حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِيضَةٌ ۳۱۳
- اشاره ۳۱۳
- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فریضه ای الهی است ۳۱۳
- ۱۰- يَنْفَعُ حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوَاطِنٍ عَظِيمَةٍ ۳۱۴
- اشاره ۳۱۴
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، راه رهایی از خطرات ۳۱۴
- ۱۱- مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ أَذْرَكَ الْإِيمَانَ ۳۱۵
- اشاره ۳۱۵
- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست ۳۱۵
- ۱۲- حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسَنَةٌ ۳۱۶
- اشاره ۳۱۶
- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکی هاست ۳۱۶
- ۱۳- مَعْرِفَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلِيَانُهُ ۳۱۷
- اشاره ۳۱۷
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، دوستان خود را می شناسد ۳۱۷
- ۱۴- أَنَا زُ حُبِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۳۱۸

- ۳۱۸ اشاره
- ۳۲۰ آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در دنیا و آخرت
- ۳۲۴ فصل نهم
- ۳۲۴ اشاره
- ۳۲۶ امیرمؤمنان علی(علیه السلام) اولین مظلوم دوران
- ۳۲۷ به آتش کشیدن کتاب های فضائل امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۳۲۷ پیشگیری از نقل فضایل امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۳۲۸ جلوگیری از نام گذاری به «علی»
- ۳۲۹ گسترش مخالفت و بدگویی به امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
- ۳۳۰ بدگویی به امیرمؤمنان علی(علیه السلام) بر فراز منبرها
- ۳۳۱ ۱- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ
- ۳۳۱ اشاره
- ۳۳۱ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) دشمن خدا و رسول است
- ۳۳۱ ۲- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَشْمَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ
- ۳۳۱ اشاره
- ۳۳۲ بوی بهشت به مشام دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) نمی رسد
- ۳۳۲ ۳- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً
- ۳۳۲ اشاره
- ۳۳۲ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به مرگ جاهلی می میرد
- ۳۳۳ ۴- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ فِي النَّارِ
- ۳۳۳ اشاره
- ۳۳۳ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در آتش است
- ۳۳۳ ۵- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ فِي أَشْفَلِ دَرَكِ النَّارِ
- ۳۳۳ اشاره
- ۳۳۴ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در پایین ترین درجه جهنم است
- ۳۳۴ ۶- منْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ مُنَافِقٌ

- ۳۳۴ اشاره
- ۳۳۵ هر که با امیرمؤمنان علی(علیه السلام) دشمنی کند، منافق است -
- ۳۳۵ ۷- مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى
- ۳۳۵ اشاره
- ۳۳۵ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) کور و نابینا محسور می شود -
- ۳۳۶ ۸- عَدُوٌّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدُوٌّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
- ۳۳۶ اشاره
- ۳۳۶ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) دشمن خدا و رسول اوست -
- ۳۳۶ ۹- عَدُوٌّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْقُرْآنِ
- ۳۳۶ اشاره
- ۳۳۷ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در جهنم افکنده می شود -
- ۳۳۷ ۱۰- الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ سَبَبُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ
- ۳۳۷ اشاره
- ۳۳۷ دوستی و دشمنی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) سبب قبولی اعمال -
- ۳۳۸ ۱۱- بُغْضُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَامَةُ خُبْثِ الْوَلَادَةِ
- ۳۳۸ اشاره
- ۳۳۹ دشمنی با امیرمؤمنان علی(علیه السلام) نشانه پلیدی ولادت -
- ۳۳۹ ۱۲- أَحَبُّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ
- ۳۳۹ اشاره
- ۳۳۹ محبوب ترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا -
- ۳۴۰ ۱۳- مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ آيَسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
- ۳۴۰ اشاره
- ۳۴۰ دشمن امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ناامید از رحمت الهی -
- ۳۴۱ ۱۴- أَيْنَ الْمُبْغِضُونَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۳۴۱ اشاره
- ۳۴۲ دشمنان امیرمؤمنان علی(علیه السلام) کجایند؟! -

۳۴۴	فصل دهم
۳۴۴	اشاره
۳۴۶	امیرمؤمنان علی(علیه السلام) پیشوای پیامبران علیهم السلام
۳۴۸	حکایت اول
۳۴۸	اشاره
۳۴۸	امیرمؤمنان علی(علیه السلام) یاور پیامبران علیهم السلام
۳۴۹	حکایت دوم
۳۴۹	اشاره
۳۴۹	تکمیل نبوت پیامبران، به ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
۳۴۹	حکایت سوم
۳۴۹	اشاره
۳۵۰	نجات یوسف علیه السلام به خاطر ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
۳۵۱	حکایت چهارم
۳۵۱	اشاره
۳۵۱	پیامبران ابلاغ کننده ولایت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)
۳۵۲	حکایت پنجم
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	امیرمؤمنان علی(علیه السلام)، ناجی حضرت نوح علیه السلام
۳۵۳	حکایت ششم
۳۵۳	اشاره
۳۵۴	افضلیت امیرمؤمنان و فرزندان او بر پیامبران
۳۵۵	حکایت هفتم
۳۵۵	اشاره
۳۵۶	آفرینش امیرمؤمنان علی(علیه السلام) قبل از آدم علیه السلام
۳۵۸	حکایت هشتم
۳۵۸	اشاره

- ۳۵۹ خاتم سلیمان علیه السلام نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۳۶۱ حکایت نهم
- ۳۶۱ اشاره
- ۳۶۲ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین جانشین خدا در زمین
- ۳۶۲ حکایت دهم
- ۳۶۲ اشاره
- ۳۶۳ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شاهد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قیامت
- ۳۶۴ حکایت یازدهم
- ۳۶۴ اشاره
- ۳۶۴ دیدن آدم علیه السلام نور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در عرش
- ۳۶۵ حکایت دوازدهم
- ۳۶۵ اشاره
- ۳۶۶ برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر مردم، مانند برتری جبرئیل بر فرشتگان
- ۳۶۸ حکایت سیزدهم
- ۳۶۸ استمداد حضرت سلیمان علیه السلام از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۳۷۰ حکایت چهاردهم
- ۳۷۰ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و کشتی حضرت نوح علیه السلام
- ۳۷۴ فصل یازدهم
- ۳۷۴ اشاره
- ۳۷۶ آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار علیهم السلام
- ۳۷۸ آثار و برکات نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۳۷۸ نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت
- ۳۷۸ نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید
- ۳۷۹ نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل
- ۳۷۹ نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آسمان ها
- ۳۷۹ نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی

- نام های قرآنی امیرمؤمنان علی(علیه السلام) ۳۸۱
- اشاره ۳۸۱
- ۱- منفق ۳۸۱
- ۲- حسنه ۳۸۲
- ۳- صالح المؤمنین ۳۸۲
- ۴- جنب الله ۳۸۲
- ۵- شاهد ۳۸۳
- ۶- مؤمن ۳۸۳
- ۷- علی ۳۸۳
- ۸- نور ۳۸۵
- ۹- عروه الوثقی ۳۸۵
- ۱۰- احسان ۳۸۵
- ۱۱- رحمت ۳۸۵
- ۱۲- کلمه تامه ۳۸۷
- ۱۳- حق الیقین ۳۸۷
- ۱۴- انسان ۳۸۷
- ۱۵- سلم ۳۸۸
- ۱۶- یمین ۳۸۸
- ۱۷- ایمان ۳۸۸
- ۱۸- کلمه تقوا ۳۹۰
- ۱۹- حق ۳۹۰
- ۲۰- امام ۳۹۰
- ۲۱- امانت ۳۹۰
- ۲۲- هدی ۳۹۲
- ۲۳- تجاره ۳۹۲
- نام اول: «علی(علیه السلام)» ۳۹۲

- نام دوم: «أَبُو تَرَاب» ----- ۳۹۵
- نام سوم: «جَنَّبُ اللَّهِ» ----- ۳۹۶
- نام چهارم: «حَبْلُ اللَّهِ» ----- ۳۹۸
- نام پنجم: «فَضْلُ اللَّهِ» ----- ۴۰۰
- نام ششم: «كَلِمَةُ اللَّهِ» ----- ۴۰۳
- اشاره ----- ۴۰۳
- معنای «کلمات الله» در قرآن ----- ۴۰۳
- نام هفتم: «إِمَامٌ مُبِينٌ» ----- ۴۰۵
- نام هشتم: «وَجْهُ اللَّهِ» ----- ۴۰۷
- نام نهم: «لِسَانُ صَدَقٍ» ----- ۴۰۸
- نام دهم: «بَابُ حَطِّهِ» ----- ۴۱۰
- نام یازدهم: «صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» ----- ۴۱۲
- نام دوازدهم: «نَبَأٌ عَظِيمٌ» ----- ۴۱۴
- نام سیزدهم: «حَقِّ الْيَقِينِ» ----- ۴۱۶
- اشاره ----- ۴۱۶
- مراتب یقین ----- ۴۱۶
- نام چهاردهم: «نُورٌ مُبِينٌ» ----- ۴۱۷
- فصل دوازدهم ----- ۴۲۰
- اشاره ----- ۴۲۰
- نهج البلاغه ----- ۴۲۲
- مؤلف «نهج البلاغه» ----- ۴۲۲
- عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان ----- ۴۲۳
- اشاره ----- ۴۲۳
- سرچشمه ناب ----- ۴۲۴
- عالی ترین کتاب ----- ۴۲۵
- امام خطیبان ----- ۴۲۵

- ۴۲۵ دو خطبه شگفت امیرمؤمنان علی علیه السلام
- ۴۲۵ اشاره
- ۴۲۶ خطبه بدون الف
- ۴۲۷ خطبه بدون نقطه
- ۴۲۸ حکمت اول : «آیین دوست یابی در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۲۸ اشاره
- ۴۲۸ انواع دوستی
- ۴۲۸ حقوق دوستی
- ۴۲۹ محدوده دوستی
- ۴۲۹ عوامل دوستی و راه نفوذ در دل ها
- ۴۲۹ اشاره
- ۴۲۹ الف) صله رحم :
- ۴۲۹ ب) بخشش :
- ۴۳۱ ج) گشاده رویی :
- ۴۳۱ د) نیکی کردن :
- ۴۳۲ حکمت دوم : «ارزش استغفار در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۳۲ اشاره
- ۴۳۲ آثار و خواص استغفار
- ۴۳۲ الف) وسعت در رزق :
- ۴۳۲ ب) محو کردن گناهان :
- ۴۳۳ ج) بالاترین توشل :
- ۴۳۳ د) موجب امیدواری :
- ۴۳۳ ه) بهترین عبادت :
- ۴۳۳ و) بهترین شفیع :
- ۴۳۳ ره آورد استغفار
- ۴۳۶ حکمت سوم : «رزق و روزی در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»

- ۴۳۶ اشاره
- ۴۳۶ قدرت خداوند در روزی رساندن
- ۴۳۶ اقسام رزق و روزی
- ۴۳۷ موجبات برکت در رزق و روزی
- ۴۳۷ الف) خوش اخلاقی :
- ۴۳۷ ب) استغفار :
- ۴۳۷ ج) نماز :
- ۴۳۸ د) صدقه :
- ۴۳۸ ه) صلّه رحم :
- ۴۳۸ و) راستگویی :
- ۴۳۹ حکمت چهارم : «ایمان در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۳۹ اشاره
- ۴۳۹ تعریف ایمان
- ۴۳۹ حقیقت ایمان
- ۴۴۰ اهمیت ایمان
- ۴۴۰ کمال ایمان
- ۴۴۰ آثار ایمان
- ۴۴۰ الف) امنیت :
- ۴۴۰ ب) نجات :
- ۴۴۲ ج) رستگاری :
- ۴۴۲ د) حیا :
- ۴۴۲ ه) صبر :
- ۴۴۲ و) میل به آخرت :
- ۴۴۲ حکمت پنجم : «اهمیت دعا در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۴۲ اشاره
- ۴۴۲ دعا، بلاها را دفع می کند

- آداب دعا نمودن ۴۴۳
- الف) صلوات فرستادن : ۴۴۳
- ب) اصرار در دعا : ۴۴۴
- ج) ناامید نشدن : ۴۴۴
- د) اخلاص : ۴۴۴
- ه) مداومت در دعا : ۴۴۴
- و) ستایش و ثنا پیش از دعا : ۴۴۵
- ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا : ۴۴۵
- حکمت ششم : «ارزش توبه در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۴۶
- اشاره ۴۴۶
- پایه های توبه ۴۴۶
- شتاب در توبه کردن ۴۴۶
- توبه نصح ۴۴۶
- آثار و برکات «توبه» ۴۴۷
- الف) نزول رحمت الهی : ۴۴۷
- ب) پاک شدن گناهان : ۴۴۷
- ج) موجب خشنودی خداوند : ۴۴۷
- حکمت هفتم : «ارزش علم و دانش در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۴۸
- اشاره ۴۴۸
- علم بهتر از ثروت است ۴۴۸
- اقسام علم حقیقی ۴۴۸
- فضیلت طلب علم ۴۴۸
- حکمت هشتم : «ارزش یقین در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۵۱
- اشاره ۴۵۱
- بزرگ ترین سعادت ۴۵۱
- بالاترین دعا ۴۵۱

- ۴۵۲ یقین، رأس دین است
- ۴۵۲ برترین عبادت
- ۴۵۲ آثار و برکات «یقین»
- ۴۵۲ الف) صبر :
- ۴۵۲ ب) اخلاص :
- ۴۵۳ ج) زهد :
- ۴۵۳ د) خشنود بودن :
- ۴۵۳ ه) توکل :
- ۴۵۳ و) بهشت :
- ۴۵۴ حکمت نهم : «فضیلت حیا در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۵۴ اشاره
- ۴۵۴ شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر
- ۴۵۵ مواردی که در آن، «حیا» نیست
- ۴۵۵ آثار و برکات «حیا»
- ۴۵۵ الف) کلید همه خوبی ها :
- ۴۵۶ ب) سبب کرامت انسانی :
- ۴۵۶ ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح :
- ۴۵۶ د) نشانه ایمان :
- ۴۵۶ ه) محوکننده گناهان :
- ۴۵۷ حکمت دهم : «سخاوت در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»
- ۴۵۷ اشاره
- ۴۵۷ حدّ و مرز بخشندگی
- ۴۵۷ عطا کردن قبل از درخواست
- ۴۵۷ آثار و برکات سخاوت
- ۴۵۷ الف) زینت انسان :
- ۴۵۹ ب) ایجاد محبت :

- ج) کم کردن گناهان : ۴۵۹
- د) موجب برکت در رزق و روزی : ۴۵۹
- ه) موجب بزرگی : ۴۵۹
- و) پوشیده شدن عیب ها : ۴۶۱
- ز) موجب تقرب به خدا : ۴۶۱
- آفت سخاوت ۴۶۱
- حکمت یازدهم : «ره آورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۶۲
- اشاره ۴۶۲
- معنا و مفهوم «حلم» ۴۶۲
- برترین صفات انسانی ۴۶۲
- آثار و برکات «حلم و بردباری» ۴۶۳
- الف) موجب عزت و بزرگواری : ۴۶۳
- ب) ثمره علم : ۴۶۳
- ج) غلبه بر دشمن : ۴۶۳
- د) ایمنی از عذاب الهی : ۴۶۳
- ه) زینت انسان : ۴۶۳
- و) زینت علم : ۴۶۵
- ز) کثرت علم : ۴۶۵
- ح) رأس علم : ۴۶۵
- ط) کمال ایمان : ۴۶۵
- حکمت دوازدهم : «معنای احسان در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۶۷
- اشاره ۴۶۷
- بالاترین احسان ۴۶۷
- احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان ۴۶۷
- آثار و برکات «احسان» ۴۶۸
- الف) موجب محبت : ۴۶۸

- ب) حُسن عاقبت : ۴۶۸
- ج) موجب بزرگواری : ۴۶۸
- د) بهترین توشه قیامت : ۴۶۸
- ه) کثرت دوستان : ۴۶۸
- بالاترین فضیلت انسان ۴۷۰
- بالاترین اعمال ۴۷۰
- حکمت سیزدهم : «اهمیت صدقه در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۷۱
- اشاره ۴۷۱
- آثار و برکات «صدقه» ۴۷۱
- الف) زیاد کردن روزی : ۴۷۱
- ب) درمان بیماری ها : ۴۷۱
- ج) نزول رحمت : ۴۷۲
- د) دفع بلا : ۴۷۲
- ه) برکت در روزی : ۴۷۲
- و) دفع فقر : ۴۷۲
- ز) محو کردن گناهان : ۴۷۲
- فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا ۴۷۴
- حکمت چهاردهم : «معنای خیر و نیکی در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام» ۴۷۵
- اشاره ۴۷۵
- آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است ۴۷۵
- بهترین کارها ۴۷۵
- اهمیت شناخت «خیر و شر» ۴۷۶
- آنچه با آن خیر دنیا و آخرت به دست می آید ۴۷۶
- ۱- ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» : ۴۷۶
- ۲- شکیبایی و شکرگزاری : ۴۷۶
- ۳- حُسن خلق : ۴۷۷

- ۴- قرائت سوره «طور»: ۴۷۷
- بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام ۴۷۸
- بهترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام ۴۸۱
- فصل سیزدهم ۴۸۶
- اشاره ۴۸۶
- امام کیست؟ ۴۸۸
- امامت چیست؟ ۴۸۸
- چرا به امام معصوم احتیاج داریم؟ ۴۸۹
- ۱- حدیث «تقلین» ۴۹۲
- اشاره ۴۹۲
- معنای لغوی «تقلین» ۴۹۲
- اهمیت حدیث تقلین و تکرار آن ۴۹۳
- عظمت امامان معصوم علیهم السلام در حدیث تقلین ۴۹۴
- ۱- اهل بیت علیهم السلام افضل و اشرف از تمام مردم ۴۹۴
- ۲- اهل بیت علیهم السلام معصوم از هر خطا و لغزش اند ۴۹۴
- ۳- اهل بیت علیهم السلام آگاه به تمام علوم قرآن ۴۹۴
- ۴- اهل بیت علیهم السلام خلیفه خدا و رسول اویند ۴۹۵
- ۵- هدایت و سعادت فقط منحصر در تمسک به تقلین ۴۹۵
- ۲- حدیث «منزلت» ۴۹۶
- اشاره ۴۹۶
- مقام و منزلت هارون نسبت به موسی علیه السلام در قرآن ۴۹۷
- اشاره ۴۹۷
- ۱- وزیر بودن : ۴۹۷
- ۲- اخوت و برادری : ۴۹۷
- ۳- شرکت در امر : ۴۹۷
- ۴- شدت ازر : ۴۹۹

- ۴۹۹ ۵- خلافت:
- ۵۰۰ ۳- حدیث «غدیر»
- ۵۰۰ اشاره
- ۵۰۰ اسناد حدیث غدیر
- ۵۰۱ تصریح به تواتر حدیث غدیر
- ۵۰۱ تصریح به صحت حدیث غدیر
- ۵۰۲ معنای حدیث غدیر در روایات معصومین علیهم السلام
- ۵۰۳ ۴- حدیث «مدینه العلم»
- ۵۰۳ اشاره
- ۵۰۳ اعلمت امیرمؤمنان علی علیه السلام از همه مردم
- ۵۰۴ امیرمؤمنان علی علیه السلام باب علم رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۵۰۴ پیامبر صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به امیرمؤمنان علی علیه السلام آموخت
- ۵۰۴ امیرمؤمنان علی علیه السلام دروازه شهر فقه است
- ۵۰۵ امیرمؤمنان علی علیه السلام دروازه شهر حکمت است
- ۵۰۵ امیرمؤمنان علی علیه السلام راه رسیدن به علوم پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۰۶ ۵- حدیث «سفینه»
- ۵۰۶ اشاره
- ۵۰۶ تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نوح علیه السلام
- ۵۰۸ ۶- حدیث «سدّ الأثواب»
- ۵۰۸ اشاره
- ۵۰۹ حدیث خُوخه
- ۵۱۰ ۷- حدیث «رُدُّ الشَّمْسِ»
- ۵۱۰ اشاره
- ۵۱۰ شهرت حدیث «رُدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تسنن
- ۵۱۱ شبهه ابن تیمیّه درباره حدیث «رُدُّ الشَّمْسِ»
- ۵۱۱ اشاره

پاسخ : ۵۱۱

اولاً: ۵۱۱

ثانياً: ۵۱۱

ثالثاً: ۵۱۱

سخن گفتن خورشید با امیرمؤمنان علی علیه السلام ۵۱۱

۸- حدیث «طیر مشوّی» ۵۱۴

اشاره ۵۱۴

نکات حدیث ۵۱۴

اشاره ۵۱۴

۱- امام علی علیه السلام، محبوب ترین افراد نزد خداوند ۵۱۵

۲- برتری امام علی علیه السلام بر سایر صحابه ۵۱۵

۳- امامت حضرت علی علیه السلام ۵۱۵

۴- امام علی علیه السلام، برتر از تمام پیامبران ۵۱۶

۹- حدیث «امان» ۵۱۷

اشاره ۵۱۷

محتوای حدیث امان ۵۱۷

معرفت اهل بیت علیهم السلام، امان از عذاب الهی ۵۱۹

۱۰- حدیث «رایت» ۵۲۰

اشاره ۵۲۰

غزوه «خیبر» ۵۲۰

۱۱- حدیث «سَلُونِي» ۵۲۳

اشاره ۵۲۳

علوم ظاهری و باطنی امیرمؤمنان علیه السلام ۵۲۳

اشاره ۵۲۳

۱- علم تفسیر و تأویل ۵۲۳

۲- علم منایا و بلایا و انساب ۵۲۴

- ۳- علم راه های آسمان ها و زمین ها ۵۲۴
- ۴- علم کتاب های آسمانی ۵۲۴
- کسانی که «سَلُونِی» گفتند و رسوا شدند ۵۲۵
- ۱۲- حدیث «شجره» ۵۲۶
- اشاره ۵۲۶
- شجره طیبه در قرآن ۵۲۶
- شجره خبیثه در قرآن ۵۲۷
- ۱۳- حدیث «حکمت» ۵۲۸
- اشاره ۵۲۸
- معنا و مفهوم حکمت ۵۲۸
- امیرمؤمنان علی علیه السلام دروازه شهر حکمت ۵۲۹
- حکمت در قرآن ۵۲۹
- ۱۴- حدیث «معرفت امام» ۵۳۱
- اشاره ۵۳۱
- حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تستن ۵۳۱
- منظور از «امام» چه کسی است؟ ۵۳۱
- فصل چهاردهم ۵۳۴
- اشاره ۵۳۴
- وصیت اول: ثواب قرائت «آیه الکرسی» ۵۳۶
- وصیت دوم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان ۵۳۶
- وصیت سوم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می کند ۵۳۷
- وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می شود ۵۳۷
- وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می شود ۵۳۸
- وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است ۵۳۸
- وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است ۵۳۹
- وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق ۵۴۰

- ۵۴۰ وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است
- ۵۴۱ وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن
- ۵۴۱ وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله
- ۵۴۲ وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام
- ۵۴۲ وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی
- ۵۴۳ وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا
- ۵۴۴ منابع کتاب
- ۵۵۵ درباره مرکز

یک حرف از هزاران

مشخصات کتاب

سرشناسه: شیاسی، امیر، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: یک حرف از هزاران/امیر شیاسی.

مشخصات نشر: قم: عطر عترة، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص.

شابک: ۷۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۰۷-۶

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل -- احادیث اهل سنت

موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP۳۷/۴/ش ۹۴ ی ۸ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۵۱۷۳

ص: ۱

اشاره

یک حرف از هزاران

ص: ۳

پیشگفتار ۲۹

*فصل اول ۳۷

فضیلت حفظ چهل حدیث ۳۹

منظور از «حفظ حدیث» چیست؟ ۴۰

اسرار عدد «چهل» در آیات و روایات ۴۱

الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی ۴۱

ب: جاری شدن چشمه های حکمت از قلب بر زبان ۴۲

ج: میقات حضرت موسی علیه السلام با پروردگارش ۴۳

د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت علیهم السلام ۴۳

ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین علیه السلام ۴۳

و: اسرار دیگر عدد چهل ۴۴

اربعینات «کتاب های چهل حدیث» ۴۴

۱- فضایل بی پایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۴۶

۲- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بی کران فضایل ۴۷

۳- آثار بیان فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۰

۴- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در عالم انوار ۵۱

ص: ۵

- ۵- نام امیر مؤمنان علی سبب پذیرفته شدن توبه آدم علیه السلام ۵۱
- ۶- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مولود کعبه ۵۲
- ۷- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین مسلمان ۵۳
- ۸- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نخستین نماز گزار ۵۴
- ۹- برتری ایمان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۴
- ۱۰- شمایل زیبای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۴
- ۱۱- کنیه ها و لقب های امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۶
- ۱۲- نقش نگین انگشترهای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۶
- ۱۳- فضیلت های اختصاصی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۷
- ۱۴- دوستی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن ۵۸
- ۱۵- دوستی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، محوکننده گناهان ۵۹
- ۱۶- علم و آگاهی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به قرآن ۵۹
- ۱۷- ازدواج امیر مؤمنان علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۵۹
- ۱۸- دستور خداوند به دوستی با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۶۰
- ۱۹- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) راستگوی بزرگ ۶۰
- ۲۰- پیروی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، پیروی از خداست ۶۱
- ۲۱- شباهت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به انبیا علیهم السلام ۶۱
- ۲۲- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ احد ۶۲
- ۲۳- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ بدر ۶۲
- ۲۴- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خندق ۶۳

۲۵- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خیبر ۶۳

۲۶- ملائکه یاور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ ها ۶۴

۲۷- در مشکلات باید به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

مراجعه کرد ۶۵

۲۸- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) محبوب رسول خدا ۶۵

۲۹- سفارش رسول خدا به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۶

۳۰- غیر از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد ۶۷

۳۱- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرداخت کننده قرض های رسول خدا ۶۷

ص: ۶

۳۲- پیش گویی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از شهادت خود ۶۸

۳۳- قاتل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، بدبخت ترین مردم ۶۹

۳۴- آثار شهادت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در کائنات ۶۹

۳۵- اتفاقات شب شهادت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۷۰

۳۶- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید ۷۰

۳۷- بهشت، مشتاق دیدار امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۷۰

۳۸- جایگاه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت ۷۱

۳۹- درخشش امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برای بهشتیان علیه السلام ۱

۴۰- حوریه مخصوص امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت ۷۱

*فصل دوم علیه السلام ۳

در مسیر اثبات امامت و ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۷۵

۱- آیه «ولایت» ۷۹

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و آیه «ولایت» ۷۹

آیه «ولایت» از دیدگاه مفسران شیعه و سنی ۸۰

معنای صحیح ولایت در آیه ۸۱

چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟ ۸۲

۲- آیه «اولی الأمر» ۸۳

«اولی الأمر» در روایات اهل تسنن ۸۳

اطاعت از «اولی الأمر» دستور خداست ۸۴

«اولی الأمر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند ۸۴

«اولی الأمر»، دوازده امام علیهم السلام هستند ۸۴

دلالت آیه «اولی الأمر» بر عصمت ائمه اطهار علیهم السلام ۸۵

دلالت آیه «اولی الأمر» بر اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام ۸۶

۳- آیه «تبلیغ» ۸۸

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ» ۸۸

آیه «تبلیغ» بیانگر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۸۹

ص: ۷

رسول خدا مأمور به ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۸۹

فریاد شیطان در غدیر ۹۰

حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه ۹۱

۴- آیه «اکمال دین» ۹۲

تفسیر آیه «اکمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۹۲

ویژگی های روز عید غدیر در آیه ۹۳

اگر عظمت غدیر شناخته می شد ۹۳

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله ۴

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، رکن اساسی اسلام صلی الله علیه و آله ۵

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، محور قرآن ۹۵

کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۹۵

۵- آیه «تطهیر» ۹۶

تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۹۶

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر» ۹۷

معنای «رجس» در قرآن ۹۸

نتیجه تفسیر «آیه تطهیر» ۱۰۰

۶- آیه «علم الكتاب» ۱۰۱

تفسیر آیه «علم الكتاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۱

مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان علیه السلام ۱۰۲

آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کتاب های آسمانی ۱۰۳

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن ۱۰۳

نکات مهم آیه ۱۰۴

۷- آیه «مباهله» ۱۰۵

معنای «مباهله» در لغت ۱۰۵

تفسیر آیه «مباهله» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۵

اتفاق مفسرین بر نزول آیه مباهله در مورد اهل بیت علیهم السلام ۱۰۶

واقعه تاریخی مباهله ۱۰۶

ص: ۸

دلالت آیه «مباهله» بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۰۷

۸- آیه «مودّت» ۱۰۹

تفسیر آیه «مودّت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۹

اجر و مُزد رسالت انبیای الهی ۱۰۹

چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟ ۱۱۰

وجوه دلالت آیه «مودّت» بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۱۱

۱- وجوب مودّت، مستلزم وجوب اطاعت ۱۱۱

۲- وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت ۱۱۲

۳- محبت مطلق، ملازم با عصمت ۱۱۳

۹- آیه «لیلہ المبیّت» ۱۱۴

تفسیر آیه «لیلہ المبیّت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۱۴

واقعه «لیلہ المبیّت» قابل انکار نیست ۱۱۵

ظهور فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت ۱۱۵

دلالت آیه «لیلہ المبیّت» بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۱۶

۱۰- آیه «خیر البریّه» ۱۱۷

معنای «بریّه» ۱۱۷

تفسیر آیه «خیر البریّه» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۱۷

آیا امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا

افضل است؟ ۱۱۸

امیر مؤمنان علیه السلام بهترین بندگان ۱۱۹

«شیعه» کیست؟ ۱۲۰

۱۱- آیه «هدایت» ۱۲۲

تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایت گر همه عالمیان ۱۲۲

نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت» ۱۲۳

۱۲- آیه «سابقون» ۱۲۵

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون» ۱۲۵

وجوه دلالت آیه «سابقون» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۲۶

ص: ۹

سبق‌ت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در فضیلت‌ها ۱۲۷

۱۳- آیه «صادقین» ۱۲۸

تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۲۸

معنا و مفهوم «صدق و صادقین» ۱۲۸

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر» ۱۲۹

مراد از «صادقین» فقط اهل بیت علیهم السلام هستند ۱۲۹

۱۴- آیه «صلوات» ۱۳۲

تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۳۲

معنای «صلوات» در روایات ۱۳۳

کیفیت صلوات بر رسول خدا ۱۳۳

آل محمد: در آیه «صلوات» چه کسانی اند؟ ۱۳۴

آثار و برکات صلوات ۱۳۴

(۱) موجب صلوات خدا ۱۳۴

(۲) موجب صلوات فرشتگان ۱۳۴

(۳) موجب آمرزش گناهان ۱۳۵

(۴) موجب برآورده شدن حاجات ۱۳۵

(۵) موجب زدوده شدن نفاق ۱۳۵

(۶) نور روز قیامت ۱۳۵

*فصل سوم ۱۳۷

نور اول: گفتگوی خدا با رسولش در مورد خلافت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۳۹

نور دوّم : خداوند منکر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در آتش می افکند ۱۴۰

نور سوّم : اثر قبول کردن ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۰

نور چهارم : اثر ایمان به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۱

نور پنجم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همتای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۱۴۱

نور ششم : نزول القاب اختصاصی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آسمان ۱۴۱

نور هفتم : اختصا (صلی الله علیه و آله) لقب «امیرالمؤمنین» به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۲

ص: ۱۰

نور هشتم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) قلعه محکم الهی ۱۴۲

نور نهم : اگر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نبود، بهشت خلق نمی شد ۱۴۴

نور دهم : نور امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان او در آسمان ها ۱۴۴

نور یازدهم : مقام محبین امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در کلام خداوند ۱۴۶

نور دوازدهم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج ۱۴۷

نور سیزدهم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مظهر صفات الهی ۱۴۷

نور چهاردهم : نزول رحمت الهی به برکت وجود امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۸

*فصل چهارم ۱۵۱

چرا باید نسبت به امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

معرفت داشت؟ ۱۵۳

۱) معرفت و محبت امام علی (علیه السلام) منشأ همه برکات ۱۵۳

۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام علی (علیه السلام) ممکن نیست ۱۵۳

۳) هیچ عملی بدون معرفت امام علی (علیه السلام) پذیرفته نیست ۱۵۴

حدیث اول : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا ۱۵۷

حدیث دوم : معرفت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ۱۵۷

حدیث سوم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، تقسیم کننده بهشت و دوزخ ۱۵۸

حدیث چهارم : دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

کافر است ۱۵۸

حدیث پنجم : اشتیاق ملائکه به دیدار امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۵۹

- حدیث ششم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، نخستین مسلمان ۱۶۰
- حدیث هفتم : زمین، مهریه همسر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۰
- حدیث هشتم : هدیه های خداوند به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۱
- حدیث نهم : مقام والای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در روز قیامت ۱۶۱
- حدیث دهم : پیروی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، موجب رستگاری ۱۶۲
- حدیث یازدهم : سؤال از ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پس از مرگ ۱۶۳
- حدیث دوازدهم : اثر عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۳
- حدیث سیزدهم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن ۱۶۴
- حدیث چهاردهم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همانند عیسی بن مریم علیها السلام ۱۶۵

معرفی امیر مؤمنان علیه السلام در کلام آخرین پیامبران صلی الله علیه و آله ۱۶۶

*فصل پنجم ۱۶۹

منقبت اول: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقطه باء «بسم الله» ۱۷۱

منقبت دوم: برائت اهل جابلقا از دشمنان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۲

منقبت سوم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، اول و آخر و ظاهر و ۱۷۲

منقبت چهارم: برترین منقبت های امیر مؤمنان علیه السلام از زبان آن حضرت ۱۷۴

منقبت پنجم: اثر متمسک شدن به ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۶

منقبت ششم: دوستان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

در بهشت عدن الهی ۱۷۶

منقبت هفتم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آگاه به اسرار آسمان ها و زمین ۱۷۷

منقبت هشتم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) حجت خدا بر جهانیان ۱۷۸

منقبت نهم: بدبخت ترین مردمان، انکارکننده فضایل امیر مؤمنان علیه السلام ۱۷۹

منقبت دهم: آشنایی با مقام نورانیت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۱۸۰

منقبت یازدهم: ذکر امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

شفای از تمام بیماری ها ۱۸۲

منقبت دوازدهم: آثار پذیرش ولایت امیر مؤمنان و فرزندان بزرگوارش ۱۸۲

منقبت سیزدهم: خصلت های اختصاصی امیر مؤمنان علیه السلام ۱۸۴

منقبت چهاردهم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) امانت دار سر خداوند متعال ۱۸۵

*فصل ششم ۱۸۷

حضرت علی مرتضی علیه السلام؛ آفتاب عالم آرا ۱۸۹

سخن اوّل : آفرینش فرشتگان از نور صورت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۲

سخن دوّم : جواز عبور از پُل صراط به دست امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۳

سخن سوّم : امیرمؤمنان علیه السلام، بهترین کسی که خورشید بر او تابیده ۱۹۳

سخن چهارم : آثار اجتماع مردم بر محبّت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۳

سخن پنجم : برتری ایمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر همه عالمیان ۱۹۴

سخن ششم : اعتراف دشمنان به فضایل بی انتهای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۴

سخن هفتم : اعتراف عمر بن خطاب به سه خصلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۵

ص: ۱۲

سخن هشتم : ندای درخت نخل به وصایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۶

سخن نهم : شفای چشم امیرمؤمنان به برکت آب دهان رسول خدا ۱۹۶

سخن دهم : جاری شدن حکم الهی به دست امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۷

سخن یازدهم : برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

مانند برتری ماه رمضان بر ماه های دیگر ۱۹۸

سخن دوازدهم : مشاعره معاویه، یزید و عمرو عا(صلی الله علیه و آله) در فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۸

سخن سیزدهم : گفتار شافعی در مقام والای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۹

سخن چهاردهم : آگاهی دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به فضایل آن حضرت ۲۰۰

*فصل هفتم ۲۰۱

پیشینه تاریخی روز عید غدیر ۲۰۳

عظمت غدیر در کلام معصومین علیهم السلام ۲۰۴

غدیر در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۲۰۴

غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۰۴

غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۲۰۴

غدیر در کلام امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۰۵

غدیر در کلام امام حسین علیه السلام ۲۰۵

غدیر در کلام امام سجّاد علیه السلام ۲۰۶

غدیر در کلام امام محمّد باقر علیه السلام ۲۰۶

غدیر در کلام امام جعفر صادق علیه السلام ۲۰۶

غدیر در کلام امام کاظم علیه السلام ۲۰۷

غدیر در کلام امام رضا علیه السلام ۲۰۷

غدیر در کلام امام عسکری علیه السلام ۲۰۷

مدارک و اسناد متن خطبه غدیر ۲۰۸

تحلیل و بررسی معنای حدیث غدیر ۲۰۹

قراین اثبات ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

در حدیث غدیر ۲۱۰

ص: ۱۳

قرینه اوّل ۲۱۰

قرینه دوّم ۲۱۱

قرینه سوّم ۲۱۲

قرینه چهارم ۲۱۲

قرینه پنجم ۲۱۳

قرینه ششم ۲۱۴

قرینه هفتم ۲۱۵

قرینه هشتم ۲۱۶

قرینه نهم ۲۱۷

قرینه دهم ۲۱۸

فرازهایی از خطبه غدیر ۲۲۰

فراز اوّل : نزول آیه «تبلیغ» در مورد خلافت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۲۰

فراز دوّم : خداوند تمام علوم را در سینه امیرمؤمنان علیه السلام قرار داده است ۲۲۱

فراز سوّم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) امام هدایت کننده به سوی حقّ ۲۲۱

فراز چهارم : خداوند، توبه منکر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را نمی پذیرد ۲۲۲

فراز پنجم : غضب خداوند بر دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۲۲

فراز ششم : خداوند دین را با ولایت امیرمؤمنان علیه السلام به کمال رسانید ۲۲۳

فراز هفتم : سوره «والعصر» در مورد امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است ۲۲۳

فراز هشتم : رسول خدا نذیر، و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بشیر است ۲۲۴

فراز نهم : پیام غدیر، برای همه عالمیان تا روز قیامت ۲۲۴

فراز دهم : علم امر و نهی، نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۲۵

فراز یازدهم : قرآن، امامان بعد از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را بیان می کند ۲۲۵

فراز دوازدهم : فضایل بی انتهای قرآنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۲۶

فراز سیزدهم : پیمان با امیرمؤمنان، پیمان با خداوند متعال است ۲۲۶

فراز چهاردهم : بیعت کنندگان با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) رستگارانند ۲۲۷

آداب و اعمال عید غدیر ۲۲۸

فضیلت روزه داری ۲۲۸

ص: ۱۴

فضیلت افطاری دادن ۲۲۹

فضیلت اطعام دادن ۲۲۹

فضیلت دیدار با مؤمنان ۲۲۹

فضیلت صلوات فرستادن ۲۲۹

فضیلت نماز و عبادت ۲۲۹

فضیلت بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام ۲۳۰

فضیلت عید گرفتن ۲۳۰

فضیلت عیدی دادن ۲۳۰

آداب تبریک گفتن ۲۳۰

آداب عقد برادری ۲۳۱

*فصل هشتم ۲۳۳

کیمیای محبت ۲۳۵

عوامل محبت ۲۳۶

الف) انجام کارهای نیک ۲۳۶

ب) خوش گمانی ۲۳۶

ج) خوش رفتاری ۲۳۷

د) گشاده رویی ۲۳۷

ه) اظهار دوستی ۲۳۷

و) وفاداری ۲۳۷

ز) انصاف ۲۳۷

ح) کرامت ۲۳۸

ط) بخشندگی ۲۳۸

ی) نیکی کردن به مردم ۲۳۸

ک) صله رحم ۲۳۸

ل) هدیه دادن ۲۳۸

م) سجده کردن میان اذان و اقامه ۲۳۸

ص: ۱۵

موانع محبت ۲۳۹

الف) بدخویی ۲۳۹

ب) پریشانی ۲۳۹

ج) تکبر داشتن ۲۳۹

د) کینه توزی ۲۳۹

ه) حسادت ۲۳۹

و) گناه ۲۴۰

ن) بی انصافی ۲۴۰

ح) فریب دادن ۲۴۰

۱- دوستی و دشمنی برای خدا ۲۴۱

۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است ۲۴۲

۳- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه حلال زادگی ۲۴۳

۴- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان ۲۴۴

۵- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است ۲۴۴

۶- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میزان سنجش اعمال ۲۴۵

۷- سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

در قیامت ۲۴۶

۸- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال ۲۴۷

۹- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فریضه ای الهی است ۲۴۸

۱۰- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، راه رهایی از خطرات ۲۴۹

۱۱- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست ۲۵۰

۱۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکی هاست ۲۵۱

۱۳- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، دوستان خود را می شناسد ۲۵۲

۱۴- آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

در دنیا و آخرت ۲۵۵

*فصل نهم ۲۵۹

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مظلوم دوران ۲۶۱

به آتش کشیدن کتاب های فضائل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۲

ص: ۱۶

پیشگیری از نقل فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۲

جلوگیری از نام گذاری به «علی» ۲۶۳

گسترش مخالفت و بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۴

بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر فراز منبرها ۲۶۵

۱- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول است ۲۶۶

۲- بوی بهشت به مشام دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نمی رسد ۲۶۷

۳- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی می میرد ۲۶۷

۴- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در آتش است ۲۶۸

۵- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در پایین ترین درجه جهنم است ۲۶۹

۶- هر که با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دشمنی کند، منافق است ۲۷۰

۷- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کور و نابینا محشور می شود ۲۷۰

۸- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول اوست ۲۷۱

۹- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جهنم افکنده می شود ۲۷۲

۱۰- دوستی و دشمنی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

سبب قبولی اعمال ۲۷۲

۱۱- دشمنی با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نشانه پلیدی ولادت ۲۷۴

۱۲- محبوب ترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا ۲۷۴

۱۳- دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ناامید از رحمت الهی ۲۷۵

۱۴- دشمنان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کجایند؟! ۲۷۷

*فصل دهم ۲۷۹

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پیشوای پیامبران علیهم السلام ۲۸۱

حکایت اوّل : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) یاور پیامبران علیهم السلام ۲۸۳

حکایت دوّم : تکمیل نبوّت پیامبران، به ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۴

حکایت سوّم : نجات یوسف علیه السلام به خاطر ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۵

حکایت چهارم : پیامبران ابلاغ کنندۀ ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۶

حکایت پنجم : امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، ناجی حضرت نوح علیه السلام ۲۸۷

حکایت ششم : افضلیت امیر مؤمنان و فرزندان او بر پیامبران ۲۸۹

ص: ۱۷

حکایت هفتم : آفرینش امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قبل از آدم علیه السلام ۲۹۱

حکایت هشتم : خاتم سلیمان علیه السلام نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۹۴

حکایت نهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین جانشین خدا در زمین ۲۹۷

حکایت دهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شاهد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت ۲۹۸

حکایت یازدهم : دیدن آدم علیه السلام نور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در عرش ۲۹۹

حکایت دوازدهم : برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

بر مردم، مانند برتری جبرئیل بر فرشتگان ۳۰۱

حکایت سیزدهم : استمداد حضرت سلیمان علیه السلام از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۰۳

حکایت چهاردهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و کشتی حضرت نوح علیه السلام ۳۰۵

*فصل یازدهم ۳۰۹

آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار علیهم السلام ۳۱۱

آثار و برکات نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل ۳۱۴

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آسمان ها ۳۱۴

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی ۳۱۴

نام های قرآنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۱۶

٢- حسنه ٣١٧

٣- صالح المؤمنين ٣١٧

٤- جنب الله ٣١٧

٥- شاهد ٣١٨

٦- مؤمن ٣١٨

٧- عليّ ٣١٨

٨- نور ٣١٩

ص: ١٨

۹- عروه الوثقی ۳۱۹

۱۰- احسان ۳۱۹

۱۱- رحمت ۳۱۹

۱۲- کلمه تامّه ۳۲۰

۱۳- حق الیقین ۳۲۰

۱۴- انسان ۳۲۰

۱۵- سلم ۳۲۱

۱۶- یمین ۳۲۱

۱۷- ایمان ۳۲۱

۱۸- کلمه تقوا ۳۲۲

۱۹- حق ۳۲۲

۲۰- امام ۳۲۲

۲۱- امانت ۳۲۲

۲۲- هدی ۳۲۳

۲۳- تجاره ۳۲۳

نام اوّل : «علی (علیه السلام)» ۳۲۴

نام دوم : «أبو تراب» ۳۲۶

نام سوم : «جَنبُ الله» ۳۲۷

نام چهارم : «حَبْلُ الله» ۳۲۹

نام پنجم : «فَضْلُ الله» ۳۳۱

نام ششم : «كلمة الله» ۳۳۴

نام هفتم : «إمام مُبِين» ۳۳۶

نام هشتم : «وَجْهُ اللَّهِ» ۳۳۸

نام نهم : «لسان صدق» ۳۳۹

نام دهم : «باب حَطَّه» ۳۴۱

نام یازدهم : «صراط مستقیم» ۳۴۳

نام دوازدهم : «نباً عظیم» ۳۴۵

ص: ۱۹

نام سیزدهم: «حَقَّ اليقين» ۳۴۷

نام چهاردهم: «نُور مُبين» ۳۴۸

*فصل دوازدهم ۳۵۱

نهج البلاغه ۳۵۳

مؤلف «نهج البلاغه» ۳۵۳

عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان ۳۵۴

سرچشمه ناب ۳۵۵

عالی ترین کتاب ۳۵۶

امام خطیبان ۳۵۶

دو خطبه شگفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۵۶

خطبه بدون الف ۳۵۷

خطبه بدون نقطه ۳۵۸

حکمت اول: «آیین دوست یابی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۵۹

انواع دوستی ۳۵۹

حقوق دوستی ۳۵۹

محدوده دوستی ۳۶۰

عوامل دوستی و راه نفوذ در دل ها ۳۶۰

الف) صله رحم ۳۶۰

ب) بخشش ۳۶۰

ج) گشاده رویی ۳۶۱

د) نیکی کردن ۳۶۱

حکمت دوّم: «ارزش استغفار در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۲

آثار و خواصّ استغفار ۳۶۲

الف) وسعت در رزق ۳۶۲

ب) محو کردن گناهان ۳۶۲

ج) بالاترین توّسل ۳۶۳

ص: ۲۰

د) موجب امیدواری ۳۶۳

ه) بهترین عبادت ۳۶۳

و) بهترین شفیع ۳۶۳

ره آورد استغفار ۳۶۳

حکمت سوّم: «رزق و روزی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۵

قدرت خداوند در روزی رساندن ۳۶۵

اقسام رزق و روزی ۳۶۵

موجبات برکت در رزق و روزی ۳۶۶

الف) خوش اخلاقی ۳۶۶

ب) استغفار ۳۶۶

ج) نماز ۳۶۶

د) صدقه ۳۶۷

ه) صله رحم ۳۶۷

و) راستگویی ۳۶۷

حکمت چهارم: «ایمان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۸

تعریف ایمان ۳۶۸

حقیقت ایمان ۳۶۸

اهمیت ایمان ۳۶۹

کمال ایمان ۳۶۹

آثار ایمان ۳۶۹

الف) امتیّت ۳۶۹

ب) نجات ۳۶۹

ج) رستگاری ۳۷۰

د) حیا ۳۷۰

ه) صبر ۳۷۰

و) میل به آخرت ۳۷۰

حکمت پنجم: «اهمّیت دعا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» « ۳۷۱

ص: ۲۱

دعا، بلاها را دفع می کند ۳۷۱

آداب دعا نمودن ۳۷۱

الف) صلوات فرستادن ۳۷۱

ب) اصرار در دعا ۳۷۲

ج) ناامید نشدن ۳۷۲

د) اخلا(صلی الله علیه و آله) ۳۷۲

ه) مداومت در دعا ۳۷۲

و) ستایش و ثنا پیش از دعا ۳۷۳

ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا ۳۷۳

حکمت ششم: «ارزش توبه در کلام امیرمؤمنان علی(علیه السلام)» ۳۷۴

پایه های توبه ۳۷۴

شتاب در توبه کردن ۳۷۴

توبه نصوح ۳۷۴

آثار و برکات «توبه» ۳۷۵

الف) نزول رحمت الهی ۳۷۵

ب) پاک شدن گناهان ۳۷۵

ج) موجب خشنودی خداوند ۳۷۵

حکمت هفتم: «ارزش علم و دانش در کلام امیرمؤمنان علی(علیه السلام)» ۳۷۶

علم بهتر از ثروت است ۳۷۶

اقسام علم حقیقی ۳۷۶

فضیلت طلب علم ۳۷۶

حکمت هشتم: «ارزش یقین در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۷۹

بزرگ ترین سعادت ۳۷۹

بالاترین دعا ۳۷۹

یقین، رأس دین است ۳۸۰

برترین عبادت ۳۸۰

آثار و برکات «یقین» ۳۸۰

ص: ۲۲

الف) صبر ۳۸۰

ب) اخلاص ۳۸۰

ج) زُهد ۳۸۱

د) خشنود بودن ۳۸۱

ه) توکل ۳۸۱

و) بهشت ۳۸۱

حکمت نهم: «فضیلت حیا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۸۲

شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر ۳۸۲

مواردی که در آن، «حیا» نیست ۳۸۳

آثار و برکات «حیا» ۳۸۳

الف) کلید همه خوبی‌ها ۳۸۳

ب) سبب کرامت انسانی ۳۸۴

ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح ۳۸۴

د) نشانه ایمان ۳۸۴

ه) محوکننده گناهان ۳۸۴

حکمت دهم: «سخاوت در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۸۵

حدّ و مرز بخشندگی ۳۸۵

عطا کردن قبل از درخواست ۳۸۵

آثار و برکات سخاوت ۳۸۵

الف) زینت انسان ۳۸۵

ب) ایجاد محبت ۳۸۶

ج) کم کردن گناهان ۳۸۶

د) موجب برکت در رزق و روزی ۳۸۶

ه) موجب بزرگی ۳۸۶

و) پوشیده شدن عیب ها ۳۸۷

ز) موجب تقرب به خدا ۳۸۷

آفت سخاوت ۳۸۷

ص: ۲۳

حکمت یازدهم: «ره آورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» « ۳۸۸

معنا و مفهوم «حلم» ۳۸۸

برترین صفات انسانی ۳۸۸

آثار و برکات «حلم و بردباری» ۳۸۹

الف) موجب عزّت و بزرگواری ۳۸۹

ب) ثمره علم ۳۸۹

ج) غلبه بر دشمن ۳۸۹

د) ایمنی از عذاب الهی ۳۸۹

ه) زینت انسان ۳۸۹

و) زینت علم ۳۹۰

ز) کثرت علم ۳۹۰

ح) رأس علم ۳۹۰

ط) کمال ایمان ۳۹۰

حکمت دوازدهم: «معنای احسان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» « ۳۹۱

بالاترین احسان ۳۹۱

احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان ۳۹۱

آثار و برکات «احسان» ۳۹۲

الف) موجب محبت ۳۹۲

ب) حُسن عاقبت ۳۹۲

ج) موجب بزرگواری ۳۹۲

د) بهترین توشه قیامت ۳۹۲

ه) کثرت دوستان ۳۹۲

بالاترین فضیلت انسان ۳۹۳

بالاترین اعمال ۳۹۳

حکمت سیزدهم: «اهمیت صدقه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۹۴

آثار و برکات «صدقه» ۳۹۴

الف) زیاد کردن روزی ۳۹۴

ص: ۲۴

ب) درمان بیماری ها ۳۹۴

ج) نزول رحمت ۳۹۵

د) دفع بلا ۳۹۵

ه) برکت در روزی ۳۹۵

و) دفع فقر ۳۹۵

ز) محو کردن گناهان ۳۹۵

فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا ۳۹۶

حکمت چهاردهم: «معنای خیر و نیکی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۹۷

آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است ۳۹۷

بهترین کارها ۳۹۷

اهمیت شناخت «خیر و شر» ۳۹۸

آنچه با آن خیر دنیا و آخرت به دست می آید ۳۹۸

۱- ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» ۳۹۸

۲- شکیبایی و شکرگزاری ۳۹۸

۳- حُسن خلق ۳۹۹

۴- قرائت سوره «طور» ۳۹۹

بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۰۰

بهترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۰۲

*فصل سیزدهم ۴۰۵

امام کیست؟ ۴۰۷

امامت چیست؟ ۴۰۷

چرا به امام معصوم احتیاج داریم؟ ۴۰۸

۱- حدیث «ثقلین» ۴۱۱

معنای لغوی «ثقلین» ۴۱۱

اهمیت حدیث ثقلین و تکرار آن ۴۱۲

عظمت امامان معصوم علیهم السلام در حدیث ثقلین ۴۱۳

ص: ۲۵

۱- اهل بیت علیهم السلام افضل و اشرف از تمام مردم ۴۱۳

۲- اهل بیت علیهم السلام معصوم از هر خطا و لغزش اند ۴۱۳

۳- اهل بیت علیهم السلام آگاه به تمام علوم قرآن ۴۱۳

۴- اهل بیت علیهم السلام خلیفه خدا و رسول اویند ۴۱۴

۵- هدایت و سعادت فقط منحصر در تمسک به ثقلین ۴۱۴

۲- حدیث «منزلت» ۴۱۵

مقام و منزلت هارون نسبت به موسی علیه السلام در قرآن ۴۱۶

۳- حدیث «غدیر» ۴۱۸

اسناد حدیث غدیر ۴۱۸

تصریح به تواتر حدیث غدیر ۴۱۹

تصریح به صحّت حدیث غدیر ۴۱۹

معنای حدیث غدیر در روایات معصومین علیهم السلام ۴۲۰

۴- حدیث «مدینه العلم» ۴۲۱

اعلمیّت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از همه مردم ۴۲۱

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) باب علم رسول خدا ۴۲۲

پیامبر صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آموخت ۴۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر فقه است ۴۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت است ۴۲۳

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راه رسیدن به علوم پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۲۳

۵- حدیث «سفینه» ۴۲۴

تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نوح علیه السلام ۴۲۴

۶- حدیث «سَدُّ الْأَبْوَابِ» ۴۲۶

حدیث خُوخَه ۴۲۷

۷- حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۴۲۸

شهرت حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تسنن ۴۲۸

شبهه ابن تیمیّه درباره حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۴۲۹

سخن گفتن خورشید با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۲۹

ص: ۲۶

۸- حدیث «طیر مشوّی» ۴۳۱

نکات حدیث ۴۳۱

۱- امام علی (علیه السلام) ، محبوب ترین افراد نزد خداوند ۴۳۲

۲- برتری امام علی (علیه السلام) بر سایر صحابه ۴۳۲

۳- امامت حضرت علی (علیه السلام) ۴۳۲

۴- امام علی (علیه السلام) ، برتر از تمام پیامبران ۴۳۳

۹- حدیث «امان» ۴۳۴

محتوای حدیث امان ۴۳۴

معرفت اهل بیت علیهم السلام، امان از عذاب الهی ۴۳۶

۱۰- حدیث «رایت» ۴۳۷

غزوه «خیبر» ۴۳۷

۱۱- حدیث «سلونی» ۴۴۰

علوم ظاهری و باطنی امیرمؤمنان علیه السلام ۴۴۰

۱- علم تفسیر و تأویل ۴۴۰

۲- علم منایا و بلایا و انساب ۴۴۱

۳- علم راه های آسمان ها و زمین ها ۴۴۱

۴- علم کتاب های آسمانی ۴۴۱

کسانی که «سلونی» گفتند و رسوا شدند ۴۴۲

۱۲- حدیث «شجره» ۴۴۳

شجره طیبه در قرآن ۴۴۳

شجره خبیثه در قرآن ۴۴۴

۱۳- حدیث «حکمت» ۴۴۵

معنا و مفهوم حکمت ۴۴۵

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت ۴۴۶

حکمت در قرآن ۴۴۶

۱۴- حدیث «معرفت امام» ۴۴۸

حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تسنن ۴۴۸

ص: ۲۷

منظور از «امام» چه کسی است؟ ۴۴۸

*فصل چهاردهم ۴۵۱

وصیت اول: ثواب قرائت «آیه الکرسی» ۴۵۳

وصیت دوم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان ۴۵۳

وصیت سوم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می کند ۴۵۴

وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می شود ۴۵۴

وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می شود ۴۵۵

وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است ۴۵۵

وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است ۴۵۶

وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق ۴۵۷

وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است ۴۵۷

وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن ۴۵۸

وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله ۴۵۸

وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام ۴۵۹

وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی ۴۵۹

وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا ۴۶۰

منابع کتاب ۴۶۱

ص: ۲۸

پیشگفتار

سپاس خدایی را که عالمیان را از عدم به وجود آورد و لباس حیات پوشانید، و در مسیر محبت و عشق به خود برانگیخت، و خلقت عظیم خود را از محبت آغاز نمود، و فرمود: «من گنج پنهانی بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس جهانیان را آفریدم که مرا بشناسند.»^(۱)

ناگهان دستی زغیب آمد پدید

یک جهان مهر و محبت آفرید

عشق را با یک تپش آغاز کرد

دفتر رحمانی اش را باز کرد

جایی که نه صحبت از زمان بود و مکان، نه خورشید و آسمان، نه زمین و کهکشان، نه حرفی از آدم و حوا، نه صحبتی از موسی و عیسی، خدا بود و هیچ چیز به جز ذات نورانی او نبود.

در ازل پرتو حُسن ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

و این چنین بود که خداوند سبحان، عشق و محبت خود را به عالمیان هدیه کرد و آیاتی از الطاف بی کرانش را بر همگان خواند. بدین ترتیب، روح تنهایی جهان، سبز شد و ارتفاع آبی آسمان، عظمت پیدا کرد.

ص: ۲۹

و به نور عشق و رحمت خود به عالمیان وسعت بخشید و بار امانت عشق را به همه موجودات ارزانی داشت و در این میان هیچ کس به جز انسان نتوانست این بار امانت را به دوش بکشد :

(إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ) (۱).

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت

با من راه نشین باده مستانه زدند

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال به نام من دیوانه زدند

و آدمی را به واسطه گوهر فطرت و تحمّل بار امانت عشق، بر عالمیان برتری داد :

(و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (۲).

نه فلک راست مسلم نه ملک را حاصل

آنچه در سرّ هویدای بنی آدم از اوست

و تمامی عشق را در وجود انسان کامل تجلی داد و او را مظهر تامّ و آئینه تمام جمال خویش قرار داد و جانشین خود در زمین نامید :

(وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (۳).

و آسمان برافراشته و زمین گسترده، ماه تابان و خورشید درخشان، فلک چرخان و دریاهاى روان را به خاطر او آفرید. (۴)

ص: ۳۰

۱- . سوره احزاب، آیه ۷۲. ترجمه: «همانا ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه هاعرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و هراسناک شدند، و انسان آن را برداشت.»

۲- . سوره اسراء، آیه ۷۰. ترجمه: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم.»

۳- . سوره بقره، آیه ۳۰. ترجمه: «[به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی
[نماینده ای] قرار خواهم داد.»

۴- . در حدیث کساء می خوانیم: «إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً وَلَا فُلْكَآ يَدُورُ
وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فُلْكَآ يَسْرِي إِلَّا لَأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ.»

همان که در آسمان «عالی»، و در زمین «علی» خوانندش، او که زبان واصفین از بیان اوصافش، کلام خطیبان در بیان خطبه های نغزش، فکر خردمندان از پی بردن به مقامش، علم دانشمندان در برابر دریاهاى علوم بی کرانش، و قلم نویسندگان از بیان شرح حالاتش، در کمال عجز و ناتوانی و چونان قطره ای در برابر دریای بی کران اوست، او که خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله در وصفش فرمود :

«علی جان! جز خدا و من کسی تو را نشناخت، و جز خدا و تو کسی مرا نشناخت، و غیر از من و تو کسی خدا را نشناخت.»^(۱)

علی را قدر پیغمبر شناسد

که هر کس خویش را بهتر شناسد

چه گویم در مورد شخصیتی که آخرین پیامبر آسمانی در وصف او فرمود :

«اگر همه درختان قلم، همه دریاها مرکب، همه فرشتگان حسابگر، و همه آدمیان نویسنده شوند، هرگز نمی توانند فضایل حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بشمارند.»^(۲)

به عقل کل شبی گفتم علی کیست؟

بگفت آن کس که وصفش حدّ کس نیست

چه بنویسم؟ از کجا بگویم؟ هر چه بگویم، عجز و ناتوانی خود را بیان کرده ام.

سخن کوتاه، قلم لرزان، زبان سخت

تهی دستم، تهی دستم، تهی دست

چه گویم تا نریزد آبرویم تو خود گو، کیستی تا من بگویم

از تطهیر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که مصداق (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^(۳) است؟

ص: ۳۱

۱- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۴.

۲- همان.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳. ترجمه: «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

از سخاوت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که تجلی (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱) است؟

از علم و آگاهی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که خاتم الانبیاء ۹ فرمود: «أنا مدينة العلم و عليّ بابها» (۲)؟

از ولایت و امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که ظهور (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (۳) است؟

از اسلام و ایمان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۴)؟

از اسم های زیبای امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که (و لله الأسماء الحُسنى فادعوه بها) (۵) در وصف اسماء نورانی اوست؟

از شناخت نورانی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که فرمود: «مَعْرِفَتِي بِالتُّورَاتِيهِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالتُّورَاتِيهِ» (۶)؟

از همسر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» (۷)؟

ص: ۳۲

۱- . سورة مائده، آیه ۵۵. ترجمه: «سرپرست و ولیّ شما فقط خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»

۲- . كنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴، ش ۳۲۹۷۸.

۳- . سورة مائده، آیه ۳. ترجمه: «امروز [روز غدیر خم] دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم.»

۴- . أمالی صدوق، ص ۲۶۹، مجلس ۵۴، ح ۱۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای هر چیزی اساس و پایه ای است و اساس اسلام، محبت ما اهل بیت است.»

۵- . سورة اعراف، آیه ۱۸۰. کلینی در کافی ج ۱، ص ۱۴۴ می گوید: امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه فرمودند: «به خدا قسم، ما آن اسماء نیکوی خداوند هستیم که اعمال هیچ بنده ای پذیرفته نمی شود مگر با معرفت نسبت به ما اهل بیت.»

۶- . علماء مجلسی در بحار الأنوار ج ۲۶، ص ۱، ح ۱ نقل می کند: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «شناخت من به

نورائیت، همان شناخت خداوند عزوجل است، و شناخت خداوند عزوجل همان شناخت من به نورائیت است.»

۷- . جنه العاصمه، ص ۱۴۸. ترجمه کامل حدیث بدین قرار است: «خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای احمد! اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود هیچ یک از شما را نمی آفریدم.»

از صبر و حلم امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «صَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجِي» (۱)؟

از شجاعت و دلاوری امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

بگویم که اوست مشمول ندای «ضَرْبُهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْخُنْدُقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» (۲)؟

از عبادت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «الهِى مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (۳)؟

از شیعیان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که پیامبر صلی الله علیه و آله در وصف آنان فرمود: «[يَاعَلِيُّ] شِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَ جُوهُهُمْ» (۴)؟

از فضایل و مناقب امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

-در قرآن - بگویم که بزرگ پیامبران صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ»؟

از یقین امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِينًا» (۵)؟

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

ص: ۳۳

۱- . نهج البلاغه، خطبه ششمین. ترجمه: «من صبر و شکیبایی گزیدم، در حالی که همانند کسی بودم که تیغ به چشمش رفته و استخوان در گلویش مانده باشد.»

۲- . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ضربتني که علی علیه السلام در جنگ خندق به عمرو بنعبود زد، از عبادت جن و انس بالاتر است.»

۳- . «[خدايا] تو را نه به خاطر ترس از دوزخ و نه به خاطر اشتیاق به بهشت، بلکه به خاطر این که شایستگی الوهیت داری، پرستش می کنم.» [بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۷].

۴- . کشف الیقین، ص ۴۳۰.

۵- . بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹. ترجمه: «اگر همه پرده های حجاب بالا زده شود، بر یقین من چیز نیفزاید [یعنی یقین من به حد کمال رسیده است].»

آری! خلاصه بگویم :

به پرده بود جمال جمیل عزوجل

به خویش خواست کند جلوه ای به صبح ازل

چو خواست آن که جمیل جمال بنماید

علی شد آینه، خیر الکلام قل و دل

من از مفصل این نکته مجملی گفتم

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

ولی،

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

ما نیز با تمسک به آیه کریمه (فقد استمسک بالعزوه الوثقی لا انفصام لها) (۱)، و توسل به (و اغتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا) (۲)، و بیان

شریفه «زینوا مجالسکم بذکر علی بن ابی طالب علیه السلام» (۳)، قطره ای از دریای

بی کران مناقب مولای عرشیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را نقل می کنیم، بدان امید که مشمول موهبت عظیمه «من أحبنا بقلبه و نصرنا بیده و لسانه فهو معنا فی العرفه الّتی نحن فیها» (۴) قرار بگیریم.

ما را وظیفه ای ست نه دعوی به جاه خویش

بر من ببخش و نه مدیح تو «هل اتی» ست

ص: ۳۴

۱- .سوره بقره، آیه ۲۵۶. ترجمه: «به دستگیره محکم الهی چنگ زده است، که هیچ جدایی و گسستبرای آن نیست.»

۲- .سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. ترجمه: «و همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زید و پراکنده نشوید.»

۳- . علامه مجلسی در بحار الأنوار (ج ۳۸، ص ۱۹۹) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «مجالس خود را با ذکر علی بن ابی طالب علیه السلام زینت بدهید.»

۴- . آمالی مفید، ص ۳۳، مجلس ۴، ح ۸. امام حسن علیه السّلام فرمود: «هر کس ما را با قلب خود دوست بدارد و با دست و زبانش ما را یاری کند، در بهشت در جایگاهی که ما هستیم با ما خواهد بود.»

پیامبر خدا می فرماید :

«هنگامی که مؤمنی از دنیا می رود و از خود ورقه ای از دانش به جای می گذارد، این ورقه بین او و آتش حایل می گردد و خدای متعال به هر حرفی که بر آن نوشته است، شهری در بهشت به او عطا می کند که وسعت آن هفت برابر دنیا است.»^(۱)

این شرح بی نهایت کز حُسن یار گفتند

حرفی ست از هزاران کاندر عبارت آمد

ص: ۳۵

۱- . آمالی صدوق، ص ۹۱، مجلس ۱۰، ح ۴.

فصل اول

اشاره

ص: ۳۷

در کتب شیعه و سنی درباره «فضیلت حفظ چهل حدیث» روایات بسیاری ذکر شده است. از آن جمله در کتاب «کنز العمال»، که دایره المعارف حدیث اهل تسنن است، جلد دهم، از حدیث شماره ۲۹۱۸۲ به بعد، دوازده حدیث درباره آثار و برکات کسی که چهل حدیث حفظ کند و برای مردم ذکر نماید، نقل شده که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُقِيهَا عَالِمًا». (۱)

رسول خدا فرمود:

«هر که برای امت من چهل حدیث حفظ کند که در کار دینشان از آنها بهره‌مند شوند، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم مبعوث می‌کند.»

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِيمَا يَنْفَعُهُمْ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَفُضِّلَ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعِينَ دَرَجَةً، اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ». (۲)

ص: ۳۹

۱- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۲۴، ش ۲۹۱۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۱۰.

۲- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۲۴، ش ۲۹۱۸۳.

رسول خدا فرمود :

«هر که چهل حدیث برای امت من حفظ کند که در کار دینشان از آن بهره مند شوند، خداوند او را در روز قیامت از علما مبعوث می نماید؛ و عالم بر عابد، هفتاد درجه برتری دارد و فقط خدا می داند که فاصله هر درجه ای تا درجه دیگر چه مقدار است.»

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَمْرِ دِينِهَا فَهُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَكُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (١)

رسول خدا فرمود :

«هر که برای امت من، چهل حدیث درباره امر دین آنها حفظ کند، از علما است و من در روز قیامت او را شفاعت می کنم.»

منظور از «حفظ حدیث» چیست؟

درباره معنای «حفظ حدیث» سه دیدگاه بیان شده است :

الف - منظور از «حفظ حدیث» از بر کردن و در خاطر گرفتن است.

ب - مراد از «حفظ حدیث»، نگهبانی و محافظت حدیث از اندراس و تلف شدن است؛ خواه با از بر کردن، خواه از طریق نوشتن، و خواه به نحو دیگر.

ج - بعضی گفته اند مراد از «حفظ حدیث»، فراگرفتن آن است بر یکی از وجوه ششگانه که ائمه حدیث آن را ذکر کرده اند؛ یعنی: سماع از شیخ، قرائت بر او، سماع حال قرائت غیر، اجازه، مُناوله و کتابت.

حدیثی که راوی از شیخ خود - یعنی کسی که سند حدیث به او می رسد و از او روایت می کند - فرامی گیرد باید بر یکی از شش وجه زیر بوده باشد تا بتواند حدیث مذکور را از او روایت کند و نقل او اعتبار یابد :

۱. شنیدن از زبان شیخ؛ بر این وجه که شیخ بخواند و او بشنود.

ص: ۴۰

۱- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۲۴، ش ۲۹۱۸۸.

۲. خواندن بر شیخ؛ که او بخواند و شیخ بشنود و انکار نکند.

۳. شنیدن در حالت خواندن غیر؛ بر این وجه که دیگری بر شیخ بخواند و شیخ تصدیق نماید و او (راوی) در حاشیه مجلس شنیده باشد.

۴. اجازه شیخ؛ و آن این است که شیخ می گوید که فلان حدیث و فلان حدیث، یا فلان کتاب و فلان کتاب را از من نقل کن، بی آن که تمام حدیث یا کتاب را برای او خوانده یا از او بشنود.

۵. مُناوله؛ و آن این است که شیخ، کتاب تصحیح کرده خود را به او بدهد، و اشاره کند که آنچه در این کتاب است از من نقل کن.

۶. کتابت شیخ؛ و آن اجازه به کتابت است؛ یعنی شیخ به خط خود بر جایی بنویسد که فلان حدیث و فلان حدیث یا فلان کتاب و فلان کتاب را از من روایت کن، بی آن که بر زبان آورد.

علما از میان وجوه ششگانه حدیث، وجه اول را بهتر دانسته و گفته اند حدیثی که بر آن وجه، منقول شده باشد حُجَّت است. (۱)

اسرار عدد «چهل» در آیات و روایات

اشاره

در «اربعین» و عدد چهل، اسراری نهفته است. این عدد در فرهنگ ادیان و در آیات و روایات جایگاه خاصی دارد که به چند مورد آنها اشاره می کنیم:

الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی

۱- خداوند متعال می فرماید:

(حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (۲).

«تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد

ص: ۴۱

۱- ر.ک: اربعین (بهائی)، ح اول، ص ۶۳.

۲- سوره احقاف، آیه ۱۵.

می گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان. من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم و من از مسلمانانم.»

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «بنده تا سن چهل سالگی مورد عفو و مغفرت پروردگار است و زمانی که به این سن رسید، خداوند متعال به دو ملک (رقیب و عتید) که موکل بر اعمال و کردار او هستند وحی می فرستد که او در کردار و اعمالش رها و آزاد نیست؛ بر او سخت گیرید و هر آنچه از او سر می زند، کم یا بسیار، دقیقاً ثبت و ضبط نمایند.»

در روایتی دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است :

«إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشَدَّهُ، وَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ.»^(۱)

«زمانی که عبد به سی و سه سالگی رسید، به مرتبه قوام جسمی و روحی نایل می گردد و زمانی که به چهل سالگی رسید، عقل او به نهایت درجه قدرت و ادراک می رسد.»

ب: جاری شدن چشمه های حکمت از قلب بر زبان

رسول خدا می فرماید :

«مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.»^(۲)

«اگر کسی چهل روز اعمال خود را برای خداوند، خالص و خود را از گناه دور نماید، چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می شود.»

ص: ۴۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۰۲، ح ۲۱۰۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۷۶؛ خصال، ج ۲، ص ۵۴۵.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۱، باب ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

ج: میقات حضرت موسی علیه السلام با پروردگارش

خداوند متعال می فرماید :

(و واعدنا موسی ثلاثین لیلهً و اتمناها بعشرٍ فتمّ میقات ربّه اربعین لیلهً) (۱)

«و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد.»

و در جای دیگر از وعده چهل شب با حضرت موسی علیه السلام یاد شده است :

(و إذ واعدنا موسی اربعین لیلهً) (۲) .

«و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او برای گرفتن فرمان الهی، به میعادگاه آمد).»

د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه مؤمن از دنیا برود، آسمان و زمین، چهل روز بر او می گریزند. و هر گاه شخص عالمی از دنیا برود، آسمان و زمین، چهل ماه بر او می گریزند. و در رحلت هر پیامبر، آسمان و زمین، چهل سال گریانند، و تو ای علی! هر گاه به شهادت می رسی، آسمان و زمین، چهل سال بر تو گریه می کنند.» (۳)

ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام به زُراه فرمودند: «ای زُراه! آسمان تا چهل روز برای حسین بن علی (علیه السلام) خون بارید و زمین تا چهل روز تاریک شد و

ص: ۴۳

۱- .سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۲- .سوره بقره، آیه ۵۱.

۳- .بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۰۸، ح ۹.

خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوه ها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و به تلاطم افتادند و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند.»(۱)

و: اسرار دیگر عدد چهل

حضرت آدم علیه السلام چهل سال حول بیت المقدس طواف نمود.(۲)

خلقت نورانی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چهل هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام واقع شد.(۳)

یکی از علامات مؤمن، زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا ۷ است.(۴)

بعثت رسول خدا در سنّ چهل سالگی بود.(۵)

در روایات آمده است هر که چهل بار سوره حمد را بر آبی بخواند و سپس آن را بر بدن مریض تب داری بریزد، خداوند او را شفا خواهد داد.(۶)

اربعینات «کتاب های چهل حدیث»

بسیاری از علمای فریقین (شیعه و سنی) به جمع آوری حدیث و تدوین آنها با عنوان الأربعین (چهل حدیث) مبادرت ورزیده اند، که موضوعات آن بیشتر درباره سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام، فقه و اخلاق است.

دانشمند بزرگ شیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، حدود ۸۳ کتاب با عنوان

ص: ۴۴

-
- ۱- . کامل الزیارات، ص ۸۰، باب ۲۶، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳.
 - ۲- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۷۸، ح ۱ و ج ۶۴، ص ۲۸۳، ح ۴۴.
 - ۳- . همان، ج ۲۴، ص ۸۸، ح ۴.
 - ۴- . إقبال الاعمال، ص ۵۸۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸، ح ۱۹۶۴۳.
 - ۵- . بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۹۳، ح ۲۹.
 - ۶- . همان، ج ۱۰۴، ص ۶۲، ح ۳۵.

«اربعین» را در الذریعه (۱) نام می برد.

از جمله کتاب هایی که در فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

با عنوان «چهل حدیث» نوشته شده، می توان موارد زیر را نام برد:

۱- الأربعین عن الأربعین فی فضائل علیّ أمير المؤمنين عليه السلام: للشيخ الخزاعيّ المفيد الحافظ ابی محمد عبدالرحمن احمد بن الحسين النیشابوری، ۷۴۶ ه. ق.

۲- الأربعین (فی فضائل الإمام أمير المؤمنين عليه السلام): للهرويّ عطاء الله بن فضل الله المعروف ب- «جمال الدین» المحدث الحسينی، ۹۳۰ ه. ق.

۳- الأربعون حدیثا (فی مناقب أمير المؤمنين عليه السلام): للفيض الكاشانی، ت ۱۰۹۱ ه. ق.

۴- الأربعون حدیثا (فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام من طرق العامة): للحیدر قلی خان الکابلی المعروف ب- «سردار» بن نور محمدخان.

۵- الأربعون حدیثاً عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام: للشيخ الفاضل محمدرضا الطبسی.

۶- الأربعون (فی فضائل أمير المؤمنين و إمامه الأئمة المعصومین عليهم السلام): المولی محمد طاهر القمی، ت ۱۰۹۸ ه. ق.

۷- رساله فی أربعین حدیثا (فی فضائل الأمير ۷)، مستخرجه من «فرائد السیمطین»: للمیرزا نجم الدین جعفر بن میرزا محمد الطهرانی العسکری.

۸- رساله فی أربعین حدیثاً (فی فضائل الأمير ۷) مستخرجه من «کنز العمال»: للمیرزا نجم الدین جعفر بن میرزا محمد الطهرانی العسکری.

ما هم به سیره علما و دانشمندان بزرگ تمسک کرده و چهل حدیث در مراحل مختلف زندگانی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام از مدارک معتبر اهل تسنن نقل می کنیم.

ص: ۴۵

۱- فضایل بی پایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضَائِلَ لَا يُحْصَى عِدُّهَا غَيْرُهُ، فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِهِ مُقَرَّرًا بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ لَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ، وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِنَفْسِكَ الْكِتَابَةَ رَسُولِي، وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالْإِسْتِمَاعِ، وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ.»

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ، وَ لَا يُقْبَلُ إِيمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.»

رسول خدا فرمودند :

«همانا خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام فضایل بی شماری قرار داده است. هر کس با اقرار و اعتقاد، فضیلتی از فضایل او را ذکر کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد؛ اگرچه گناهانش به اندازه گناهان جن و انس باشد. و هر کس فضیلتی از فضایل او را بنویسد، تا هنگامی که از آن نوشته اثری باشد، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.»

ص: ۴۶

و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرادهد، خداوند گناهیانی را که با گوش مرتکب شده می بخشد. و هر کس به نوشته ای از فضایل آن حضرت نگاه کند، خداوند گناهیانی را که با چشم مرتکب شده می بخشد.»

سپس فرمودند: «نگاه کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام و یاد او عبادت است، و ایمان هیچ بنده ای جز با ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و برائت و بیزاری از دشمنان او پذیرفته نمی شود.»^(۱)

۲- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بی کران فضایل

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«لَوْ أَنَّ الْأَشْجَارَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ مِدَادٌ وَ الْجَنُّ حُسَابٌ وَ الْأَنْسُ كُتَّابٌ مَا أَحْصُوا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

رسول خدا فرمودند :

«اگر همه درختان قلم و آب دریاها مرکب، و جنیان حسابگر و انسان ها نویسندگان باشند، هرگز نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام را حساب کنند و به شمارش درآورند.»^(۲)

خداوند متعال در قرآن درباره فضایل بی انتهای امیر مؤمنان و فرزندان بزرگوارش : می فرماید :

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِدَادًا»^(۳).

ص: ۴۷

۱- مناقب (خوارزمی)، ص ۳۲، ح ۲؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹؛ کفایه الطالب، باب ۶۲، ج ۱، ص ۱۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶، ح ۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۷۰، ح ۱۰۵؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۳۲۸، ح ۳۴۱؛ کفایه الطالب، ص ۲۵۱؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۳؛ مآه منقبه، المنقبه التاسعه و التسعون، ص ۱۷۵.

۳- سوره كهف، آیه ۱۰۹.

«[ای رسول ما!] بگو: اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار مرگب شود، دریاها پایان می گیرند، پیش از آن که کلمات پروردگار پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم.»

و در آیه دیگر می فرماید :

(و لو أن ما فی الأرض من شجره أفلامٌ و البخرُ یمدُّه من بعده سبعه أبخرٍ ما نفدت کلماتُ الله) (۱)

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرگب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، این ها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد.»

با دقت در آیات قرآن این معنا به دست می آید که منظور از «کلمات» فقط الفاظ نیست، بلکه معنای گسترده تری مراد است. آیه ۱۷۱ سوره نساء که در آن از حضرت عیسی بن مریم علیها السلام با عنوان «کلمه» یاد شده: (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ)؛ «مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه (و مخلوق) اوست» بیانگر همین نکته است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر «کلمات پروردگار» - که پایان و تمامی ندارد - می فرماید: «نَحْنُ كَلِمَاتُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنْفَدُ وَ لَا تُدْرِكُ فَضَائِلُنَا»؛ «مایم کلمات پروردگار که فضایل ما را نمی توان احصا کرد.» (۲)

نقطه «باء»

کتابی چون کتاب آفرینش

بزرگ و پرورق، خوش نقش و زیبا

شمار صفحه های بی شمارش

فزون از اختران چرخ پیما

دواتی همچو دریا، بی کرانه

مرگب، موج زن دریا به دریا

درختان زمینی و بهشتی

قلم کردیم حتی شاخ طوبی

ص: ۴۸

دوات این و کتاب این و قلم این

بُود این جا تماشا در تماشا

تمام حاملین عرش اعظم

همه کزویان مُلک بالا

صف اندر صف نشستیم و نوشتیم

صحیح و خوش عبارت، خوب و خوانا

فضیلت های بی پایان شاهی

که باشد فخر شاهان دو دنیا

شهنشاهی که خاک در گه اوست

مکین تاج خسرو، تخت کسرا

امیرالمؤمنین، مولی الموالی

ولّی الله عزّ اسمه تعالی

نخستین آفتاب برج عصمت

امام اوّلین از آل طه

شهنشاهی که شأن و شوکت اوست

ورای حدّ و فهم و فکرت ما

شهنشاهی که مهر طلعت اوست

مدار سیر و گشت آسمان ها

برای حرمت نام علی بود

که حق تعلیم کرده نام اسما

غرض مدح علی بود این که در طشت

شنیدیم از زبان پاک یحیی

شعاع نور عالمگیر او بود

که دیدیم از ید بیضای موسی

به مُرده جان ندادی گر نبودی

دم او در دم جان بخش عیسی

مگر از عقل کُل نشنیده ای تو

زبان عقل کل در مدح مولا :

کسی نشناخت قدر و پایه او

به غیر از من به جز ایزد تعالی

پیمبر عقل کُل بود و چنین گفت

چه گوید فهم و عقل ناقص ما

کسانی که تو را حق می شناسند

زبان عُذرشان اینست فردا

الها، سَیِّدا، پرورد گارا

تو ناپیدایی و وجه تو پیدا

چه گوید ذره ای در وصف خورشید

چه آرد قطره ای در پیش دریا؟

کمال ذره سرگردانی اوست

زتاب آفتاب عالم آرا

قلم بشکست و دریاها فروریخت

به آخر شد کتاب اعظم ما

ولی ما همچنان در اوّل وصف

ز بسم الله، آن هم نقطه باء (۱)

ص: ۴۹

۱- . سید محمد علی ریاضی.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«ما من قوم اجتمعوا يذكرون فضائل مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ : إلَّا هبطت الملائكة من السماء حتى ألحقوا بهم بحديثهم، فإذا تفرقوا عرجت الملائكة إلى السماء فيقول لهم الملائكة الأخر: إنا نشم رائحة منكم ما شمنا رائحة أطيب منها، فيقولون: إنا كنا عند قوم يذكرون فضل مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ : فعطرونا من ريحهم، فيقولون: اهبطوا بنا إليهم فيقولون: إنهم قد تفرقوا، فيقولون: اهبطوا بنا إلى المكان الذي كانوا فيه.»(۱)

رسول خدا فرمود :

«هیچ قومی نیستند که گرد هم آیند و از فضایل محمد و آل محمد : یاد کنند مگر این که فرشتگان از آسمان فرود می آیند و به مجلس آنان ملحق می شوند و با ایشان همسخن می گردند. و هنگامی که آنان پراکنده شوند، فرشتگان به آسمان عروج می کنند، پس فرشتگان دیگر به آنها می گویند: ما از شما رایحه ای استشمام می کنیم که تاکنون خوشبو تر از آن نبویده ایم. آن فرشتگان گویند: ما نزد گروهی بودیم که از فضایل محمد و آل محمد : سخن می گفتند و ما را از رایحه خود عطر آگین ساختند. آن فرشتگان دیگر گویند: ما را نیز نزد ایشان برید. پاسخ می دهند: آنان پراکنده شدند. آن فرشتگان دیگر می گویند: ما را به آن جایی که اجتماع کرده بودند، برید [تا از آن مکان معطر شویم].»

پیشوای اهل تسنن، احمد بن حنبل(۲) می نویسد: «سی هزار حدیث

ص: ۵۰

۱- . احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۵۲۲ به نقل از: مودّه القربی، ص ۳۸.

۲- . احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروزی، پایه گذار فرقه حنبلی، یکی از مذاهب چهار گانه اهلتسنن است. وی در سال ۱۶۴ ه. ق در بغداد به دنیا آمد و در سال ۲۴۱ ه. ق از دنیا رفت. از آثار وی: المُسند، السُّنه، رساله الصَّلاه و ما یلزم فیها، فضائل الصَّحابه، و فضائل علی علیه السلام، می باشد.

مُسند از رسول خدا درباره علی مرتضی علیه السلام صادر شده است.»

اگر این رقم را بر ده سال هجرت و توقف در مدینه تقسیم کنیم، هر سال سه هزار، هر ماه دویست و پنجاه و هر روز تقریباً هشت حدیث، از زبان پیغمبر ۹ درباره فضیلت و منقبت علی (علیه السلام) برای اصحاب بیان شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خدا و به عناوین مختلف و عبارت های گوناگون، هر صبح و شام، مردم مسلمان را در سفر و حضر و در جنگ و صلح، به بزرگواری علی (علیه السلام) متذکر ساخته تا در روز حوادث و سوانح و ابتلائات و امتحانات، خلیفه ایشان را برای یافتن راه نجات بشناسند. (۱)

۴- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در عالم انوار

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «كُنْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَسَمَ ذَلِكَ النُّورَ جُزْئَيْنِ؛ فَجُزْءٌ أَنَا وَجُزْءٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۲)

سلمان می گوید: از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

«من و علی، چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم علیه السلام نوری بودیم در برابر حضرت پروردگار، هنگامی که خداوند متعال آدم را بیافرید، آن نور را دو بخش فرمود، که یک قسمت آن من بودم و قسمت دیگرش علی (علیه السلام).»

۵- نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

سبب پذیرفته شدن توبه آدم علیه السلام

التَّيُّوْطَى فِي الدَّرِّ الْمَنْثُوْر فِي ذِيْلِ تَفْسِيْرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ) فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ آيَةِ ۳۷، قَالَ: وَ أُخْرِجَ ابْنُ النَّجَّارِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

ص: ۵۱

۱- ر.ك: پیامی بزرگ از بزرگ پیامبران، ص ۴۰.

۲- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۰۳، به نقل از: رياض النَّصْرَه، ج ۲، ص ۱۶۴.

سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، قَالَ: «سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ: إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ عَلَيْهِ» (۱)

سیوطی (۲) در تفسیر خود در ذیل تفسیر آیه شریفه (فتلقى آدم من ربه

كلمات)؛ «سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود»، از ابن عباس روایت کرده که می گوید: از رسول خدا پرسیدم: کلماتی را که خداوند متعال به آدم علیه السلام تلقین کرد و در نتیجه باعث پذیرش توبه آدم علیه السلام شد، چه بود؟ رسول خدا فرمود: «حضرت آدم علیه السلام خداوند متعال را به حقیقت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام سوگند داد و در این هنگام خداوند توبه او را پذیرفت.»

۶- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مولود کعبه

هر متتبعی پس از کاوشگری در منابع و مدارک معتبر، به این حقیقت دست می یابد که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در درون کعبه متولد گردید و این فضیلتی است که خداوند برای او قرار داده و هیچ یک از پیامبران الهی هم در این فضیلت با او شریک نیستند.

دانشمند بزرگ اهل تسنن، حافظ ابو عبدالله، معروف به حاکم نیشابوری (۳)، می گوید:

ص: ۵۲

۱- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۰۵، به نقل از: درر المثنور، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی شافعی در سال ۸۴۹ ه. ق در مصر متولد شد و در سال ۹۱۱ ه. قدر قاهره وفات یافت. از مهم ترین آثار اوست: تفسیر الدرر المثنور، احیاء المیت بفضائل أهلالیت، مسند فاطمه علیها السلام، الثغور الباسمه فی مناقب السیده فاطمه الزهراء علیها السلام.

۳- حافظ ابو عبدالله معروف به حاکم نیشابوری، و ابن بیع، در سال ۳۲۱ ه. ق در نیشابور به دنیا آمد و در سال ۴۰۵ ه. ق از دنیا رفت. تألیفات او را تا هزار و پانصد جزء برشمرده اند. معروف ترین کتاب های او عبارتند از: المدخل الی علم الصّحیح، معرفه علوم الحدیث، المستدرک علیالصّحیحین.

«و قد تواترت الأخبارُ أنَّ فاطمه بنتُ أسدٍ ولدتُ أميرَ المؤمنين عليَّ بنَ أبي طالبٍ [٧] في جوفِ الكعبة» (١)؛ یعنی: «و همانا روایات متواتر است که

فاطمه بنت اسد، حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام را در درون خانه کعبه به دنیا آورده است.»

خطیب بزرگ اهل تسنن، موفّق بن احمد، معروف به «اخطب خوارزم»، می نویسد:

«علی (علیه السلام) در مکه معظمه در درون بیت الله الحرام، روز جمعه ۱۳ رجب المرجب، در سال ۳۰ عام الفیل، ۲۳ سال پیش از هجرت و ۱۲ یا ۱۰ سال پیش از بعثت متولّد شد، و هرگز احدی پیش از او در بیت خدا متولّد نشد، و این فضیلتی است که خداوند برای ابراز مقام شامخ آن حضرت به او اختصاص داده است.»

۷- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین مسلمان

عَنْ سُلَيْمَانَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«أَوْلُكُمْ وَارِدَآ عَلَيَّ الْحَوْضِ أَوْلُكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

سلمان از رسول خدا نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«نخستین کسی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می شود، اولین کسی است که اسلام آورده است، و همانا او علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (۲)

ص: ۵۳

۱- . مستدرک علی الصّحیحین، ج ۲، ص ۵۵۰، ح ۶۰۴۴.

۲- . فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۱۸ به نقل از: مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶؛ تاریخ خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۱۸؛ استیعاب، ج ۲، ص ۴۵۷؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۱۷؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲.

۸- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نخستین نمازگزار

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«لَقَدْ صَلَّتُ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَ عَلِيَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعَ سِنِينَ وَ ذَاكَ أَنَّهُ لَمْ يُصَلِّ مَعِيَ رَجُلٌ غَيْرُهُ» (۱)

ابوایوب انصاری می گوید: رسول خدا فرمود:

«مدّت هفت سال فرشتگان الهی بر من و علی (علیه السلام) درود می فرستادند و در این مدّت مرد دیگری جز علی (علیه السلام) با من نماز نمی گزارد.»

۹- برتری ایمان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّهُ قَالَ: أَشْهَدُ عَلِيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ:

«لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَضَعَتْ فِي كَفِّهِ وَ وُضِعَ إِيمَانُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَفِّهِ لَرَجَحَ إِيمَانُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

عمر بن خطاب می گوید: وجود رسول خدا را شاهد می گیرم که از آن حضرت شنیدم که می فرمود:

«اگر آسمان های هفتگانه را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان حضرت علی (علیه السلام) را در کفه دیگر، ایمان علی (علیه السلام) از تمام آسمان ها سنگین تر خواهد بود.» (۲)

۱۰- شمایل زیبای امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ ابْنُ عَبْدِ الْبَرِّ: وَ أَحْسَنُ مَا رَأَيْتُ فِي صِفَةِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ رُبْعَهُ

ص: ۵۴

۱- فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۳۲ به نقل از: أسد الغابه، ج ۴، ص ۱۸؛ الرّياض النّضرة، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۳۱ به نقل از: الرّياض النّضرة، ج ۲، ص ۲۲۶.

من الرجال إلى القصير هو أذعج العينين، حسن الوجه كأنه القمر ليله البدر حسناً، ضخّم البطن، عريض المنكبين، شثن الكفين، عند أعيد، كأن عنقه إبريق فضّه، أصليع ليس في رأسه شعراً إلا من خلفه، كبير اللحية، لمنكبه مشاش كمشاش السبيع الضاري، لا يتبين عضده من ساعده قد أدمجت إدماجاً، إذا مشى تكفأ، وإذا أمسك بذراع رجل أمسك بنفسه فلم يشطع أن يتنفس، و هو إلى السمن ما هو شديد الساعد واليد وإذا مشى للحزب هزول، ثبت الجنان، قوي شجاع منصور على من لاقاه.»

علامه ابن البر (۱) از دانشمندان اهل تسنن گفته که جالب ترین روایتی که

در شمایل حضرت علی (علیه السلام) دیده ام آن است که حضرت علی (علیه السلام)

میانه بالا و سیاه چشم و خوش سیما بود و مانند ماه شب چهارده، از زیبایی می درخشید. شکم مبارکش بزرگ و شانه هایش پهن و انگشتانی درشت و اندامی خوش و لطیف داشت، و گردنش از سپیدی مانند تنگی از نقره بود. جلوی سرش مو نداشت و محاسنش انبوه بود. استخوان شانه اش از استواری مانند استخوان شانه شیر درنده بود. بازوبند دستش از پیچیدگی قابل تشخیص نبود. در هنگام راه رفتن گام ها را کشیده برمی داشت و هرگاه بازوی کسی را می گرفت چنان بود که جان او را گرفته تا آن جا که قدرت نفس کشیدن نداشت. دست و بند دستانش فربه بود. هنگامی که به میدان جنگ وارد می شد، هروله می کرد، دلی محکم و ثابت داشت و دلآوری نیرومند بود و با هر هموردی که روبه رو می شد بر او پیروز می گردید. (۲)

ص: ۵۵

-
- ۱- ابو عمر بن یوسف بن عبدالله عبدالبر، در سال ۳۶۸ ه. ق. متولد شد و در سال ۴۶۳ ه. ق. وفات یافت. از مهم ترین آثار او: الإستیعاب فی معرفه الأصحاب، الإنصاف فیما فی بسم الله من الخلاف، می باشد.
 - ۲- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۴۳، به نقل از: إستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۹.

۱۱- کنیه ها و لقب های امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

و أمّا ألقابُ الإمامِ عليٍّ عليه السلام: فالمرتضى و حيدرُ و أميرُ المؤمنين و الأئمةُ البطينُ، و أمّا كُنيتُهُ: فأبو الحسن و أبو السبطين، و أبو ترابٍ كناهُ بها ٩. (١)

صاحب کتاب نور الابصار می گوید: «لقب های امام علی (علیه السلام): مرتضی، حیدر، امیرالمؤمنین، و انزع البطين، و کنیه آن حضرت: ابوالحسن، و ابوالسبطين است؛ و ابوتراب کنیه ای است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای آن حضرت تعیین فرموده است.»

۱۲- نقش نگین انگشترهای امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عن عبد خير قال: كان لعلي بن أبي طالب عليه السلام أربعة خواتيم يتختم بها، ياقوت لنيله، فيروزج لنضره، حديد الصيني لقوته، عقيق لحززه، و كان نقشُ الياقوت "لا إله إلا الله الملك الحق المبين"، و نقشُ الفيروزج "الله الملك"، و نقشُ الحديد الصيني "العزة لله"، و نقشُ العقيق ثلاثه أسطر "ما شاء الله لا قوة إلا بالله أستغفر الله". (٢)

از «عبدخیر» روایت شده که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام چهار انگشتر داشت: ۱- یاقوت، برای رسیدن به حاجت؛ ۲- فیروزه، برای پیروزی بر دشمنان؛ ۳- حديد چینی، برای نیرومندی و قدرت؛ ۴- عقیق، برای نگهداری و محافظت. نقش انگشتر یاقوت: «لا إله إلا الله الملك الحق المبين»، نقش فیروزه: «الله الملك»، نقش حديد چینی: «العزة لله»، و نقش عقیقش از سه سطر تشکیل شده بود: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، استغفر الله».

ص: ۵۶

۱- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۴۸، به نقل از: نور الابصار، ص ۹۴.

۲- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۴۴ به نقل از: كنز العمال، ج ۳، ص ۳۳۶.

صحیح مسلم فی کتاب فضائل الصحابه فی باب من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام روی بسنده عن عامر بن سعد بن ابی وقاص عن ابی ه قال: امر معاویه بن ابی سفیان سعداً فقال: «ما منعك أن تسب أبا تراب؟» فقال: «أما ما ذكرت، ثلاثاً قالهن رسول الله صلى الله عليه وآله فلن أسبهُ لأن تكون لي واحدة منهن أحب إلي من حمر النعم، سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول له - وقد خلفه في بعض مغازيه - فقال له علي يا رسول الله خلقتني مع النساء والصبيان، فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: أما ترضى أن تكون مني بمنزله هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعده؟ وسمعتَه يقول يوم خيبر: لأعطين الزايه رجلاً يحب الله ورسوله ويحب الله ورسوله، قال: فتناولنا لها، فقال: ادعوا لي علياً فأتى به أزمذ العين فبصق في عينه و دفع الزايه إليه ففتح الله عليه، و لما نزلت هذه الآية (قل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم) دعا رسول الله صلى الله عليه وآله علياً و فاطمه و حسناً و حسناً فقال: اللهم هؤلاء أهلي» (۱)

عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می کند که روزی معاویه بن ابی سفیان به سعد بن ابی وقاص دستور داد تا به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام ناسزا بگوید. سعد از دستور او سرپیچی کرد. معاویه از وی پرسید: «چرا از دشنام گفتن به علی (علیه السلام) امتناع می کنی؟» سعد گفت: به خاطر آن است که از رسول خدا سه خصلت در شأن علی (علیه السلام) شنیدم که با توجه به آنها، هیچ گاه آن حضرت را دشنام نمی دهم و اگر یکی از آنها برای من بود، بهتر و ارزشمندتر از شتران سرخ مو بود که در اختیار من باشد:

۱- شنیدم زمانی که رسول خدا حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود در مدینه باقی گذاشت و حضرت علی (علیه السلام) عرضه داشت: «یا رسول الله!

ص: ۵۷

۱- فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۹۰ به نقل از: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۱؛ صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵.

مرا به خلافت بر زنان و کودکان موظف می داری؟» رسول خدا پاسخ داد: «آیا راضی می شوی از این که منزلت تو نسبت به من، همانند منزلت هارون به موسی علیه السلام است با این تفاوت که پس از من پیغمبری نخواهد بود؟»

۲- و در روز جنگ خیبر از رسول خدا

شنیدم که می فرمود: «فردا پرچم اسلام را به دست کسی می دهم که خدا و رسول او را دوست می دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست می دارد.» همه ما در انتظار بودیم تا پرچم اسلام را در اختیار بگیریم. در آن هنگام، رسول خدا فرمود: «علی (علیه السلام) را به حضور من بیاورید.» در آن هنگام، علی دچار چشم درد بود. او را آوردند. رسول خدا آب دهان مبارکش را به چشم حضرت علی (علیه السلام) مالید تا دیدگانش شفا یافت. سپس پرچم اسلام را به او سپرد و فتح و پیروزی نصیب اسلام شد.

۳- هنگامی که آیه مباهله نازل شد، رسول خدا حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به حضور طلبید و فرمود: «پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند.»

۱۴- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن

عن الزهري قال سمعت أنس بن مالك يقول: والله الذي لا إله إلا هو لسمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

«عنوان صحیفه المؤمن حُبُّ علی بن ابی طالب علیہ السلام.»

زهري روایت می کند که از انس بن مالک شنیدم که گفت: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، از رسول خدا شنیدم که فرمود: «سرلوحه نامه هر مؤمن، محبت علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^(۱)

ص: ۵۸

۱- فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۴۱، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۱۰.

۱۵- دوستی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، محوکننده گناهان

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.»

رسول خدا فرمود :

«دوستی حضرت علی (علیه السلام) گناهان را محو می کند؛ آن چنان که آتش هیزم را می سوزاند و از بین می برد.»^(۱)

۱۶- علم و آگاهی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به قرآن

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا مَا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيهَا أَنْزَلْتُ وَأَيْنَ أَنْزَلْتُ، إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا، وَلسَانًا سَوِيًّا.»^(۲)

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

«هیچ آیه ای از سوی خدای تعالی نازل نشده است، مگر این که می دانم در مورد چه امری است و در کجا نازل شده است. همانا خدای تعالی قلبی عاقل و زبانی گویا به من عطا فرموده است.»

۱۷- ازدواج امیر مؤمنان علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَاسْتَشْهَدَ عَلِيٌّ تَزْوِيجَهَا أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلِكٍ.»^(۳)

ص: ۵۹

۱- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۱۹ به نقل از: الرِّيَاضُ النَّضْرَةُ، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۶۶ به نقل از: حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷.

۳- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۴۷ به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۳۲.

انس می گوید: زمانی که رسول خدا

در مسجد تشریف فرما بود، خطاب به علی (علیه السلام)

فرمود:

«اکنون جبرئیل به من اطلاع داد که پروردگار متعال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به همسری تو درآورده و چهل هزار فرشته را شاهد این عقد قرار داده است.»

۱۸- دستور خداوند به دوستی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ.» قيل: «يا رسول الله! سمَّهم لنا.» قال: «علِيٌّ مِنْهُمْ - يَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثًا - وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ سَلْمَانُ، أَمَرَنِي بِحُبِّهِمْ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ.» (۱)

رسول خدا فرمود:

«خداوند متعال مرا به دوستی چهار نفر امر کرده است و مرا خبر داده که خودش نیز آن چهار نفر را دوست می دارد.» پرسیدند: «یا رسول الله! آن چهار تن کیانند؟» رسول خدا در پاسخ آنان سه مرتبه فرمود: «علی (علیه السلام) یکی از آنهاست و سه نفر دیگر ابوذر، مقداد و سلمان هستند که باید آنها را دوست بدارید و خدای تعالی هم آنها را دوست می دارد.»

۱۹- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راستگوی بزرگ

عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَّادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا

ص: ۶۰

۱- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۰۰ به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۹؛ صحیح ابن ماجه، ص ۱۴؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۱۹۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۵۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۸۶؛ إستیعاب، ج ۱، ص ۲۸۰.

كاذبٌ، آمَنْتُ قَبْلَ النَّاسِ سِنِينَ» (۱)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

«من بنده خدا و برادر رسول خدا و صدیق اکبرم؛ و این اوصاف را پس از من کسی نمی تواند به خود نسبت دهد، مگر انسان دروغگو! من هفت سال پیش از همه مردم به آیین اسلام گرویدم.»

۲۰- پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، پیروی از خداست

عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغَفَّارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«مَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ أَطَاعَنِي أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكَ عَصَانِي» (۲)

ابوذر غفاری از رسول خدا نقل می کند که آن حضرت صلی الله علیه و آله خطاب به علی (علیه السلام) فرمود :

«کسی که از تو فرمانبرداری داشته، از من فرمانبرداری و اطاعت کرده است، و کسی که از فرمان من اطاعت کند، از خداوند متعال اطاعت کرده، و کسی که از فرمان تو سرپیچی کند، از فرمان من سرپیچی کرده است.»

۲۱- شباہت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به انبیا علیهم السلام

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۳)

ص: ۶۱

۱- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۹۶ به نقل از: خصائص نسائی، ص ۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶، الریاض النضره، ج ۲، ص

۱۵۵.

۲- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۰۶ به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۴۵، به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۲۱۸.

«هر کس بخواهد به آدم در علمش، و به نوح در فهمش، و به ابراهیم در حلمش، و به یحیی بن زکریّا در زهدش، و به موسی بن عمران در همّت و پشتکارش نظر کند، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد.»

۲۲- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ أحد

عن أبي رافع قال: لما قتل عليّ عليه السلام أضيحاب الأثوية يوم أُحُدٍ قال جبرئيلُ: يا رسول الله! إنّ هذه لهي المَواساءُ. فقال له النبيّ صلى الله عليه وآله: «إنّه منّي و أنا منه.» فقال جبرئيلُ: «و أنا منكما يا رسول الله.» (۱)

ابن رافع می گوید: هنگامی که در روز أحد پرچمداران دشمن به دست حضرت علی (علیه السلام) کشته شدند، جبرئیل به رسول خدا گفت: «ای رسول خدا! این است مواسات و از خود گذشتگی.» رسول خدا فرمود: «این گونه مواسات از آن کسی است که او از من است و من از اویم.» جبرئیل گفت: «من هم از شمایم.»

۲۳- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ بدر

عن أبي جعفرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

«نادى ملكٌ من السماء يوم بدرٍ يُقالُ لَهُ رضوانٌ أن لا سيفٌ إلّا ذو الفقار و لا فتى إلّا عليّ عليه السلام.» (۲)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند :

ص: ۶۲

۱- فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۳۵۵، به نقل از: الرّياض النّضرة، ج ۲، ص ۱۷۲؛ مرقّات (علی بنسلطان)، ج ۵، ص ۵۶۸؛ المجمع الزّوائد، ج ۶، ص ۴.

۲- فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۳۵۴، به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۷۴؛ الرّياض النّضرة، ج ۲، ص ۱۹۰.

«در روز بدر، فرشته ای به نام "رضوان" از آسمان فریاد زد: هیچ شمشیری نیست مگر ذوالفقار، و جوانمردی به جز علی (علیه السلام) نیست.»

۲۴- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خندق

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«لُمبارزةُ عليِّ بنِ أبي طالبٍ عليه السلام لعُمرُو بنِ عبدوُدٍّ يومَ الخندقِ أفضلُ منْ أعمالِ أمتي إلى يومِ القيامة.» (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«مبارزه علی بن ابی طالب علیه السلام با عمرو بن عبدود در روز خندق، برتر از اعمال امت من است تا روز قیامت.»

۲۵- شجاعت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خیبر

عن أبي رافع مولى رسول الله صلى الله عليه وآله قال: خرجنا مع عليّ عليه السلام حين بعثه رسولُ الله صلى الله عليه وآله برأيته فلمّا دنا من الحصن خرج إليه أهله فقاتلهم فضربه رجلٌ من يهودِ فطرح تُرسه من يده فتناول عليّ عليه السلام باباً كان عند الحصن فترس به نفسه فلم يزل في يده وهو يُقاتل حتى فتح الله عليه ثم ألقاه من يده حين فرغ فلقد رأيتني في نفرٍ مع سبعه أنا ثامنهم نجهدُ عليّ أن نُقلب ذلك الباب فما نقله.» (۲)

از ابورافع، غلام رسول خدا، روایت شده که گفت: «روزی رسول خدا پرچم اسلام را به دست حضرت علی (علیه السلام) داد. همراه آن حضرت به

ص: ۶۳

-
- ۱- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۵۷، به نقل از: مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹.
 - ۲- فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۳۶۱، به نقل از: مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۰؛ مرقات (علی بن سلطان)، ج ۵، ص ۵۶۶.

قلعه خیبر نزدیک شدیم. خیبری ها از قلعه بیرون آمدند و حضرت علی (علیه السلام) با آنها به نبرد پرداخت. یکی از یهودی ها ضربه ای به حضرت وارد آورد. سپر از دست حضرت به زمین افتاد. در این هنگام، علی (علیه السلام) درب قلعه خیبر را از جا کند و مانند سپری روی سر خود قرار داد و همواره آن درب روی سر حضرتش بود و با خیبری ها می جنگید تا خدای تعالی قلعه خیبر را به دست آن حضرت گشود. سپس آن درب را به زمین افکند. پس از آن من و هفت نفر دیگر کنار آن درب آمدیم و هر چه کوشیدیم آن درب را از روی زمین بلند کنیم، نتوانستیم.»

۲۶- ملائکه یاور امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ ها

أحمدُ بْنُ حَنْبَلٍ رَوَى بِسَنَدِهِ عَنْ هُبَيْرِةَ قَالَتْ: خَطَبَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:

«لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسْبِقْهُ الْأَوْلُونَ بِعِلْمٍ وَلَا يُدْرِكُهُ الْأَخْرُونَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ يَنْعُتُهُ بِالرَّايَةِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ لَا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَفْتَحَ لَهُ.» (۱)

امام حسن مجتبی علیه السلام در ضمن خطبه ای -در مورد پدر بزرگوارش علی (علیه السلام) - فرمود:

«رسول خدا پرچم اسلام را به دست او می سپرد و به جنگ با مخالفان گسیل می داشت، در حالی که جبرئیل از جانب راست و میکائیل در سوی چپ از او حمایت و پشتیبانی می کردند، و از میدان جنگ بازمی گشت مگر آن که خورشید پیروزی از چهره او می درخشید.»

ص: ۶۴

۱- فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۹۴، به نقل از: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ذخائر العقبی، ص ۷۶.

۲۷- در مشکلات باید به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مراجعه کرد

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا عَمَّارُ! إِنْ رَأَيْتَ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ سَلَكَ وادِيًا وَ سَلَكَ النَّاسُ وادِيًا غَيْرَهُ، فَاسْلُكْ مَعِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَعِ النَّاسَ، إِنَّهُ لَنْ يَدُلُّكَ عَلَيَّ رَدِّي وَ لَنْ يُخْرِجَكَ مِنَ الْهُدَى.» (۱)

رسول خدا فرمود :

«ای عَمَّار! اگر دیدی که علی (علیه السلام) به راهی می رود و مردم به راه دیگری، پس همراه علی (علیه السلام) برو و مردم را به خود واگذار، همانا او هرگز تو را به بیراهه نمی برد و از راه راست منحرف نمی سازد.»

۲۸- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) محبوب رسول خدا

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ: «أَدْعُوا لِي حَبِيبِي.» فَدَعُّوا لَهُ أَبَا بَكْرٍ فَنَظَرَ إِلَيْهِ ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: «أَدْعُوا لِي حَبِيبِي.» فَدَعُّوا لَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا رَأَاهُ أَذْخَلَهُ مَعَهُ فِي الثُّوبِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ يَخْتَضُّهُ حَتَّى قُبِضَ وَ يَدُهُ عَلَيْهِ. (۲)

عایشه می گوید: هنگامی که لحظه رحلت رسول خدا فرارسید، فرمود: «حبیب مرا به حضور من بخوانید.» ما ابوبکر را به حضورش دعوت کردیم. همین که رسول خدا ابوبکر را دید، رو گردانید. باز فرمود: «حبیب مرا به سوی من بخوانید.» این بار عمر را به حضور مبارکشان دعوت کردیم. همین که عمر را دید، باز صورت برگردانید. و فرمود: «حبیب مرا به حضورم بخوانید.» در این هنگام، حضرت علی (علیه السلام) را دعوت کردند. همین که علی (علیه السلام)

ص: ۶۵

۱- . فردوس دیلمی، ج ۵، ص ۳۸۴، ح ۸۵۰۱.

۲- . فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۳۹، به نقل از: الزیاض النضره، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ذخائر العقبی، ص ۷۲.

را دید، او را زیر لحاف برد و در کنار خود نشاند و تا هنگامی که رحلت کرد، علی (علیه السلام) در کنارش بود، در حالی که پیغمبر اکرم دست روی بدن علی (علیه السلام) گذاشته بود.

۲۹- سفارش رسول خدا به امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

روی بسنده عن جابر بن عبدالله الأنصاری إنَّ كعب الأخبار قام زمن عمر فقال: و نحنُ جلوس عند عمر، ما كان آخر ما تكلم به رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقال عمر: سئل علياً عليه السلام، قال: أين هو؟ قال: هو هاهنا فسأله فقال علي (علیه السلام) استندتُه إلى صدری فوضع رأسه على منكبى فقال: الصَّيْلَةُ الصَّيْلَةُ، فقال كعب: كذلك آخر عهد الأنبياء و به أمروا و عليه يُبعثون، قال: فمن غسله يا أمير المؤمنين؟ قال: سئل علياً، قال: فسأله فقال: كُنْتُ أَنَا أَعْسَلُهُ و كان العباسُ جالساً و كان أسامه و شقرانُ يَخْتَلِفانِ إِلَيَّ بِالْمَاءِ. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «کعب الأخبار» در هنگامی که عمر به خلافت رسیده بود، در حضور من و دیگران از جا برخاست و از عمر پرسید: «آخرین سخن رسول خدا در آستانه مرگ چه بود؟» عمر گفت: «از علی (علیه السلام)

پرس.» کعب الاخبار گفت: «علی کجاست؟» محلّ حضرتش را نشان داد. کعب الاخبار با حضرت علی (علیه السلام) ملاقات کرد و پرسید: «آخرین سخن رسول خدا در آستانه مرگ چه بود؟» حضرت علی (علیه السلام)

پاسخ فرمود: «در آن هنگام، رسول خدا را به سینه چسبانیده بودم و آن حضرت هم سر مبارکش را روی شانه من قرار داده بود و آخرین سخنش این بود: الصَّيْلَةُ! الصَّيْلَةُ!» کعب گفت: «آری، آخرین سخن همه پیغمبران همین بود و مردم را به نماز دعوت کردند و انگیزه آنها هم برای اجرای این امر الهی بود.» کعب الاخبار از عمر پرسید: «چه کسی پیامبر را غسل داد؟» عمر گفت: «از علی (علیه السلام)

ص: ۶۶

۱- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۴۹، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۵۰.

سؤال کن. کعب پرسید: «چه کسی آن حضرت را غسل داد؟» حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «من آن حضرت را غسل می‌دادم و عباس نشسته بود و اسامه و شقران به نوبت آب می ریختند.»

۳۰- غیر از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد

عَنْ يَزِيدِ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«أَوْصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلَّا يُغَسَّلَهُ أَحَدٌ غَيْرِي فَإِنَّهُ لَا يَرَى أَحَدًا عَوْرَتِي إِلَّا طَمَسَتْ عَيْنَاهُ.»

قال عليُّ عليه السلام: «فكان الفضلُ و أسامه يُناولاني الماءَ من وراء السُّتر و هما معصُوبا العَين.»

قال عليُّ عليه السلام: «فما تناولتُ عُضْوًا إِلَّا كَأَنَّمَا يُقَلِّبُهُ مَعِيَ ثَلَاثُونَ رَجُلًا.» (۱)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «رسول خدا به من وصیت کرده بود که جز تو نباید دیگری مرا غسل دهد؛ مبادا چشم کسی به عورت من بیفتد که بلافاصله کور خواهد شد.»

سپس فرمود: «"فضل" و "اسامه" برای غسل بدن شریف، از پس پرده به من آب می دادند، و در عین حال، چشم های خود را با پارچه ای بسته بودند.»

همچنین فرمود: «در هنگام غسل، هر عضوی از اعضایش را که غسل می‌دادم، گویا سی نفر مرد در برگرداندن جسد آن حضرت به من کمک می کردند!»

۳۱- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پرداخت کننده قرض های رسول خدا

عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ ابْنِ أَبِي عَوْنٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا تُوفِّيَ أَمْرَ عَلِيٍّ (علیه السلام) صَائِحًا

ص: ۶۷

۱- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۵۰، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۶۱.

يَصِيحُ مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِدَةٌ أَوْ دَيْنٌ فَلْيَأْتِنِي فَكَانَ يَبْعَثُ كُلَّ عَامٍ عِنْدَ الْعَقَبَةِ يَوْمَ النَّحْرِ مَنْ يَصِيحُ
بِذَلِكَ حَتَّى تُؤْفَى، ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ٨ يَفْعَلُ ذَلِكَ حَتَّى تُؤْفَى ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنُ ٧ يَفْعَلُ ذَلِكَ وَانْقَطَعَ ذَلِكَ بَعْدَهُ.:

قال ابنُ أبي عَونٍ: فلا يَأْتِي أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى عَلِيٍّ بِحَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ إِلَّا أُعْطَاهُ. (١)

عبدالواحد بن ابی عون می گوید: هنگامی که رسول خدا

دعوت حق را لیبیک گفت، علی (علیه السلام) به منادی دستور داد تا فریاد بزند و بگوید: «هر کسی قراردادی با رسول خدا امضا کرده و یاطلبی از آن حضرت داشته است، بیاید تا به قرارداد او عمل کنم و طلبش را پردازم.» این کار را هر ساله در عقبه و در روز عید قربان انجام می داد، تا این که حضرت به شهادت رسید و بعد از او، حسن بن علی (علیه السلام) این کار را انجام می داد. و سپس امام حسین علیه السلام و بعد از آن بزرگوار، این عمل منقطع شد.

ابن ابی عون پس از نقل این حدیث می گوید: هیچ یک از بندگان الهی - به حق یا ناحق - علیه پیغمبر ادعایی نمی کرد، مگر این که حضرت علی (علیه السلام) حاجت او را برآورده می ساخت.

۳۲- پیش گویی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از شهادت خود

روی الأعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن ثعلبة الحماني أنه سمع علي بن أبي طالب عليه السلام يقول:

«والذي فلق الحبة و برأ التسمه لتخضبن هذه - یعنی لحيته - من دم هذا - یعنی رأسه.» (٢)

اعمش، از حبيب بن ابی ثابت، از ثعلبه حماني نقل می کند که گفت: از

ص: ۶۸

۱- فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۵۸، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۱، ص ۸۹.

۲- فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۷۵، به نقل از: إstimاعاب، ج ۲، ص ۴۷۰.

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: «قسم به خدایی که دانه را شکافته و مردم را آفریده است، محاسنم از خون سرم رنگین خواهد شد.»

۳۳- قاتل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، بدبخت ترین مردم

عن الضحاک بن مزاحم قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا علي أتدري من أشقى الأولين؟» قال: قلت: «الله ورسوله أعلم.» قال: «عاقرة الناقة.» قال: «يا علي! أتدري من أشقى الآخرين؟» قال: قلت: «الله ورسوله أعلم.» قال: «قاتلك.» (۱)

ضحاک بن مزاحم می گوید: حضرت علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا پرسید: «ای علی! آیا بدبخت ترین گذشتگان را می شناسی؟» در پاسخ گفتم: «خدا و رسول او دانانترند.» رسول خدا فرمود: «بدبخت ترین پیشینیان، کسی است که شتر حضرت صالح ۷ را، پی کرد.» رسول خدا

دو مرتبه پرسید: «آیا می دانی بدبخت ترین آیندگان کیست؟» گفتم: «خدا و رسول او آگاه ترند.» حضرت فرمود: «قاتل تو.»

۳۴- آثار شهادت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در کائنات

عن سعيد بن المسيّب قال: صبيحه يوم قتل علي بن أبي طالب عليه السلام لم ترفع حصاة من الأرض إلا و تحتها دم عبيط. (۲)

سعید بن مسیب می گوید: صبحگاه روزی که علی بن ابی طالب علیه السلام به شهادت رسید، هر سنگی از زمین برداشته می شد، زیر آن خون تازه می جوشید.

ص: ۶۹

۱- فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۸۵، به نقل از: قصص الانبياء (ثعلبی)، ص ۱۰۰.

۲- خصائص الكبرى، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳۵- اتفاقات شب شهادت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عن الحسن عليه السلام إنه لما قُتل عليُّ عليه السلام قام خطيباً فحمد الله و أثنى عليه ثم قال : «أما بعدُ والله لقد قتلتم اللئله رجلاً في ليله نزل فيها القرآن و فيها رُفع عيسى بنُ مريم و فيها قُتل يوشع بن نون فتى موسى و فيها تيب على بني اسرائيل.» (۱)

هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) به شهادت رسید، امام حسن مجتبی علیه السلام خطبه ای ایراد کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «اما بعد، به خدا سوگند، مردی را امشب کشتید که در این شب، قرآن کریم نازل شده، و در این شب، روح عیسی بن مریم علیها السلام به آسمان عروج کرد، و در این شب، یوشع بن نون، وصی حضرت موسی علیه السلام درگذشت و در این شب، توبه بنی اسرائیل پذیرفته شد.»

۳۶- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید

عن مُحَمَّد بن عبد الله بن أبي رافع عن جده إنَّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال لعليّ عليه السلام : «أنت تُقتلُ على سنتي.» (۲)

رسول خدا خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «تو بر آیین من به شهادت می رسی.»

۳۷- بهشت، مشتاق دیدار امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عن أنس بن مالك قال: سمعتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله يقولُ :

«اشتاقت الجنّة إلى أربعه: عليّ عليه السلام و المقدادُ و عمّارُ و سلمان.» (۳)

ص: ۷۰

۱- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۰۱، به نقل از: كنز العمال، ج ۶، ص ۴۱۲.

۲- همان.

۳- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۰۶، به نقل از: حليه الاولياء، ج ۱، ص ۱۹۰.

انس بن مالک می گوید: شنیدم رسول خدا فرمود :

«بهشت مشتاق دیدار چهار نفر (از مؤمنان) است: علی (علیه السلام) ، مقداد، عمّار و سلمان.»

۳۸- جایگاه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت

عن علیّ علیه السلام قال: قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا علیّ! أنت أخی و صاحبی و رفیقی فی الجنّه.» (۱)

رسول خدا فرمود: «یا علی! تو در بهشت مصاحب و رفیق من هستی.»

۳۹- درخشش امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برای بهشتیان

عن النبی صلی الله علیه و آله :

«علیُّ بنُ اَبی طالبٍ علیه السلام یزهرُ فی الجنّه ککوکِ الصُّبحِ لاهلِ الدُّنیا.» (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السلام در بهشت می درخشد، همان طور که ستاره صبحگاهی برای اهل دنیا می درخشد.»

۴۰- حوریه مخصوص امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت

عن اَبی سعید أنّ رسولَ الله صلی الله علیه و آله قال :

«لَمَّا أُسْرِي بِي دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَنَاولَنِي جِبْرَائِيلُ تُفَاحَةً فَأَنْفَلَقْتُ بِنُصْفَيْنِ فخرَجَتْ

ص: ۷۱

۱- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۴، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۶۸.

۲- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۵۰، به نقل از: كنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳.

مِنْهَا حَوْرَاءٌ فَقُلْتُ لَهَا: لِمَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (۷)، (۱)

ابوسعید می گوید: رسول خدا فرمود :

«شبی که به معراج رفتم، جبرئیل به من سیبی داد، آن را شکافتم و به دو نیم کردم، حوریه ای از میان آن بیرون آمد، از او پرسیدم: تو از آن کیستی؟ در پاسخ گفت: من برای علی بن ابی طالب علیه السلام خلق شده ام.»

ص: ۷۲

۱- فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۹، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۷۸.

فصل دوم

اشاره

ص: ۷۳

(و هذا كتاب أنزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا لعلكم ترحمون) (۱).

«و این کتابی است پربرکت، که ما [بر تو] نازل کردیم، از آن پیروی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید؛ باشد که مورد رحمت [خدا] قرار گیرید.»

در مسیر اثبات امامت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

امام رضا علیه السلام می فرماید :

«خداوند هنگامی پیامبرش را از دنیا بُرد که دینش را کامل کرده و قرآن - که روشنگر همه چیز است - را بر آن حضرت نازل کرده بود، در آن، حلال، حرام، حدود، احکام و تمام آنچه مردم به آن نیاز دارند، بیان شده است؛ چرا که خداوند فرموده: "ما در این کتاب از هیچ چیزی فروگذاری نکردیم." (۲) و در حجه الوداع در آخرین لحظات عمر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این آیه را نازل کرد: (اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً) (۳) ، و امر امامت، تمامی دین است.

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت مگر این که نشانه های دین را برای امتش

ص: ۷۵

۱- .سوره انعام، آیه ۱۵۵.

۲- . همان، آیه ۳۸.

۳- .سوره مائده، آیه ۳.

تبيين فرمود و راه [مستقيم] را برايشان آشكار ساخت و آنان را در مسير حقّ قرار داد و علي (عليه السلام) را به عنوان امام و راهنمای مردم تعيين نمود و تمام آنچه را كه ائمت به آن نياز داشت، بيان كرد.

پس هر كه گمان كند خداوند دينش را كامل نكرده، در حقيقت، كتاب خدا را رد کرده است و هر كس كتاب خدا را رد كند، كافر است.

آيا مردم به قدر و ارزش امامت و جاىگاه آن در بين مردم آگاهند، تا انتخاب آنان در آن مورد، قابل قبول باشد؟

امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ تر و جاىگاهش والاتر و مكانش رفيع تر و عمقش ژرف تر از آن است كه مردم با عقل خود به آن دست يابند، يا به آرا و عقايد خود آن را دريابند، يا بتوانند با انتخاب خود امامى را منصوب كنند.

همانا امامت مقامى است كه خداوند، بعد از رتبه نبوت و حُلت در مرتبه سوم به ابراهيم عليه السلام اختصاص داد و به چنين فضيلتى مشرفش نمود و نامش را بلند آوازه ساخت و فرمود: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (۱). ابراهيم عليه السلام با

نهایت شادى به خداوند عرض كرد: "آيا از فرزندان و نسل من هم امام بر مى گزینی؟" خداوند فرمود: "عهد من (امامت) به ظالمين نمى رسد." و اين آيه، امامت هر ستمگرى را تا روز قيامت باطل كرد و امامت را به پاكان اختصاص داد.

سپس اين امامت مخصوص پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله گرديد و به فرمان خداوند آن را به عهده علي (عليه السلام) نهاد و سپس در ميان فرزندان برگزيده او كه خداوند به آنان علم و ايمان عطا فرموده بود، قرار گرفت.

بنا بر اين، چون بعد از حضرت محمّد صلى الله عليه و آله پيامبرى نيست، امامت تا روز قيامت تنها در فرزندان علي (عليه السلام) باقى خواهد بود.

ص: ۷۶

پس این نادانان از کجا و به چه دلیل، خود، امام انتخاب می کنند؟

امامت، مقام پیامبران و میراث اوصیاست. امامت جانشینی خدا و جانشینی پیامبر و منزلت امیرالمؤمنین و میراث امام حسن و امام حسین علیهم السلام است.

همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و سبب عزت مؤمنین است. امامت ریشه رشدکننده اسلام و شاخه بلند آن است. به واسطه آن، نماز، روزه، زکات، حج و جهاد به کمال خود می رسند و غنیمت و صدقات فزونی می یابند، حدود و احکام جاری می گردد و مرزها حفظ و حراست می شوند.

امام علیه السلام چون خورشید فروزانی است که نورش عالم را فراگیرد، و در افق است به نحوی که دست ها و دیدگان به آن نرسد.

امام علیه السلام ماه تابان، چراغ فروزان و نور درخشان و ستاره راهنما در دل تاریکی ها و در گذر شهرها و کویرها و گرداب هاست.

امام علیه السلام آب گوارایی است برای تشنگان، و راهنمای هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام علیه السلام آتش روی بلندی های بیابان است که گرمابخش سرمازدگان است و ره نمای مهلکه ها، و هر که از او جدا شود، هلاک می گردد.

امام علیه السلام ابری است پر باران و بارانی شتابنده و پربرکت و خورشیدی فروزنده و سقفی سایه افکن و زمینی گسترده و چشمه ای جوشنده و برکه ای پُر از آب و باغی پُر از گل.

بنابر این، چه کسی می تواند امام را بشناسد یا او را انتخاب کند؟

هیئات! هیئات! این جاست که خردها سرگشته شده، حلم ها بیراهه رفته، عقل ها سرگردان، اندیشه خردمندان قاصر و دیده ها بی نور می گردد. بزرگان احساس کوچکی می کنند، حکیمان متحیر می شوند، و خطیبان درمانده و شاعران وامانده و ادیبان ناتوان و بلیغان درمانده می گردند، که

بتوانند یکی از شئون امام یا فضیلتی از فضایلش را توصیف کنند و همگی به عجز و کوتاهی خود اقرار می کنند.»^(۱)

جای آن است که شاهان ز تو شرمنده شوند

سلطنت را بگذارند و همه بنده شوند

آری، در عظمت چنان خورشیدی همه باید زبان به عجز، بسته و خاموشی پیشه کنند و بهتر آن که به سراغ کتاب خدا رفته و فضایل قرآن ناطق، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را از زبان قرآن صامت، بشنوند.

ما نیز در این بخش، چهارده آیه درباره امامت و ولایت حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان بزرگوارش نقل می کنیم و کلام دانشمندان شیعه و سنی را در تفسیر آن می آوریم.

ما را وظیفه ایست، نه دعوی به جاه خویش

بر من ببخش، ورنه مدیح تو هل اتی است

ص: ۷۸

۱- . إحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴؛ عیون الأخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

(إِنَّمَا وَثِقْتُكُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱)

«سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) و آیه «ولایت»

از ابوذر غفاری نقل شده که گفت: «ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا در مسجد نماز می خواندم، که سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: "خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم، ولی کسی به من جواب نداد." در همین حال، علی(علیه السلام) که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد. پیامبر که در حال نماز بود، این ماجرا را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: "خداوندا! برادرم حضرت موسی علیه السلام از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی، تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز حضرت موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده توام، به من شرح صدر بده، و کارها را بر من آسان گردان، و از خاندانم علی(علیه السلام) را وزیر من قرار بده تا به وسیله او پشتیبانی قوی داشته باشم."»

ص: ۷۹

ابوذر می گوید: «هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: "بخوان." فرمود: "چه بخوانم؟" گفت: "بخوان: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا)."»^(۱)

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، بیست و چهار حدیث از منابع اهل تسنن، و نوزده حدیث از منابع شیعه نقل کرده که این آیه در مورد ولایت حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نازل شده است.

آیه «ولایت» از دیدگاه مفسران شیعه و سنی

علما و دانشمندان شیعه معتقدند که این آیه بر امامت و ولایت حضرت علی (علیه السلام) دلالت می نماید. نظر دو نفر از آنان چنین است:

۱- علامه سید مرتضی (۲) می گوید: دلیل بر امامت حضرت، قول خداوند تعالی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) است؛ زیرا ثابت شده که لفظ «ولیکم» در آیه، افاده اولی به تدبیر امور و وجوب اطاعت دارد و نیز ثابت شده که مصداق (و الذین آمنوا) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، و این به طور وضوح، نصی بر امامت است.^(۳)

۲- شیخ طوسی می گوید: «و اما قوی ترین دلیل بر امامت حضرت علی (علیه السلام) از قرآن، آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) است.»^(۴)

لفظ «ولایت» در لغت به معانی گوناگونی از قبیل دوست، ناصر، سرپرست و معانی دیگر آمده، ولی علمای اهل تسنن از بین معانی ولایت، معنای ناصر یا محب را برای آیه ولایت برگزیده اند.

ص: ۸۰

۱- ر.ک: تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶؛ تفسیر خازن، ج ۱، ص ۴۷۵؛ فصول المهمه، ص ۱۲۲؛ تذکره الخواص، ص ۱۵.

۲- ابوالقاسم، علی بن حسین بن موسی، مشهور به سید مرتضی علم الهدی، در سال ۳۵۵ هجری در بغداد به دنیا آمد. او و برادرش سید رضی، هر دو نزد شیخ مفید به کسب علم و دانش پرداختند، و از مهم ترین تألیفات او: تنزیه الأنبیاء، الأمالی، دُررالفوائد، و الذریعه فی أصول الشریعه می باشد.

۳- الذخیره فی علم الکلام، ص ۴۳۸.

۴- تلخیص شافی، ج ۲، ص ۱۰.

طبری در تفسیر این آیه می گوید: «یعنی: ای مؤمنان! جز خدا و رسول خدا و مؤمنان که خداوند آنان را وصف کرده است، یاور شما نیستند.» (۱)

فخر رازی می گوید: «چرا جایز نباشد که مقصود از واژه «ولی» در این آیه، ناصر و محبّ باشد، و ما دلیل اقامه خواهیم کرد بر این که این معنا بهتر است از حمل آن بر معنای متصرف در امور.» (۲)

معنای صحیح ولایت در آیه

مقصود از «ولی» در آیه ولایت، سرپرست و امام است، نه محبّ و ناصر. این مطلب را از چند راه می توان اثبات کرد:

۱- کلمه «إنما» در صدر آیه ولایت، برای حصر است؛ یعنی حکم را بر آنچه پس از «إنما» ذکر شده اثبات و از آنچه ذکر نشده نفی می کند. بنابر این، باید مراد از ولایت در آیه، ولایت خاصّ باشد، و این ولایت خاص، با معنای رهبری و سرپرستی سازگار است نه محبّت یا نصرت؛ زیرا دوست داشتن و یاری کردن عمومیت دارد؛ همان طور که در آیه کریمه (و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ) (۳)؛ «مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و

یاور) یکدیگرند» بیان شده است. و نیز اگر ولایت، به معنای محبّت یا نصرت باشد، به رسول خدا و گروه خاصّی که نماز به پا می دارند و در حال رکوع، صدقه می دهند، اختصاص نخواهد داشت.

۲- یکی دیگر از قرائن موجود بر معنای «سرپرستی و سلطنت» در آیه «ولایت»، شأن نزول های آیه است که در شأن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است، نه عموم مؤمنان، و روشن است که ولایت به معنای محبّت یا نصرت، برای همه مؤمنان قرار داده شده و همه مؤمنان باید محبّ و ناصر یکدیگر باشند، نه فرد خاصّی از مؤمنان که نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند.

ص: ۸۱

۱- جامع البیان، ج ۶، ص ۳۴۳.

۲- تفسیر کبیر، ج ۱۲، ص ۲۷.

۳- سوره توبه، آیه ۷۱.

از عمر بن خطاب نقل شده که گفت: «چهل بار در حال رکوع صدقه دادم تا آیه ای که درباره علی (علیه السلام) نازل شد درباره من نیز نازل شود، ولی هیچ آیه ای نازل نشد.»^(۱)

چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟

ممکن است کسی سؤال کند که اگر مراد از (الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَ) حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، پس چرا به صیغه جمع آمده است؟

اولاً: در آیات قرآن مکرر دیده می شود که از مفرد به لفظ جمع تعبیر شده است، از جمله آنها آیه (الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا)^(۲)؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان

گفتند: "مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند؛ پس، از آن بترسید." و[الی این سخن] بر ایمانشان افزود» است که مفسران می گویند درباره نعیم بن مسعود اشجعی نازل شده، در حالی که از او به جمع تعبیر شده است.

هم چنین در آیه مباحله، که منظور از «نساءنا»، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و منظور از «أنفُسنا» حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

ثانیاً: نکته در اطلاق جمع در آیه ولایت، تعظیم مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ همان گونه که رسول خدا در روز خندق فرمود: «تمام ایمان (یعنی علی (علیه السلام)) در مقابل تمام شرک (عمرو بن عبدود) قرار گرفت.»^(۳)

ممکن است یکی دیگر از دلیل های جمع آمدن، این باشد که آیه، در مورد انفاق اهل بیت علیهم السلام باشد، و ولایت سایر امامان معصوم را نیز اثبات می کند. همان گونه که امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه ولایت فرمودند: «هُمُ الْأَئِمَّةُ؛ مراد از ایشان امامان معصوم علیهم السلام می باشند.»^(۴)

ص: ۸۲

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۸.

۲- . سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۳- . مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۶.

۴- . بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۵.

(یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر [اوصیای پیامبر] را.»

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام از طریق اهل تسنن، چهار حدیث، و از طریق شیعه، چهارده حدیث نقل کرده اند در مورد این که منظور از «اولی الامر» در آیه، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و یازده فرزند پاک اوست.

«اولی الامر» در روایات اهل تسنن

سلیمان حنفی از دانشمندان اهل تسنن، در کتاب ینابیع المودّه، ص ۱۱۶ می نویسد:

شخصی از امام علی بن ابی طالب علیه السلام پرسید: «کمترین چیزی که انسان را از راه راست خارج می کند و او را جزء گمراهان قرار می دهد، چیست؟» حضرت فرمودند: «این که حجّت الهی را فراموش کند و از او اطاعت ننماید. هر کس از حجّت الهی اطاعت نکند، گمراه است.»

آن شخص دوباره پرسید: «توضیح بیشتری بدهید، این حجّت الهی که اشاره کردید، چیست؟»

حضرت فرمود: «همان کسی که در آیه ۵۹ سوره نساء به عنوان «اولی الامر» از او یاد شده است.»

سؤال کننده برای بار سوم پرسید: «اولی الامر چه کسی است، لطفاً روشن تر بیان کنید؟»

امام علیه السلام فرمودند: «همان کسی است که پیامبر بارها درباره او فرمود: "إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمْرَيْنَ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ

ص: ۸۳

عشرتی أَهْلُ بَيْتِي! حَيِّت كَسِي اسْت كِه در حدیث آمده اسْت، اولی الأمر شخصی اسْت كه در این روایت مطرح شده اسْت. (۱)

اطاعت از «اولی الأمر» دستور خداست

امام محمد باقر علیه السلام درباره آیه شریفه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ و أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) فرمودند:

«إِنَّا عَنِ خَاصَّةً، أَمْرَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِطَاعَتِنَا؛ خَدَاوَنَدُ دَرِ اَيْنِ آيَةِ، فَكَطَ مَا رَا ارَادَةَ كَرَدَةَ وَ بَه تَمَامِ مُؤْمِنَانِ تَا رُوزِ قِيَامَتِ بَه اطاعت کردن از ما دستور داده اسْت.» (۲)

«اولی الأمر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند

در برخی از روایات اجمالاً مصادیق «اولی الأمر» بیان شده اسْت، مانند روایتی كه ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام روایت می كند كه آن حضرت فرمود: «منظور از اولی الامر در آیه، پیشوایانی اسْت كه از فرزندان حضرت علی و فاطمه ۸ هستند تا روز قیامت.» (۳)

«اولی الأمر»، دوازده امام علیهم السلام هستند

در برخی از روایات (در بیان اولی الامر) به اسم ائمه اطهار علیهم السلام تصریح شده اسْت، مانند روایتی كه جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا نقل كرده اسْت.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: وقتی آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا

ص: ۸۴

۱- آیات ولایت در قرآن، ص ۱۲۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۲۴۷۹.

۳- «الْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ و فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.» بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۶، ح ۳؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۲۴۸۵.

الرُّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) نازل شد، به رسول خدا عرض کردیم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم، امّا منظور از "اولی الامر" که خدا اطاعت آنان را در کنار اطاعت شما قرار داده است، چه کسانی هستند؟»

رسول خدا فرمود: «ای جابر! آنها جانشینان من هستند که پس از من امامت و رهبری مسلمانان با آنهاست. نخستین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام است، پس از او حسن علیه السلام، پس از او حسین علیه السلام، پس از او علی بن الحسین علیه السلام، پس از او محمد بن علی (علیه السلام)

است که در تورات به "باقر" معروف است، و تو ای جابر! او را خواهی دید، وقتی او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. پس از او جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله، پس از او موسی بن جعفر علیه السلام، پس از او علی بن موسی علیه السلام، پس از او محمد بن علی (علیه السلام)، پس از او حسن بن علی (علیه السلام)، پس از او هم نام و هم کنیه من، حجّت خدا در روی زمین و بقیّه الله در میان بندگان، پسر حسن بن علی خواهد بود.

او همان کسی است که خدای متعال به دست او شرق و غرب عالم را فتح می کند و او همان کسی است که از شیعیان و دوستانش غایب می شود؛ غیبتی که باعث می شود تنها کسانی بر امامتش باقی بمانند که قلبشان به ایمان آزموده شده باشد.»

جابر گفت: «یا رسول الله! آیا شیعیان در غیبتش از او بهره مند می گردند؟» فرمود: «آری، سوگند به کسی که مرا به نبوت برانگیخت، از او بهره مند می شوند و از نور ولایتش بهره می گیرند، همان طور که مردم از آفتاب پشت ابر بهره مند می شوند. ای جابر! این از اسرار الهی است، پس کتمان کن و به غیر اهلش نگو.» (۱)

دلالت آیه «اولی الامر» بر عصمت ائمه اطهار علیهم السلام

خداوند متعال در آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ

ص: ۸۵

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۹۹.

مَنْكُم)، به اطاعت از اولی الامر امر نموده است. روشن است که هر کس در چنین جایگاهی قرار گیرد، باید از هر خطا و اشتباهی معصوم باشد؛ زیرا بر فرض اقدام او بر اشتباه و خطا، لازم می آید که خداوند امر به اطاعت کسی کرده باشد که معصوم نیست و ممکن است خطا نماید. خطا از آن جهت که خطا است مورد نهی خداوند است. نتیجه این که در صورت عدم عصمت اولی الامر در آیه فوق، لازم می آید که امر و نهی خداوند در یک فعل و به یک اعتبار با یکدیگر جمع شود که این به طور حتم محال است. پس باید مقصود از «اولی الامر» در آیه، افراد معصوم از خطا و اشتباه باشند. (۱)

سُلیم بن قیس هلالی (۲) می گوید: از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شنیدیم که [در

بیان اولی الامر] می فرمود :

«إِنَّمَا الطَّاعَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ لَوْلَاهُ الْأَمْرُ وَ إِنَّمَا أَمْرُ بَطَاعَةِ أُولَى الْأَمْرِ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَتِهِ.» (۳)

«بر مردم واجب است که از خدا و رسول خدا و صاحبان امر پیروی کنند و علت آن که مردم باید از صاحبان امر اطاعت کنند آن است که ایشان معصوم از گناه بوده و پاکیزه اند و مردم را امر به معصیت و گناه نمی کنند.»

دلالت آیه «اولی الامر» بر اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام

«أَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بَطَاعَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ رَسُولِهِ مَقْرُونَةً؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ

ص: ۸۶

۱- ر.ک: امام شناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲- سلیم بن قیس هلالی از خواص اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام است. دو سال قبل از هجرت به دنیا آمد، و در سال ۷۶ هجری از دنیا رفت. او صاحب کتاب سلیم بن قیس، نخستین کتابی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تألیف شده به دست ما رسیده است.

۳- علل الشرایع، ص ۱۲۳، ح ۱؛ سلیم بن قیس، ص ۸۸۴، حدیث الرابع و الخمسون.

أولى الأمر منكم فإن تنازعتم في شئٍ فردوه إلى الله و الرّسول(۱) (و لو

ردوه إلى الرّسول و إلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يشتبئونهم منهم) (۲)».

امام حسن مجتبی علیه السلام - پس از بیعت مردم با ایشان - در خطبه ای فرمود: «از ما فرمان برید که اطاعت کردن از ما واجب است؛ زیرا فرمانبرداری از ما به فرمانبرداری از خدا و پیامبرش، مقرون و پیوسته است، آن جا که خداوند می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنان داوری بطلبید]". و در جای دیگر می فرماید: "در حالی که اگر آن را به پیامبر و اولو الامر - که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد."» (۳)

ص: ۸۷

۱- .سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- . همان، آیه ۸۳.

۳- . أمالی شیخ مفید، ص ۳۴۹، مجلس ۴۱، ح ۴؛ أمالی طوسی، ص ۱۲۲، مجلس ۵، ح ۱۸۸؛ إحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۶۰، ح ۲.

(یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ) (۱).

«ای پیامبر! آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان! و اگر [این کار را] نکنی، رسالت الهی را انجام نداده ای! خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه می دارد.»

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ»

آیه تبلیغ از اهمیت و عظمت ویژه ای برخوردار است که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

۱- خطاب (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ) تنها دو بار در قرآن آمده: یکی همین آیه مورد بحث (آیه ۶۷ سوره مائده)، و دیگری آیه ۴۸ همین سوره، -البته این دو آیه با هم در ارتباط است - که این خود نشانگر اهمیت و عظمت مطلبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر آن مورد خطاب قرار گرفته است.

۲- کلمه (بَلِّغْ) که خود منحصر به فرد است و در سراسر قرآن تنها در این آیه به کار رفته است.

۳- جمله (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) شاهدهی دیگر بر ویژگی خاص این آیه است و اهمیت مطلب این ابلاغ آن قدر مهم است که اگر پیامبر این کار را انجام ندهد، رسالت الهی را انجام نداده است.

۴- جمله (وَاللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ) اشاره به این است که محتوای مأموریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر مهم است که احتمال خطرات برای آن حضرت می رود، ولی خداوند متعال، پیامبرش را در مقابل این خطرات محفوظ و مصون می دارد.

ص: ۸۸

دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده اند که «آیه تبلیغ» در مورد مسأله خلافت و جانشینی حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بحث می کند و در غدیر خم نازل شده است.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، از طریق اهل تسنن، یک حدیث، و از طریق شیعه، هشت حدیث در مورد آیه تبلیغ و شأن نزول آن در بیان مقام ولایت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

ابن عساکر (۱)، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند که آیه (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) در روز غدیر خم و در شأن حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. (۲)

فخر رازی، از مفسرین اهل تسنن، درباره آیه تبلیغ می گوید :

این آیه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر اکرم دست علی (علیه السلام) را گرفت و بلند کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»؛ «هر کس که من مولای او هستم، پس از من این علی مولا و رهبر اوست، پروردگارا! کسانی که ولایت علی (علیه السلام) را پذیرفته اند، دوست بدار و کسانی که با او دشمنی می کنند، دشمن بدار.» (۳)

رسول خدا مأمور به ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

از روایات و احادیث معصومین علیهم السلام معلوم می شود که منظور از (ما أنزل إليك من ربك)، ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است؛ زیرا امری که

ص: ۸۹

۱- ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله شافعی، معروف به ابن عساکر، در سال ۴۹۹ ه. ق متولد و در سال ۵۷۱ ه. ق از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ترجمه الإمام الحسن علیه السلام، ترجمه الإمام الحسين علیه السلام، فضل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب، می باشد.

۲- ر.ک: ترجمه إمام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳- تفسیر کبیر، ج ۱۱، ص ۴۹.

پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن شده اند، و اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت آن حضرت ابلاغ نشده است، چیزی به جز مسأله ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست.

حاکم حسکانی^(۱)، از علمای اهل تسنن، حدیثی (در مورد آیه تبلیغ)

نقل کرده است. نقل او چنین است :

زیاد بن مُنذر می گوید: نزد امام محمد باقر علیه السلام بودم، در حالی که آن حضرت در حال گفت و گو با مردم بود، شخصی از اهل بصره به نام «عثمان الاعشی» برخاست و گفت: «ای فرزند رسول خدا! جانم به فدایت باد! از حسن بصری پرسیدم که این آیه [یا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك] درباره چه کسی نازل شده است؟ گفت: "درباره مردی"، ولی نام او را مشخص نکرد! [لطفاً شما بفرمایید این آیه درباره چه کسی نازل شده است؟]

امام علیه السلام فرمود: «اگر [حسن بصری] می خواست بگوید، می توانست نام او را بیان کند، ولی از ترس نگفته است [چون او در دوران بنی امیه بوده، و افزون بر آن با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) هم میانه خوبی نداشته است]. امّا من می گویم هنگامی که خداوند جان پیامبر صلی الله علیه و آله را در مقابل خطرات احتمالی تضمین کرد، آن حضرت دست علی بن ابی طالب علیه السلام را بلند کرد و او را به عنوان جانشین و خلیفه خود معرفی نمود.»^(۲)

فریاد شیطان در غدیر

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «ابلیس چهار مرتبه فریاد بلند کشیده است :

ص: ۹۰

- ۱- ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله نیشابوری، مشهور به حاکم حسکانی، در ولادت و وفات او تاریخدقیقی بیان نشده است. ذهبی در تذکره الحفاظ آورده که تا سال ۴۷۰ هجری زنده بوده و بعد از اینتاریخ وفات نموده است. از مهم ترین آثار وی، شواهد التنزیل، رساله خصائص امیرالمؤمنین درقرآن، رساله تصحیح ردّالشمس می باشد.
- ۲- آیات ولایت در قرآن، ص ۳۴، به نقل از: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲۴۸.

روزی که مورد لعن خداوند قرار گرفت، روزی که از آسمان ها به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد، و روز غدیر خم [که امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت منصوب شد]» (۱)

حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد که ابلیس و رؤسای اصحاب او هنگام منصوب شدن من در غدیر حاضر بودند، در آن روز، اصحاب ابلیس رو به او کردند و گفتند :

"این امت مورد رحمت الهی قرار گرفتند و از گمراهی محفوظ شدند و دیگر نه ما را و نه تو را بر آنان راهی نیست؛ چرا که امام و پناه خود بعد از پیامبرشان را شناختند." ابلیس با ناراحتی و اندوه از آنان جدا شد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه کلامش فرمود :

«پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد: آن هنگام که مردم بعد از وفات من بیعت تو را بشکنند، ابلیس اصحابش را جمع می کند و آنان در مقابل او به سجده درمی آیند و می گویند: "ای آقای ما! ای بزرگ ما! تو بودی که آدم را از بهشت بیرون کردی!" ابلیس می گوید: "کدام امت بعد از پیامبرشان گمراه نشدند؟ شما گمان می کنید من بر اینان سلطه و راهی ندارم؟ چگونه دیدید مرا هنگامی که کاری کردم تا امر خدا و پیامبر را درباره اطاعت علی بن ابی طالب کنار گذاردند؟"» (۲)

ص: ۹۱

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۱، ح ۱۳.

۲- . اسرار غدیر، ص ۵۴، به نقل از: کتاب سلیم، ح ۵۷۹؛ روضه کافی، ص ۳۴۳، ح ۵۴۱.

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (۱).

«امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین [جاودان] شما پذیرفتم.»

تفسیر آیه «اکمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ امر ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) شد و دست حضرت علی (علیه السلام) را بالا برد و او را به عنوان ولی و سرپرست مردم بعد از خود معرفی کرد، آیه «اکمال دین» نازل شد و دین الهی با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام به اکمال رسید.

جلال الدین سیوطی، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند :

«لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ هَبْطَ جِبْرَائِيلُ بِهِذِهِ الْآيَةِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).»

«هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود منصوب و ولایت او را بر مؤمنین اعلام کرد، جبرئیل نازل شد و آیه فوق را برای پیامبر آورد.» (۲)

و در روایت دیگری از ابوهریره نقل می کند :

هنگامی که روز غدیر، که روز هیجدهم ذی الحجه است، فرارسید، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)»؛ «هر کسی که من مولای او هستم، این علی مولای اوست. پس خداوند آیه اکمال دین را نازل فرمود.» (۳)

ص: ۹۲

۱- .سوره مائده، آیه ۳.

۲- .تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳- .همان.

در شأن نزول آیه اکمال دین -در غدیر خم - روایات بسیاری نقل شده است، علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام در این زمینه از طریق اهل تسنن، شش حدیث، و از طریق منابع شیعه، پانزده حدیث نقل کرده اند.

ویژگی های روز عید غدیر در آیه

مطابق آیه سوّم از سوره مائده، پنج ویژگی برای روز غدیر خم بیان شده است :

- ۱- روز غدیر، امید تمام دشمنان اسلام و کافران را به یأس مبدّل کرد : (الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا).
- ۲- روز غدیر، زمینه فعالیت کافران را خنثی کرد و مسلمانان نباید از آنان ترس داشته باشند: (فَلَا تَخْشَوْهُمْ).
- ۳- روز غدیر، روز اکمال دین الهی است: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).
- ۴- روز غدیر، روز اتمام نعمت الهی است: (وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي).
- ۵- روز غدیر، روزی است که خداوند راضی شد تا اسلام با ولایت، دین جاودان مردم شود: (رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا).

اگر عظمت غدیر شناخته می شد...

اگر مردم عظمت روز غدیر را می شناختند و در آن هنگام که رسول خدا

پیام ولایت و امامت حضرت علی (علیه السلام) را به عالمیان ابلاغ فرمود، حقیقتاً به ریسمان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چنگ می زدند و از دامان او و فرزندان پاکش دست برنمی داشتند، عدالت سرتاسر جهان را فرامی گرفت و برکت و رحمت خداوند متعال بر عالمیان جاری می گشت.

بلاذری(۱)، از دانشمندان اهل تسنن، نقل می کند :

وقتی با ابوبکر بیعت شد، سلمان علیه السلام گفت: «کرداذ و ناکرداذ»؛ یعنی: «کردند و نکردند!» (هر چه می خواستند انجام دادند)! اگر با علی(علیه السلام) بیعت می کردند، نعمت های الهی از بالای سر و زیر پایشان جاری می شد.»(۲)

امام حسین علیه السلام می فرماید: «اگر مردم سخن خدا و پیامبرش را می شنیدند، آسمان بارانش را، و زمین برکتش را به آنان می بخشید و هرگز در این امت اختلاف و درگیری پیش نمی آمد. و هیچ دو نفری با هم اختلاف پیدا نمی کردند و همه از نعمت های سرسبز دنیا تا روز قیامت برخوردار می شدند.»(۳)

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله

فقال الرَّجُلُ لأميرالمؤمنين عليه السلام: «فأخبرني بأفضل منقبه لك من رسول الله صلى الله عليه وآله». قال عليه السلام: «نصبه إياي بغدير خم، فقال لي بالولاية من الله عز وجل بأمر الله تبارك وتعالى.»(۴)

شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: بالاترین فضیلت خود را از جانب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به من خبر دهید. حضرت فرمودند: «منصوب کردن آن حضرت مرا در غدیر خم، که ولایت و امامت مرا از طرف خداوند اعلام فرمود.»

ص: ۹۴

- ۱- ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، از بزرگ ترین تاریخ نگاران اهل تسنن، در سده سوم هجری قمری است. تاریخ تولد و مرگ او به درستی روشن نیست. دو اثر تاریخی او انسبالأشراف و فتوح البلدان می باشد.
- ۲- انسباب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹۱، ش ۱۱۹۷.
- ۳- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۴۲، ح ۵؛ أمالی طوسی، ج ۱، ص ۵۶۶.
- ۴- کتاب سلیم، ص ۹۰۳، الحدیث الستون؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱، ح ۲؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹.

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، رکن اساسی اسلام

زراره نقل می کند که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند :

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّيْلَاءِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ». قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ: «وَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟» قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا»^(۱)

«اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت». زراره می گوید: از امام پرسیدم: «کدام یک از این ها برتر و مهمتر است؟» حضرت فرمود: «ولایت برتر است؛ زیرا کلید رسیدن به آنهاست و شخص والی و امام، دلیل و راهنمای آنهاست.»

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، محور قرآن

قال الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وِلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَبِهَا نَوَّهَتْ الْكُتُبُ وَيَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ»^(۲)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«خداوند ولایت ما اهل بیت را محور قرآن و محور همه کتاب های آسمانی قرار داد. قرآن بر ولایت ما اهل بیت استوار می گردد و با ولایت ما همه کتاب ها ارج و بها یافته و حقیقت ایمان روشن می گردد.»

کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قال الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَمَالُ الدِّينِ وَوِلَايَتُنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا»^(۳)

امام رضا علیه السلام فرمود :

«کمال دین، ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمنان ماست.»

ص: ۹۵

۱- بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۳۲، ح ۱۰؛ کافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۳، ح ۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۷، ح ۲۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸، ح ۱۹؛ مستطرفات السرائر، ص ۶۴۰.

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (۱)

«خدا فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی

آیه تطهیر درباره طهارت پنج نور مقدس : نازل گردید و دلالت دارد بر این که حضرت فاطمه زهرا و امیرمؤمنان و اولاد ایشان : از همه پیامبران الهی به جز خاتم پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و آله برتر و بالاترند.

تمامی علمای شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل تسنن در کتاب های خود، «اهل بیت» را به پنج تن آل عبا : تفسیر نموده اند (۲) و به صحت این

روایات تصریح کرده اند.

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود :

«این آیه در خانه ام سلمه، همسر رسول خدا، در شأن آن حضرت و علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام و حسن و حسین علیهما السلام نازل شد. سپس رسول خدا، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را فراخواند و عبای خیری را بر آنها پوشاند و خود نیز داخل آن شد و فرمود: خدایا! این ها اهل بیت من هستند که تو درباره آنان به من وعده داده ای. خدایا! هر پلیدی و رجس را از آنها دور کن و از هر عیب

ص: ۹۶

۱- .سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲- .البته در تفاسیر اهل تسنن، نظریه های مختلفی ارائه شده است. از جمله: الف - برخی اهل بیت را به همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر کرده اند. (تفسیر فرقان، ج ۶، ص ۵۲۶۴) ب - منظور از اهل بیت، پیامبر اسلام، علی، حسن، حسین، فاطمه علیهم السلام و همسران پیامبری باشند. (تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۹)

کاملاً پاک و تطهیر نما!

امّ سلمه عرض کرد: یا رسول الله! آیا من نیز با آنان هستم؟ رسول خدا فرمود: ای امّ سلمه! من تو را به خیر و خوبی بشارت می دهم [ولی تو از آنان نیستی].^(۱)

علامه طباطبایی این روایات را بیش از هفتاد روایت می داند و می فرماید: آن روایاتی که از طریق اهل تسنن در این زمینه نقل شده، بیش از آن است که از طریق شیعه وارد شده است.^(۲)

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام این احادیث را به چهل و یک طریق از اهل تسنن، و بیست و چهار طریق از شیعه نقل کرده است.

حسکانی، از دانشمندان اهل تسنن، درباره تفسیر آیه تطهیر می گوید:

«نزلت فی خمسہ: فی رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسین؛ این آیه درباره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.»^(۳)

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر»

(انّما): این کلمه برای منحصر کردن است، مثلاً: إنّما فی الدار زیّد؛ یعنی در خانه جز زیّد هیچ کسی نیست.

(یُریدُ الله): یُرید از باب افعال و مصدر آن «اراده» است. در این جا، منظور از اراده خداوند، اراده تکوینی است؛ به علّت این که اراده تشریحی مختصّ اهل بیت علیهم السلام نیست.

علامه بزرگوار شیخ طوسی در این باره می گوید:

«اراده خدا برای از میان بردن پلیدی ها از اهل بیت علیهم السلام از دو حال بیرون

ص: ۹۷

۱- بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶، ح ۱.

۲- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۳- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۱، ح ۶۶۱.

نیست: یا منظور آن است که از آنان خواسته تا به اطاعت خدا بپردازند و از گناهان پرهیزند. یا مراد آن است که همه پلیدی ها را از آنان برده است؛ بدین گونه که عنایت خاصی به آنان نموده که به این وسیله از زشتی ها امتناع می ورزند.

روا نیست که معنای اول مراد باشد؛ زیرا این اراده شامل همه مکلفان می شود و اختصاصی به اهل بیت ندارد، در حالی که خلافتی در این نیست که خداوند در این آیه، طهارت و پاکی را مخصوص اهل بیت علیهم السلام گردانیده است.»

(لَيْدُهِبْ): اذهاب به دو معنا به کار می رود: ۱- برطرف ساختن چیزی از محلّ خود پس از ثبوتش در آن مکان؛ ۲- دور ساختن چیزی از محلّی پیش از آن که به آن جا برسد.

(الرَّجْسُ): به معنای چیز ناپاک و نجس است.

علامه طباطبایی در این باره می فرماید :

«رَجَسَ نسبت به انسان عبارت است از درک نفسانی یا اثری شعوری، که ناشی از تعلق قلب به اعتقاد باطل یا عمل پست است و از آن جا که "الف و لام" در کلمه (الرَّجَسُ) برای جنس است، دلالت بر ازاله هر هیئت خُبث در نفس دارد که سبب خطا در اعتقاد یا عمل است و این حالت تنها منطبق بر عصمت الهی، همان صورت نفسانی است که انسان را از اعتقاد باطل و عمل بد باز می دارد.»(۱)

معنای «رَجَس» در قرآن

اشاره

رَجَس گاه در مورد پلیدی های ظاهری و گاه در مورد پلیدی های معنوی و گاهی در هر دو مورد به کار می رود.

ص: ۹۸

الف. پلیدی معنوی :

«وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ» (۱).

«و اما آنها که در دل هایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدی هایشان افزوده، و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند.»

ب. پلیدی مادی :

«أَوْ لَحْمٍ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ» (۲).

«یا گوشت خوک که پلیدی و رجز است.»

ج. پلیدی مادی و معنوی :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (۳).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید.»

در نتیجه، «رجس»، مفهوم عامی دارد که شامل هرگونه پلیدی مادی، معنوی و روحی می شود و به علت این که این کلمه به طور مطلق و بدون قید آمده و «الف و لام» بر سر آن الف و لام جنس است، و همه ناپاکی ها و پلیدی ها را دربرمی گیرد.

(أهل البيت): راغب در مفردات (۴) می گوید :

«اهل مرد کسانی هستند که در نسب یا دین و مانند آن، مثل حرفه و خانه و شهر، با او گرد آیند. پس اهل مرد در اصل کسانی هستند که در یک خانه با او جمع شوند؛ آن گاه در معنای مجازی به کار رفته و به کسانی که در نسب با

ص: ۹۹

۱- .سوره توبه، آیه ۱۲۵.

۲- .سوره انعام، آیه ۱۴۵.

۳- .سوره مائده، آیه ۹۰.

۴- .مفردات قرآن، ص ۹۶.

وی یکی باشند گفته شده است، و هر گاه «اهل بیت» به طور مطلق به کار برده شود، درباره خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود و دلیل آن آیه تطهیر است.»

نتیجه تفسیر «آیه تطهیر»

آیه شریفه تصریح دارد بر این که خداوند متعال اراده فرموده منحصرآ هرگونه رجس و پلیدی را از اهل بیت علیهم السلام دور کند؛ زیرا همان گونه که گفتیم:

أولاً، آیه با «إنّما» که حصر است شروع شده است.

ثانیاً، منظور از «یرید الله»، اراده خاصی از سوی خداوند است که همان اراده تکوینی باشد.

ثالثاً، پاکسازی اهل بیت با کلمه «تطهیرآ» که مصدر است و برای تأکید و عموم می آید، بیان شده است.

بنابر این، معنای آیه چنین می شود: خداوند اراده فرموده (به اراده تکوینی خود) که هرگونه پلیدی و رجس را فقط از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاکیزه گرداند.

(و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (۱).

«آنها که کافر شدند می گویند: "تو پیامبر نیستی." بگو: "کافی است که خداوند و کسی که همه علم کتاب [و آگاهی بر قرآن] نزد اوست، میان من و شما گواه باشد."»

تفسیر آیه «علم الكتاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی

در بسیاری از کتاب های تفسیری و حدیثی شیعه و سنی تصریح شده که منظور از (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)، کسی که همه علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام است.

حسکانی، دانشمند بزرگ اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند: از رسول خدا در مورد آیه شریفه (و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) پرسیدم، حضرت فرمود: «مقصود، برادر علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (۲)

قندوزی، از دانشمندان اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند: خدمت حضرت رسول خدا

رسیدم و عرض کردم: «منظور از (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) (۳) چه کسی است؟» حضرت فرمود: «منظور، وزیر

برادرم حضرت سلیمان بن داود علیه السلام است.» عرض کردم: «منظور از (قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) چه کسی است؟» حضرت فرمود: «منظور، برادر علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (۴)

ص: ۱۰۱

۱- .سوره رعد، آیه ۴۳.

۲- .شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۴۴۲.

۳- .سوره نمل، آیه ۴۰.

۴- .ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۷؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۱.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، بیست و سه حدیث از طریق شیعه و هیجده حدیث از طریق اهل تسنن نقل می کند که منظور از «کسی که علم همه کتاب نزد اوست»، اهل بیت رسول خدا است.

مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان علیه السلام

آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان علیه السلام بود. در سوره نمل، داستان او چنین نقل شده است: زمانی که ملکه سبأ تسلیم حضرت سلیمان علیه السلام شد و به سوی او حرکت کرد، حضرت سلیمان علیه السلام به اطرافیان خود که از جنیان و انسان ها بودند، گفت: «کدام یک از شما قادر است قبل از آن که ملکه سبأ تسلیم ما شود و نزد ما بیاید، تخت او را در نزد من حاضر کند؟» (۱)

یکی از جنیان گفت: «من آن را قبل از این که از جایگاهت برخیزی نزد تو حاضر می کنم.» (۲)

در این هنگام، کسی که قسمتی از علم کتاب نزد او بود (آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان) گفت: «قبل از آن که چشم برهم زنی، تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم، و این قدرتی است که خداوند از فضل خود به من عنایت فرموده است.» (۳)

خداوند متعال در وصف آصف بن برخیا می فرماید: (قال الذی عنده علم من الكتاب)؛ یعنی: «کسی که علم قسمتی از کتاب در نزد او بود.» در این باره در روایات آمده است که منظور از «قسمتی از علم کتاب» یک حرف از حروف اسم اعظم الهی است که در نزد او بود و با آگاهی از آن چنین قدرت عظیمی یافته بود. حال، با توجه به این که وصی حضرت رسول رب

ص: ۱۰۲

-
- ۱- «قال يا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ». سوره نمل، آیه ۳۸.
 - ۲- «قال عَفْرِيَّتُ مِنَ الْجَنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ». همان / ۳۹.
 - ۳- «قال الذی عنده علم من الكتاب أنا آتیک به قبل أن یرتد إليك طرفک فلما رآه مُسْتَقْرَأً عنده وقال هذا من فضل ربی» همان / ۴۰.

العالمین، یعنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به هفتاد و دو حرف از اسم اعظم الهی علم دارد، آیا قدرتش با آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان علیه السلام قابل مقایسه خواهد بود؟

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «نسبت کسی که بعضی از علم کتاب را دارا است (آصف بن برخیا) در مقابل کسی که آگاه به تمام کتاب است (حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام)، مانند آبی است که پشه با بال خود از دریا بردارد در مقابل عظمت آب دریا.»^(۱)

آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کتاب های آسمانی

در روایات بسیاری آمده است که تمام کتاب های آسمانی که بر پیغمبران نازل شده و همه علوم آنها، نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و جانشینان او تا روز قیامت موجود می باشد.^(۲)

علی بن ابراهیم قمی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «آگاه باشید! همانا علمی که آدم آن را از آسمان بر زمین فرود آورد و تمام آنچه به وسیله آن، پیامبران الهی تا خاتم پیامبران فضیلت و برتری داده شدند، نزد خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.»^(۳)

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن

علامه طبرسی^(۴) نقل می کند، شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید :

ص: ۱۰۳

۱- . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶۰، ح ۶؛ غایه المرام، ج ۴، ص ۵۸، الحدیث الثالث.

۲- . ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۲۵، و ج ۱۷، باب علم پیغمبر صلی الله علیه و آله ص ۱۳۰ تا ۱۴۶.

۳- . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۴- . ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علمای قرن ششم هجری است و در سال ۵۴۸ هجرت از دنیا رفت. از مهم ترین تألیفات او، احتجاج، الکافی در فقه، تاریخ الأئمه و فضائل الزهراء علیها السلام می باشد.

«بهترین و بالاترین فضیلتی که خداوند به شما داده چیست؟» حضرت همین آیه (علم الكتاب) را تلاوت کرد و فرمود: «خداوند متعال از آیه (و من عنده علم الكتاب) ما اهل بیت را قصد نموده است.»^(۱)

نکات مهم آیه

۱- کلمه (عنده) ظرف و خبر برای جمله (علم الكتاب) است و خبر باید بعد از مبتدا بیاید، ولی در این جا خبر مقدم شده است، و طبق قانون «تقدیم ما حقه التأخیر یفید الحصر و الاختصاص»، از این جمله آیه استفاده می شود که علم به همه کتاب فقط نزد برخی افراد است.

۲- ضمیمه شدن شهادت کسی که علم کتاب در نزد اوست به شهادت خداوند، از قبیل ضمیمه کردن دلیل ظنی به دلیل علمی و قطعی نیست، بلکه هر کدام از گواهی ها، دلیل تام و مستقلاً بر اثبات رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۳- الف و لام در (الكتاب) برای عهد است. بنابر این، یا به قرآن بازمی گردد که علم تمام اشیاء در آن است: (و لا رطب و لا یابس إلا فی کتاب مبین)^(۲)، یا به لوح محفوظ برمی گردد که در آن هر چیزی - تا روز قیامت - نوشته شده است.

۴- اضافه (علم) به (الكتاب)، یعنی اضافه مصدر به مفرد محلی به الف و لام، مفید عموم و استغراق است و شامل علم به تمام کتاب می شود.^(۳)

ص: ۱۰۴

۱- . إحتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹؛ کتاب سلیم، ص ۹۰۳، الحدیث الستون.

۲- . سوره انعام، آیه ۵۹. ترجمه: «هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتابی روشن [ثبت] است.»

۳- . ر.ک: امام شناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۴۰۷.

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (۱).

«هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده، [باز] کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباهله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم.»

معنای «مباهله» در لغت

واژه «مباهله» مشتق از مادّه «بهل» است. جمله «بهل الله» به معنای «لعنه الله» آمده است و مباهله به معنای لعنت کردن بر یکدیگر است. برخی در توضیح این واژه آورده اند که مباهله، تضرّع و ابتهال و لابه است. ابتهال، گاه برای دفع بلاست و زمانی برای نزول بلا. (۲)

تفسیر آیه «مباهله» در مدارک معتبر شیعه و سنی

آیه مباهله از آیاتی است که به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد. مفسّران اجماع دارند که این آیه در مورد مباهله پیامبر اسلام به همراه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام با مسیحیان نجران نازل شده است.

علامه سیّد هاشم بحرانی در غایه المرام در مورد این که آیه مباهله در مورد پنج تن آل عبا: می باشد، نوزده حدیث از طریق اهل تسنّن و پانزده حدیث از طریق شیعه نقل کرده است.

ص: ۱۰۵

۱- . سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۲- . ر.ک: تفسیر موضوعی، ج ۹، ص ۱۸۳.

حاکم نیشابوری می گوید: در تفاسیر اخبار متواتری از ابن عباس و دیگران روایت شده که رسول خدا در روز مباحله دست علی و حسن و حسین علیهم السلام را گرفته و فاطمه ۳ را پشت سر خود قرار داد. آنگاه فرمود: «اینها فرزندان ما و نفس های ما و زنان ما هستند، شما نیز نفس ها و فرزندان و زنان خود را بیاورید، تا این که مباحله کرده و لعنت خدا را بر کافران قرار دهیم.» (۱)

علامه قاضی نور الله شوشتری می گوید :

«أجمع المفسرون على أنّ "أبناءنا" إشارة إلى الحسن والحسين عليه السلام و "نساءنا" إشارة إلى فاطمه عليها السلام و "أنفسنا" إشارة إلى عليّ عليه السلام.» (۲)

«همه مفسران اتفاق نظر دارند که منظور از "أبناءنا" در آیه مباحله، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، و مراد از "نساءنا" حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، و منظور از "أنفسنا" امیرالمؤمنین علیه السلام است.»

واقعه تاریخی مباحله

مأمون عباسی روزی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: «بزرگ ترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را که قرآن بر آن دلالت دارد به من خبر بده.»

حضرت فرمود: «فضیلتی که در مباحله است؛ زیرا خداوند عزوجلّ می فرماید: هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت می کنیم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.» (۳)

آن گاه رسول خدا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را که دو فرزند او به

ص: ۱۰۶

۱- . احقاق الحق، ج ۳، ۴۸؛ معرفه علوم الحدیث، ص ۵۰.

۲- . احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۶.

۳- . سوره آل عمران، آیه ۶۱.

حساب می آمدند، دعوت کرد و نیز حضرت فاطمه ۳ را که جزء «نساء» او به حساب می آمد خواست، و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام را که به حکم خداوند، نفس او به حساب می آمد، دعوت نمود.

این مطلب هم ثابت است که هیچ یک از مخلوقات خدای تعالی از پیامبر صلی الله علیه و آله افضل و بالاتر نیست. بنابر این، به حکم خدای عزوجل باید کسی از نفس رسول خدا (یعنی امیر مؤمنان علی(علیه السلام)) بالاتر نباشد.»

مأمون پرسید: «شاید منظور از "أنفسنا"، خود حضرت باشد.» امام رضا علیه السلام فرمود: «این صحیح نیست؛ زیرا دعوت کننده همیشه دیگری را فرامی خواند و معنا ندارد که خود را فراخواند، در مباحثه هم می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فقط یک نفر مرد را خوانده و او امیرالمؤمنین علیه السلام است. پس ثابت شد که علی(علیه السلام) نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است که خداوند سبحان در کتابش قصد کرده و حکم خود درباره نفس بودن امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله را در کتابش قرار داده است.»(۱)

دلالت آیه «مباحله» بر امامت امیرمؤمنان علی(علیه السلام)

در اجتماع عظیم علمای مذاهب با حضور امام رضا علیه السلام اثبات فضیلت اهل بیت علیهم السلام بر سایر مردم مطرح شد، مأمون پرسید: «درباره این آیه به من خبر دهید: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (۲)؛ سپس این

کتاب [آسمانی] را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.» علما گفتند: «منظور خداوند از برگزیدگان، در این آیه، همه امت است.» مأمون رو به امام رضا علیه السلام کرد و پرسید: «یا اباالحسن! شما در این باره چه می گوید؟»

حضرت فرمود: «من مانند اینان نمی گویم، بلکه من می گویم "برگزیدگان"، (در آیه) اهل بیت علیهم السلام هستند.»

ص: ۱۰۷

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۵۷.

۲- . سوره فاطر، آیه ۳۲.

علما پرسیدند: «به ما خبر بده که آیا خداوند در کتابش "برگزیدن" را تفسیر کرده است؟» حضرت فرمود: «گذشته از باطن قرآن، در دوازده مورد از ظاهر قرآن بیان نموده است.» آن گاه مورد اول و دوم را ذکر کردند و در مورد سوم فرمودند:

«سومی آن گاه بود که خداوند، پاکان از خلقش را برگزید و به پیامبرش دستور داد به وسیله آنان مباحله کند، آن جا که در آیه مباحله فرمود: "ای محمّد! (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)". پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی و امام حسن و امام حسین و فاطمه زهرا علیها السلام را آورد و نفس آنان را با نفس خود قرین ساخت، آیا می دانید معنای "أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ" چیست؟»

علما گفتند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خودش را قصد کرده بود.»

امام رضا علیه السلام در ردّ گفتار آنان فرمود: «از گفتن "أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ"، علی بن ابی طالب علیه السلام را قصد کرده بود. دلیل بر این مطلب آن است که آن حضرت (در جایی دیگر) فرمود: بنو ولیعه دست بردارند که در غیر این صورت کسی را سراغ آنان می فرستم که مانند خودم است [که منظور پیامبر از شخصی مانند خودم، حضرت علی (علیه السلام) بود].»

پس پیامبر صلی الله علیه و آله از "أَنْفُسَنَا"، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، و از "أَبْنَاءَنَا"، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، و از "نِسَاءَنَا"، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را قصد کرده بود. این خصوصیت و فضیلتی است که احدی در آن بر ایشان مقدم نشده و فضیلتی است که احدی از بشر بعد از آن دست نمی یابد، و شرافتی است که هیچ خلقی به سوی آن سبقت نگرفته است؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی (علیه السلام) را مانند نفس خود قرار داده است. [\(۱\)](#)

ص: ۱۰۸

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (۱).

«ای پیامبر! بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم].»

تفسیر آیه «مودت» در مدارک معتبر شیعه و سنی

احمد بن حنبل، از علمای اهل تسنن، از سعید بن جبیر نقل می کند :

لَمَّا نَزَلَتْ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قَالُوا: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قَرَابَتُكَ؟ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟» قَالَ: «عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا» وَقَالَهَا ثَلَاثًا (۲).

هنگامی که آیه «مودت» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، مردم از آن حضرت پرسیدند: «منظور از نزدیکان شما که در این آیه آمده و مودت آنها بر ما واجب شده چه کسانی هستند؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند» و این جمله را سه بار تکرار کرد.

روایاتی که شیعه و سنی در این خصوص نقل کرده اند در حدّ تواتر است. علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، هفده حدیث از طریق اهل تسنن و بیست و دو حدیث از طریق شیعه، درباره نزول آیه مودت در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است.

اجر و مُزد رسالت انبیای الهی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اجر و مُزد رسالت خود را مودت نزدیکانش قرار داده است. قرآن کریم مسأله اجر و مزد رسالت را از زبان پنج تن از پیامبران

ص: ۱۰۹

۱- .سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- .مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۹؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۴۴.

بزرگ دیگر نیز مطرح می کند، با این تفاوت که هیچ کدام از آن بزرگواران اجر و مزدی درخواست نکرده اند و تمام آن بزرگواران فرموده اند: «من برای این دعوت و رسالت هیچ اجر و مزدی از شما درخواست نمی کنم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.»

آیه اول: حضرت نوح علیه السلام: (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۱).

آیه دوم: حضرت هود ۷: (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُوْدٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۲).

آیه سوم: حضرت صالح ۷: (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۳).

آیه چهارم: حضرت لوط ۷: (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۴).

آیه پنجم: حضرت شعيب ۷: (إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۵).

چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟

به راستی، چرا پیامبران الهی هیچ گونه اجر و مزدی درخواست

ص: ۱۱۰

۱- .سوره شعراء، آیات ۱۰۶ - ۱۰۹.

۲- . همان، آیات ۱۲۴ - ۱۲۷.

۳- . همان، آیات ۱۴۲ - ۱۴۵.

۴- . همان، آیات ۱۶۱ - ۱۶۴.

۵- . همان، آیات ۱۷۷ - ۱۸۰.

نکرده اند، ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اجر و مزد رسالت خود را مودّت و دوستی با نزدیکانش قرار داده است؟

برای روشن شدن پاسخ لازم است دو آیه دیگر از قرآن را در کنار آیه مودّت قرار دهیم:

آیه اوّل: (قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (۱).

«ای پیامبر! بگو: من هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام، برای خود شماست، و اجر من تنها بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است.»

آیه دوّم: (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) (۲).

«ای پیامبر! بگو: من در برابر آن [بلاغ آیین خدا]، هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند [این پاداش من است].»

با تأمل در این دو آیه، به این نتیجه می رسیم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همچون سایر انبیای الهی، هیچ اجر و مزدی برای رسالت خود از مردم نخواست است، و اگر در آیه، مسأله «مودّت نزدیکان» بیان شده، نفع آن به خود مردم برمی گردد.

وجوه دلالت آیه «مودّت» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

اشاره

وجوه دلالت آیه مودّت بر امامت اهل بیت علیهم السلام به قرار زیر است:

۱- وجوب مودّت، مستلزم وجوب اطاعت:

مقصود آیه، تنها مجرّد محبّت و مودّت نیست، بلکه خداوند متعال به مودّتی امر نموده است که به دنبال آن، انقیاد و اطاعت و فرمانبرداری باشد و

ص: ۱۱۱

۱- .سوره سبأ، آیه ۴۷.

۲- .سوره فرقان، آیه ۵۷.

این مطلب را از چند طریق می توان اثبات نمود :

الف) از طریق لفظ «مودّت»؛ زیرا مطابق رأی برخی از لغت شناسان، «مودّت» عبارت از محبتی است که همراه با اطاعت باشد.

ب) از طریق مراجعه به آیات دیگر؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) (۱).

«[ای پیامبر!] بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد.»

مقصود از متابعت در این آیه، همان اطاعت و فرمانبرداری است؛ زیرا خداوند در جایی دیگر می فرماید: (وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي) (۲)؛ «و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است. پس از من پیروی

کنید و فرمانم را اطاعت نمایید.»

در این آیه، «اطاعت» عطف تفسیری بر متابعت شده است.

می دانیم که متابعت و فرمانبرداری تام و اطاعت مطلق، تنها برای امام و ولی خداست که ولایت و امامتش از جانب خداوند ثابت شده است.

علامه حلی می فرماید: «وجوب مودّت، مستلزم وجوب اطاعت است.» (۳)

۲- وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت :

از آیه مورد بحث استفاده می شود که اهل بیت عصمت و طهارت : کسانی هستند که محبتشان به طور مطلق واجب است و هر کس که چنین باشد محبوب ترین افراد نزد خداوند و رسول خواهد بود، و در نتیجه، او افضل افراد امت است؛ همان گونه که ابن حجر به آن تصریح دارد؛ او می گوید: «محبت دینی ملازم با افضلیت است، پس هر کس که افضل است

ص: ۱۱۲

۱- .سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲- .سوره طه، آیه ۹۰.

۳- .نهج الحق، ص ۱۷۵.

محبت ما به او بیشتر است.»(۱)

این را نیز می‌دانیم که مطابق قاعده، هر کس افضل است باید امام و رهبر جامعه باشد، ابن تیمیّه می‌گوید: «ولایت دادن به "مفضول"، با وجود "افضل" ظلم بزرگی است.»(۲) محبّ الدّین طبری(۳) می‌گوید: «به طور کلی،

ولایت مفضول با وجود افضل، منعقد نمی‌گردد.»(۴)

۳- محبت مطلق، ملازم با عصمت :

در این آیه، به محبت به صورت مطلق امر شده است و از آن جا که محبت مستلزم اطاعت است، پس در حقیقت، پیامبر به اطاعت مطلق از اهل بیت خود امر نموده است. هم چنین از آن رو که اطاعت مطلق تنها باید از معصوم صورت پذیرد، در نتیجه، ذوی القربی که همان اهل بیت عصمت و طهارتند معصوم هستند، و بر همین اساس مرجع دینی مردم بعد از رسول خدا خواهند بود.(۵)

ص: ۱۱۳

-
- ۱- . صواعق المحرقة، ص ۹۷.
 - ۲- . منهاج السنّه، ج ۳، ص ۲۷۷.
 - ۳- . محبّ الدّین، احمد بن عبدالله طبری شافعی، در سال ۶۱۵ به دنیا آمد و در سال ۶۹۴ درگذشت. واز مهم ترین آثار وی: ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، الرّیاض النّضرة فی مناقب العشرة، السّمط الثمین فی مناقب أمّهات المؤمنین، می باشد.
 - ۴- . الرّیاض النّضرة، ج ۱، ص ۲۱۶.
 - ۵- . ر.ک: امام شناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۴۷۱.

(و من الناس من یشری نفسه اِبتغاء مرضات الله و الله رؤف بالعباد)(۱).

«بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.»

تفسیر آیه «لیله المیت» در مدارک معتبر شیعه و سنی

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده اند که این آیه در مورد امیرمؤمنان علی(علیه السلام) نازل شده و اشاره دارد به جان فشانی و فداکاری آن حضرت در زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مدینه هجرت فرمود، و علی(علیه السلام) را در بستر خود خوابانید.

حاکم نیشابوری می گوید: «اولین کسی که جان خود را برای طلب رضای خدا فروخت، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود.»(۲)

ابن ابی الحدید، از دانشمندان اهل تسنن، می گوید :

«تمام مفسران روایت کرده اند که آیه (و من الناس من یشری نفسه اِبتغاء مرضات الله)، در شأن علی(علیه السلام) در شب خوابیدن او در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.»(۳)

علّامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، در تفسیر این آیه در مورد امیرمؤمنان علی(علیه السلام) یازده حدیث از طریق اهل تسنن و یازده حدیث از طریق شیعه نقل می کند.

ص: ۱۱۴

۱- .سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۲- . مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۵، ح ۴۲۶۴.

۳- . شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید، می گوید :

«حدیث خوابیدن علی (علیه السلام) در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله به تواتر ثابت شده و قابل انکار نیست. بنابراین، جز انسان دیوانه یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، چنین روایتی را انکار نمی کند؛ زیرا تمام مفسران اتفاق نظر دارند که آیه شریفه (و من الناس من یشری نفسه)، در لیلہ المبیّت، در شأن علی (علیه السلام) نازل شده است.»^(۱)

ظهور فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت

ثعلبی، یکی از مفسران بزرگ اهل تسنن، در تفسیر خود، روایت بسیار زیبایی را درباره واقعه لیلہ المبیّت نقل می کند که مضمون آن چنین است :

«هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می خواست به مدینه هجرت کند، علی بن ابی طالب علیه السلام را در بستر خود خوابانید، و به او فرمود: «بُرد حضرمی سبز را بر روی خود بینداز، و بدان که اگر خداوند بخواهد، هیچ بلایی به تو نخواهد رسید.»

خداوند متعال خطاب به جبرئیل و میکائیل فرمود: «شما دو نفر برادر یکدیگر هستید و من بین شما عقد اخوت بستم و عمر یکی از شما را از دیگری طولانی تر کردم، کدام یک از شما حاضرید که در عمر خود فداکاری و ایثار کنید؟» هیچ کدام سخنی نگفتند. خداوند متعال به آنها فرمود: «به خانه پیامبر ما در روی زمین نگاه کنید؛ من بین او و بین محمد عقد اخوت بستم، ببینید که چگونه علی برای حفظ جان پیامبر، زندگی خویش را فدا کرده است. به سوی او بروید و او را از شر دشمنان حفظ کنید.» این دو ملک به زمین آمدند و در خانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حاضر شدند، جبرئیل بر بالای سر علی (علیه السلام) و میکائیل پایین پای حضرت قرار گرفتند. سپس خطاب به علی (علیه السلام)

ص: ۱۱۵

۱- شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۱، خطبه ۲۳۸.

گفتند: "بَخُّ بَخُّ لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ، مَنْ مَثَلُكَ؟ وَ قَدْ بَاهَى اللَّهُ بِكَ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَ فَاخِرُ بَكَ؛ مَبَارَكٌ بَادًا! مَبَارَكٌ بَادًا! چه کسی مثل توست ای فرزند ابی طالب؟ در حالی که خداوند بر تو به ملائکه آسمان مباحات و افتخار می کند."

خداوند متعال در حالی که رسولش متوجه به سوی مدینه بود، در شأن علی (علیه السلام) این آیه را نازل کرد: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ) (۱).

دلالت آیه «لَيْلَةَ الْمَبِيتِ» بر امامت امیرالمؤمنان علی (علیه السلام)

علامه محمد حسن مظفر می گوید :

«و اما دلالت آیه بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت این است که نزول آیه کاشف از افضلیت حضرت و امتیاز او در معرفت و اخلاص است؛ زیرا چه بسیار از مسلمانان که جان خود را در جهادها بذل کردند و رسول خدا را حفظ کرده، نشر دعوت او نمودند، ولی به مقامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به آن نایل شد، نرسیدند؛ که آن شهادت و گواهی خداوند بر عمل با اخلاص و با نیت پاک او بود. او تنها کسی بود که در نهایت اخلاص و تنها به جهت جلب رضایت خداوند جان خود را در طبق اخلاص نهاد، تا جایی که خداوند به عمل او بر بزرگان از ملائکه مباحات کرد. و عقد اخوت بین او و پیامبر نسبت به جمله "مَنْ مَثَلُكَ؟"، که جبرئیل به حضرت علی (علیه السلام) گفت، دلالت دارد بر این که عمل او هیچ نظیری در بین مردم نداشته و نخواهد داشت. و می دانیم که افضل افراد، لیاقت امامت را دارد.» (۲)

ص: ۱۱۶

-
- ۱- . الکشف و البیان، ج ۲، ص ۱۲۵، به نقل از: أسد الغابه، ج ۴، ص ۲۵؛ مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۲؛ تفسیر طبری، ج ۹، ص ۴۰.
 - ۲- . دلائل الصّدق، ج ۴، ص ۳۹۸.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (۱).

«همانا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات [خدا] هستند.»

معنای «بریه»

«بریه» از ماده «برء» به معنای خلقت است و لذا خداوند را «باری» به معنای «خالق» و مخلوقات را «بریه» می گویند. بعضی معتقدند «بریه» از «بزی» - بر وزن «برگ» - به معنای «خاک» است و از آن جا که مخلوقات از خاک گرفته شده اند به آنها «بریه» گفته می شود. بعضی دیگر گفته اند: «بریه از برئتُ القلم [؛ "قلم را تراشیدم"] گرفته شده است و از آن جا که مخلوقات از نظر شکل و قامت، به فرمان الهی به صورت های مختلف درمی آیند، گویی مانند قلم هایی هستند که در کارگاه آفرینش تراشیده می شوند، بدین جهت به آنها "بریه" گفته شده است.» (۲)

خداوند متعال در این آیه برای بهترین مخلوقات، دو صفت ذکر فرموده است: «ایمان به خدا»، «عمل صالح».

تفسیر آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی

روایات فراوانی در کتاب های شیعه و سنی وجود دارد که رسول خدا، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و شیعیان او را «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» معرفی فرموده است.

علامه سید هاشم بحرانی، در غایه المرام در این زمینه، یازده حدیث از طریق اهل تسنن و هفت حدیث از طریق شیعه نقل کرده است.

ص: ۱۱۷

۱- .سوره بینه، آیه ۷.

۲- . پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۵۹، پاورقی ش ۱.

۱) طبری، از مفسران اهل تسنن، در تفسیر خود از ابوجارود نقل می کند که از امام محمد باقر علیه السلام درباره آیه: (أولئك خير البریه) پرسیدم، حضرت فرمود: «رسول خدا فرمود: ای علی! تو و شیعیانت خیر البریه هستید.»^(۱)

۲) جابر بن عبدالله انصاری می گوید: هنگامی که آیه «خیر البریه» نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به علی (علیه السلام) کرد و فرمود:

«هُم أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ تَرُدُّ عَلَيَّ وَ شِيعَتُكَ رَاضِينَ مَرْضِيَّينَ.»

«منظور از "خیر البریه" تو و شیعیانت هستید و در روز قیامت بر من وارد می شوید در حالی که خدا از شما راضی است و شما هم از خداوند خشنود هستید.»^(۲)

۳) از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«رسول خدا در حالی که من او را به سینه چسبانده بودم از دنیا رحلت نمود، فرمود: "ای علی! آیا قول خداوند تعالی: (إِنَّ الْعَالَمِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) را نشنیده ای؟ آنها شیعیان تو هستند، وعده گاه من و شما در کنار حوض کوثر است."»^(۳)

آیا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل است؟

آلوسی، مفسر اهل تسنن در این باره می گوید:

«اگر منظور از "خیر البریه" علی (علیه السلام) است، لازم می آید که او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر و برتر باشد، چون آیه مطلق است و مفهومش این است که مصداق آن از همه انسان ها بالاتر است.»^(۴)

پاسخ: اولاً: طبق آیه مباحله و برخی از احادیث، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نفس رسول خدا است و بین این دو جدایی نیست تا آیه دلالت بر برتری حضرت علی (علیه السلام) بر رسول خدا داشته باشد.

ص: ۱۱۸

۱- جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۷۱.

۲- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹.

۴- روح المعانی، ج ۱۵، ص ۴۳۳.

ثانیاً: برای «خیر البریه» شدن، قرآن دو صفت بیان کرده است که یکی از آن دو صفت ایمان به خدا و رسول اوست، و امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر ایمان به خدا و رسول به مقام «خیر البریه» رسیده است.

ثالثاً: طبق برخی از روایات که اهل سنت نیز نقل کرده اند، آیه به بهترین مخلوق بعد از رسول خدا اشاره دارد؛ همان گونه که حسکانی در شواهد التنزیل (۱) نقل کرده است: «قال جابرٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) فَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَقْبَلَ قَالَ أَصِيحَابُ مُحَمَّدٍ قَدْ أَتَاكُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ «جابر می گوید: پس از آن که خداوند آیه "خیر البریه" را نازل کرد، هر گاه مسلمانان علی (علیه السلام) را می دیدند، می گفتند: بهترین مخلوق خدا، پس از رسول الله صلی الله علیه و آله آمد.»

امیرمؤمنان علیه السلام بهترین بندگان

در بسیاری از متون حدیثی عامه، روایات مستندی از رسول خدا نقل شده است به این معنا که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین مخلوقات و بهترین افراد بشر است.

مُتَقَى هندی در کنز العمال از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

«عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْبَشَرِ مِنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ»؛

«علی (علیه السلام) بهترین افراد بشر است، هر که امتناع ورزد کافر شده است.» (۲)

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

«مَنْ لَمْ يَقُلْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ النَّاسِ فَقَدْ كَفَرَ.»

«هر که نگوید علی (علیه السلام) بهترین مردم است، به تحقیق کافر شده است.» (۳)

قاضی ابوبکر بن الطیب در مناقب الأئمة از رسول خدا نقل می کند

ص: ۱۱۹

۱- . شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- . کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۵، ح ۳۳۰۴۵.

۳- . تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۹۲، ش ۱۲۳۴.

که فرمود: «خَيْرٌ مَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ بِغَيْرِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» «پس از من بهترین کسی که روی زمین راه می رود، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^(۱)

نتیجه

طبق آیه «خیر البریه» و روایات بسیاری که از شیعه و اهل تسنن در تفسیر آن، نقل شده، بهترین مردم پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. و بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که همواره بهترین مردم باید امام و رهبر باشد. در نتیجه، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که بهترین مردم است باید امام باشد.

«شیعه» کیست؟

واژه «شیعه» در لغت در دو معنا به کار رفته است :

۱. موافقت و هماهنگی دو فرد یا دو گروه در عقیده یا عملی، بدون این که یکی تابع دیگری باشد؛ چنان که در لسان العرب آمده است: «شیعه جماعتی را گویند که بر امری اجتماع کنند. پس هر قومی را که بر امری اجتماع کنند شیعه نامند.»

۲. متابعت و پیروی از دیگری؛ چنان که در قاموس المحيط آمده است: «شیعه رجل، اتباع و انصار اوست.»^(۲)

شیعه در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که بخصوص از علی (علیه السلام) پیروی کرده و به امامت و خلافت او بر اساس وصیت و تصریح پیامبر - به صورت آشکار و نهان - معتقد است و باور دارد که امامت هرگز از فرزندان او بیرون نمی رود.^(۳)

ص: ۱۲۰

۱- . احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۲۱۲.

۲- . ر.ک: دفاع از تشیع، ج ۱، ص ۳۵.

۳- . الملل و النحل، ج ۱، ص ۴۷.

دانشمندان شیعه و بسیاری از اهل تسنن معتقدند که لفظ «شیعه» توسط رسول خدا و در زمان آن حضرت، درباره پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام به کار برده شده است. از آن جمله می توان موارد زیر را برشمرد :

پیامبر خدا به علی (علیه السلام) فرمود :

«أنت و شیعُتک فی الجنّه»؛

«تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود.»^(۱)

پیامبر خدا فرمود :

«شفاعتی لأمتی من أحبّ أهل بیّتی و همّ شیعتی.»^(۲)

«شفاعت من برای ائمتم مخصوص کسانی است که اهل بیت من را دوست دارند و آنها شیعیان و پیروان من هستند.»

رسول خدا فرمود :

«علیّ علیه السلام و شیعتُهُ همّ الفائزون یوم القیامه.»^(۳)

«علی و شیعیان او فائزان و نجات یافتگان در روز قیامت هستند.»

ص: ۱۲۱

۱- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳- ینابیع المودّه، ص ۲۵۷.

(إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (۱).

«ای پیامبر! تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است.»

تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی

دانشمندان و عالمان شیعه و اهل تسنن روایاتی در تفسیر این آیه نقل کرده اند که دلالت دارد بر این که «مُنذِر» و بیم دهنده این امت، رسول خدا و «هادی» آنان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام به هفت طریق از اهل سنت و به بیست و سه طریق از شیعه روایات مربوط به این موضوع را نقل کرده است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایت گر همه عالمیان

(۱) فخر رازی، از مفسران اهل تسنن، از ابن عباس نقل می کند :

«لَمَّا نَزَلَتْ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ فَقَالَ: أَنَا الْمُنذِرُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ وَ أَوْماً بَيَّدَهُ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ، بَكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي.»

«هنگامی که آیه (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ) نازل شد، پیامبر خدا دست بر سینه خود نهاد و فرمود: "من بیم دهنده این امتم، و برای هر قومی هدایت گری است." سپس دست بر شانه علی (علیه السلام) نهاد و فرمود: "ای علی! تو هادی و هدایت گر هستی؛ هدایت شدگان به وسیله تو بعد از من هدایت می شوند."» (۲)

ص: ۱۲۲

۱- .سوره رعد، آیه ۷.

۲- .ر.ک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۸۸؛ تفسیر کبیر، ج ۱۹، ص ۱۴؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹؛ کفایه الطالب، ص ۱۰۹؛ الفصول المهمه، ص ۵.

(۲) امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود :

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ» (۱)

«در این آیه "مُنْذِر" و هشدار دهنده، رسول خدا است و برای هر زمانی راهنما و هدایت گری از ما اهل بیت است که مردم را به آنچه پیغمبر خدا آورده است راهنمایی کند. راهنما بعد از پیغمبر ۹، علی (علیه السلام) و بعد از آن حضرت جانشینان او یکی پس از دیگری هستند.»

نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت»

فخر رازی، از مفسران بزرگ اهل تسنن، در تفسیر آیه، سه قول نقل می کند :

اول: این که «مُنْذِر» و «هادی» هر دو به یک معنا است. بنابر این، مفهوم آیه چنین است: «ای پیامبر! تو فقط انذار دهنده و هدایت کننده هر قوم هستی.»

دوم: انذار کننده، پیامبر خدا و هدایت کننده، خداوند است.

سوم: انذار کننده، پیامبر اسلام و هدایت کننده، علی (علیه السلام) است؛ زیرا ابن عباس می گوید: پیامبر خدا دست مبارکش را به سینه خود گذارد و فرمود: «أَنَا الْمُنْذِرُ»، سپس دست خود را بر شانه علی (علیه السلام) قرار داد و فرمود: «أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ! بَكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي»؛ «تو هدایت کننده ای ای علی! و به وسیله تو بعد از من هدایت شوندگان هدایت می شوند.»

این تفسیرهای سه گانه را بعضی دیگر از مفسران اهل تسنن نیز نقل کرده اند و عدّه ای از آنان اصرار دارند که تفسیر آیه یکی از دو تفسیر اول است؛ زیرا تفسیر سوم با فکر آمیخته با تعصب آنها مناسب نیست.

این در حالی است که تفسیر اول به یقین با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا

ص: ۱۲۳

۱- بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۶۸، ح ۵۰؛ کافی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۵۹.

اگر بنا بود هر دو وصف برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد، باید بفرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ هَادٍ لِّكُلِّ قَوْمٍ»، و به تعبیر دیگر، نباید «لِكُلِّ قَوْمٍ» که جار و مجرور است مقدم بر «هادی» شود و اگر مقدم شود باید بر هر دو وصف مقدم گردد و گفته شود: «إِنَّمَا أَنْتَ لِكُلِّ قَوْمٍ مُنذِرٌ وَ هَادٍ».

کوتاه سخن این که، هیچ وجهی برای مقدم شدن «لِكُلِّ قَوْمٍ» بر یکی از دو وصف و تأخیر از دیگری به نظر نمی رسد؛ یا باید بر هر دو مقدم شود و یا از هر دو به تأخیر بیفتد (دقت کنید).

تفسیر دوم نیز بسیار نامأنوس و نامناسب است؛ زیرا در هادی بودن خدا شک و تردیدی نیست که نیاز به بیان داشته باشد. به علاوه، ظاهر این جمله آن است که در هر عصر و زمانی هدایت گر خاصی است، در حالی که خداوند یگانه و یکتا است، و این یگانگی با تعددی که از جمله «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» استفاده می شود، سازگار نیست.

بنابر این، تنها تفسیری که برای آیه قابل قبول است، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله «انذار کننده» است و برای هر قوم در عصر و زمان «هدایت گری» است. (۱)

ص: ۱۲۴

(و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أولئك الْمُقْرَبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) (۱).

«و پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند! در باغ های پُر نعمت بهشت [جای دارند].»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون»

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

«السَّبِقُ ثَلَاثَةٌ: فَالسَّابِقُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَ السَّابِقُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبُ يَس، وَ السَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۲)

رسول خدا فرمود :

«سبقت گیرندگان [به دین خدا] سه نفرند: ۱- یوشع بن نون در آیین حضرت موسی علیه السلام؛ ۲- صاحب یاسین در آیین حضرت عیسی علیه السلام؛ ۳- و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله.»

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ)، نَزَلَتْ فِي حَزْقِيلٍ مُؤْمِنٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبِ النَّجَّارِ الَّذِي ذُكِرَ فِي «يَس» وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ سَابِقٍ أُمَّتُهُ وَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَفْضَلُهُمْ سَبَقًا. (۳)

ابن عباس می گوید: آیه (و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ)، درباره «حزقیل»، مؤمن آل فرعون، و «حبیب نجار» که در سوره یاسین به او اشاره شده، و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و هریک از ایشان برترین افراد امت خود هستند و علی (علیه السلام) در پیشی گرفتن در ایمان به خدا از همه ایشان برتر و بالاتر است.

ص: ۱۲۵

۱- . سوره واقعه، آیات ۱۰ - ۱۲.

۲- . صواعق المحرقة، ص ۱۲۳؛ فردوس الدیلمی، ج ۲، ص ۴۲۱، ح ۳۸۶۶؛ معجم طبرانی، ج ۱۱، ص ۷۷، ح ۱۱۵۲.

۳- . روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ درالمشور، ج ۶، ص ۱۵۴؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۱۱۸.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام در تفسیر آیه «سابقون»، سه حدیث از طریق اهل تسنن و سه حدیث از طریق شیعه نقل نموده است.

وجوه دلالت آیه «سابقون» بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

آیه شریفه دلالت دارد بر این که خلافت و امامت اختصاص به حضرت مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دارد. وجوه این دلالت به شرح زیر است:

اولاً: خداوند خبر داده است که آن حضرت پیش از همه به خدا و پیغمبر ایمان آورد، و کسی در این خصوص بر ایشان سبقت نگرفت و چون به کلمه (السابقون) توصیف شده است، می رساند که علی (علیه السلام) در تمام موارد و از جمله مقام خلافت و پیشوایی مسلمانان بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جلوتر از سایر مسلمانان است. بنابر این، اگر کسی چنین فرد سبقت گیرنده و پیشقدم در تمام شؤون اسلامی را در احراز مقام خلافت پشت سر بگذارد و دیگری را که در ایمان به خدا و رسول او مسبوق بوده و چنین افتخاراتی نداشته است بر وی مقدّم بدارد، در حقیقت، قول خداوند را رد کرده است.

ثانیاً: خداوند خبر می دهد که علی (علیه السلام) و آن کس که از همه سبقت گرفت از همه به خدا نزدیک تر است: (أولئك المقربون)، و چون آن سابقین در اسلام همان مقرّبین درگاه خداوند هستند، لذا خدا آنها را بر افرادی که بعد از آن ها اسلام آوردند مقدّم داشته است. بنابر این، مقدّم شدن افراد مسبوق بر ایشان و تصاحب منصب خلافت به معنی نزدیک کردن دور کردن نزدیک است که عقلاً باطل است؛ زیرا امکان ندارد که محمول، موضوع را نفی کند. (۱)

ص: ۱۲۶

در روایات بسیاری که در کتاب های اهل تسنن آمده، به سبقت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در خیرات و حسنات اشاره شده است، از آن جمله :

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی بود که اسلام را پذیرفت.»^(۱)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین مؤمن به خدا و رسول او بود.»^(۲)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که رسول خدا را در قیامت ملاقات می کند.»^(۳)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی که با گفتار و آیین رسول خدا را تصدیق نمود.»^(۴)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که وارد بهشت می شود.»^(۵)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که در قیامت با رسول خدا مصافحه می کند.»^(۶)

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را در کنار حوض کوثر ملاقات می کند.»^(۷)

ص: ۱۲۷

۱- . ارجح المطالب، ص ۴۵.

۲- . شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳- . ترجمه الإمام علی، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴- . شرح نهج البلاغه، (ابن ابی الحدید) ج ۳، ص ۲۵۹.

۵- . کشاف، ج ۳، ص ۲۳.

۶- . تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۵۳.

۷- . کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (۱).

«ای کسانی که ایمان آورده اید، از [مخالفت فرمان] خدا پرهیزید و با صادقان و راستگویان باشید.»

تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی بیان کرده اند که آیه صادقین درباره ائمه اطهار علیهم السلام نازل شده است.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام این روایات را به هفت طریق از اهل تسنن و ده طریق از شیعه نقل کرده است.

حاکم حسکانی از عبدالله بن عمر نقل کرده که می گوید :

«(اتَّقُوا اللَّهَ) قال: أمر الله أصحاب محمد صلى الله عليه وآله بأجمعهم أن يخافوا الله ثم قال لهم: (وكونوا مع الصادقين) یعنی محمد آ و أهل بيته.» (۲)

«منظور از (اتَّقُوا اللَّهَ)، یعنی خداوند تمام اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را امر کرده که از خدا بترسند. آن گاه به آنان فرمود: (وكونوا مع الصادقين)، یعنی با محمد و اهل بیت او همراه باشید.»

معنا و مفهوم «صدق و صادقین»

از هر کار پسندیده ای که در ظاهر و باطن، خوب و پسندیده باشد به «صدق» تعبیر می شود و موصوف آن به کلمه صدق اضافه می شود. (۳)

«صادقین» جمع «صادق»، اسم فاعل یا صفت مشبهه صدق است، و با

ص: ۱۲۸

۱- .سوره توبه، آیه ۱۱۹.

۲- .شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۳۵۷.

۳- .مفردات قرآن، ج ۱، ص ۴۷۹.

توجه به این که واژه «صادقین» مطلق است، اختصاص به گفتار ندارد، بلکه بر اساس آیات و روایات، راست گویی، عمل صالح، کردار نیک و می تواند مصداق واژه صدق باشد.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر»

در بسیاری از مدارک اهل تسنن وارد شده که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«أنا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ»^(۱)؛ «من صدیق اکبر هستم و پس از من کسی این جمله را نگوید مگر این که دروغگو و تهمت زننده است.»

با این وجود، دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام در مقابل این سخن حضرت، جعل حدیث کرده و ابوبکر را «صدیق» نامیده اند.

قاسم بن معاویه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در حدیثی که مردم در معراج رسول خدا روایت کرده اند آمده است که آن حضرت در شب معراج دید بر عرش خدا نوشته شده است: «لا إله إلا الله، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أُيُوبُ كَرُّ الصِّدِّيقِ.» حضرت فرمود: «سبحان الله! همه چیز را تغییر دادند، حتّی این حدیث را؟»^(۲)

مراد از «صادقین» فقط اهل بیت علیهم السلام هستند

در احادیث نقل شده که آیه صادقین، اختصاص به ائمه معصومین علیهم السلام دارد که در این جا به ذکر دو مورد آن می پردازیم:

سلمان می گوید: خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که آیه «صادقین» نازل

ص: ۱۲۹

۱- مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۱؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۰۷؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۳۱؛ میزان الاعتدال، ج

۲، ص ۲۱۲.

۲- احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۸.

شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا صادقین عامّ است یا افراد خاصّی منظور است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خطاب آیه عامّ است و مخاطب، همه مردم هستند، ولی "صادقین" خاصّ هستند و آن مخصوص برادر علی (علیه السلام) و جانشینان من تا روز قیامت است.» (۱)

بُرید بن معاویه عجلّی می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره قول خداوند: «از خدا بترسید و با راستگویان باشید» سؤال کردم؟ حضرت فرمود: «اینا عنی؛ خداوند [از این آیه] فقط ما را قصد کرده است.» (۲)

آنچه دلالت دارد که «صادقین» در آیه شریفه، اختصاص به ائمه معصومین علیهم السلام از دودمان پیغمبر ۹ دارد و همه راستگویان مراد نیست، گذشته از روایات مستفیضی که شیعه و سنّی نقل کرده اند، این است که اگر مقصود از «صدق و راستگویی»، صدق و راستگویی به طور مطلق بود که شامل هر مرتبه آن باشد و از هر شخص با ایمانی انتظار برود و منظور از «صادقین» هم معنی عامّ آن بود که یکی از مراتب راستگویی را دارا باشد، لازم بود که در آیه شریفه، به جای لفظ «مع»، کلمه «من» به کار رود؛ زیرا هر مؤمنی باید از دروغ اجتناب ورزد و از راستگویان باشد.

پس این که به جای کلمه «من» در آیه شریفه، «مع» به کار رفته است، می رساند که منظور مرتبه خاصّی از راستی است و راستگویان افراد معینی هستند.

این مرتبه خاصّ مرتبه کاملی است که دارندگان آن شایستگی می یابند که سایر مؤمنین از آنها پیروی کنند. این مرتبه کامل صداقت و راستی، چیزی جز عصمت و طهارت نیست، که با داشتن آن، در گفتار و کردار دروغ راه پیدا نمی کند. می دانیم که در میان امت اسلام، کسانی که خداوند آنها را پاک

ص: ۱۳۰

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۷، به نقل از: فرائد السمّین.

۲- . بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۶۳، ح ۴۷۸۸.

نموده و پلیدی را از آنان دور ساخته است، به نصّ آیه تطهیر و اتفاق تمام مسلمانان، اهل بیت پیغمبر ۹ هستند.

پس اگر «صادقین» در آیه شریفه غیر از ائمه معصومین علیهم السلام باشند، طبق آیه مزبور باید ائمه معصومین، از افراد غیر معصوم که دورغ و لو از روی نادانی و اشتباه در آنان راه پیدا می کند، پیروی نمایند. در صورتی که این کار در پیشگاه عقل قبیح است. بنابر این، مسلم است که منظور از «صادقین» راستگویان پاک سرشتی هستند که دارای تمام مراتب راستی در گفتار و کردار باشند و این معانی جز بر اهل بیت پیغمبر که خداوند پلیدی ها را از آنان دور ساخته و پاک و پاکیزه نموده است، صادق نیست. امام رضا علیه السلام نیز به همین مطلب اشاره نموده و می فرماید: «منظور امامان هستند که در طاعت خدا سخت راستگو می باشند.»

دلیل بر این که اهل بیت عصمت، پیشوایان مسلمین هستند، چنان که حضرت رضا علیه السلام در روایت یادآوری فرموده است، این است که خداوند سبحان بعد از این که به تمام افراد با ایمان دستور می دهد که پرهیزکار باشند و از خدا بترسند، امر می کند که با راستگویان باشند. بودن با راستگویان نیز جز با قرار گرفتن در تحت فرمان آن ها و دوری از نافرمانی آنان، تحقق پیدا نمی کند. معنی امامت و پیشوایی مسلمین هم چیزی جز وجوب پیروی امام بر مأموم از جانب خدا نیست، بلکه درباره معنی امامت تعبیری از این بهتر نیست که خداوند به مؤمنین امر کند با امام باشند؛ زیرا حقیقت پیروی، عبارت از پیروی نسبت به پیشوای خود و جدا نگشتن از او است. (۱)

ص: ۱۳۱

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (۱).

«خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود بفرستید و [سلام گوید و] کاملاً تسلیم [فرمان او] باشید.»

تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی

محمّد بن اسماعیل بخاری، از محدّثین بزرگ اهل تسنّن، در صحیح خود از عبدالرحمن بن ابی لیلی نقل می کند که گفت: «لقینی کعب بن عُجره فقال: ألا أُهدى لك هديّة سمعُتها من النّبيّ صلى الله عليه و آله؟ فقلّت: بلى، فأهدها لى.

فقال: سألتنا رسول الله صلى الله عليه و آله فقلنا: يا رسول الله، كيف الصّلاة عليكم أهل البيت، فإنّ الله قد علّمنا كيف نُسلم؟

قال: قولوا: اللهم صلّ على محمّد و على آل محمّد كما صلّيت على إبراهيم و على آل إبراهيم إنك حميدٌ مجيدٌ.» (۲)

کعب بن عُجره مرا ملاقات نمود و گفت: آیا می خواهی مطلبی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم به تو هدیه کنم؟ ابن ابی لیلی گفت: بله، آن را به من هدیه کن! کعب گفت: از پیغمبر خدا پرسیدم: ای رسول خدا! چگونه بر شما اهل بیت درود بفرستم؟ چون خداوند به ما امر کرده که بر تو درود بفرستیم.

پیغمبر ۹ فرمود: «بگوید: خدایا! بر محمّد و خاندان او درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و خاندان او صلوات فرستادی، که به راستی تو ستودنی و بزرگوار هستی.»

روایات و احادیث شیعه و سنی در مورد کیفیت صلوات فرستادن بر

ص: ۱۳۲

۱- .سوره احزاب، آیه ۵۶.

۲- .احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۵۴، به نقل از: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۶؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۹۰.

پیامبر و خاندان او:، بیشتر از آن است که برای احدی جای تردید باقی بگذارد. علامه سیدهاشم بحرانی در غایه المرام در ذیل آیه صلوات، بیست و سه حدیث از طریق اهل تسنن و نوزده حدیث از طریق شیعه نقل نموده است.

معنای «صلوات» در روایات

از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام درباره صلوات فرستادن خدا، فرشتگان و مؤمنان در آیه (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) سؤال شد، حضرت فرمود:

«صلاة الله رحمة من الله، و صلاة الملائكة تزكية منهم له و صلاة المؤمنين دعاء منهم له.»

«صلوات فرستادن خداوند، رحمتی از جانب اوست، صلوات فرشتگان ستایشی از جانب آنان نسبت به رسول خدا و صلوات مؤمنان دعایی است از آنها برای پیامبر صلی الله علیه و آله.»^(۱)

کیفیت صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

از روایات فریقین (شیعه و سنی) استفاده می شود کیفیت صلوات، درود فرستادن بر پیامبر و آل او است.

ابن عباس می گوید: به پیامبر عرض کردیم: «کیفیت سلام کردن بر تو را دانستیم، حال چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟» فرمود:

«بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»^(۲)

ص: ۱۳۳

- ۱- بحار الأنوار، ج ۸۶ ص ۹۵، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۱۵۶؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۷.
- ۲- احقاق الحق، ج ۹، ص ۵۸۴، به نقل از: جامع البيان، ج ۲۲، ص ۴۳؛ تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۱۱۸؛ القول البدیع، ص ۲۸؛ الاعلام (نمیری)، ص ۲۵.

آل محمد: در آیه «صلوات» چه کسانی اند؟

در بسیاری از روایات شیعه و سنی نقل شده که مقصود از آل محمد و اهل بیت علیهم السلام، امامان معصوم و جانشینان دوازده گانه رسول خدا هستند.

احادیث و روایات در ذیل آیه «تطهیر»، معنا و مصداق «اهل البیت» را به روشنی و تفصیل بیان کرده اند.

آثار و برکات صلوات

اشاره

برای صلوات آثار و برکات فراوانی ذکر شده است. برخی از آن آثار که در روایات به آنها تصریح شده، به قرار زیر است:

(۱) موجب صلوات خدا:

پیامبر خدا فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرَ آيَاتٍ» (۱)

«هر که بر من یک صلوات بفرستد، خداوند در برابر آن، ده درود بر او می فرستد.»

(۲) موجب صلوات فرشتگان

پیامبر خدا فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْثِرْ» (۲)

«هر که بر من صلوات فرستد، خداوند و فرشتگان بر او صلوات می فرستند. حال، هر که می خواهد کم بگوید و هر که می خواهد بسیار بگوید.»

ص: ۱۳۴

۱- . کنز العمال، ج ۷، ص ۷۰۰، ش ۲۰۹۹۸.

۲- . کافی، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۴، باب ۳۴، ح ۹۰۹۲.

(۳) موجب آمرزش گناهان :

امام رضا علیه السلام فرمود :

«مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا» (۱)

«هر که توانایی پاک کردن گناهانش را ندارد، بر محمد و خاندان او بسیار صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات بر محمد و آل او همه گناهان را از بین می برد.»

(۴) موجب برآورده شدن حاجات :

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید :

«مَنْ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ"، قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ» (۲)

«هر که سه بار بگوید: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ"، خداوند حاجتش را برآورده می سازد.»

(۵) موجب زدوده شدن نفاق :

پیامبر خدا فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ» (۳)

«صلوات فرستادن بر من و اهل بیت من، نفاق و دورویی را از بین می برد.»

(۶) نور روز قیامت :

پیامبر خدا می فرماید: «أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي

ص: ۱۳۵

۱- بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۴، باب ۳۴، ح ۹۰۹۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص

۲۹۴، ح ۵۲؛ أمالی صدوق، ص ۷۳، مجلس ۱۷، ح ۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۷، ح ۵۷۵۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۳، باب ۳۴، ح ۹۰۸۹.

«بسیار بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات فرستادن بر من، نور در قبر و نور بر صراط و نور در بهشت است.»

همان گونه که از مدارک معتبر شیعه و سنی نقل شد، صلوات باید همان گونه که ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند، گفته شود. و همان طور که صلوات کامل آثار و برکات بسیار زیادی دارد، صلوات ناقص نیز موجب سخط و عذاب الهی می شود، چنانچه پیامبر خدا فرمود: «هرکس بر من صلوات بفرستد و بر خاندانم صلوات نفرستد، بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد، استشمام نمی کند.» (۲)

ص: ۱۳۶

۱- . بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۶۴، ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳۲.

۲- . بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۱۵۰.

فصل سوم

اشاره

ص: ۱۳۷

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«لَيْلَةُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ كَلَّمَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، قُلْتُ: لَيْبِيكَ رَبِّ وَ سَعْدِيكَ، قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حُجَّتِي بَعْدَكَ عَلَى خَلْقِي وَ إِمَامٌ أَهْلُ طَاعَتِي مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ عَصَانِي فَانْصَبْهُ عَلِمًا لِأُمَّتِكَ يَهْتَدُونَ بِهِ بَعْدَكَ.»

رسول خدا فرمود :

«شبی که به سوی آسمان ها سیر داده شدم و به معراج رفتم، خداوند با من سخن گفت و فرمود: "ای محمد! " گفتم: خداوند! لیبیک و سعدیک، خداوند فرمود: "علی (علیه السلام) حجت من است بعد از تو بر خلقم و امام کسانی است که بر من اطاعت می کنند، هر کس او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر کس او را عصیان کند، نافرمانی مرا انجام داده است. پس تو او را نشانه برای امت خود قرار بده تا بعد از تو [مردم] به وسیله او هدایت شوند."» (۱)

ص: ۱۳۹

۱- . جواهر السّیّیه، باب الثّانی عشر ص ۴۵۵، ح ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۴۰؛ أمالی صدوق، ص ۴۷۹، مجلس ۷۲، ح ۲۷، ؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۱۸۲.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ آبَائِهِ : قَالَ :

«نَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَأُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ: «إِنِّي خَلَقْتُ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَ مَنْ عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ مَوْضِعًا أَكْبَرَ مِنْ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي هُنَاكَ مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ ثُمَّ لَقِينِي جَا حِدًا لَوْلَايَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَكْبَبْتُهُ فِي سَقَرٍ.»

امام جعفر صادق، از پدرش، از پدرانش، نقل کرده است :

«جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و گفت: "ای محمد! خداوند سلام می رساند و می فرماید: من هفت آسمان و آنچه را که در آنها هستند و هفت زمین و همه مخلوقات که روی آن هستند را خلق کردم، ولی مکانی بزرگ تر از رُکن و مقام نیافریدم. اگر بنده ام مرا در همان رُکن و مقام، از اول خلقت آسمان ها و زمین تاکنون بخواند ولی در حالی مرا ملاقات کند که منکر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد، هر آینه او را در درون آتش جهنم می اندازم"» (۱)

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وَلايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ.» (۲)

رسول خدا فرمود: «خداوند به من وحی کرد: اگر همه مردم روی زمین بر ولایت علی (علیه السلام) اجتماع می کردند و ولایت او را می پذیرفتند، من آتش جهنم را خلق نمی نمودم.»

ص: ۱۴۰

۱- . جواهر السِّيَِّة، باب الثانی عشر، ص ۴۵۷، ح ۴۳؛ أمالی صدوق، ص ۴۸۴، مجلس ۷۳، ح ۱۲؛ وسائل الشَّيِّعة، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۳۱۱، باب ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷، ح ۳.

۲- . جواهر السِّيَِّة، باب الثانی عشر، ص ۴۶۷، ح ۵۳؛ أمالی صدوق، ص ۶۵۷، مجلس ۹۴، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۷، ح ۴.

نور چهارم

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله: «أتانى جبرئيلُ فقال: إِنَّ رَبَّكَ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ وَيُؤْمِنُونَ بِكَ وَبِأَهْلِ بَيْتِكَ بِالْجَنَّةِ فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدِي جِزَاءَ الْحُسْنَى وَ سَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ.» (١)

رسول خدا فرمود :

«جبرئیل بر من نازل شد و گفت: خداوند سلام می رساند و می فرماید: "ای محمد! به مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند و به تو و اهل بیت تو ایمان می آورند، بهشت را مرده بده؛ زیرا برای آنها نزد من پاداش خوبی هست و به زودی آنها را داخل بهشت خواهم نمود."»

نور پنجم

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «هَبَطَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: لَوْ لَمْ أُخْلَقْ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُفُوًا مِنْ وُلْدِ آدَمَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ.» (٢)

از رسول خدا نقل شده که فرمود: «جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند متعال می فرماید: "اگر علی(علیه السلام) را خلق نمی کردم، برای فاطمه ۳ همتایی از فرزندان آدم و نسل های آنها نبود."»

نور ششم

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«لَمَّا أُسْرِى بى إِلَى السِّمْاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سَدْرِهِ الْمُنتَهَى نُودِيتُ: يَا مُحَمَّدُ اسْتِوَصْ بِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرَ آفَائِهِ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ

ص: ۱۴۱

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۷، ح ۵؛ عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳، ح ۶۴، باب ۲۱؛ جواهر السنيّه، باب الثاني عشر، ص ۴۸۲، ح ۶۵.

۲- جواهر السنيّه، باب الثاني عشر، ص ۴۹۷، ح ۷۹؛ فصول المهمّه، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۵۵۳، باب ۱۰۱.

رسول خدا فرمود: «وقتی که به سوی آسمان ها سیر داده شدم و به سدره المنتهی رسیدم، از جانب خداوند ندا آمد: "ای محمد، درباره علی (علیه السلام) به مردم توصیه خیر کن، چون او آقای مسلمانان و امام متقیان و رهبر سفیدرویان (شیعیان) در روز قیامت است.»

نور هفتم

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«لَمَّا أُسْرِى بى إِلَى السَّمَاءِ كُنْتُ مِنْ رَبِّى كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أُذُنَى فَأَوْحَى إِلِىَّ رَبِّى مَا أَوْحَى ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اقْرَأْ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ، فَمَا سَمَيْتُ بِهِذَا أَحَدًا قَبْلَهُ وَلَا أُسْمِى بِهِ أَحَدًا بَعْدَهُ.» (۲)

رسول خدا فرمود :

«وقتی که به سوی آسمان ها سیر داده شدم و به معراج رفتم، فاصله من با خداوند، مانند دو کمان یا کمتر از آن بود. خداوند آنچه را که باید به من وحی کند، وحی فرمود. سپس فرمود: "ای محمد، به علی بن ابی طالب امیر مؤمنان، سلام برسان." پس من هیچ کس را قبل از او "امیرالمؤمنین" نخواندم و بعد از او هم، این لقب را به کسی نخواهم داد.»

نور هشتم

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَنْ جَبْرِئِيلَ، عَنْ مِيكَائِيلَ، عَنْ إِسْرَافِيلَ، عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ قَالَ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي وَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ أَنْبِيَاءَ وَاصْطَفَيْتُ

ص: ۱۴۲

-
- ۱- . أمالی شيخ مفيد، ص ۱۷۳، مجلس ۲۵، ح ۳؛ جواهر السنيّه، باب الثاني عشر، ص ۵۱۵، ح ۹۳؛ بشاره المصطفى، ص ۱۰۲؛ أمالی طوسی، ص ۱۹۳، مجلس ۸، ح ۳۲۸.
 - ۲- . جواهر السنيّه، باب الثاني عشر، ص ۵۱۶؛ أمالی طوسی، ص ۲۹۵، مجلس ۱۱، ح ۵۷۸؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۰، ص ۳۹۸، ح ۱۲۲۵۲؛ مدینه المعجز، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۰.

من الكل مُحَيِّدًا و جعلتُهُ حَيِّبًا و صَفِيًّا و رَضِيًّا و بعثتُهُ إلى خَلْقِي و اضِطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا و اَيَّدتُهُ به و جعلتُهُ أَمِينِي و أَمِيرِي و خَلِيفَتِي عَلَى خَلْقِي و وَلِيِّي عَلَى عِبَادِي يُبَيِّنُ لَهُمْ كِتَابِي و يَسِيرُ فِيهِمْ بِحُكْمِي و جعلتُهُ العِلْمَ الِهُدَايَ عَنِ الضَّلَالَةِ و بَابِي الَّذِي مِنْهُ أُوتِي و بَيْتِي الَّذِي مِنْ دَخَلِهِ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي و حِصْنِي الَّذِي مِنْ لَجَأِ إِلَيْهِ حَصَّنْتُهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا و الآخِرَةِ، و وَجْهِي الَّذِي مِنْ تَوَجُّهِ إِلَيْهِ لَمْ أَضِيرْ عَنْهُ وَجْهِي و حُجَّتِي عَلَى أَهْلِ سَمَوَاتِي و أَرْضِي و عَلَى جَمِيعِ مَنْ بَيْنَهُنَّ مِنْ خَلْقِي فَلَا أَقْبَلُ عَمَلٌ عَامِلٌ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بَوْلَايَتِهِ مَعَ نُبُوهِ أَحْمَدٍ ٩ رَسُولِي و يَدِي الْمَبْسُوطَةِ فِي عِبَادِي بَعَزْتِي خَلَفْتُ و بِجَلَالِي أَقْسَمْتُ إِنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحْرَحْتُهُ عَنْ نَارِي و أَدْخَلْتُهُ جَنَّتِي و لَا يَغْدُلُ عَنْ وِلَايَتِهِ إِلَّا مَنْ أَبْغَضْتُهُ و أَدْخَلْتُهُ نَارِي» (١)

رسول خدا، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از خداوند متعال نقل فرموده که حضرت حق فرمود:

«من خدایی هستم که هیچ خدایی جز من نیست. من همه مخلوقات را با قدرت خود خلق کردم، و از میان آنها انبیا علیهم السلام را اختیار کردم، و از میان همه انبیا، محمد صلی الله علیه و آله را برانگیختم و او را دوست، انتخاب شده و راضی شده قرار دادم و او را بر خلقم مبعوث کردم، و علی (علیه السلام) را جانشین او قرار دادم، و محمد صلی الله علیه و آله را به کمک علی (علیه السلام) تأیید نمودم و علی (علیه السلام) را امین، امیر و خلیفه خود بر خلقم قرار دادم و او ولی من بر بندگان است، تا کتاب مرا برای آنان بیان کند و حکم مرا در بین آنها اجرا کند. من علی (علیه السلام) را نشانه هدایت از گمراهی قرار دادم و او را دری قرار دادم که هر کس می خواهد به سوی من بیاید باید از آن در، وارد شود، و او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش جهنم در امان است، و علی (علیه السلام) در و قلعه محکم من است که هر کس به آن پناه برد، از بدی های دنیا و آخرت او را حفظ می کنم. علی (علیه السلام) وجه من

ص: ۱۴۳

۱- . جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عَشْرَ، ص ۵۳۱، ح ۱۱۳؛ أَمَالِي صَدُوق، ص ۲۲۲، مجلس ۳۹، ح ۱۰؛ عیون اخبار الرِّضَا، ج ۲، ص ۴۹، باب ۳۱، ح ۱۹۱.

است که هر کس به سوی او توجّه کند، روی خود را از او برنمی گردانم. علی (علیه السلام) حجّت من بر اهل آسمان ها و زمین و مابین آنهاست. پس من عمل کسی را قبول نمی کنم، مگر با اقرار به ولایت او همراه با نبوت احمد ۹، فرستادام، و علی (علیه السلام) دست گشاده من در بین بندگان. به عزّت و جلالم سوگند، هر که ولایت علی (علیه السلام) را قبول کند او را از آتش جهنّم دور می کنم و وارد بهشت می نمایم، و هر که از ولایت علی (علیه السلام) عدول کند و ولایتش را قبول نکند، من او را دشمن می دارم و داخل جهنّم می نمایم.»

نور نهم

و روی ابن عباس من الحديث القدسی عن الربّ العلیّ أنّه یقول :

«لولا علیّ علیه السلام ما خلقتُ جنّتی.» (۱)

ابن عباس از یک حدیث قدسی از جانب خداوند متعال نقل کرده که پروردگار بلندمرتبه فرمود: «اگر علی (علیه السلام) نبود، بهشت را خلق نمی کردم.»

نور دهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَدَعَنِي جِبْرَائِيلُ فَقُلْتُ: حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ أَفِي مِثْلِ هَذَا الْمَقَامِ تُفَارِقُنِي؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي لَا أُجِوزُ هَذَا الْمَوْضِعَ فَتَحْتَرِقُ أَجْنَحَتِي ثُمَّ زُجُّ بِي فِي النَّوْرِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَطَلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعَهُ فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا وَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا ثُمَّ أَطَلَعْتُ ثَانِيًا فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلْتُهُ وَصِيكَ وَوَارِثَ عِلْمِكَ وَ الْأَمَامَ بَعْدَكَ وَ أَخْرَجْتُ مِنْ أَصْلَابِكُمَا الذُّرِّيَّةَ الطَّاهِرَةَ وَ الْأَيْمَةَ الْمُعْصُومِينَ خُرَّانَ عِلْمِي فَلَوْلَاكُمْ لَمَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ، يَا مُحَمَّدُ، تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ. فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ، ارْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنْوَارُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ

ص: ۱۴۴

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ
الْحُجَّةُ يَتَلَا. بَيْنَهُمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ وَ مَنْ هَذَا؟ فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ هُمُ الْأَيُّمَةُ بَعِيدُكَ الْمُطَهَّرُونَ مِنْ
صُلبِكَ وَ هَذَا الْحُجَّةُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ. (۱)

رسول خدا فرمود :

«وقتی به آسمان ها عروج داده شدم، جایی رسیدم که جبرئیل می خواست مرا ترک کند، گفتم: دوست من! مرا در چنین
جایگاهی تنها می گذاری؟ جبرئیل عرضه داشت: من نمی توانم از این مقام بالاتر بروم، چون اگر بالا بروم بال هایم می سوزد.

سپس نوری مرا احاطه کرد. پس خداوند بر من وحی فرمود: "ای محمد! همانا من از همه بندگان روی زمینم آگاه شدم. از
میان آنها تو را انتخاب نموده، و پیامبر قرار دادم. پس بار دوم هم که به زمین نگاه کردم، از میان همه مردم روی زمین،
علی (علیه السلام) را انتخاب نموده، و او را جانشین تو قرار دادم و او بعد از تو امام و وارث علم تو است.

و از صُلب شما دو نفر، نسل های پاکی را بیرون می آورم که آنها امامان معصوم و وارثان علم من هستند.

اگر وجود شما دو نفر نبود، من نه دنیا را خلق می کردم، نه آخرت را و نه بهشت را و نه جهنم را. ای محمد! می خواهی آن
فرزندان را ببینی؟" گفتم: بلی، ای پروردگار! خطاب آمد که سرت را بلند کن. من سرم را بلند کردم. در آن هنگام، نور
علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن موسی بن جعفر و علی بن موسی و
محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی: را دیدم، و حجت ۷ که در بین همه

ص: ۱۴۵

۱- . جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثانی عشر، ص ۵۴۸، ح ۱۲۷؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ کفایه الأثر، ص ۷۲.

آنان مانند ستاره ای درخشنده نورافشانی می نمود. عرضه داشتیم: خدایا! این ها چه کسانی هستند (و چه مقامی دارند) و این نور، کیست؟ ندا آمد: "ای محمد! اینان امامان پاک بعد از تو هستند و از صلب تو و علی (علیه السلام) بیرون می آیند و این نور، [مهدی علیه السلام] حجت من است که زمین را پر از عدل و داد می کند و قلب مؤمنان را شفا می بخشد".

نور یازدهم

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: هَلْ يَنْفَعُنِي حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «حَتَّى أَسْأَلَ جِبْرَائِيلَ فَسَأَلُهُ فَقَالَ: حَتَّى أَسْأَلَ إِسْرَافِيلَ فَارْتَفَعَ جِبْرَائِيلُ فَسَأَلُهُ فَقَالَ: أُنَاجِي رَبَّ الْعَرْشِ فَأُوحِي اللَّهُ إِلَيَّ إِسْرَافِيلُ: قُلْ لَجِبْرَائِيلَ: يَقْرَأُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ السَّلَامَ وَيَقُولُ لِي: أَنْتَ مَنِّي حَيْثُ شِئْتُ أَنَا وَعَلَيٌّ مَنكَ حَيْثُ أَنْتَ مَنِّي وَ مُحِبُّو عَلِيٍّ مِنْهُ حَيْثُ عَلَيٌّ مَنكَ.» (۱)

از ابن عباس نقل شده که گفت: مردی خدمت رسول خدا رسید و عرض کرد: آیا محبت علی بن ابی طالب علیه السلام برای من منفعتی دارد؟

رسول خدا فرمود:

«از جبرئیل سؤال می کنم و جوابت را می دهم.» در همان هنگام، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن سؤال را از جبرئیل پرسید. جبرئیل گفت: باید از اسرافیل سؤال کنم. پس جبرئیل به آسمان رفت و آن سؤال را از اسرافیل پرسید. اسرافیل گفت: باید با پروردگار عزیز، مناجات کنم. آن گاه خداوند متعال به او وحی فرمود: "بگو به جبرئیل که بر محمد صلی الله علیه و آله سلام برساند و بگوید: خداوند می فرماید: تو نسبت به من آن گونه هستی که من می خواهم و من و علی نسبت به تو آن گونه ایم که تو نسبت به من هستی و

ص: ۱۴۶

۱- . جواهر السنیّه، باب الثانی عشر، ص ۵۹۱، ح ۱۳؛ مأه منقبه، المنقبه العشرون، ص ۴۳؛ غایه المرام، ص ۵۸۵، ح ۷۶.

مقام محبین علی نسبت به او همانند مقام علی نسبت به تو است".

نور دوازدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«لَيْلَهُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ صَرْتُ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أُذُنِي أُوحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ؟ قُلْتُ: يَا رَبِّ أَنْتَ أَعْلَمُ. فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: أَنَا أَعْلَمُ وَ لَكِنْ أُرِيدُ أَنْ أَسْمِعَهُ مَنْ فِيكَ، فَقُلْتُ: ابْنُ عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأُوحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ: أَنْ التَّفْتُ فَالتَّفْتُ فَإِذَا بَعَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ واقفٌ معي وَ قَدْ حُرِقَتْ حُجُبُ السَّمَاوَاتِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ واقفٌ رافعٌ رأسه يسمعُ ما يَقُولُ فخررتُ لله تعالی ساجداً». (۱)

رسول خدا فرمود :

«آن شب که به آسمان ها سیر داده شدم و به نزدیک ترین مرتبه قرب پروردگار نایل گردیدم، از جانب خدا به من خطاب شد: "ای محمد! محبوب ترین مخلوقات من نزد تو کیست؟" عرض کردم: خدایا! تو داناتر هستی. خداوند فرمود: "من داناترم، ولی می خواهم از زبان تو بشنوم." عرض کردم: پسر عمویم علی بن ابی طالب علیه السلام. خداوند عزوجل به من وحی فرمود: "نگاه کن!" همین که التفات کردم، دیدم علی (علیه السلام) کنار من ایستاده و همه حجاب های آسمان ها پاره شده و سر خود را بلند کرده و گفت و گوی ما را گوش می کند. سپس بر خاک افتاده و برای خدا سجده کردم.»

نور سیزدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«لَقَدْ أُسِرِي بِي رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أُوحَى إِلَيَّ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ مَا أُوحَى وَ كَلَّمَنِي فَكَانَ مِمَّا كَلَّمَنِي بِهِ أَنْ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ الْأَوَّلُ وَ عَلِيُّ الْآخِرُ، وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ

ص: ۱۴۷

هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

فَقُلْتُ: يَا رَبِّ أَلَيْسَ ذَلِكَ أَنْتَ؟ ثُمَّ فَسِّرَ سُبْحَانَهُ - بَعْدَ تَوْصِيفِ نَفْسِهِ - قَالَ عَلِيُّ الْأَوَّلُ أَيُّ أَوَّلٍ مَنْ أَخَذَ مِيثَاقِي مِنَ الْأَئِمَّةِ، وَ عَلِيُّ الْأَخْرُ أَيُّ آخِرٍ مَنْ أَقْبَضَ رُوحَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ، وَ هُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي يُكَلِّمُهُمْ يَا مُحَمَّدُ، عَلِيُّ الظَّاهِرُ أَظْهَرُ عَلَيْهِ جَمِيعٌ مَا أُوحِيَتْهُ إِلَيْكَ لَيْسَ أَنْ تَكْتُمَ مِنْهُ شَيْئًا يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ الْبَاطِنُ أَبْطَنَتْهُ سَرِّي الَّذِي أُسْرِرَتْهُ إِلَيْكَ فَلَيْسَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ سِرٌّ دُونَهُ، يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ عَلِيمٌ بِكُلِّ مَا خَلَقْتُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ» (١)

رسول خدا فرمود:

«هنگامی که خدا مرا به آسمان‌ها سیر داد و از پشت حجاب با من گفت و گو کرد، قسمتی از کلمات خداوند این بود که فرمود: "ای محمد! علی اول است، علی آخر و ظاهر و باطن است و او به هر چیزی علم دارد."»

عرض کردم: خداوند! آیا این اوصاف تو نیست؟ آن گاه خداوند بعد از توصیف خودش این جملات را برایم تفسیر کرد و فرمود: "علی اول است؛ یعنی اول کسی است از امامان که از او میثاق گرفتم. علی آخر است؛ یعنی آخر کسی است که او را قبض روح می‌کنم و او جنبنده‌ای است که با مردم تکلم خواهد کرد. ای محمد! علی ظاهر است؛ یعنی همه آنچه را که به تو از طریق وحی گفتم برای او ظاهر کردم. ای محمد! علی باطن است؛ یعنی آن سرّی است که تو را از آن باخبر کردم و تو پنهان کردی، در باطن علی هم قرار دادم و او در نهان دارد، پس هیچ سرّی بین من و تو نیست که او نداند. ای محمد! علی به آنچه از حلال یا حرام آفریده ام عالم است و آن را می‌داند."»

نور چهاردهم

قال رسولُ الله صلي الله عليه و آله :

«أخبرني جبرئيلُ عن الله جلّ جلاله أنّه قال: عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام حُجَّتِي

ص: ١٤٨

١- . القطره، ج ١، ص ١٩٧؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٧٧، ح ٨٢؛ بصائر الدرجات، ص ٥١٤، ح ٣٦.

علی خلقی و دئیان دینی، أخرج من صلبه أئمة یقومون بأمری و یدعون إلى سبیلی بهم أذفع العذاب عن عبادی و إمامی و بهم أنزل رحمتی.»^(۱)

رسول خدا فرمود :

«جبرئیل از جانب خداوند به من خبر داد: "علی بن ابی طالب علیه السلام حجت من بر مخلوقات و حکم کننده بر طبق دینم می باشد. از نسل او امامانی خارج می کنم که به امر من قیام کرده و به راه من [مردم را] فرامی خوانند، و به خاطر ایشان عذاب را از بندگان و کنیزانم دور می کنم و به برکت ایشان رحمت را نازل می نمایم."»

ص: ۱۴۹

۱- . أمالی صدوق، ص ۵۴۴، مجلس ۸۱، ح ۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶، باب ۳۱، ح ۲۰۸.

فصل چهارم

اشاره

ص: ۱۵۱

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ) (۱)؛

«در این [کتاب] تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد.»

چرا باید نسبت به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) معرفت داشت؟

(۱) معرفت و محبت امام علیه السلام منشأ همه برکات.

معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام اساس همه خوبی ها و نیکی هاست و خداوند متعال هر گاه بخواهد تمام خیرات و مبرّات را به بنده ای عنایت کند، محبت و معرفت اهل بیت علیهم السلام را در قلب او جای می دهد؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مطلب تصریح نموده اند: «مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي - تِي وَ وِلَايَةِ - تِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ» (۲)؛ «خداوند بر هر کس با معرفت

اهل بیت من و ولایت آنان منت گذارد، تمام نیکی ها را برایش گرد آورده است.»

(۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام علیه السلام ممکن نیست.

بندگی و اطاعت از خداوند فقط از طریق امام شناسی صورت می پذیرد؛

ص: ۱۵۳

۱- .سوره ق، آیه ۳۷.

۲- .بشاره المصطفی، ص ۱۷۶.

لذا نمی توان پذیرفت که شخصی ادعای معرفت خدا را داشته باشد اما نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بی تفاوت باشد. کسی که مطیع خداوند است باید پیامبرش را به پیامبری و امامش را به امامت قبول داشته باشد و اگر در این امر تردید کند، در حقیقت، در خداشناسی تردید کرده است. ابو حمزه ثمالی در حدیث بسیار زیبایی می گوید: امام محمد باقر علیه السلام به من فرمود:

«همانا کسی بندگی خداوند را می کند که نسبت به او معرفت داشته باشد، ولی آن که اهل معرفت خداوند نیست، او را گمراهانه می پرستد.»

عرض کردم: «معرفت خدا چیست؟» فرمود:

«همانا معرفت خداوند، تصدیق او و پیامبر گرامی اش و دوستی با حضرت علی (علیه السلام)

و پذیرفتن امامت او و امامت ائمه هدی: و بیزاری جستن از دشمنان ایشان است.»^(۱)

۳) هیچ عملی بدون معرفت امام علیه السلام پذیرفته نیست.

اساس و پایه همه اعمال، محبت و معرفت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ همان گونه که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «برای هر چیزی پایه و اساسی است و اساس اسلام محبت و معرفت ما اهل بیت است.»

خداوند متعال شرط قبولی اعمال را معرفت و محبت اهل بیت قرار داده و هیچ عملی با فضیلت تر از معرفت نیست، و اگر کسی عملی مانند نماز به جا آورد، ولی معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام را قبول نداشته باشد، آن عمل هیچ فایده ای برای او ندارد و مانند آن است که اصلاً نماز نخوانده است؛ همان طور که اگر کسی بدون وضو نماز گذارد، آن عمل در واقع نماز نیست (لا صلوه إلا بطهور)؛ بنابراین، روح و اساس همه اعمال، قبول ولایت و داشتن معرفت نسبت به ائمه هدی: است.

ص: ۱۵۴

۱- . کافی، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از احادیث مربوط به معراج خود فرمودند :

«شبی که من به سوی پروردگار جلیل سیر داده شدم و به معراج رفتم، خداوند به من چنین وحی فرمود: "ای محمد! اگر کسی از بندگان من آن قدر مرا عبادت کند تا آن که قطعه قطعه شود و همچون مشک پوسیده گردد و سپس در حالی که منکر ولایت شماسست نزد من بیاید، از او نمی گذرم تا آن که به ولایت و معرفت شما اعتراف نماید"» (۱)

در روایات بسیاری ذکر شده است که اگر بنده ای در بین صفا و مروه، هزار سال خداوند را عبادت کند، آن گاه هزار سال دیگر و پس از آن نیز هزار سال دیگر، تا آن که همچون مشک پوسیده شود، اما محبت اهل بیت علیهم السلام را نداشته باشد، خداوند او را با صورت در آتش می افکند. (۲)

از بهر علی به نصّ ارباب عقول

کفوی نبود به غیر زهرای بتول

گر عمر دو صد نوح، خدایت بخشد

بی عشق علی عبادت نیست قبول

خلاصه این که، ارزش و مقام هر کسی به اندازه معرفت او به خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام است. در حدیث بسیار زیبایی، اُسطوره علم و معرفت، امیر بیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرُهُ مَعْرَفَتُهُ»؛ «ارزش و منزلت هر کس به اندازه معرفت اوست» (۳)

امام محمد باقر علیه السلام در تبیین معنای «معرفت» می فرماید :

«فإنَّ المَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلزَّوَايَةِ وَبِالدَّرَايَاتِ لِلزَّوَايَاتِ يَغْلُو المُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الأِيمَانِ.»

«همانا معرفت عبارت است از فهم روایت، و مؤمن از طریق فهم روایات، تا بلندترین درجات ایمان بالا می رود.» (۴)

ص: ۱۵۵

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۰۰، ح ۶۷.

۲- مجمع البیان، ذیل آیه ۲۳ سوره شوری.

۳- معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۳.

۴- معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۴.

پس به جاست که قبل از هر سخنی، در محضر خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله بنشینیم و به فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام از زبان آن بزرگوار گوش فرادهیم. به امید آن که به درجات بالای معرفت و ایمان دست یابیم.

علی را قدر پیغمبر شناسد

که هر کس خویش را بهتر شناسد

ص: ۱۵۶

حدیث اول: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «یا علیُّ! أنتُ أخی و أنا أخوک، یا علیُّ أنتُ منی و أنا منک، یا علیُّ أنتُ وصیِّ و خلیفتی و حُجَّه الله علی أُمَّتی بَعْدی، لَقَدْ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاکَ و شَقِيَ مَنْ عَادَاکَ.» (۱)

رسول خدا فرمودند: «ای علی! تو برادر منی و من برادر توام. ای علی! تو از منی و من از توام. ای علی! تو وصی و جانشین منی و پس از من حجّت خدا بر اتم خواهد بود. کسی که تو را دوست بدارد سعادت مند و کسی که با تو دشمنی کند شقی و بدبخت است.»

حدیث دوم: معرفت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به خدا و رسول صلی الله علیه و آله

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «یا علیُّ! ما عرف الله إلا أنا و أنت، و ما عرفنی إلا الله و أنت، و ما عرفک إلا الله و أنا.» (۲)

ص: ۱۵۷

-
- ۱- . أمالی صدوق، ص ۳۶۰، مجلس ۵۷، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۰۲، ح ۲۵؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۶، ح ۲۷۱.
 - ۲- . تأویل الآیات، ص ۱۴۵ و ۲۲۷.

«ای علی! خدا را جز من و تو کسی نشناخته، و مرا جز خدا و تو کسی نشناخته و تو را جز خدا و من کسی نشناخته است.»

حدیث سوم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، تقسیم کننده بهشت و دوزخ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! أنت مني و أنا منك، وليك وليي و وليي ولي الله، و عدوك عدوي و عدوي عدو الله، يا علي! أنا حزب لمن حاربك و سلم لمن سالمك، يا علي! لك كنز في الجنة و أنت ذو قرنيها، يا علي أنت قسيم الجنة و النار، لا يدخل الجنة إلا من عرفك و عرفته و لا يدخل النار إلا من أنكرك و أنكرته.» (١)

رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! تو از منی و من از تو هستم، دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست، و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست. ای علی! من با کسی که با تو در جنگ است در جنگم، و با کسی که با تو از در آشتی و صلح در آید، در صلح هستم. ای علی! برای تو در بهشت گنجی خواهد بود و تو صاحب اختیار آن هستی. ای علی! تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی، و جز کسی که تو را شناخته و تو نیز او را بشناسی و جز کسی که منکر تو باشد و تو نیز او را نپذیری وارد دوزخ نمی شود.»

حدیث چهارم: دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کافر است

رؤی عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال لعلي بن أبي طالب عليه السلام :

«يا علي! لا يحببك إلا من طاب و لادته و لا يبغضك إلا من خبث و لادته و

ص: ۱۵۸

لَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ» (۱)

از رسول خدا نقل شده که به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود :

«ای علی! تنها کسی تو را دوست می دارد که ولادتش پاک باشد و دشمن تو کسی است که ولادتش خبیث و ناپاک باشد، و دوست نمی دارد تو را مگر مؤمن و با تو دشمنی نمی کند مگر کسی که کافر است.»

حدیث پنجم: اشتیاق ملائکه به دیدار امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«يا عَلِيُّ! بَخٌّ بَخٌّ مِنْ مِثْلِكَ وَالْمَلَائِكَةُ لَتَشْتَاقُ إِلَيْكَ وَالْجَنَّةُ لَكَ إِذًا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُنْصَبُ لِي مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ وَلَا بُرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ وَ لَكَ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا وَإِذَا مُنَادِيَآ يُنَادِي: بَخٌّ بَخٌّ مِنْ وَصِيٍّ بَيْنَ حَبِيبٍ وَ خَلِيلٍ ثُمَّ أُوتِيَ بِمَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَأُذْفَعُهَا إِلَيْكَ.» (۲)

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! به به از کسی همچون تو که فرشتگان مشتاق تو هستند و بهشت برای توست. همانا زمانی که روز قیامت فرامی رسد، برای من منبری از نور می گذارند و برای ابراهیم علیه السلام نیز منبری از نور نصب می کنند و برای تو هم منبری از نور نصب می کنند و سپس ابراهیم علیه السلام بر منبر می نشیند. در این هنگام، منادی ندا می کند: به به از وصی که میان حبیب (حضرت رسول صلی الله علیه و آله) و خلیل (حضرت ابراهیم علیه السلام) قرار گرفته است. سپس کلید بهشت و دوزخ را می آورند و من آن را به تو می دهم.»

ص: ۱۵۹

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۶، ح ۵۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۱، ح ۸، باب ۲۳.

۲- احقاق الحق، ج ۴، ص ۱۰۱، به نقل از: مناقب المرتضویه، ص ۱۲۰.

حدیث ششم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، نخستین مسلمان

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا علی! أنت أوَّلُ المُسلمین اسلاماً و أنت أوَّلُ المُؤمنین إیماناً و أنت منی بمنزله هارون من موسى علیه السلام.» (۱)

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! تو نخستین کسی بودی که اسلام را پذیرفتی و نخستین کسی بودی که ایمان آوردی و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی [و همان گونه که هارون جانشین موسی علیه السلام بود، تو جانشین من هستی].»

حدیث هفتم: زمین، مهریه همسر امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا علی! إنَّ الله عزَّوجلَّ زوّجک فاطمه علیها السلام و جعل صداقها الأرض فمن مشى علیها مُبغضاً لک مشى حراماً.» (۲)

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! همانا خداوند عزوجل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به ازدواج تو درآورده و زمین را مهریه او قرار داده است. پس هر کس روی زمین راه برود، در حالی که دشمن تو باشد، [در زمین غصبی حرکت کرده و] قدم حرام برداشته است.»

ص: ۱۶۰

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۶۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۶.

۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۷۰؛ نهج الحق، ص ۳۵۸.

حدیث هشتم: هدیه های خداوند به امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ أُعْطِيتَ ثَلَاثَةً لَمْ أُعْطِ (أَنَا).» قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أُعْطِيتُ؟» فَقَالَ: «أُعْطِيتَ صَهْرًا وَ لَمْ أُعْطِ وَ أُعْطِيتَ زَوْجَتَكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ لَمْ أُعْطِ وَ أُعْطِيتَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَمْ أُعْطِ.» (١)

رسول خدا به علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! سه چیز به تو داده شده که به من عطا نشده است.» گفتم: «ای پیامبر خدا! چه چیزهایی به من داده شده است؟» فرمود: «برادری مانند من به تو داده شده که به من داده نشده است، و همسری چون حضرت فاطمه ۳ به تو عطا شده که به من عطا نشده است، و حسن و حسین علیهما السلام به تو داده شده که به من داده نشده است.»

حدیث نهم: مقام والای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در روز قیامت

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«يَا عَلِيُّ! لَيْسَ فِي الْقِيَامَةِ رَاكِبٌ غَيْرُنَا وَ نَحْنُ أَرْبَعَةٌ.» فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: فَدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَمَنْ هُمُ؟ قَالَ: «أَنَا عَلِيُّ دَابَّةَ اللَّهِ الْبُرَاقِ وَ أَخِي صَالِحُ ٧ عَلَى نَاقَةِ اللَّهِ الَّتِي عُقِرَتْ وَ عَمِّي حَمْزَةُ ٧ عَلَى نَاقَتِي الْغُضْبَاءِ وَ أَخِي عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى نَاقِهِ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ بِيَدِهِ لَوَاءُ الْحَمِيدِ، يُنَادِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ الْأَدْمِيُّونَ: مَا هَذَا إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ حَامِلٌ عَرْشٍ، فَيَجِيئُهُمْ مَلِكٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَأْمُرُ الْأَدْمِيِّينَ لَيْسَ هَذَا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا حَامِلٌ عَرْشٍ، هَذَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (٢)

ص: ۱۶۱

۱- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۹ ح ۱؛ امالی طوسی، ص ۳۴۴، مجلس ۱۲، ح ۷۰۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۱۹، ح ۱۷۱؛ کفایه الاثر، ص ۱۰۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۸۹، باب ۳۱.

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! روز قیامت کسی جز ما چهار تن سواره نیست.» مردی از انصار برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، این چهار تن چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من بر براق سوالم، و برادرم حضرت صالح ۷ بر ناقه ای که آن را کشتند و عمویم حمزه ۷ بر ناقه من که غضبناک نام دارد و برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار است، در حالی که "پرچم حمد" در دست اوست و صدا می زند: "لا إله إلا الله، محمد رسول الله". پس آدمیان می گویند: "این کسی نیست جز فرشته ای مقرب یا پیامبری مرسل یا [از ملائکه] حامل عرش." در این میان، فرشته ای از درون عرش پاسخ می دهد: "ای گروه آدمیان! این نه فرشته مقرب است و نه پیغمبر مرسل و نه حامل عرش، بلکه این صدیق اکبر، علی بن ابی طالب علیه السلام است."»

حدیث دهم: پیروی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، موجب رستگاری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب عليه السلام :

«يا علي! أنا وأنت وأبناك الحسن والحسين ۸ و تشيعه من ولد الحسين عليه السلام أركان الدين و دعائم الإسلام من تبعنا نجا و من تخلف عنا فإلى النار.» (۱)

رسول خدا به علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! من و تو و دو فرزندت حسن و حسین و نه تن از فرزندان امام حسین علیه السلام، همگی، پایه های دین و استوانه های اسلام هستیم. هر کس از ما پیروی کند، نجات می یابد، و هر کس از ما تخلف و سرپیچی کرد، در آتش است.»

ص: ۱۶۲

۱- . أمالی مفید، ص ۲۱۷، ح ۴، مجلس ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۷۱، ح ۹۳؛ بشاره المصطفی، ص ۴۸.

حدیث یازدهم: سؤال از ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پس از مرگ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«يا علي! إن أول ما يُسأل عنه العبد بعد موته شهادة أن لا إله إلا الله و أن مُحَمَّدَ رسول الله و أنك وليُّ المؤمنين بما جعله الله و جعلته لك فمن أقر بذلك و كان يعتقدُه صار إلى النعيم الذي لا زوال له.» (١)

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! نخستین چیزی که بنده پس از مرگش از آن سؤال می شود، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به ولایت تو در چیزهایی که خدا و من برای تو قرار داده ایم. و هر که به این مطلب اقرار کند و معتقد باشد، به سوی نعيم جاودانه بهشت رهسپار می شود.»

حدیث دوازدهم: اثر عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عن النبي صلى الله عليه وآله قال :

«يا علي! لو أن عبد الله مثل ما قام نوح في قومه و كان له مثل أحدٍ ذهباً فأنفقَه في سبيل الله و مدَّ في عُمره حتى حجَّ ألفَ عامٍ على قدميه ثم قُتل بين الصفا و المروة مظلوماً ثم لم يُوالك يا علي لم يشم رائحة الجنة و لم يدخلها.» (٢)

رسول خدا فرمود :

«ای علی! اگر بنده ای به اندازه ای که حضرت نوح علیه السلام در میان قومش عمر کرد، خدا را عبادت کند و به اندازه کوه اُحد طلا داشته باشد و آن را در راه خدا انفاق کند، و عمرش به قدری طولانی شود که هزار سال با پای پیاده

ص: ۱۶۳

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۰، ح ۱؛ عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۸، باب ۳۵.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۸؛ بشاره المصطفى، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۴، ح ۵۳.

حج انجام دهد و سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود ولی ای علی ولایت تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید و داخل آن نخواهد شد.»

حدیث سیزدهم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا علی! إنَّ فیک مثلاً من قُل هو الله أحدٌ، من قرأها مرّةً فقد قرأ ثلث القرآن و من قرأها مرّتين فقد قرأ ثلثی القرآن و من قرأها ثلاث مرّاتٍ فكأنما قرأ القرآن کُلّه، یا علی من أحبّک بقلبه کان له مثلُ أجر ثلاث هذه الأمة و من أحبّک بقلبه و لسانه کان له مثلُ أجر ثلثی هذه الأمة و من أحبّک بقلبه و أعانک بلسانه و نصرک بسیفه کان له مثلُ أجر هذه الأمة.» (۱)

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! همانا در تو شباهتی از "قُل هو الله أحد" وجود دارد؛ زیرا کسی که یکبار سوره توحید را بخواند، یک سوم قرآن را خوانده و کسی که آن را دوبار بخواند، دو سوم قرآن را خوانده و کسی که آن را سه بار بخواند گویا تمام قرآن را خوانده است. ای علی! هر کس تو را به قلب دوست بدارد، پاداش یک سوم این امت را خواهد داشت، و هر کس تو را در دل و زبان دوست بدارد، برای او پاداش دو سوم این امت خواهد بود، و هر کس تو را در دل و قلب دوست بدارد و با زبان و شمشیرش یاری کند، پاداش تمام این امت را خواهد داشت.»

ص: ۱۶۴

۱- . تأویل الآیات، ص ۸۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۸۸، ح ۸۳.

حدیث چهاردهم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همانند عیسی بن مریم علیها السلام

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«یا علی! مثلیک فی اُمتی مثلُ المسیح عیسی بن مریم علیه السلام اُفترق قَوْمُهُ ثلاثَ فرقٍ، فرقةٌ مُؤْمِنُونَ و هُمُ الحواریون و فرقةٌ عَادُوهُ و هُمُ الْیَهُودُ و فرقةٌ غلوا فیهِ فخرَجوا عن الایمان و اِنَّ اُمتی ستَفْرُقُ فیکَ ثلاثَ فرقٍ، ففرقةٌ شیعتک و هُمُ الْمُؤْمِنُونَ و فرقةٌ عَدُوکَ و هُمُ الشَّاکُونَ و فرقةٌ تَغْلُو فیکَ و هُمُ الجاحِدُونَ و اَنْتَ فی الْجَنَّةِ یا علی و شیعتک و مُحَبُّ شیعتک، عَدُوکَ و الغالی فی النَّارِ» (۱)

رسول خدا فرمود :

«ای علی! مثل تودر میان اُمتم، مثل مسیح عیسی بن مریم ۳ است که قوم او سه فرقه شدند: فرقه ای ایمان آوردند که همانا حواریون بودند، و فرقه ای با او دشمنی کردند که یهود بودند، و فرقه ای درباره او غلو نمودند و از دایره ایمان خارج شدند. اُمت من نیز به زودی در مورد تو سه فرقه خواهند شد: فرقه ای شیعیان تو هستند که ایمان آورده اند، و فرقه ای دشمنان تو هستند که اهل شک و تردیدند، و فرقه ای درباره تو غلو می کنند که اهل انکار خواهند بود. ای علی! تو و پیروانت و دوستداران شیعیانت، همه، در بهشت خواهید بود، و دشمنان تو و غلوکنندگان در مورد تو در دوزخ خواهند بود.»

ص: ۱۶۵

۱- . بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵، ح ۴؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۳۱۷، ح ۳۱۸؛ مأه منقبه، ص ۱۸، منقبه الثامن و الأربعون؛ احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۱۳.

معرفی امیر مؤمنان علیه السلام در کلام آخرین پیامبران صلی الله علیه و آله

در این ضمیمه به پاره ای از احادیث در فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از زبان رسول خدا در کتب اهل تسنن می پردازیم. (۱)

۱- «علیُّ علیه السلام أوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.»

«علی (علیه السلام) ، نخستین مؤمن است.»

۲- «علیُّ علیه السلام أَعْلَمُ النَّاسِ عِلْمًا.»

«علی (علیه السلام) ، داناترین مردم است.»

۳- «علیُّ علیه السلام أَفْضَلُ النَّاسِ حِلْمًا.»

«علی (علیه السلام) ، بردبارترین مردم است.»

۴- «علیُّ علیه السلام صَاحِبُ حَوْضِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

«علی (علیه السلام) ، صاحب اختیار حوض من (کوثر) در روز قیامت است.»

۵- «علیُّ علیه السلام حُجَّةُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

«علی (علیه السلام) ، حجّت خدا در روز قیامت است.»

۶- «علیُّ علیه السلام أَفْضَلُ أُمَّتِي عِنْدَ اللَّهِ.»

«علی (علیه السلام) ، برترین افراد امت من، نزد خدا است.»

ص: ۱۶۶

۷- «علیُّ علیه السلام خیرُ النَّاسِ.»

«علی (علیه السلام) بهترین مردم است.»

۸- «علیُّ علیه السلام أفضلُ رجالِ العالمین.»

«علی (علیه السلام) ، برترین مردان عالم است.»

۹- «علیُّ منی و أنا من علی.»

«علی (علیه السلام) از من است و من از علی (علیه السلام)

هستم.»

۱۰- «علیُّ علیه السلام منی کنفسی.»

«علی (علیه السلام) نسبت به من همچون خود من است.»

۱۱- «علیُّ علیه السلام أحبُّ النَّاسِ إلی.»

«علی (علیه السلام) ، محبوب ترین مردم نزد من است.»

۱۲- «علیُّ علیه السلام سیّدُ الأوصیاء.»

«علی (علیه السلام) ، سرور اوصیاست.»

۱۳- «علیُّ علیه السلام ولیُّ رسولِ الله فی الدُّنیا و الآخرة.»

«علی (علیه السلام) ، جانشین رسول خدا در دنیا و آخرت است.»

۱۴- «علیُّ علیه السلام خلیفتی فی أمتی.»

«علی (علیه السلام) ، جانشین من در میان ائمتم است.»

۱۵- «علیُّ علیه السلام مع الحقِّ و الحقُّ مع علی.»

«علی (علیه السلام) با حق است و حق با علی (علیه السلام)

است.»

١٦- «علِيّ عليه السلام أمير المؤمنين.»

«علي (عليه السلام) ، امير مؤمنان است.»

١٧- «علِيّ وليّ الله.»

«علي (عليه السلام) ، وليّ خداست.»

١٨- «علِيّ عليه السلام خاتم الوصيين.»

«علي (عليه السلام) ، خاتم اوصياست.»

١٩- «علِيّ عليه السلام اتقى الناس.»

ص: ١٦٧

«علی (علیه السلام) ، پرهیزکارترین مردم است.»

۲۰- «علیُّ علیه السلام أَمِینُ.»

«علی (علیه السلام) ، امین و مورد اطمینان من است.»

ص: ۱۶۸

فصل پنجم

اشاره

ص: ۱۶۹

قال أمير المؤمنين علي عليه السلام :

«إِنَّ كُلَّ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ وَكُلَّ مَا فِي الْفَاتِحَةِ فِي "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" وَكُلَّ مَا فِيهِ فِي الْبَاءِ وَكُلَّ مَا فِي الْبَاءِ فِي النَّقْطَةِ وَأَنَا نَقْطَةُ تَحْتِ الْبَاءِ» (١)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرمایند :

«تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد می باشد، و تمام آنچه در سوره حمد است در "بسم الله الرحمن الرحيم" جمع شده، و آنچه در بسم الله است در "باء" آن است، و تمام آنچه در "باء" جمع شده در نقطه آن است، و من نقطه زیر باء هستم.»

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود :

«علم آنچه بوده و خواهد بود در قرآن است، و علم تمام قرآن در سوره فاتحه است، و علم تمام سوره فاتحه در بسم الله است، و علم تمام بسم الله در حرف باء آن است، و من نقطه زیر باء هستم.»

ص: ۱۷۱

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال :

«إِنَّ لِلَّهِ بَلَدَةً خَلْفَ الْمَغْرِبِ يُقَالُ لَهَا جَابَلْقَا، وَفِي جَابَلْقَا سَبْعُونَ أَلْفَ أُمَّةٍ لَيْسَ مِنْهَا أُمَّةٌ إِلَّا مِثْلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَمَا عَصُوا اللَّهَ طَرْفَهُ عَيْنٍ، فَمَا يَعْمَلُونَ عَمَلًا - وَلَا يَقُولُونَ قَوْلًا إِلَّا الدُّعَاءَ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْبِرَاءَةَ مِنْهُمَا وَالْوَلَايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (١)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید :

«خداوند متعال را شهری است در پشت مغرب که به آن جابلقا گفته می شود، که در آن هفتاد هزار امت اند که همگی مثل این امت هستند که اینان حتی به اندازه یک چشم برهم زدن نافرمانی خدا را نکرده اند. هیچ کاری انجام نمی دهند و هیچ سخنی نمی گویند جز نفرین بر دو نفر اول و بیزاری جستن از آن دو، و اظهار ولایت و دوستی به خاندان رسول خدا.»

سئل أمير المؤمنين عليه السلام كيف أصبحت؟ فقال :

«أَصْبَحْتُ وَ أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ أَنَا وَصِيَّ خَيْرِ الْبَشَرِ وَ أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ وَ أَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَ أَنَا عَيْنُ اللَّهِ، وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا أَمِينُ اللَّهِ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، بِنَا عِبْدَ اللَّهِ، وَ نَحْنُ خِرَانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، وَ أَنَا أَحْيَى وَ أَمِيَّتٌ وَ أَنَا حَيٌّ لَا يَمُوتُ.»

فتعجب الأعرابيُّ من قوله فقال عليه السلام :

«أنا الأول، أول من آمن برسول الله صلى الله عليه وآله، و أنا الآخِرُ، آخر من نظر فيه لَمَّا كان في لحدده، و أنا الظَّاهِرُ، ظاهرُ الأسلام، و أنا الباطنُ، بطين من العلم، و أنا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، فَإِنِّي عَلِيمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، أَخْبِرَ اللَّهُ بِهِ نَبِيَّهُ فَأَخْبِرَنِي بِهِ، فَأَمَّا عَيْنُ اللَّهِ، فَأَنَا عَيْنُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكُفْرَةَ، وَ أَمَّا جَنْبُ اللَّهِ، ف- (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي

ص: ١٧٢

علی ما فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ (۱) و مَنْ فَرَطَ فِي فَقَدْ فَرَطَ فِي اللَّهِ، و لَمْ يُجْزُ

لِنَبِيِّ نُبُوَّةٍ حَتَّى يَأْخُذَ خَاتَمًا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ
أَمَّا خُزَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، فَقَدْ عَلَّمْنَا مَا عَلَّمْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِقَوْلٍ صَادِقٍ.

وَ أَنَا أُحْيِي، أُحْيِي سُنَّتَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنَا أُمِيتُ، أُمِيتُ الْبَدْعَةَ، وَ أَنَا حَيٌّ لِأَمْوَاتٍ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ لَا تَحْسَبَنَّ
الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) (۲). (۳)

از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پرسیده شد: چگونه صبح کردی؟ حضرت فرمود:

«صبح کردم در حالی که صدیق اکبر و فاروق اعظم و وصی بهترین انسان ها هستم. من اول و آخر و ظاهر و باطن هستم. من
دانای همه چیزها، چشم خدا، و جنب خدا، و امین خدا بر پیامبرانم. به وسیله ما خداوند بندگی و عبادت شد. ما در روی زمین
و آسمان ها گنجینه دار خدا هستیم. من زنده می کنم و می میرانم و من زنده ای هستم که نمی میرم.»

اعرابی از بیان امیر مؤمنان علیه السلام شگفت زده شد، حضرت فرمود:

«من اول هستم؛ یعنی من اولین کسی هستم که به پیامبر ایمان آوردم. من آخر هستم؛ یعنی آخرین کسی هستم که در لحد قبر
به آن حضرت نظر کردم. من ظاهر هستم؛ یعنی ظاهر کننده اسلامم. من باطنم؛ یعنی سینه ام پر از علم و دانش است. و به همه
چیز علم دارم؛ یعنی عالمم به هر چیزی که خدا به پیامبرش خبر داده است و پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به من اطلاع داده
است. اما من چشم خدا هستم؛ یعنی ناظر او بر مؤمنان و کافران هستم. اما من جنب الله هستم، "مبادا کسی روز قیامت بگوید:
افسوس بر من از کوتاهی هایی که در

ص: ۱۷۳

۱- .سوره زمر، آیه ۵۶.

۲- .سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۳- . مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مصباح البلاغه، ج ۳، ص ۲۶۰.

اطاعت فرمان خدا کردم"، هر کس درباره [اولایت] من کوتاهی کند، درباره خداوند متعال کوتاهی کرده است. و به هیچ پیامبری اجازه نبوت داده نشد مگر این که مَهْری از محمّد صلی الله علیه و آله داشته باشد و به همین جهت خاتم النبیین نام گرفت. محمّد سید انبیا است و من سید اوصیا هستم. و ما گنجینه داران خدا در روی زمین و آسمان هستیم. ما دانستیم آنچه را رسول خدا به گفتار صحیح و صادق خود به ما آموخت. و من زنده ام؛ یعنی زنده می کنم سنت پیامبر را. و من می میرانم؛ یعنی می میرانم بدعت را. و من زنده ای هستم که نمی میرم؛ برای این که خداوند می فرماید: "هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد خدای خود از روزی های او بهره مند می شوند".

منقبت چهارم

قال سُلَيْمٌ بْنُ قَيْسٍ (رضی الله عنه): سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ - وَأَنَا أَسْمَعُ - أَخْبَرَنِي بِأَفْضَلِ مَنْقَبِهِ لَكَ، قَالَ :

«ما أنزل الله في كتابه؟»

قال: و ما أنزل الله فيك؟ قال :

«أفمن كان على بينه من ربه و يتلوه شاهد منه» (۱). قال: «أنا الشاهد»

من رسول الله صلی الله علیه و آله.

و قوله: (و يقول الذين كفروا لست مُرسلاً قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم و من عنده علم الكتاب) (۲)، إتياني عنى بمن عنده علم الكتاب، فلم يدع

شيئاً أنزل الله فيه إلا ذكره.

مثل قوله: (إنما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاه و يؤتون الزكاه و هم راعون) (۳)، و قوله: (أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و

ص: ۱۷۴

۱- .سوره هود، آيه ۱۷.

۲- .سوره رعد، آيه ۴۳.

۳- .سوره مائده، آيه ۵۵.

أولى الأمر منكم» (۱) و غیر ذلك.

قال: قلت: فأخبرني بأفضل مقبته لك من رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقال:

«نصية إِيَّاي يوم غدِيرِ حُجِّم، فقام لي بالولايه بأمر الله عزَّوجلَّ وقوله: "أنت مني بمنزله هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي".» (۲)

سليم بن قيس می گوید: مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و در حالی که من هم می شنیدم عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! بالاترین منقبت خود را به من خبر بده.

فرمود: «آنچه خداوند در کتابش درباره من نازل کرده است؟» عرض کرد: خداوند درباره تو چه نازل کرده است؟

حضرت فرمود: «کلام خداوند که می فرماید: "آیا آن کس که دلیل آشکاری از جانب پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهی از سوی او می باشد"، من شاهد نسبت به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستم.

و کلام خداوند که می فرماید: "آنها که کافر شدند می گویند: تو پیامبر نیستی! بگو: کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب [و آگاهی بر قرآن] نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!" و خداوند از "کسی که علم کتاب نزد اوست"، مرا قصد کرده است. و هیچ آیه ای نازل نکرده مگر این که مرا نیز یاد فرموده است.

و مثل کلام خداوند: "سرپرست و ولیّ شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی هستند که نماز به پا داشتند و به فقیران در حال رکوع زکات می دهند"، و کلام خداوند متعال که می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبران خدا و اولوا الأمر [اوصیای پیامبر] را!"

ص: ۱۷۵

۱- .سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- .إحتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱، ح ۲.

سلیم می گوید: عرض کردم: بالا-ترین منقبت و فضیلت خود را از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خبر دهید.
حضرت فرمود :

«منصوب کردن آن حضرت مرا در غدیر خم، که به امر خدای تبارک و تعالی ولایت را از جانب او برایم اقامه نمود، و دیگر سخن او که فرمود : "منزلت تو نسبت به من همانند منزلت هارون نسبت به موسی علیه السلام است، جز این که پیامبری بعد از من نیست".»

منقبت پنجم

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

«من تمسك بنا لحق و من سلك غير طريقنا غرق، لمحينا أفواج من رحمه الله و لمبغضينا أفواج من غضب الله.» (۱)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «هر که به [ولایت] ما چنگ بزند، به ما ملحق می شود، و هر کس به جز راه ما به راه دیگری برود، [در فتنه ها و بلاها] غرق می شود، و برای دوستان ما فوج هایی از رحمت خدا و برای دشمنان ما فوج هایی از خشم و غضب الهی است.»

منقبت ششم

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

«من أحبنا بقلبه و أعاننا بلسانه و قاتل معنا أعداءنا بيده، فهو معنا في الجنة في درجتنا، و من أحبنا بقلبه و أعاننا بلسانه و لم يقاتل معنا أعداءنا فهو أسفل من ذلك بدرجه و من أحبنا بقلبه و لم يعننا بلسانه و لا بيده فهو في الجنة، و من أبغضنا بقلبه، و أعان علينا بلسانه و يده، فهو مع عدونا في النار، و من أبغضنا بقلبه و لم يعن علينا بلسانه و لا بيده فهو في النار.» (۲)

ص: ۱۷۶

۱- . خصال، ج ۲، ص ۶۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۸۸، باب ۴، ح ۳۹.

۲- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۶ و ج ۲۷، ص ۸۸؛ تحف العقول، ص ۱۱۸.

«هر کس ما را با قلب دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنان ما بجنگد، در بهشت هم درجه ما خواهد بود. و هر که ما را به قلب دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنان ما جنگ نکند، از این مقام درجه ای پایین تر است. و هر که ما را به قلب دوست بدارد، ولی با زبان و دست خود ما را یاری نکند، او هم با ما در بهشت است. و هر که با قلب خود ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضد ما یاری کند، همراه با دشمنان ما در آتش جهنم است. و هر که ما را با قلب دشمن دارد، ولی با زبان و دست خود بر ضد ما یاری کند پس او هم در آتش دوزخ است.»

منقبت هفتم

رَوَى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَوْمَ مَا عَلَى مَنبَرِ مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي». فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ وَقَالَ لَهُ: أَيُّنَ جِبْرِئِيلُ الْآنَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ وَنَظَرَ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنْتَ جِبْرِئِيلُ». فَطَارَ وَشَقَّ سَقْفَ الْمَسْجِدِ فَصَاحَ النَّاسُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَنْ أَيُّنَ عَلِمْتَ أَنَّهُ جِبْرِئِيلُ؟»

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ خَرَقَ نَظْرِي أَطْبَاقَ السَّمَوَاتِ حَتَّى الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ فَمَا رَأَيْتُهُ، وَنَظَرْتُ الْأَرْضَ كُلَّهَا فَلَمْ أَرَهُ، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ جِبْرِئِيلُ». (۱)

نقل شده که روزی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر بالای منبر مسجد بصره فرمود: «از من پرسید قبل از آن که مرا از دست بدهید.» مردی از میان جمعیت برخاست و گفت: «ای امیر مؤمنان! جبرئیل هم اکنون کجاست؟» حضرت علی (علیه السلام) نگاهی به سوی آسمان نمود، آن گاه به سمت چپ و راست نگاه کرد و فرمود: «تو جبرئیل هستی.» در این هنگام، آن شخص به پرواز درآمد و سقف مسجد را شکافت و رفت. مردم فریاد "الله اکبر" سرداده و

ص: ۱۷۷

گفتند: «ای امیرمؤمنان! از کجا فهمیدی که او جبرئیل است؟» امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «وقتی به آسمان نگاه کردم، تمام طبقه های آسمان را تا عرش دیدم، ولی او را نیافتم، آن گاه به تمام اطراف زمین نگریدم و او را ندیدم، پس فهمیدم که او جبرئیل است.»

منقبت هشتم

عن الأصبغ بن نباته قال: قال عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام ذات يومٍ على منبر الكوفة :

«أنا سيّدُ الوصيّين و وصيُّ سيّدِ النَّبِيِّينَ و أنا إمامُ المُسلمين و قائدُ المُتّقين و زوُجُ سيّده نساءِ العالمين أنا المُتختمُ باليمين و المُعَفَّرُ للجبين أنا المذی هاجرتُ الهجرتين و بايعتُ البيعتين، أنا صاحبُ بدرٍ و حنينٍ و أنا الضَّارِبُ بالسَّيْفين و الحاملُ على فرسين و أنا وارثُ علمِ الأوّلين و حُجَّهُ الله عزَّوجلَّ على العالمين بعيدِ الأنبياء و مُحَمِّدِ بنِ عبدِالله خاتمِ النَّبِيِّينَ أَهْلُ مُوالاتي مَرْحُومُونَ و أَهْلُ عداوتی مُلْعُونُونَ و لقد كان حبيبي رسولُ الله صلى الله عليه و آله كثيرًا ما يقولُ يا عليُّ حُبُّكَ تقوى و بُغْضُكَ كُفْرٌ و نفاقٌ و أنا بيتُ الحُكمه و أنت مفتاحُه و كذب من زعم أنه يُحِبُّني و يُبْغِضُكَ.» (١)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) روزی بر بالای منبر کوفه فرمود :

«منم سیّد اوصیاء، و جانشین سیّد انبیا. منم امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و ولی مؤمنان و شوهر سیّده زنان جهانیان. منم آن که انگشتر به دست راست کنم و پیشانی به خاک نهم. منم که دو هجرت کردم و دو بیعت نمودم. منم صاحب بدر و حنین. منم زنده با دو تیغ و جنگنده بر دو اسب. منم وارث علوم اوّلین و حجّت خدا بر جهانیان پس از پیغمبران و محمّد بن عبدالله خاتم انبیا ۹. دوستانم مورد رحمت خدا و دشمنانم مشمول

ص: ۱۷۸

۱- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۱، باب ۹۰، ح ۱۲؛ أمالی صدوق، ص ۲۵، مجلس ۷، ح ۲؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۱؛
بشاره المصطفی، ص ۱۵۵.

لعنت خدا می باشند. حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار می فرمود: "ای علی! دوستی تو تقوا و ایمان، و دشمنی با تو کفر است و نفاق. منم خانه حکمت و تویی کلید آن. دورغ می گوید آن که گمان می برد مرا دوست دارد و با تو دشمن است."»

منقبت نهم

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«يا سَلْمَانُ! الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ لَنَا حَقَّ مَعْرِفَتِنَا وَ أَنْكَرَ فَضْلَنَا، يَا سَلْمَانُ! أَيُّمَا أَفْضَلُ، مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَوْ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ؟»

قال سلمان: «بل مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَفْضَلُ.»

فقال عليه السلام: «يا سلمان! فهذا آصف بن برخيا قدر أن يحمل عرش بلقيس من فارس إلى سبأ في طرفة عينٍ و عنده علم من الكتاب و لا- أفعل أنا أضعاف ذلك و عندي ألف كتاب، أنزل الله على شيث بن آدم عليه السلام خمسين صحيفةً و على إدريس ٧ ثلاثين صحيفةً و على إبراهيم الخليل ٧ عشرين صحيفةً و التوراه و الأنجيل و الزبور و الفرقان.» فقلت: «صدقت يا سيدي.»

فقال الإمام عليه السلام :

«[أعلم] يا سلمان! إن الشاك في أمورنا و علومنا كالمستهزئ في معرفتنا و حقوقنا و قد فرض الله ولايتنا في كتابه في غير موضع و بين ما أوجب العمل به و هو مكشوف.» (١)

سلمان فارسی می گوید که امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به من فرمود :

«ای سلمان! بدبختی و تمام بدبختی بر آن کس که حق معرفت ما را نشناسد و فضایل ما را انکار کند. ای سلمان! کدام یک برتر است: محمد صلی الله علیه و آله یا سلیمان بن داود؟» عرض کردم: بلکه محمد صلی الله علیه و آله برتر و بالاتر است.»

سپس فرمود: «آصف بن برخیا کسی بود که قدرت داشت در یک چشم

ص: ١٧٩

برهم زدن، تخت بلقیس را از فارس به سبأ حمل کند، در حالی که نزد او مقداری از علم کتاب بود. همانا چگونه من نتوانم چندین برابر او انجام دهم، در حالی که نزد من یک هزار کتاب است. خداوند از آسمان، بر شیت پسر آدم پنجاه صحیفه و بر ادریس پیامبر سی صحیفه، بر ابراهیم خلیل بیست صحیفه و تورات و انجیل و زیور و فرقان را فرستاده است.»

عرض کردم: «راست فرمودی ای مولای من.»

سپس فرمود: «بدان ای سلمان! همانا شک کننده در کارها و علوم ما، مانند کسی است که معرفت و حقوق ما را مسخره می کند. و همانا خداوند متعال در قرآن ولایت ما را واجب کرده است و در آن جا بیان فرموده آنچه را واجب است عمل کردن به آن و آن آشکار است و بر کسی پوشیده نیست.»

منقبت دهم

فی حدیث طویل المشهور «بالتورائیه»: «یا سلمان و یا جُنْدُبُ!» قال: لَبَّيْكَ يا أمير المؤمنين صلواتُ الله عليك! قال: «كُنْتُ أنا و مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأَمَرَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ذَلِكَ النُّورَ أَنْ يُشَقَّ فَقَالَ لِلنَّصَفِ: كُنْ مُحَمَّدًا، وَقَالَ لِلنَّصَفِ كُنْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيُّ مَنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَلا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا عَلِيُّ وَقَدْ وَجَّهَ أَبَا بَكْرٍ بِرَاءةٍ إِلَى مَكَّةَ فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ ۷ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! قَالَ لَبَّيْكَ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُؤَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنْكَ فَوْجَهَنِي فِي اسْتِزْدَادِ أَبِي بَكْرٍ فَرَدَّدْتُهُ فَوَجَدَ فِي نَفْسِهِ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ أَنْزِلْ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: لا وَ لَكِنْ لا يُؤَدِّي إِلَّا أنا أَوْ عَلِيُّ.»

یا سلمان و یا جُنْدُبُ! قال: لَبَّيْكَ يا أخا رسول الله! قال عليه السلام: «من لا يصلح لحمل صحيفه يؤدّيها عن رسول الله صلى الله عليه وآله كيف يصلح للامامه؟ يا سلمان و یا جُنْدُبُ! فأنا و رسول الله صلى الله عليه وآله كُنَّا نُورًا وَاحِدًا صَارَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَمَّدٌ الْمُضِيْطْفِي، وَ صَرْتُ أَنَا وَصِيَّهُ الْمُرْتَضَى، وَ صَارَ مُحَمَّدٌ النَّاطِقُ وَ صَرْتُ أَنَا الصَّامِتُ وَ إِنَّهُ لا بُدَّ فِي كُلِّ عَصْرِ مِنَ الْأَعْصَارِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ نَاطِقٌ وَ صَامِتٌ. يا

سَلْمَانُ! صَارَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنْذِرُ وَصَرْتُ أَنَا الْهَادِي وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (١)،
فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنْذِرُ وَ أَنَا الْهَادِي) (٢).

در حدیثی که به حدیث «نورائیت» مشهور است، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به سلمان و جندب فرمودند: «ای سلمان و ای جُندب!» عرض کردند: بلی، ای امیرمؤمنان! رحمت و درود خدا بر شما باد! فرمود:

«من و محمد صلی الله علیه و آله یک نور از نور خدا بودیم، آن گاه خداوند به آن نور فرمود دو قسمت گردد، به نیمی از آن فرمود: محمد باش، و به نصف دیگر آن فرمود: علی باش؛ لذا رسول خدا فرموده است: علی از من است و من از علی هستم، و دین مرا ادا نمی کند از طرف من مگر علی (علیه السلام).

و هنگامی که ابوبکر را برای براءت از مشرکین [او ابلاغ سوره براءت] به طرف مکه فرستاده بود، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: "ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است آن را خودت و یا شخصی از خودت ابلاغ کند"، مرا به دنبال ابوبکر فرستاد تا او را برگردانم. او به رسول خدا عرض کرد: آیا درباره من چیزی نازل شده است؟ فرمود: "نه، ولی این کار را انجام نمی دهد مگر من یا علی (علیه السلام)".

ای سلمان و ای جُندب! کسی که شایستگی ندارد دستوری را از طرف رسول خدا ابلاغ کند، چگونه صلاحیت امامت و پیشوایی مردم را دارد؟

ای سلمان و ای جُندب! پس من و رسول خدا یک نور بودیم، سپس او محمد مصطفی شد و من وصی او علی مرتضی شدم، محمد صلی الله علیه و آله سخنگو و ناطق گردید و من ساکت، و در هر زمانی باید یکی ناطق و دیگری صامت باشد.

ای سلمان! محمد صلی الله علیه و آله بیم دهنده گردید و من هدایت کننده و این همان فرمایش خداوند است: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) مراد از "مُنْذِرٌ" در این آیه رسول خدا و مقصود از "هادی" من هستم.

ص: ۱۸۱

۱- . سوره رعد، آیه ۷.

۲- . بحار الأنوار، ج ۲۶، ح ۱.

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

«ذكرنا أهل البيت شفاءً من الوباء والاسقام ووسواس الريب وحبنا رضى الرب تبارك وتعالى» (١)

امير مؤمنان على (عليه السلام) فرمود :

«ياد و ذکر ما اهل بيت، شفای از تب و ديگر بيمارى ها و باعث از بين رفتن وسوسه هاى شيطانى است، و دوستى ما سبب خشنودى خداوند تبارك و تعالى است.»

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال :

«حدثني أخي وحببي رسول الله صلى الله عليه وآله قال :

" من سره أن يلقى الله عزوجل وهو مقبل عليه، غير معرض عنه فليتوالك يا على .

و من سره أن يلقى الله عزوجل وهو راض عنه فليتوال ابنك الحسن عليه السلام .

و من أحب أن يلقى الله عزوجل ولا خوف عليه فليتوال ابنك الحسين عليه السلام .

و من أحب أن يلقى الله عزوجل وقد محا الله ذنوبه عنه فليتوال على بن الحسين عليه السلام، فإنه ممن قال الله عزوجل :
(سيماهم فى وجوههم من أثر السجود) (٢) .

و من أحب أن يلقى الله عزوجل وهو قريز العين فليتوال محمد بن على الباقر عليه السلام .

و من أحب أن يلقى الله عزوجل ويعطيه كتابه يمينه فليتوال جعفر بن محمد الصادق عليه السلام .

ص: ١٨٢

١- بحار الانوار، ج ٢، ص ١٤٥، ح ١٠، باب ١٩؛ وسائل الشيعه، ج ١٦، ص ٣٤٨، باب ٢٣؛ محاسنبرقى، ج ١، ص ٦٢، باب ٨٣، ح ١٠٧ .

٢- سورة فتح، آيه ٢٩ .

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَوَالَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ ضَاكِكٌ فَلْيَتَوَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ قَدْ رُفِعَتْ دَرَجَاتُهُ وَ بُدِّلَتْ سَيِّئَاتُهُ حَسَنَاتٍ فَلْيَتَوَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْجَوَادِ ۷.

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ يُحَاسِبُهُ حَسَابًا يَسِيرًا وَ يُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ عَدْنٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ فَلْيَتَوَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ.

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيَتَوَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَشْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

و مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ قَدْ كُمِلَ إِيمَانُهُ وَ حُسِنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ الْحُجَّجَةُ بْنُ الْحَسَنِ الْمُتَنْظِرِ ۷ هُوَ لِأُمَّهُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى مِنْ أَحِبِّهِمْ وَ تَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةِ" (۱)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، از پدران خود، از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که فرمود :

«برادر و حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

هر کس می خواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که به او توجه داشته باشد و از او روی نگرداند، باید ای علی تو را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد، خداوند را ملاقات کند در حالی که از او راضی باشد، باید فرزندان حسن علیه السلام را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که هیچ ترسی نداشته باشد، باید فرزندان حسین علیه السلام را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که گناهانش از بین رفته باشد، باید علی بن الحسین علیه السلام را دوست بدارد؛ زیرا او از کسانی

ص: ۱۸۳

است که خداوند درباره آنها فرموده: (سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ)؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده ها نمایان است.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که چشمش روشن است، باید محمّد بن علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که نامه عملش را به دست راستش بدهند، باید جعفر بن محمّد صلی الله علیه و آله را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که پاک و پاکیزه باشد، باید موسی بن جعفر علیه السلام را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که شاد و خندان است، پس باید علی بن موسی الرضا علیه السلام را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که گناهانش تبدیل به حسنات شده باشد، باید محمّد بن علی (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که حسابرسی او آسان باشد و داخل بهشتی شود که عرض آن به اندازه آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده، باید امام هادی علیه السلام را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد، باید حسن بن علی (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که با ایمان کامل و اسلام نیکو باشد، پس حجّه بن الحسن علیه السلام را دوست بدارد.

ایشان پیشوایان هدایت و راهنمای تقوا هستند، هر که آنها را دوست بدارد، من از جانب خداوند بهشت را برای او ضامن می شوم "».

منقبت سیزدهم

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

« كان لي عشرٌ من رسول الله صلى الله عليه وآله لم يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قبلي ولا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ

بعیدی. قال لی: "یا علی! أنت أخی فی الدُّنْیا و الآخِره و أنت أقربُ النَّاسِ مِنِّی موقفاً یومُ القِیامه و منزلی و منزلک فی الجنّه متواجهین کمَنزل الأخوین و أنت الوصی و أنت الولی و أنت الوزیر و عدوک عدوی و عدوی عدو الله و ولیک ولی و ولیی ولی الله" (۱).

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ده خصلت دارم که به هیچ کس پیش از من و بعد از من داده نشده است. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: "ای علی! تو برادر من در دنیا و آخرت هستی و تو نزدیک ترین کس برای من در موقف روز قیامت هستی. منزل من و تو در بهشت مانند دو برادر، روبه روی هم است. و تو وصی و دوست و وزیر من هستی. دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست. دوست تو دوست من و دوست من دوست خداست.»

منقبت چهاردهم

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

«أنا حُجَّهُ اللَّهِ و أنا خلیفهُ اللَّهِ و أنا صراطُ اللَّهِ و أنا بابُ اللَّهِ و أنا خازنُ عِلْمِ اللَّهِ و أنا المُؤْتَمَنُ علی سِرِّ اللَّهِ و أنا إمامُ البریّه بعد خیر الخلیفه مُحَمَّدٍ نَبیِّ الرَّحْمه صلی الله علیه و آله» (۲).

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«منم حجّت خدا، خلیفه خدا و باب خدا. منم گنجینه علم الهی و امانت دار سرّ خدا. منم امام خلق پس از بهترین مردم، حضرت محمد، پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله.»

ص: ۱۸۵

-
- ۱- . خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۷؛ أمالی صدوق، مجلس ۱۸، ح ۸، ص ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۳۷، باب ۹۰.
 - ۲- . بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۳۵، باب ۹۰؛ أمالی صدوق، مجلس ۹، ح ۹، ص ۳۵؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۰۱.

فصل ششم

اشاره

ص: ۱۸۷

(يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (۱)

«آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند؛ هر چند کافران ناخشنود باشند.»

حضرت علی مرتضی علیه السلام؛ آفتاب عالم آرا

فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) چونان خورشید تابناکی است که نور آن مشرق و مغرب عالم را پُر کرده است؛ آن چنان که حتی دشمنان هم به فضایل و مناقب او اقرار کرده و در برابر عظمت او سر تعظیم فرو آورده اند.

شافعی، از پیشوایان اهل تسنن، درباره آن حضرت می گوید :

«اگر مرتضی علی (علیه السلام) حقیقت حال و باطن امر خویش را ظاهر سازد، مردم کافر می شوند؛ زیرا همه به شبهه خدایی نزد او به سجده می افتند. از فضل و منقبت وی همین بس که درباره او بعضی شک کرده اند که آیا از خداست یا از خلق.» (۲)

ص: ۱۸۹

۱- .سوره توبه، آیه ۳۲.

۲- .امام علی علیه السلام، خورشید بی غروب، ص ۲۷۰.

ابن ابی الحدید معتزلی، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، درباره عظمت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می گوید :

«چه بگویم درباره مردی که دوستان و دشمنانش همگی به فضل او اقرار کرده اند و نتوانسته اند منقبتی از مناقب او را انکار و یا فضیلتی از فضایل او را پنهان کنند.

تو می دانی که بنی امیه در شرق و غرب عالم بر حکومت اسلام تسلط یافتند و با تمام دسیسه های شیطانی شان در خاموش نمودن نور آن حضرت و نسبت دادن دروغین عیب ها و کارهایی که موجبات سرزنش را برای او فراهم می آورد، درباره وی کوشیدند و او را در بالای همه منابر سب و دشنام می دادند و ثناگویان او را تهدید می نمودند، بلکه آنان را حبس نموده و به کشتار آنان پرداختند و از هر حدیثی که دربردارنده فضیلتی برای او باشد و یا مقام او را بالا برد، جلوگیری کردند و ممنوع نمودند که نام کسی را علی بگذارند. با این همه، همواره مقام و عظمت او در میان مردم آن چنان بالا رفت، که چونان مُشکی که روی آن را پوشانند عطرش بیشتر پخش می شد و هر قدر پرده پوشی از آن به عمل آوردند بیشتر منتشر گردید. او مانند خورشیدی است که با کف دست ها نمی توان آن را از دیده ها پنهان ساخت.»^(۱)

با این که دشمنان تلاش داشتند فضایل و مناقب آن بزرگوار را کتمان کنند، ولی هیبت، صلابت، شجاعت، شهادت، عفت، حکمت، علم، عدالت و عظمت آن حضرت چنان آنان را مجذوب خود کرده بود که حتی مخالفان و بیگانگان نیز به مقامات عالی و کمالات انسانی آن بزرگوار اقرار نموده اند.

از امام شافعی سؤال کردند: درباره علی بن ابی طالب علیه السلام چه سخنی

ص: ۱۹۰

۱- شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱، ص ۱۶ س آخر.

می گویی؟ گفت: «چه بگویم درباره کسی که دوستانش از ترس و دشمنانش از روی حسد و کینه، فضایل او را مخفی کردند. با این حال، درباره او به قدری فضایل روایت شده که مابین آسمان ها و زمین ها را پُر کرده است.»^(۱)

ما در این بخش به بیان قسمتی از فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از زبان دشمنان و مخالفان می پردازیم.

هرگز حدیث وصل تو کوتاه نمی شود این گفت و گوی تا به قیامت مسلسل است

ص: ۱۹۱

۱- . کشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۳.

عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي قُحَافَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ :

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَيُقَدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَ مُجَبِّئِي وُلْدِهِ» (١)

ابوبکر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود :

«همانا خداوند متعال از نور صورت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرشتگانی آفرید که خدا را تسبیح و تقدیس می کنند و ثواب آن را برای دوستان علی (علیه السلام) و دوستان فرزندان او می نویسند.»

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمُحِبِّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (٢)

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود :

«خداوند متعال از نور صورت علی بن ابی طالب علیه السلام هفتاد هزار ملک خلق فرمود که برای او و دوستان او، تا روز قیامت استغفار می کنند.»

ص: ۱۹۲

۱- بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۲۵، باب ۹۲؛ مقتل الحسين عليه السلام (خوارزمی)، ج ۱، ص ۹۷؛ مأهمنقه، ص ۱۴۸، المنقبه الثمانون.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۵، باب ۸۷؛ مأهمنقه، ص ۴۲، المنقبه التاسعه عشر؛ مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۳۶، ح ۷۰۰؛ ارجح المطالب، ص ۴۶۳ و ۵۲۵.

سخن دوم

عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي قُحَافَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ :

«إِنَّ عَلَى الصَّرَاطِ لَعَقَبَهُ لَا يَجُوزُهَا أَحَدٌ إِلَّا بِجِوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

ابوبکر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود :

«به درستی که بر پیل صراط گردنه ای است که احدی از آن عبور نمی کند مگر با جواز عبور از علی بن ابی طالب علیه

السلام.» (۱)

سخن سوم

قال أبو بكر: أيها الناس! عليكم بعلی بن أبي طالب عليه السلام فإني سمعتُ رسول الله يقول :

«علی خیر من طلعت علیه الشمس و غربت بعدي.»

ابوبکر می گوید: ای مردم! بر شما باد به دوستی و پیروی از علی بن ابی طالب علیه السلام، پس همانا شنیدم از رسول خدا

صلی الله علیه و آله که می فرمود :

«علی (علیه السلام) بعد از من بهترین کسی است که خورشید بر او تابیده و غروب نموده است.» (۲)

سخن چهارم

عمر بن خطاب می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«لو اجتمع الناس على حبِّ علی بن أبي طالب عليه السلام لما خلق الله النار.»

«اگر همه مردم بر دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام اجتماع می کردند، خداوند آتش را خلق نمی کرد.» (۳)

ص: ۱۹۳

۱- . احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۱۶۱، به نقل از: مناقب العشره، ص ۱۷؛ وسیله المآل، ص ۱۲۲؛ مناقبعلی، ص ۴۵؛ وسیله النجاه،

ص ۱۳۵؛

۲- . احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۵۰، به نقل از: لسان المیزان، ج ۶، ص ۸۷.

۳- . احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۵۱، حدیث الرابع، به نقل از: ینابیع المودّه، ص ۲۵۱.

ابن عساکر با ذکر دو سند و دیگران با اسناد مختلف نقل کرده اند که در دوران حکومت عمر بن الخطاب، دو نفر مرد نزد او رفتند و از تعداد طلاق کنیز (که مانع رجوع می شود) از وی سؤال کردند. عمر از جا برخاست و همراه آنها نزد حلقه ای از مردان که در مسجد نشسته بودند رفت و بالای سر مردی اصلع (۱) ایستاد و گفت: «ای اصلع نظر تو درباره طلاق کنیز چیست؟»

آن مرد سر بلند کرد و دو بار با اشاره به دو انگشت سبّابه و وُسطی پاسخ داد. عمر هم به آن دو مرد گفت: «با دو مرتبه طلاق نمی توان به کنیز رجوع کرد.» پس یکی از آنها گفت: «سبحان الله! ما آمده ایم از تو که امیرمؤمنان هستی نظر خواهی و سؤال کنیم، و تو سراغ این مرد رفتی و از وی سؤال کردی و او هم بدون آن که با تو حرف بزند با اشاره انگشتانش پاسخ داد و تو به این جواب گویی راضی شدی!» عمر گفت: «آیا شناختید که او کیست؟» گفتند: «نه.»

گفت: «این علی بن ابی طالب علیه السلام است، گواهی می دهم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

"لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ (السَّبْعَ) وَضَعْنَ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ وَوَضَعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ لَرَجَحَ بِهَا إِيْمَانُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ."

"اگر طبقات هفتگانه آسمان و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهند و ایمان علی (علیه السلام) را در کفه دیگر، پس ایمان علی (علیه السلام) برتری و سنگینی کند." (۲)

عمر بن خطاب می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی (علیه السلام) فرمود:

ص: ۱۹۴

۱- . أضع کسی است که موی جلوی سر یا پیشانی او ریخته شده باشد.

۲- . امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، به نقل از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۶۴ - ۳۶۵ به شماره های ۸۷۱ -

«لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا وَ الرِّيَاضُ أَقْلَامًا وَ الْإِنْسُ كُتَابًا وَ الْجَنُّ حُسَابًا مَا أَحْصُوا فَضَائِلَكَ يَا أبا الْحَسَنِ» (۱)

«اگر دریاها مرکب و رویدنی‌ها [از جمله درختان] قلم و انسان‌ها نویسندگان و جنیان همه حسابگر شوند، نمی‌توانند فضایل تو را حساب کنند و به شمارش درآورند، ای ابالحسن!»

سخن هفتم

عمر بن خطاب می‌گوید: «لَقَدْ أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ خِصَالٍ لِأَنَّ تَكُونَ لِي خَصِيْلَةً مِنْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ حُمْرُ النَّعَمِ.» قيل: «و ما هُنَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟»

قال: «تَزَوُّجُهُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَكْنَاهُ الْمَسْجِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يُحِلُّ لَهُ فِيهِ مَا يُحِلُّ لَهُ وَ الزَّيَاةُ يَوْمَ خَيْبَرَ.» (۲)

«سه خصلت به علی بن ابی طالب علیه السلام اعطا گردیده است که اگر یکی از آنها به من داده می‌شد، در نزد من از شتران سرخ موی محبوب‌تر بود (که در آن زمان بسیار زیبا و ارزشمند بودند).» به او گفته شد: «آن سه چیز کدام است، ای امیرالمؤمنین؟»

عمر گفت: «۱- همسری فاطمه زهرا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ۲- سکونت او با پیامبر در مسجد و حلال شدن برای وی، آنچه را که بر پیامبر حلال بود، همانند آزادی رفت و آمد و توقف در مسجد؛ ۳- پرچم داری او در جنگ خیبر [که پیروزی مسلمانان را بر یهودیان خیبر به همراه داشت و سبب افتخار و سرافرازی علی (علیه السلام) گردید].»

ص: ۱۹۵

۱- . احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۶۱۰، به نقل از: مودّه القریبی، مودّه پنجم، ص ۵۵؛ ینابیع المودّه، ص ۲۴۹.

۲- . احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۶۸، به نقل از: تاریخ الخلفاء، ص ۶۶؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ تلخیص المستدرک المطبوع بذیلالمستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵.

ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله [گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش حضرتش رسید] فرمود: «آیا می دانید نخله [صیحانی] چه گفت؟»

ما گفتیم: «خدا و رسولش بدان آگاه تر باشند.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«صاحت: " هذا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و وصِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. »

«درخت خرمای صیحانی فریاد زد: این محمد رسول الله و وصیش علی بن ابی طالب است (۱)»

سخن نهم

از عمر بن خطاب نقل شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جنگ خیبر فرمود:

«لَأُعْطِينَ الزَّيَاهِ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ و رَسُولَهُ و يُحِبُّهُ اللَّهُ و رَسُولُهُ، كَرَّارًا غَيْرَ فَرَارٍ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ و ميكائيل عَنْ يساره.» فبات المسلمون كلهم يستشرفون لذلك فلما أصبح قال: «أين عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام؟»

قالوا: «أرمدُ العين.» قال: «أتوني به.» فلما أتاه رسول الله صلی الله علیه و آله: «أذنُ مني.» فدنا منه فتفل في عينيه و مسحهما بيده فقام عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام من بين يديه و كأنه لم يرمد و أعطاه الزَّيَاهِ فقتل مَرْحَب و أخذ مدينه خيبر. (۲)

«فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش هم او را دوست دارند. او بسیار به دشمن حمله می برد، نه این که فرار کند. خداوند به وسیله او پیروزی عنایت فرماید. جبرئیل طرف راستش باشد و میکائیل سمت چپش.»

پس مسلمانان شب را گذراندند، در حالی که آرزوی تشرّف بدین مقام و

ص: ۱۹۶

۱- امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، ص ۳۰، به نقل از مناقب علی، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۶۹، به نقل از: المناقب (خوارزمی)، ص ۱۰۲؛ نفحات اللاهوت (کرکی)، ص ۹۱؛ کنز العمال، ج

۶، ص ۹۷۵؛ منتخب کنز العمال المطبوع بهامش المسند، ج ۵، ص ۴۵.

مأموریت را در سر می پروراندند.

چون صبح شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام کجاست؟»

گفتند: «او دچار چشم درد شده است.»

پیامبر فرمود: «وی را بیاورید.» پس هنگامی که حضرتش را آوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نزدیک من بیا.» و چون نزدیک پیامبر شد به آب دهان، چشمانش را مسح نمود. در این هنگام، علی (علیه السلام) با دیدگان سالم از جا برخاست آن چنان که گویا سابقه چشم درد نداشته است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به او داد، او هم مزحج (جنگجوی بزرگ یهود) را کشت و خیبر را فتح نمود.

سخن دهم

محبّ الدّین طبری در روایتی نقل نموده که عمر در حال طواف بود و علی (علیه السلام) هم در جلوی او مشغول طواف بود که مردی به عمر گفت: «ای امیرالمؤمنین! حقّ مرا از علی بن ابی طالب بگیر.»

عمر گفت: «حقّ تو از چه قرار است؟» آن مرد گفت: «بر چشم من سیلی زد.»

پس عمر قدری توقّف نمود تا علی (علیه السلام)

به وی ملحق شد و به او گفت: «ای ابوالحسن! آیا تو به چشم این مرد سیلی زده ای؟» علی (علیه السلام) فرمود: «آری.»

عمر گفت: «به چه علّت؟» علی (علیه السلام) فرمود: «رَأَيْتُهُ يَتَأَمَّلُ حُرْمَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الطَّوْفِ؛ دیدم او در حال طواف به ناموس مؤمنین چشم چرانی می کند.»

عمر گفت: «أَحْسَنْتَ يَا أبا الْحَسَنِ؛ کار خوبی کردی ای ابوالحسن.»

آن گاه رو به آن مرد کرد و گفت: «وَقَعْتَ عَلَيْكَ عَيْنٌ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ؛ چشمی از چشمان الهی تو را دیده و بر تو سیلی زد. پس حقّی به گردن علی (علیه السلام) نداری که من از او مطالبه کنم.»^(۱)

ص: ۱۹۷

۱- . امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، به نقل از: الرّیاض النّضرة، ج ۲، ص ۱۴۵.

عمر بن خطاب می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود :

«فَضْلُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ وَفَضْلُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ الْيَوْمِ عَلَى سَائِرِ الْأَيَّامِ، فَطُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَ بَوْلَايَتِهِ وَالْوَيْلُ لِمَنْ جَحَدَهُ وَجَحَدَ حَقَّهُ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُنْبِلَهُ شَيْئًا مِنْ رَوْحِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا تَنَالَهُ شَفَاعَةٌ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (۱)

«برتری علی (علیه السلام) بر این امت مانند برتری ماه رمضان بر ماه های دیگر است. برتری علی (علیه السلام)

بر این امت همچون برتری شب قدر بر شب های دیگر است. برتری علی بن ابی طالب علیه السلام بر این امت مانند برتری روز جمعه بر روزهای دیگر است. و خوشا به حال کسی که به وی ایمان آورد و ولایتش را تصدیق کند، و وای بر کسی که منکر حق او شود، و بر عهده خداست که در روز قیامت چنین کسی را از رحمت خود برخوردار نسازد و شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وی نرسد.»

سخن دوازدهم

معاویه از دشمنان سرسخت علی (علیه السلام)، روزی در کنار پسرش یزید و مشاورش عمرو عاص بود که شخصی بر آنها وارد شد و هدیه نفیسی به او اهدا کرد. معاویه به آن دو نفر گفت: هر یک از ما یک بیت شعر در شأن علی (علیه السلام) بگوییم، هر که شعرش از نظر ظاهر و معنی جالب تر و زیباتر بود، صاحب این هدیه باشد.

یزید و عمرو عاص پیشنهاد او را پذیرفتند، ابتدا معاویه گفت :

خَيْرُ الْوَرَى مَنْ بَعْدَ أَحْمَدَ حَيْدَرُ وَالنَّاسُ أَرْضُ وَالْوَصِيُّ سَمَاءُ

ص: ۱۹۸

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۷۰، به نقل از: دُر بحر المناقب، ص ۱۰۷؛ الاربعین (ابی الفوارس)، ص ۱۴.

یعنی: «بهترین موجودات پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، علی (علیه السلام) است. انسان ها در مقایسه با آن حضرت چون زمین هستند و آن وصی پیامبر چون آسمان.»

عمرو عاص گفت :

هذا الذي شهد العدو بفضله

و الفضل ما شهدت به الأعداء

یعنی: «علی (علیه السلام) کسی است که دشمن به فضیلت و آقایی او گواهی می دهد، کمال فضیلت آن است که دشمنان به آن گواهی دهند.»

یزید گفت :

كمليحه شهدت بها ضرائها

و الحسنى ما شهدت به ضراء

یعنی: «او مانند نمکینی است که حسودان برای برتریش گواهی داده اند و حُسن و خوبی در واقع آن است که حسودان به وجود آن شهادت دهند.»

شعر عمرو عاص از نظر شیدایی عبارت، برنده تشخیص داده شد و آن هدیه نفیس نصیب او گردید. (۱)

سخن سیزدهم

از شافعی، پیشوای فقهی فرقه شافعی، نقل کرده اند که گفته است :

يا أهل بيت رسول الله حُبُّكُمْ

فَرَضَ مِنْ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كفأكم من عظيم الفضل إنكم

من لم يصلّ عليكم لا صلاة له (۲)

«ای خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، محبت به شما، از سوی خداوند واجب شده است، که خداوند آن را در قرآن ذکر فرموده است.»

در عظمت فضیلت شما کفایت می کند که هر شخصی بر شما صلوات نفرستد، نماز او قبول نخواهد شد.»

۱- . پُرساره ترین آسمان، به نقل از: پنندهای جاویدان، ج ۳، ص ۱۴.

۲- . ینایع المودّه، ج ۲، ص ۴۳۴، ش ۱۹۷.

و در شعر دیگری می گوید :

لَوْ أَنَّ الْمُتْرَضِيَّ أَبَدِيَّ مَحَلَّةً

لِصَارِ النَّاسِ طُرّاً سَجْدَآ لَهُ

كَفَى فِي فَضْلِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ

وُقُوعِ الشُّكِّ فِيهِ أَنَّهُ اللَّهُ

و مَاتِ الشَّافِعِيَّ وَ لَيْسَ يَدْرِي

عَلِيٌّ رَبُّهُ أَمْ رَبُّهُ اللَّهُ (۱)

«اگر مقام و منزلت علی (علیه السلام) آشکار می شد و مردم آن حضرت را می شناختند، همه در مقابلش به سجده می افتادند.

و در فضیلت مولایمان علی (علیه السلام) همین بس، که در مورد خدا بودن او شک وجود است.

و شافعی در حالی مُرد که ندانست و نفهمید که علی علیه السلام خدای اوست یا الله خدای اوست.»

سخن چهاردهم

عمر بن عبدالعزیز می گوید :

«پدرم فرماندار مدینه و از گویندگان توانا و سخن سرایان نیرومند بود و خطبه نماز را با کمال فصاحت و بلاغت ایراد می کرد، ولی از آن جا که طبق بخشنامه حکومت شام، ناچار بود در میان خطبه نماز، علی (علیه السلام) و خاندان او را لعن کند، هنگامی که سخن به این مرحله می رسید، ناگهان، در بیان خود دچار لکنت می شد و چهره او دگرگون می گشت و سلاست سخن را از دست می داد. من از پدرم علت را پرسیدم، گفت: "اگر آنچه را که من از علی (علیه السلام) می دانم، دیگران نیز می دانستند، کسی از ما پیروی نمی کرد و من با توجه به مقام منیع علی به او ناسزا می گویم؛ زیرا برای حفظ موقعیت آل مروان ناچارم چنین کنم."» (۲)

ص: ۲۰۰

۱- مناقب مرتضوی (صالح کشفی حنفی)، ص ۱۵.

۲- فروغ ولایت (سبحانی)، ص ۳۵، به نقل از: شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۲۱.

فصل هفتم

اشاره

ص: ۲۰۱

«خداوند بزرگ، هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که این روز را عید گرفت و عظمت و مقام آن را شناخت.» (۱) امام صادق علیه السلام

پیشینه تاریخی روز عید غدیر

- ۱- در این روز، خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت. (۲)
- ۲- در این روز، حضرت شیث، وصی حضرت آدم علیه السلام شد. (۳)
- ۳- در این روز، خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد. (۴)
- ۴- در این روز، حضرت سلیمان علیه السلام از مردم بر جانشینی آصف بن برخیا گواهی گرفت. (۵)
- ۵- در این روز، حضرت موسی علیه السلام بر جادوگران پیروزی یافت. (۶)
- ۶- در این روز، حضرت موسی علیه السلام هارون را وصی خویش قرار داد. (۷)
- ۷- در این روز، حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون را به خلافت و جانشینی خویش برگزید. (۸)

ص: ۲۰۳

-
- ۱- تهذیب، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۱.
 - ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۵، ح ۱۳۸۰۵.
 - ۳- عوالم العلوم، ج ۱۵ / ۳، ص ۳۰۹.
 - ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۵، ح ۱۳۸۰۵.
 - ۵- بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.
 - ۶- همان.
 - ۷- إقبال الاعمال، ص ۴۶۶.
 - ۸- بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.

۸- در این روز، حضرت عیسی علیه السلام اعلان کرد که شمعون الصفا وصی من است. (۱)

۹- در این روز، کشتی نوح علیه السلام بر کوه جودی قرار گرفت. (۲)

عظمت غدیر در کلام معصومین علیهم السلام

غدیر در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که این روز را عید بگیرد و فرمود: «پیامبران هم چنین می کردند و به جانشینان خود وصیت می کردند که این روز را عید بگیرند.» (۳)

غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در سالی که عید غدیر با روز جمعه همزمان شد، خطبه ای ایراد فرمودند و مطالب بسیار مهمی درباره عید غدیر فرمودند. از جمله فرمودند:

«و یَوْمُ الْبَیَانِ عَنْ حَقَائِقِ الْإِيْمَانِ وَ یَوْمُ دُخْرِ الشَّیْطَانِ وَ یَوْمُ الْبُرْهَانِ. (هَذَا یَوْمُ الْفِضْلِ الَّذِی كُنْتُمْ بِهِ تُكذَّبُونَ).» (۴) (۵)

«امروز، روز بیان حقایق ایمان و روز رانده شدن شیطان و روز دلیل استوار و برهان است. "امروز، همان روز جدایی (حق از باطل) است که آن را تکذیب می کردید!"»

غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در روزهای پایانی عمر خود، هنگامی که عده ای از

ص: ۲۰۴

۱- بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۲۰۲، ح ۴.

۳- عوالم العلوم ج ۱۵ / ۳ ص ۲۰۸.

۴- سوره صافات، آیه ۲۱.

۵- مصباح کفعمی، ص ۶۹۸؛ مصباح المتهدجد، ص ۷۵۵.

زنان مهاجر و انصار به عیادت آن حضرت آمدند و گفتند: «ای بانوی بزرگ! اگر ابوالحسن این مطالب را قبل از بیعت با اهل سقیفه برای ما می گفت، هرگز با دیگری به جای او بیعت نمی کردیم»، فرمود:

«از من دور شوید که عذری از شما پذیرفته نیست فما جعل الله لاحدٍ بعد غدیر حُمٍّ من حُجَّهٍ و لا عُذْرٍ؛ بعد از روز غدیر خم، خداوند هیچ دلیل و عذری برای احدی باقی نگذاشته است.»^(۱)

غدیر در کلام امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام روزی بر فراز منبر رفتند و فرمودند: «وقد رأوا رسول الله صلی الله علیه و آله نصب ابي یوم غدیر حُمٍّ و أمرهم أن یبلغ الشاهد منهم الغائب.»

«این امت، پدرم را رها کردند و با غیر او بیعت کردند، در حالی که خودشان دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله پدرم را در روز غدیر خم منصوب فرمود و به آنان دستور داد حاضرانشان به غایبان خبر دهند.»^(۲)

غدیر در کلام امام حسین علیه السلام

حضرت سیدالشهداء علیه السلام یک سال پیش از مرگ معاویه، در موسم حج در منی، بیش از هفتصد نفر، که حدود دویست نفرشان از اصحاب پیامبر بودند، را در خیمه خود جمع کرد و در خطابه ای بر جنایات معاویه و فضایل پدرش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آنان اقرار گرفت. از جمله فرمود:

«أُنشِدُكُمْ الله! أنْغَلَمُونَ أنْ رسول الله صلی الله علیه و آله نصبه یوم غدیر حُمٍّ فنادی له بالولایه و قال: لیبْلِغ الشاهد الغائب؟»
قالوا: اللهم نعم.^(۳)

ص: ۲۰۵

۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۶۲، ح ۱۲؛ أمالی طوسی، مجلس ۲۰، ص ۵۵۹، ح ۱۱۷۳.

۳- کتاب سلیم، ص ۷۹۱، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۸۲، باب ۱۷.

«شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید که پیامبر در روز غدیر او را منصوب کرد و ولایت را برای او اعلام نمود و فرمود: باید حاضرین به غایبین خبر دهند؟» همه جمعیت گفتند: «آری، به خدا قسم!»

غدیر در کلام امام سجّاد علیه السلام

هنگامی که از حضرت سجّاد علیه السلام پرسیدند: «معنای کلام پیامبر صلی الله علیه و آله چیست که فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؟"»، فرمود:

«أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ الْأَمَامُ بَعْدَهُ؛ به مردم خبر داد که علی بن ابی طالب علیه السلام امام بعد از اوست.»^(۱)

غدیر در کلام امام محمّد باقر علیه السلام

ابان بن تغلب از امام محمّد باقر علیه السلام پرسید: «معنای کلام پیامبر صلی الله علیه و آله چیست که فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؟"». حضرت فرمود:

«يَا أَبَا سَعِيدٍ! تَسْأَلُ عَنْ مِثْلِ هَذَا؟! أَعْلَمُهُمْ أَنَّهُ يَقُومُ فِيهِمْ مَقَامُهُ.»^(۲)

«آیا چنین مطلبی جای سؤال دارد؟ آن حضرت به مردم فهمانید که جانشین او خواهد بود.»

غدیر در کلام امام جعفر صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام پس از نقل واقعه غدیر، آیه (يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)^(۳)؛ «آنها نعمت خدا را می‌شناسند سپس آن را انکار می‌کنند»،

تلاوت کرد و فرمود:

«يَعْرِفُونَهَا يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَ يُنْكِرُونَهَا يَوْمَ السَّقِيفَةِ.»

ص: ۲۰۶

۱- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۳۷، ح ۱۳۹.

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۳۷، ح ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۲۳، ح ۹۷.

۳- سوره نحل، آیه ۸۳.

«در روز غدیر آن نعمت (ولایت) را می شناسند و در روز سقیفه آن را انکار می کنند.»^(۱)

غدیر در کلام امام کاظم علیه السلام

زمانی که هارون، حضرت کاظم علیه السلام را احضار کرد و مسائلی را از جمله درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام از ایشان پرسید، حضرت فرمودند :

«ما می گوئیم ولایت همه خلائق با ماست ما این ادعا را از کلام پیامبر در غدیر خم داریم که فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ.»^(۲)

غدیر در کلام امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام حدیث غدیر را با سند متصل، از پدرش موسی بن جعفر، از امام صادق، از امام باقر، از امام سجّاد، از امام حسین، از امیرالمؤمنین :، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود :

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادَ مَنْ عَادَاهُ، وَاخُذْ مَنْ خَذَلَهُ وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ.»

«هر که من مولای او بوده ام، علی (علیه السلام) مولای اوست. خدایا! دوست بدار آن که او را دوست بدارد، و دشمن بدار آن را که با وی دشمنی کند، و خوار کن هر که او را خوار کند و یاری کن هر که او را یاری کند.»^(۳)

غدیر در کلام امام عسکری علیه السلام

حسن بن ظریف به امام عسکری علیه السلام نامه ای نوشت و معنای «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ» را سؤال کرد. حضرت در جواب او فرمودند :

ص: ۲۰۷

۱- . جامع الأخبار، ص ۱۱، فصل الخامس؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۳۶.

۲- . بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۴۷.

۳- . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۰۷، ح ۴۲۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۸۳، و ص ۵۹، ح ۲۲۷.

«أراد بذلك أن يجعله علماً يُعرفُ به حزبُ الله عندَ الفُرقة.»

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواست با این کلام او را علامت و نشانه ای قرار دهد که هنگام تفرقه و اختلافات، حزب خداوند با او شناخته شوند.»^(۱)

مدارک و اسناد متن خطبه غدیر

بسیاری از بزرگان و دانشمندان اسلامی، خطبه غدیر را نقل کرده و این میراث بزرگ را به نسل های بعدی رسانده اند، از جمله آنان می توان به دانشمندان زیر اشاره نمود:

- علامه ابن فثال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه. ق) در: روضه الواعظین، جلد اول، صفحه ۸۹.
- شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه. ق) در: الاحتجاج، جلد اول، صفحه ۵۶.
- سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه. ق) در: الإقبال، صفحه ۴۵۴.
- علامه شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق) در: اثبات الهداه، جلد دوم، صفحه ۱۱۴ و جلد سوم، صفحه ۵۵۸.
- علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ه. ق) در: بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۲۰۱.
- علامه سیدهاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه. ق) در: کشف المهم، صفحه ۱۹۰.
- علامه علی بن یوسف حلّی (متوفای قرن ۸ هجری) در: العُدَد القویه، صفحه ۱۶۹.

ص: ۲۰۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۲۳، ح ۹۵؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۴۵، ح ۶۰۶؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۲۳.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ بَوْلَايَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

تحلیل و بررسی معنای حدیث غدیر

منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بیان جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»، چیزی جز تعیین خلافت و جانشینی حضرت علی (علیه السلام) نبوده است. آنان که با حرف های بی اساس از این فرمان الهی سر می پیچند و می پندارند معانی «مولی» در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، «دوست»، «یاور»، است، به معنای دقیق و حقیقی سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه نداشته و می خواهند بر پندار نادرست خویش تعصّب ورزند. با کمی تأمل در خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر پی می بریم که غدیر، فقط یک واقعه و رویداد تاریخی نیست. غدیر، روزی است که خداوند به وسیله آن دین خود را کامل کرد. غدیر، روز آشکار شدن حقیقت، روز بیان حقایق ایمان و روز منصوب شدن امیر مؤمنان علیه السلام به خلافت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امر الهی است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با جمله معروف و مشهور خود در روز غدیر، نه فقط امامت، خلافت و وصایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، بلکه ولایت مطلقه الهیه آن حضرت را برای عالمیان بیان فرموده است. به این مطلب در روایات نیز اشاره شده است؛ همان گونه که سلمان در غدیر خم از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۲۰۹

۱- . فرازی از دعای عید غدیر: شکر خدای را که کمال دینش و تمام نعمتش را همراه با ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد.

پرسید: ولایت علی (علیه السلام) همانند کدام ولایت است؟ حضرت فرمود: «ولایت او همچون ولایت من است. هر کس را که من نسبت به او از خودش بیشتر اختیار دارم، علی هم نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر است.» (۱)

ما در این جا با استفاده از قرینه هایی که در خطبه غدیر وجود دارد روشن خواهیم نمود که منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حدیث غدیر، تعیین خلیفه بلافصل بعد از خود بوده است.

قراین اثبات ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیث غدیر

قرینه اول

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز سخن خویش فرمود: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ آیا من سزاوارتر به شما از خودتان نیستم؟» همگان پاسخ دادند: «خدا و رسولش آگاه تر است.» سپس فرمود: «خداوند ولی و صاحب اختیار من است و من نیز ولی و صاحب اختیار مؤمنان هستم.» آن گاه بلافاصله این جمله را فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ.»

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث غدیر، معنایی دیگر غیر از معنایی که در مقدمه سخن خود - أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ - برای کلمه «مولی» منظور داشته، اراده فرموده بود، رشته ارتباط فرمایش آن حضرت گسیخته می گردید و قسمتی از آن با قسمت دیگر بی ارتباط می گشت و سخن آن جناب از مرز فصاحت و بلاغت خارج می شد، در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بلیغ ترین کسانی است که به زبان عربی سخن گفته است. بنابر این، جز اعتراف به ارتباط اجزای سخن پیامبر راهی نداریم.

بر همین اساس، از مقدمه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در این خطبه درمی یابیم که آن حضرت خواسته است همان ولایت و رهبری و صاحب اختیاری خودش را بر مؤمنین که همه حاضران بدان اعتراف و اقرار نمودند، برای حضرت

ص: ۲۱۰

علی (علیه السلام) ثابت کند، لذا ولی بودن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از همان سنخ مولا بودن خدا و پیامبر است و آن چیزی جز ولایت و رهبری حضرت علی (علیه السلام) نیست.

سبط ابن جوزی، از دانشمندان اهل تسنن، پس از آن که ده معنی برای کلمه «مولی» برمی شمرد و معنای «اولی» را معنای دهم بیان می کند، می گوید:

«مراد از کلمه "مولی" در حدیث غدیر همان اطاعت مخصوص است که این همان معنی دهم (یعنی اولی) است و معنای حدیث این چنین می شود که هر کس من اولی بر او از خودش هستم، پس علی هم بر او اولی است.»^(۱)

قرینه دوّم

بنابر قول جمع زیادی از علمای شیعه و سنی، آیه شریفه «(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)»^(۲)؛ ای

پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً به مردم برسان و اگر انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده ای»، درباره واقعه غدیر خم نازل شده است.^(۳)

این خطاب مؤکّد که خداوند می فرماید: «اگر ابلاغ نکنی در حقیقت رسالت الهی را ابلاغ نکرده ای»، قطعاً مربوط به ابلاغ حکمی از احکام شرعی نیست؛ زیرا سابقه ندارد که خداوند در مورد ابلاغ حکمی از احکام شرعی، حتی نماز و روزه و جهاد، چنین تأکید و تهدیدی کرده باشد، چه رسد به احکام دیگر.

واقعاً این چه امر مهمّ و خطیری است که اگر پیامبر آن را انجام ندهد، آن همه رنج و سختی که در راه رسالت دین خدا در مدّت بیست و سه سال، چه

ص: ۲۱۱

۱- . تذکره الخواص، ص ۲۵.

۲- . سوره مائده، آیه ۶۷.

۳- . ر.ک: الغدیر، ج ۱، ص ۴۲۳.

در مکه و چه در مدینه، به جان خویش خرید، جملگی از بین خواهد رفت. آیا عقل سلیم جز این حکم می کند که این امر باید تداوم بخش رسالت نبوی و ضامن بقای آن باشد که همان ولایت و پیشوایی امت اسلام است؟

قرینه سوم

در بسیاری از منابع شیعه و سنی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دنباله حدیث فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ؟ خدایا! دوستدار علی (علیه السلام) را دوست بدار و با دشمن او دشمنی کن.»

این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، دلیل روشنی است بر آن که مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از معنای کلمه «مولی» چیزی جز ولایت و رهبری نبوده است؛ چرا که لازمه سخن حضرت، با توجه به عام و فراگیر بودن محتوای آن که فرامگانی و فرازمانی است آن است که حضرت علی (علیه السلام) در هر زمان و هر مکان موصوف به عصمت و مصون از هر گناه و خطا باشد و جز بر محور حق و حقیقت عمل نکند. در غیر این صورت، یعنی در صورتی که حضرت علی (علیه السلام) در معرض گناه و اشتباه قرار گیرد، لازم است که بر او اعتراض شود و به خاطر عمل نادرستش از او اعتراض و دوری شود، در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور عام و بدون استثنا کردن زمان و مکان فرموده است: «پروردگارا! دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را.» بر این اساس، کسی که دارای چنین مقامی باشد، واجب است که امام بر حق باشد؛ چرا که امامت کسی که پایین تر از اوست بر طبق موازین استدلالی قبیح و ناروا است. پس باید گفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز معنای امامت و رهبری از کلمه «مولی» چیز دیگری اراده نفرموده است.

قرینه چهارم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز خطبه خویش فرمودند: «به سرای آخرت

فراخوانده شده ام و نزدیک است دعوت حق را لئیک بگویم و به جهان آخرت بروم»^(۱)

از این سخن این حقیقت معلوم می شود که از وظایف تبلیغی آن حضرت موضوع مهمی باقی است که نگرانند مبادا رحلتشان فرارسد و آن را اعلام نکرده باشند. باید گفت که انتظار طبیعی مردم که این خبر سنگین و اندوه بار و اضطراب آور را می شنیدند آن بوده که پیامبر تکلیف آنان را برای زمان پس از ارتحالشان روشن کند. از درایت و عظمت پیغمبر ۹ نسبت به امت نیز انتظاری غیر از تعیین تکلیف آینده نمی رود.

با توجه به این مطالب، آیا پیغمبر جز معنای ولایت و رهبری، معنای دیگری از کلمه «مولی» اراده کرده بود؟

قرینه پنجم

رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از بیان حدیث فرمودند: «أَلَا فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبِ»^(۲)

حاضران به غایبان اطلاع دهند. آیا با این تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله، که حاضران این خبر را به غایبان ابلاغ کنند، می توان گفت که منظور آن حضرت، فقط دوستی حضرت علی (علیه السلام) بوده است؟ دوستی حضرت علی (علیه السلام) و سایر مؤمنان چیز پنهانی نبوده است. این مسأله پیش از این نیز بر اساس آیات قرآن مجید برای هر فردی روشن و ظاهر بوده است؛ چنان که در قرآن می خوانیم: «مؤمنان با هم برادرند»^(۳) و «مؤمنان نباید کافران را به سرپرستی خود برگزینند، که هر که چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد»^(۴)

آیا پیامبر صلی الله علیه و آله انبوه جمعیت را در آن گرمای سوزان جمع کرد تا مطالب آشکار و بدیهی را بازگو کند؟ آیا مسلمانان وضعیتی خویش را نسبت به دوستی با حضرت علی (علیه السلام) نمی دانستند؟ بی تردید، مقصود اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۲۱۳

۱- . الغدير، ج ۱، ص ۳۴.

۲- . همان، ج ۱، ص ۳۵.

۳- . سوره حجرات، آیه ۱۰.

۴- . سوره آل عمران، آیه ۲۸.

از این امر، آن هم با چنان تأکید و اصراری که به گوش همگان برسد، چیزی جز ولایت و پیشوایی حضرت علی (علیه السلام) نبوده است.

قرینه ششم

از قرینه های دیگر، اشعار حسان بن ثابت است که در همان روز و همان جا بلافاصله پس از خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و پس از کسب اجازه از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعاری سرود. از آن جمله گفت :

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ وَاِنِّي

رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي اِمَامًا وَاِذَا

فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَاِنِّي

فَكُونُوا لَهُ اَتْبَاعٌ صَدَقَ مَوْلِيًّا (۱)

«پیامبر فرمود: یا علی! برخیز! خشنودم که تو بعد از من امام و هادی باشی. پس هر که من مولای او هستم، این (علی) علیه السلام) مولای اوست. ای مردم! فرمان بردار و پیرو راستین او باشید.»

این اشعار را حسان در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرود و خواند، پس اگر پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی غیر از ولایت و رهبری از معنای کلمه «مولی» لحاظ کرده بود، حتماً هنگامی که حسان در شعر خود از فهم و درک خویش به عنوان پیشوا و رهبر تعبیر کرد، به او اعتراض می نمودند و جلوی خطایش را می گرفتند؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت انسان ها آمده است و باید جلوی انحرافات و کج روی ها را بگیرد.

امیرا می بینیم که نه تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله به این تعبیر حسان نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام اعتراض نکردند، بلکه او را تأیید و تشویق نمودند و فرمودند: «ای حسان! تا زمانی که با زیانت ما را یاری می نمایی، روح القدس یاریت کند.» (۲)

ص: ۲۱۴

۱- . الغدير، ج ۲، ص ۶۳.

۲- . تذکره الخواص، ص ۳۲؛ کفایه الطالب، ص ۶۴.

پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث غدیر را بیان فرمودند، به مسلمانان دستور دادند که به حضرت علی (علیه السلام) به خاطر این مقام و منصب تبریک و تهنیت گویند.

مردم گروه گروه به خدمت آن حضرت می رسیدند و با ایشان بیعت می کردند و به آن حضرت تبریک می گفتند. (۱) این مراسم سه روز به طول

انجامید. (۲) بیان این نکته ضروری است که خود این تهنیت و بیعت کردن، دلالت بر این معنی می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از کلمه «مولی» جز خلافت و رهبری، چیز دیگری در نظر نداشته و آنچه معمول بوده است برای امر خلافت بیعت می گرفتند.

ابوبکر و عمر نیز قبل از همه پیش آمدند و گفتند: «يَخُّ بَخٌّ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ! أَصْبَحْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ آفرین بر تو ای پسر ابی طالب که مولای همه مؤمنان - مرد و زن - شدی.» (۳) تعبیر «أصبحت» که آن دو گفتند، حکایت از رُخ دادن یک رویداد جدید است که پیش از آن برای حضرت علی (علیه السلام) نبوده است.

اگر کلمه «مولی» را به معنای دوست بگیریم، در آن صورت، بدین معنا خواهد بود: «از این پس حضرت علی (علیه السلام) دوست همه مؤمنان - زن و مرد - شده است»، در حالی که قبلاً آیاتی نظیر: «مؤمنان دوستان یکدیگرند.» (۴) و یا

«مؤمنان برادر یکدیگرند» (۵)، نازل نشده بود، و این معنی، به ویژه در مورد

ص: ۲۱۵

-
- ۱- . الغدير، ج ۱، ص ۵۰۸.
 - ۲- . همان، ج ۱، ص ۶۵۸.
 - ۳- . همان، ج ۱، ص ۵۰۸ تا ۵۲۸، نام شصت تن از علمای اهل تسنن را بیان نموده که جریان تهنیتو تبریک ابوبکر و عمر را نقل کرده اند.
 - ۴- . سوره توبه، آیه ۷۱: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ».
 - ۵- . سوره حجرات، آیه ۱۰: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».

حضرت علی (علیه السلام) که سرآمد مؤمنان بود، یک مسأله محقق و قطعی بود و دیگر یک امر جدید به حساب نمی آمد تا ابوبکر و عمر این گونه به آن حضرت تبریک بگویند.

همچنین باید افزود که از شأن و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله به دور است که این واضحات و بدیهیات را در آن هنگامه حساس و نفس گیر برای مردم بیان کند و به خاطر آن، مردم را در آن گرمای سوزان بایستاند.

قرینه هشتم

در تفاسیر فراوانی از عالمان شیعه و سنی (۱) آمده است که شأن نزول آیه

شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (۲)؛ «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»، واقعه غدیر خم بوده است.

حال، این سؤال مطرح می شود که این چه امر خطیر و مهمی بوده است که با ابلاغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز، خدا دین خویش را کامل کرد و نعمتش را بر مردم به حد تمام رسانید؟

اگر بگوییم این امر مهم، دوستی و یاری حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، که با لحاظ کردن آیات و روایات، قبل از آن ثابت گردیده بود. دیگر آن که، بسیاری از اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از آن رویداد حضرت علی (علیه السلام) را دوست می داشتند. پس دیگر چه جای آن بود که روز غدیر خم دین خدا کامل و نعمتش تمام شود؟

لذا باید گفت که این امر چیزی نیست جز تعیین پیشوایی و رهبری امت اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا تکلیف بقای دستاوردهای رسالت نبوی

ص: ۲۱۶

۱- .ر.ک: الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۵۹.

۲- .سوره مائده، آیه ۳.

مشخص گردد. آری، بدین وسیله است که نعمت خداوند بر مردم تمام و کامل می شود. در حقیقت، بدون این امر، دین و رسالت پیغمبر ۹ کامل نمی گردید؛ چرا که هیچ تضمینی برای حفظ آیین پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از حیات ایشان وجود نمی داشت. از همین روست که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه فرمودند: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَي إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِي؛ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَي دِينِ خُودِ رَا كَامِلًا وَ نِعْمَتِ خُودِشِ رَا تَمَامًا كَرْدَ وَ اَز رِسَالَتِ مَنْ وَ وِلَايَتِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) پَس اَز مَنْ رَا ضِي وَ خَشْنُودِ شَد.» (۱) بر این پایه، با توجه به واضح بودن این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز لفظ «من بعدی»، جای شک و تردید برای کسی باقی نمی ماند که معنای سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله، خلافت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بوده است؛ چرا که هر معنایی غیر از ولایت و رهبری برای این کلام تصور نماییم، معنا و مفهوم کلام اشتباه خواهد بود و در آن صورت باید بگوییم پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را امر کرد که بعد از خودش حضرت علی (علیه السلام) را دوست داشته باشند و او را یاری نمایند و این مستلزم آن است که در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی و یاری حضرت علی (علیه السلام)

واجب نبوده است!

هم چنین اگر «مولی» را در حدیث به معنی محبت و نصرت بگیریم، سیاق کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله واژگون می گردد و به جای آن که مایه مباهات و فخر باشد، یک نوع نقص و ضعف محسوب می شود.

قرینه نهم

بزرگان اهل تسنن در کتاب های خود آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر، عمامه مخصوص خود را که «سحاب» نام داشت بر سر مبارک حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) گذاشتند. (۲)

ص: ۲۱۷

۱- . الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۵۹.

۲- . ر.ك: الغدير: ۱ / ۵۳۹.

این حرکت رسول خدا صلی الله علیه و آله معنای خاصی دارد؛ زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «العمام، تیجان العرب؛ عمامه ها تاج های عرب هستند.»^(۱)

مرتضی حنفی زبیدی در کتاب تاج العروس می گوید: «عمامه در فرهنگ عرب مانند تاج های پادشاهان است؛ چرا که بیشتر اعراب در بیابان ها و صحراها سربرهنه اند و یا نوعی پوشش غیر از عمامه بر سر دارند، لذا عمامه در میان آنها کم است.»^(۲) در جایی دیگر آمده است: عمّم (عمامه بر سر او

نهاد) به معنی سوّد (سروری یافت)، است^(۳). پس همان گونه که در زبان فارسی گفته می شود: «تاج گذاری کرد»، در زبان عربی گفته می شود: «عمامه بر سر نهاد».

بنابر این، این که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز عمامه خویش را بر سر حضرت علی (علیه السلام) گذاشت، اشاره به این است که آن حضرت به مقام خلافت نایل شده است و پیامبر پس از خود ولایت و حکومت بر مردم را به ایشان سپرده است.

قرینه دهم

نزول آیه شریفه (سئل سائلٌ بعذابٍ واقعٍ)^(۴)؛ «کسی از خدا عذابی

حتمی خواست»، به قول مفسّران شیعه و سنی، در مورد واقعه غدیر خم و درباره شخصی به نام «حارث بن نعمان فهري» بوده است.^(۵)

ص: ۲۱۸

۱- جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۹۳؛ النهایه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- تاج العروس، ج ۲، ص ۱۲.

۳- همان، ج ۸، ص ۴۱۰.

۴- سوره معارج، آیه ۱.

۵- علامه امینی در کتاب الغدیر، ج ۱، ص ۴۶۰ تا ۴۷۱، نام ۳۱ نفر از بزرگان اهل تسنن را برشمرده است که این مطالب را در آثار خود آورده اند.

همین که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم در برابر مسلمانانی که از مراسم حج برمی گشتند، حدیث شریف غدیر را بیان نمودند، خبر آن در همه شهرها پخش شد. پس از این رویداد، حارث بن نعمان فهری، پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای محمد! از طرف پروردگار به ما دستور دادی تا به وحدانیت خدا شهادت دهیم و این که تو فرستاده اوئی، ما هم قبول کردیم. دستور دادی نماز بگزاریم و زکات دهیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز پذیرفتیم و انجام دادیم. حال، به این مقدار راضی نشدی تا این که دست پسر عمویت را بلند کردی و او را بر ما برتری دادی؟ و گفتی "هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست"، این سخن را از خودت گفتی یا از خدا؟»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به آن که جانم در دست اوست و جز او معبودی نیست سوگند می خورم که این فرمان از سوی پروردگار است.»

حارث برگشت و گفت: «خدایا! اگر این که محمد می گوید حق است، از آسمان سنگی بر من بینداز و یا به عذابی دردناک گرفتارم کن.» حارث اندک زمانی حرکت نکرده بود که عذاب الهی بر سرش فرو ریخت و در دم هلاک شد و آیه مذکور نازل شد. (۱)

حال، شما قضاوت کنید؛ اگر مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از حدیث غدیر، محبت یا یآوری امام علی (علیه السلام) بود، این چنین مورد اعتراض این شخص متعصب و جاهل قرار می گرفت؟

آری، این همان ولایت مطلقه ای بود که کافران قریش درباره خود پیامبر صلی الله علیه و آله بدان ایمان نیاوردند، تا این که معجزات فراوان یا نبردهای پی در پی روی داد (۲).

علی بعد احمد به نصّ جلی

بود بر تمام خلایق ولی

چنین گفت سالار پیغمبران

علی از من است و منم از علی

ص: ۲۱۹

۱- طرائف، ص ۳۲۰.

۲- ر.ک: قطره ای از دریای غدیر، ص ۶۸.

اشاره

همان گونه که پیش تر گفتیم، خطبه عظیم رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر به تفصیل در کتب معتبر حدیثی - شیعه و سنی - نقل شده است. آن حضرت در فرازهایی از سخنان خود، فضیلت های امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان پاک او را بیان فرموده که در این بخش، ما چهارده فراز آن را بیان خواهیم کرد. (۱)

فراز اول

«فَأَوْحَى إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْني فِي الْخِلاَفَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (۲).»

«خداوند به من چنین وحی کرده است: "بسم الله الرحمن الرحيم، ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً - (به مردم) برسان." - درباره علی (علیه السلام)، یعنی خلافت علی بن ابی طالب - "و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای و خداوند تو را از [شر] مردم حفظ می کند."»

ص: ۲۲۰

۱- . برای مشاهده نسخه ای جامع از خطبه غدیر، به اسرار غدیر، مراجعه شود.

۲- . سوره مائده، آیه ۶۷.

«معاشر النَّاس! فَضَّلُوهُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أُخْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أُخْصِيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عُلِّمْتُهُ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أُخْصِيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) (۱)».

«ای مردم! علی (علیه السلام) را [بر دیگران] فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام متقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آن که آن را به علی (علیه السلام) آموخته ام. اوست امام مبین که خداوند در سوره یاسین ذکر کرده است: " (وَ كُلُّ شَيْءٍ أُخْصِيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)؛ و همه چیز را در امام آشکار جمع کردیم "».

«معاشر النَّاس! لَا تَنْضَلُوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَ لَا تَشِيْتَكُفُوا مِنْ وِلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ، وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهِي عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ لَمْ يَشِبْهُهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ، وَ اللَّذِي فَدَى رَسُولِ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ اللَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ، أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ، أَمْرُتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي فَفَعَلَ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ.»

«ای مردم! از او (علی (علیه السلام)) به سوی دیگری گمراه نشوید و از او روی برمگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی (علیه السلام)) نخستین کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچ کس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه

رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود، در حالی که هیچ کس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد؛ اولین مردم در نماز گزاردن و نخستین کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالی که جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.»

فراز چهارم

«معاشر الناس! إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتُّهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَضِلُّوا نَارَ آ وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.»

«ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس پرهیزید از این که با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است.»

فراز پنجم

«معاشر الناس! فَضَّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُوَافِقْهُ، أَلَا إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ: "مَنْ عَادَى عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ) (۱) - أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَرَلَّ قَدَمٌ بَعِيدٌ تُبَوِّتُهَا - (إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)"»

ص: ۲۲۲

«ای مردم! علی (علیه السلام) را برتری دهید که همانا او برترین مردم بعد از من از هر مرد و زن است تا آن هنگام که خداوند رزق و روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است، ملعون است، مورد غضب است، مورد غضب است کسی که این گفتار را رد کند و با آن موافق نباشد.»

بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: "هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد. و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است." از خدا بترسید که با علی (علیه السلام) مخالفت کنید، و در نتیجه، قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد. "خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است."

فراز ششم

«معاشر الناس! إنما أكمل الله عزوجل دينكم بإمامته، فمن لم يأتهم به و بمن يقوم مقامه من وُلدي من صلبه إلى يوم القيامة و الأرض على الله عزوجل فأولئك الذين حبطت أعمالهم في الدنيا و الآخرة و في النار هم خالدون (لا يخفف عنهم العذاب و لا هم يُنظرون) (۱).»

«ای مردم! خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس آنان که به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند اقتدا نکنند، تا روز قیامت و در پیشگاه خداوند عزوجل، اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود، مجازاتشان تخفیف نمی یابد، و به آنها مهلت داده نمی شود.»

فراز هفتم

«ألا- و إنّه لا يُبغض علينا عليه السلام إلا شقّي و لا يُوالى علينا عليه السلام إلا تقّي، و لا يُؤمن به إلا مؤمنٌ مُخلصٌ و في عليّ عليه السلام -والله- نزلت سورة العَصْر: (بسم الله

ص: ۲۲۳

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَالْعَصْرُ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۱) إِلَّا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي آمَنَ

و رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.»

«بدانید که با علی (علیه السلام) دشمنی نمی کند مگر شقی، و با علی (علیه السلام) دوستی نمی کند مگر باتقوا، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. به خدا سوگند سوره "والعصر" درباره علی (علیه السلام) نازل شده است: "قسم به عصر، همانا که انسان در زیان است" مگر علی بن ابی طالب علیه السلام که ایمان آورد و به حق و صبر راضی شد.»

فراز هشتم

«معاشر النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَشِيرُ، معاشر النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَادٍ، معاشر النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِيٌّ، معاشر النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي وَ الْأَثَمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لُدَّهُ، أَلَا وَ إِنِّي وَالِدُهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ.»

«ای مردم! بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی بشارت دهنده است. ای مردم! بدانید که من منذر و برحذر دارنده ام و علی (علیه السلام) هدایت کننده است. ای مردم! من پیامبرم و علی (علیه السلام) جانشین من است. ای مردم! بدانید که من پیامبرم و علی (علیه السلام) امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند، بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او به وجود می آیند.»

فراز نهم

«معاشر النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَائَهُ فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدْ أَوْ لَمْ يُوَلَدْ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

ص: ۲۲۴

«ای مردم! من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم. و آنچه را مأمور به ابلاغش بودم [به شما] رساندم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند و به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس [این پیام را] حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.»

فراز دهم

«معاشر النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ، فَعَلِمَ أَمْرُهُ وَالتَّهَيَّ لِدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا وَ صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.»

«ای مردم! خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی (علیه السلام) را امر و نهی نموده ام و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او را گوش دهید تا سالم و سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید، و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید، و راه های بیگانه شما را از راه او منحرف نکند.»

فراز یازدهم

«معاشر النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَ عَرَّفَتْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ) (۱)، وَ قُلْتُ :

لَنْ تَضَلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا.»

«ای مردم! قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از حضرت علی (علیه السلام) فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند، آن جا که خداوند در کتابش می فرماید: "او کلمه توحید را کلمه

ص: ۲۲۵

پاینده ای در نسل های بعد از خود قرار داد"، و من نیز به شما گفتم: اگر به آن دو [قرآن و اهل بیت] تمسک کنید، هرگز گمراه نمی شوید.»

فراز دوازدهم

«معاشر الناس! إن فضائل علي بن أبي طالب عليه السلام عند الله عز وجل - وقد أنزلها في القرآن - أكثر من أن أحصيا في مقام واحد، فمن أنبأكم بها و عرفها فصدها فصدقه.»

«ای مردم! فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خداوند - که آن را در قرآن نازل کرده - بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم. پس هر کس درباره آنها به شما خبر داد و معرفت آن را داشت، او را تصدیق کنید.»

فراز سیزدهم

«معاشر الناس! فبايعوا الله و بايعوني و بايع علياً أمير المؤمنين و الحسن و الحسين و الأئمة منهم في الدنيا و الآخرة كلمة باقية، يهلك الله من غدر و يرحم من وفى، (فمن نكث فإنما ينكث على نفسه و من أوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه أجرًا عظيمًا) (۱)»

«ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان از [نسل] ایشان در دنیا و آخرت، به عنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک می کند و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است. و آن کس که نسبت به عهده ای که با خدا بسته وفا کند، خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.»

ص: ۲۲۶

«معاشر النَّاسِ! مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالأَئِمَّةَ الأَئِمَّةِ الذِّكْرِ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً، معاشر النَّاسِ! السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوالاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النِّعَمِ، معاشر النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ القَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الأَرْضِ جَمِيعاً فَلَنْ يَصْرَّ اللَّهُ شَيْئاً.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اغْضِبْ عَلَى الكَافِرِينَ وَ الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ.»

«ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند، به رستگاری بزرگ دست یافته است. ای مردم! کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایتش و سلام به او به عنوان "امیرالمؤمنین"، سبقت بگیرند، آنان رستگارانند و در باغ های نعمت خواهند بود. ای مردم! سخنی بگویند که به خاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند به خدا ضرری نمی رسانند.

خدایا! مردان و زنان مؤمن را پیامرز و بر کافران غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.»

آداب و اعمال عید غدیر

غدیر، روز خشنودی خداوند رحمان، روز آزمایش بندگان، روز رانده شدن شیطان، روز پذیرفته شدن اعمال شیعیان، روز ریزش گناهان، روز آسایش مؤمنان، روز ناامید شدن کافران، روز منصوب شدن امیرمؤمنان به جانشینی خاتم پیامبران و روز عید اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

برای این روز، آداب و سنت های ویژه و ثواب های عظیم بیان شده است، که به مقداری از آنها اشاره می کنیم.

فضیلت روزه داری

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«ثواب روزه روز غدیر، برابر با روزه عمر دنیا است، اگر انسان به اندازه عمر دنیا زنده بماند و پیوسته روزه بگیرد، ثواب آن معادل ثواب روزه عید غدیر است. روزه روز غدیر نزد خدا برابر با ثواب یکصد حج و یکصد عمره قبول شده است»^(۱)

ص: ۲۲۸

۱- . تهذیب، ج ۳، ص ۱۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۲۱، ح ۶؛ جامع الأخبار، ص ۸۱؛ عدد القویه، ص ۱۶۶.

فضیلت افطاری دادن

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«کسی که روز عید غدیر، به یک مؤمن افطاری دهد، گویا یک میلیون نفر از پیامبران، شهیدان و صدیقان را افطاری داده است.» (۱)

فضیلت اطعام دادن

امام رضا علیه السلام فرمود: «کسی که مؤمنی را [روز غدیر] طعام دهد، مانند کسی است که همه پیامبران و صدیقان را طعام داده باشد.» (۲)

فضیلت دیدار با مؤمنان

امام رضا علیه السلام فرمود :

«هر که در روز غدیر، به دیدار مؤمنی رود، خداوند متعال، هفتاد هزار نور در قبرش داخل می کند و قبرش را وسعت می بخشد و هر روز هفتاد هزار فرشته به زیارت قبر او می آیند و به او مژده بهشت می دهند.» (۳)

فضیلت صلوات فرستادن

امام رضا علیه السلام فرمود: «این روز (غدیر)، روز بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد است.» (۴)

فضیلت نماز و عبادت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

«نیم ساعت قبل از ظهر برای تشکر از خداوند، دو رکعت نماز بخوان؛ در هر رکعت سوره حمد ده مرتبه، سوره توحید ده مرتبه، سوره قدر ده

ص: ۲۲۹

۱- . مصباح کفعمی، ص ۷۰۰.

۲- . إقبال الأعمال، ص ۴۶۵.

۳- . همان، ص ۴۶۵.

۴- . عوالم العلوم، ۱۵ / ۳، ص ۲۲۳.

مرتبه، و آیه الکرسی ده مرتبه. هر کس این نماز را بخواند، خداوند ثواب صد هزار حج و صد هزار عمره به او عطا فرماید، و هر حاجتی از حوایج دنیا و آخرت را از خدا درخواست کند، خداوند به آسانی برمی آورد.»^(۱)

فضیلت بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«در این روز بسیار این جمله را بگو: "اللَّهُمَّ الْعَنْ الْجَاهِدِينَ وَالنَّكْثِينَ وَالْمُغْتَبِرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكْذِبِينَ الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ"؛ یعنی: "خدایا! منکران و عهدشکنان و تغییردهندگان و تبدیل کنندگان سنت خدا و تکذیب کنندگان روز قیامت، از اولین و آخرین را لعنت فرما"».^(۲)

فضیلت عید گرفتن

امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس این روز (غدیر) را عید بگیرد، خداوند مال او را زیاد می کند.»^(۳)

فضیلت عیدی دادن

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «انفاق کردن یک درهم در روز (غدیر) برابر با یک میلیون درهم است.»^(۴)

آداب تبریک گفتن

امام رضا علیه السلام فرمود :

«روز غدیر، روز تهنیت و تبریک گفتن است و بعضی از شما به بعضی

ص: ۲۳۰

۱- . عوالم العلوم، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۱۴.

۲- . همان، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۱۷.

۳- . همان، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۲۳.

۴- . تهذیب، ج ۳، ص ۱۴۴.

فصل هشتم

اشاره

ص: ۲۳۳

(و من النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) (۱).

«بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند، اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودشان) شدیدتر است.»

کیمیای محبت

محبت عبارت است از احساس میل نسبت به چیزی که برای انسان لذت بخش است. محبت، طرفه اکسیری است که مس وجود عاشق را به طلای ناب تبدیل می کند.

محبت نوری است که انسان را از ظلمت های دنیا می رهاوند و به حقیقت نور که اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ می رساند.

محبت، باران رحمتی است که بر وجود عاشق می بارد و به واسطه رحمة اللَّهِ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ به او وسعت می بخشد.

محبت چون آب زلال و گوارایی است که سینه تفدیده عاشق را صفا می دهد و به حیات جاودانه و جعلنا من الماء كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ می رساند.

ص: ۲۳۵

محبت به خدا و اولیای او اساس همه خوبی هاست و آدمی را از ثری به ثریا، از زمین به سما، از ادنی به اعلی، از فقر به غنی، از یأس به رجا، از عصیان به غفران، از سخط به رضوان، از کفر به ایمان و از شقاوت به سعادت می رساند.

امیر بیان امیرمؤمنان علیه السلام در عظمت این اکسیر اعظم می فرماید: «محبت خدا آتشی است که بر چیزی نمی گذرد مگر این که آن می سوزد، و نور خدا بر چیزی نمی تابد مگر این که آن را روشنایی می بخشد، و از زیر ابر پُرباران خدایی چیزی عبور نمی کند مگر این که آن را به برکت خود می پوشاند، و نسیم الهی بر چیزی نمی وزد مگر این که آن را به حرکت درمی آورد، و آب الهی به هر چیزی حیات می دهد، و از زمین آفریدگار هر چیزی می روید. پس هر که خدا را دوست بدارد، خداوند به او همه چیز می دهد؛ از مال و ملک.» (۱)

قبل از شناخت آثار محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، لازم است گذری کوتاه به عوامل و موانع محبت داشته باشیم.

عوامل محبت

الف) انجام کارهای نیک

ابوذر می گوید به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: [چرا] انسان کاری را می کند و مردم بر اثر آن، او را دوست می دارند؟ فرمود: «این مژدگانی دنیایی مؤمن است.» (۲)

ب) خوش گمانی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که به مردم خوش گمان گردد،

ص: ۲۳۶

۱- بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۳، ح ۲۳.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۱۲، ح ۴۲۲۵.

دوستی آنان را به دست می آورد.»^(۱)

ج) خوش رفتاری

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که خوش رفتاری پیشه کند، دوستانش فراوان شوند.»^(۲)

د) گشاده رویی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «گشاده رویی، عامل دوستی و محبت است.»^(۳)

ه) اظهار دوستی

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «یکی از اعراب قبیله بنی تمیم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان گفت: مرا سفارشی کن. از جمله سفارش های ایشان به او این بود: "با مردم اظهار دوستی کن، تا دوستت بدارند."»^(۴)

و) وفاداری

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «وفاداری، عامل الفت گرفتن [مردم با شخص] است.»^(۵)

ز) انصاف

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «شخص باانصاف، یاران و دوستان بسیاری دارد.»^(۶)

ص: ۲۳۷

۱- . غرر الحکم، ح ۵۳۳۱.

۲- . همان، ح ۹۷۹۹.

۳- . همان، ح ۹۹۳۷.

۴- . کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱.

۵- . غرر الحکم، ح ۹۹۵۸.

۶- . همان، ح ۹۱۰۰.

ج) کرامت

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «شخص کریم و بزرگوار، نزد خداوند، خرم و باپاداش، و نزد مردم، محبوب و باشکوه است.» (۱)

ط) بخشندگی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «سخاوت و بخشندگی دوستی را در دل ها می کارد.» (۲)

ی) نیکی کردن به مردم

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که بسیار نیکی کند، برادرانش دوستش خواهند داشت.» (۳)

ک) صله رحم

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «صله رحم، سبب دوستی می شود.» (۴)

ل) هدیه دادن

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هدیه دادن، دوستی و محبت به بار می آورد، برادری را تازه می سازد و کینه را می زداید.» (۵)

م) سجده کردن میان اذان و اقامه

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به یارانش می فرمود: هر که میان اذان و اقامه سجده کند و بگوید: "ربّ لک سجدتُ»

ص: ۲۳۸

۱- غرر الحکم، ح ۸۸۲۰.

۲- همان، ح ۸۵۲۱.

۳- همان، ح ۸۸۱۲.

۴- همان، ح ۹۳۰۹.

۵- عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۱۸۳.

خاضعاً خاشعاً ذليلاً"، خداوند متعال می گوید: ای ملائکه من! به عزّت و جلالم سوگند که محبت او را در دل های مؤمنان، و شکوه او را در دل های منافقان، خواهم نهاد.»(۱)

موانع محبت

الف) بدخویی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که بدخو شود، دوست و رفیقش نایاب گردند.»(۲)

ب) پریشانی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «پریشانی، خوی ها را زشت می کند و دوستان را می پراکند.»(۳)

ج) تکبر داشتن

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که با برادران بزرگی و تکبر داشته باشد، هیچ شخصی با او صمیمی نخواهد شد.»(۴)

د) کینه توزی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هیچ کینه توزی را دوستی نیست.»(۵)

ه) حسادت

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «حسود را دوستی نیست.»(۶)

ص: ۲۳۹

۱- بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۱۵۲، ح ۴۸؛ فلاح السائل، ص ۱۵۲.

۲- غرر الحکم، ح ۵۷۱۶.

۳- همان، ح ۸۲۲۲.

۴- همان، ح ۹۶۰۵.

۵- همان، ح ۶۷۸۵.

۶- همان، ح ۶۸۴۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هرگز دو دوست از یکدیگر جدا نشده اند، مگر بر اثر گناهی که از یکی از آنان سرزده است.»^(۱)

(ن) بی انصافی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که بی انصافی کند، کسی با او دوست نشود.»^(۲)

(ج) فریب دادن

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «مردم را فریب مده که بی دوست می مانی.»^(۳)

همه عوامل و موانع محبت منحصر در آنچه گفته شد نیست، بلکه این موارد از مهمترین علل و موانع محبت هستند.

سخن خود را در این بخش با نقل حدیثی بسیار زیبا از امام رضا علیه السلام به پایان می بریم. آن حضرت فرمود:

«زندانبان به یوسف علیه السلام گفت: "من تو را دوست دارم." یوسف علیه السلام پاسخ داد: "هر بلایی که به من رسیده، از دوستی است! عمه ام مرا دوست می داشت، لذا مرا دزدید، پدرم مرا دوست می داشت، در نتیجه، برادرانم به من حسادت کردند، و زن عزیز [مصر] مرا دوست می داشت، پس به زندانم افکند."»^(۴)

ص: ۲۴۰

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۵۳۵۷.

۲- غرر الحکم، ح ۹۱۲۱.

۳- مشکاه الأنوار، ص ۱۰۴؛ کافی، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۴.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

«إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ: أَيُّنَ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، قَالَ: فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ: إِذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. قَالَ: فَتَلَقَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: إِلَى أَيُّنَ؟ فَيَقُولُونَ: إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: فَأَيُّ ضَرْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ؟ فَيَقُولُونَ: نَحْنُ الْمُتَحَابِّونَ فِي اللَّهِ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: وَ أَى شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟ قَالُوا: كُنَّا نُحِبُّ فِي اللَّهِ وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: نَعَمْ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.» (۱)

دوستی و دشمنی برای خدا

امام سجّاد علیه السلام فرمود :

«هنگامی که خدای عزّوجلّ همه مردم از اولین و آخرین را [در قیامت] جمع می کند، منادی با صوتی که همه مردم بشنوند، ندا می کند: "دوستی کنان در راه خدا کجا هستند؟" گروهی از مردم برمی خیزند، به آنها گفته

ص: ۲۴۱

۱- . وسائل الشّیعه، ج ۱۶، ص ۱۶۷، باب ۱۵؛ کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۱۹؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۶۴، باب ۳۴، ح ۳۳۶.

می شود: "بدون حساب وارد بهشت شوید".

فرشتگان با آنها ملاقات می کنند و می گویند: "به کجا می روید؟" گویند: "بدون حساب به سوی بهشت می رویم." ملائکه گویند: "شما جزء چه گروهی از مردم هستید؟" گویند: "ما دوستی کنان در راه خداییم." ملائکه می گویند: "اعمال شما چه بوده است؟" گویند: "برای خدا دوستی می کردیم و در راه خدا دشمنی می ورزیدیم." ملائکه می گویند: "چه خوب است پاداش کسانی که اهل عمل هستند."

۲- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ

اشاره

قال عليّ عليه السلام: قال لي رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«يا عليّ! إنَّ الأِسْلَامَ عُرْيَانٌ، لِبَاسُهُ التَّقْوَى، وَرِيَاشُهُ الْهُدَى، وَزِينَتُهُ الْحَيَاءُ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ، وَمَلَائِكُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي.» (۱)

محبت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود :

«ای علی! اسلام [به منزله پیکری] برهنه است که لباس آن تقوا، و اثاث خانه اش هدایت، و زیورش حیا، و ستونش پارسایی، و قوامش عمل صالح است و بنیاد اسلام، دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من است.»

۳- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَامَةُ طَيْبِ الْوَلَادَةِ

اشاره

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«يا عليّ! مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيَّ طَيْبِ

ص: ۲۴۲

مُولَدَه، فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مِنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مِنْ خُبِّتْ وِلَادَتُهُ» (۱)

و فی حدیثِ آخِرِ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله :

«يا أباذرُّ! مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيُحَمَّدِ اللهُ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ» قال: «يا رَسُولَ اللهِ، و ما أَوَّلُ النَّعْمِ؟» قال: «طَيْبُ الْوِلَادَةِ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مِنْ طَابِ مَوْلِدُهُ» (۲)

مَحَبَّتِ اميرِ مَوْمِنانِ عَلِيِّ (عليه السلام) نِشانِ حلالِ زادِگي

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود :

«ای علی! هر که مرا و تو را و امامان از نسل تو را دوست بدارد، پس خداوند را بر حلال زادگی و پاک بودن ولادت سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد مگر حلال زاده، و ما را دشمن ندارد مگر حرام زاده.»

و در روایت دیگر فرمود :

«ای اباذر! هر که ما اهل بیت را دوست بدارد، پس خداوند را بر اولین نعمت سپاس گوید.» ابوذر پرسید: «ای رسول خدا! اولین نعمت کدام است؟» فرمود: «حلال زادگی؛ ما را دوست نمی دارد مگر کسی که حلال زاده باشد.»

۴- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَامَةُ الْإِيمَانِ

اشاره

قال رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«حُبُّكَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ نِفَاقٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُحِبُّكَ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ مُبْغِضُكَ» (۳)

ص: ۲۴۳

- ۱- . بشاره المصطفى، ص ۱۷۷؛ معاني الأخبار، ص ۱۶۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، باب ۵.
- ۲- . امالی طوسی، ص ۴۴۵، ح ۱۰۱۸، مجلس ۱۶؛ كشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۵۰، باب ۵.
- ۳- . احقاق الحق، ج ۷، ص ۲۴۷، به نقل از: فصول المهمّه، ص ۱۰۹؛ نور الابصار، ص ۷۴؛ أرجح المطالب، ص ۵۱۴.

محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی (علیه السلام) فرمود :

«دوستی با تو نشانه ایمان و دشمنی با تو نشانه نفاق است، و دوستدار تو اولین کسی است که وارد بهشت می شود، و دشمن تو اولین کسی که داخل دوزخ می شود.»

۵- من أحبّ عليّاً فهو مؤمن

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات يومٍ لأصحابه :

«معاشر أصحابی! إن الله جلّ جلاله یأمُرکم بولایه علیّ بن أبی طالب علیہ السلام و الاقتداء به، فهو ولیکم و إمامکم من بعدی، لا تُخالفوه فتکفروا، و لا تُفارقوه فتضلّوا.»

إنّ الله جعل علینا علیه السلام علماً بین الأیمان و النفاق، فمن أحبّه کان مؤمناً، و من أبغضه کان منافقاً، إنّ الله جلّ جلاله جعل علیّاً علیه السلام وصیّی، و منار الهدی بعدی فهو موضع سرّی، و عیبه علمی، و خلیفتی فی أهلی، إلی الله أشکوا ظالمیه من أمتی» (۱)

دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی خطاب به اصحابش فرمود :

«ای گروه اصحاب من! همانا خداوند شما را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروی از او دستور می دهد که پس از من او امام و پیشوای شماست. او را مخالفت نکنید تا کافر نشوید و از او جدا نشوید تا گمراه نگردید.»

ص: ۲۴۴

۱- بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۹۷، باب ۶۱، ح ۱۵؛ معالم الزلفی، ج ۱، ص ۱۰۲، باب ۳۰، ح ۷؛ أمالی صدوق، ص ۲۸۴، مجلس ۴۷، ح ۱۹.

همانا خداوند علی (علیه السلام) را علامت جدایی نفاق و ایمان قرار داده است؛ هر که او را دوست بدارد مؤمن است و هر کس با او دشمنی کند منافق است. به درستی که خداوند متعال، علی (علیه السلام) را جانشین من و جایگاه نور هدایت بعد از من قرار داده است. او جایگاه سرّ من و گنجینه علم من است. او خلیفه بعد از من در خاندانم می باشد. من به خداوند متعال از ظالمان امّتم به وی شکایت می کنم.»

۶- حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِيزَانُ الْأَعْمَالِ

اشاره

فقال ابنُ عباسٍ (رضي الله عنه): فقلتُ: يا رسولَ الله! أوصني. فقال :

«عليك بمودّة عليّ بنِ أبي طالبٍ عليه السلام و الذي بعثني بالحقّ نبياً لا يقبلُ الله تعالى من عبْدٍ حسنَه حتّى يسأله عن حُبِّ عليّ بنِ أبي طالبٍ عليه السلام و هو يقولُ: اعلم فمَنْ مات عليّ و لا يته قبيل عملُه عليّ ما كان منه، و إنّ لم يأت بولايته لا يقبلُ من عمله شيءٌ، ثمّ يؤمّر به إلى النار.» (۱)

محبت اميرمؤمنان علی (علیه السلام) میزان سنجش اعمال

ابن عباس می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: توصیه ای به من بفرما! حضرت فرمود :

«بر تو باد به دوستی با علی بن ابی طالب علیه السلام. سوگند به خدایی که مرا به حقّ به پیامبری برانگیخت، خداوند هیچ حسنه ای را از بنده قبول نمی کند، تا این که از محبت علی بن ابی طالب علیه السلام از او سؤال می کند. و هر که بر ولایت آن حضرت بمیرد خداوند اعمال گذشته او را می پذیرد، و اگر محبت آن حضرت را نداشته باشد خداوند هیچ یک از اعمال او را نمی پذیرد و دستور می دهد که او را در آتش اندازند.»

ص: ۲۴۵

۱- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۵۹، باب ۸۲، ح ۳؛ الفضائل، ص ۵؛ امالی طوسی، م ۴، ص ۱۰۴، ح ۱۶۱.

عَنْ أَبِي بَرزَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ: عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَمَالِهِ مَنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، عَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ.» فقيل: «يا رسول الله! فما علامته حُبِّكُمْ؟» فضرب صلى الله عليه وآله بيده على منكب علي عليه السلام. (۱)

سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قیامت

ابی برزه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«[در روز قیامت] هیچ بنده ای قدم از جای بر نمی دارد تا این که درباره چهار چیز از او سؤال می شود: از جسمش که در چه راهی آن را فرسوده کرده است، از عمرش که در چه راهی صرف کرده است، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده است، و از محبت ما اهل بیت.» عرض کرد: ای رسول خدا! نشانه دوست داشتن شما چیست؟ حضرت دست خود را بر شانه امیرالمؤمنین علیه السلام زد.

و فی حدیثٍ آخرٍ عنهُ صلی الله علیه و آله :

«أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.» (۲)

و در روایت دیگر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود :

«نخستین چیزی که درباره آن از بنده سؤال می شود، محبت نسبت به ما اهل بیت است.»

در روایاتی معتبر از فریقین در تفسیر آیه ۸ سوره تکوین: (ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

ص: ۲۴۶

۱- . ر.ک: مناقب (خوارزمی)، ص ۷۷؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۴۶؛ مناقب المرتضویه، ص ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۸، ح ۱، و ج ۳۶، ص ۷۹؛ أمالی صدوق، ص ۳۹، ح ۹، مجلس ۱۰؛ خصال، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱۲۵.

۲- . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۵۸.

يَوْمئذٍ عَنِ النَّعِيمِ) «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد»، نقل شده که منظور از «نعیم»، محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام است. (۱)

۸- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

اشاره

عَنْ أَبِي عُلْقَمَةَ -مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ- قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصُّبْحَ، ثُمَّ التَّفْتُّ إِلَيْنَا فَقَالَ:

«معاشر أضيحابي! رأيتُ أبا راحه عمي حمزه بن عبد المطلب وأخي جعفر بن أبي طالب وبين أيديهما طبق من نبقٍ فأكلا ساعةً ثم تحوّل النبقُ عنباً فأكلا منه فتحوّل العنبُ رطباً فأكلا ساعةً، فدنوتُ منهما فقلتُ: بأبي أنتما، أيُّ الأعمالِ وجدتما أفضلُ؟ قالا: فديناك بالأبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ، وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ: الصَّلَاةَ عَلَيْكَ، وَسَقَى الْمَاءَ وَحُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۲)

دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال

ابی علقمه غلام بنی هاشم - می گوید: نماز صبح را با رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای آوردیم، بعد از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف ما توجه نمود و فرمود:

«ای گروه یاران من! دیشب در خواب دیدم که عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابی طالب در جایی نشسته اند و در مقابل ایشان طبقی از "کنار" قرار داده اند. زمانی از آن خوردند، سپس آنها تبدیل به انگور شد. زمانی از آن نیز تناول کردند، آن انگور تبدیل به رطب شد. از آن نیز

ص: ۲۴۷

۱- ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۶؛ تأویل الآیات، ص ۸۱۶؛ أمالی طوسی، ص ۲۷۲، ح ۵۱۰، مجلس ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، باب ۲۹.

۲- مناقب (خوارزمی)، ص ۷۴، ح ۵۳؛ كشف الغمّه، ج ۱، ص ۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳۱؛ باب ۳۱؛ ح ۶۰۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹، ح ۶۱، ج ۳۹، ص ۲۷۴.

مدتی تناول کردند، پس نزدیک آن دو رفتم و گفتم: پدر و مادرم فدای شما! چه اعمالی را شما بهتر یافتید؟ گفتند: پدران و مادران ما فدای تو باد! همانا ما بافضیلت ترین اعمال را صلوات فرستادن بر تو و آب دادن [به تشنگان] و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام یافتیم.»

در روایات آمده که برترین اعمال و بالاترین عبادات، محبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است؛ همان طور که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ، وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ» (۱) «همانا بالای هر عبادتی، عبادتی است و محبت به ما اهل بیت، برترین عبادات است.»

۹- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِيضَةٌ

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«جاءني جبرئيلُ من عند الله عزوجل بورقة آسٍ خضراءٍ مكتوبٌ فيها بياضٍ: إني افترضتُ محبةَ عليّ بن أبي طالبٍ عليه السلام على خلقي عامّةٍ، فبلغهم ذلك عني.» (۲)

دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فریضه ای الهی است

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«جبرئیل با ورقه ای سبز که در آن، این نوشته سفید رنگ بود، از سوی خدا نزد من آمد: "به دوستی که دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام را بر همه مخلوقاتم واجب گردانیدم، پس این پیام مرا به همه آنان برسان".»

ص: ۲۴۸

۱- محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۱، ح ۴۸.

۲- مناقب (خوارزمی)، ص ۶۶، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۵؛ أمالی طوسی، ص ۶۱۹، ح ۱۲۷۶، مجلس ۲۹؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۹۹.

اشاره

قال رسولُ الله صلي الله عليه و آله :

«حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنٍ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ، وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ التُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكُتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ.» (۱)

محبت اميرمؤمنان علي(عليه السلام) ، راه رهایی از خطرات

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

«محبت من و اهل بیت من در هفت جایگاه - که ترس و وحشت آن زیاد است - سود می بخشد: ۱- هنگام مرگ؛ ۲- در میان قبر؛ ۳- هنگام رستاخیز؛ ۴- زمانی که نامه اعمال را به دست انسان ها می دهند؛ ۵- هنگام محاسبه اعمال؛ ۶- در نزد میزان؛ ۷- هنگام عبور از صراط.»

در روایات معتبره از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که محبت اهل بیت علیهم السلام در مکان های عظیم و هولناک انسان را نجات می دهد و او را به جایگاه صدق نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می رساند؛ همچنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«هر که من و اهل بیتم را دوست داشته باشد، ما و او مانند این دو [حضرت انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد] خواهیم بود.» (۲)

و دوستی حقیقی اهل بیت علیهم السلام اکسیری است که در وجود هر که قرار گیرد، تمام خیرات دنیا و آخرت را برای او جمع می کند و اگر گناهکار باشد، او را از مهلکه گناهان رهایی می دهد و وجودش را نورانی می گرداند. در

ص: ۲۴۹

۱- . أمالی صدوق، ص ۱۰، ح ۳، مجلس ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۵۸، ح ۳؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۷۱؛ خصال، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۴۹.

۲- . کفایه الاثر، ص ۳۵.

روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود :

«هر که دوست دارد خداوند متعال تمام خیرها را برای او جمع کند، پس باید -بعد از من - ولایت علی (علیه السلام) و فرزندان او بپذیرد و با دشمنان او دشمنی کند.»^(۱)

۱۱- من أحب عليا عليه السلام فقد أدرک الأيمان

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«يا أبا الحسن! مثلك في أمتي مثل سورة "قل هو الله أحد"، فمن قرأها مرةً فقد قرأ ثلث القرآن، و من قرأها مرتين فقد قرأ ثلثي القرآن، و من قرأها ثلاثاً فقد ختم القرآن. فمن أحببك بلسانه فقد كمل ثلث الأيمان، و من أحببك بلسانه و قلبه فقد كمل له ثلثا الأيمان، و من أحببك بلسانه و قلبه و نصرک بيده فقد استكمل الأيمان و العدى بعثنى بالحق يا علي لو أحببك أهل الأرض كمحبه أهل السماء لك لما عذب أحد بالنار.»^(۲)

دوستدار امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی (علیه السلام) فرمود :

«ای ابوالحسن! مثل تو در ائمت مثل سوره توحید است؛ هر که یک بار آن را بخواند، یک سوم قرآن را خوانده؛ و هر که دوبار بخواند، دو سوم قرآن را خوانده؛ و هر که سه مرتبه بخواند، همه قرآن را قرائت کرده است. [ای علی!] هر که تو را به زبانش دوست بدارد، یک سوم ایمان را دارد؛ و هر که به

ص: ۲۵۰

۱- . بشاره المصطفی، ص ۱۵۰.

۲- . أمالی صدوق، ص ۳۳، ح ۵، مجلس ۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۰، ح ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۷۹۸؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۸۰؛ معانی الأخبار، ص ۲۳۴، ح ۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۹.

زبان و دلش تو را دوست بدارد، دو سوم ایمان را داراست؛ و هر که به زبان و دل دوستت بدارد و با دستش تو را یاری کند، ایمانش کامل است. سوگند به آن که مرا به حق فرستاده، ای علی! اگر همه اهل زمین تو را دوست می داشتند آن گونه که اهل آسمان دوست دارند، خداوند احدی را به آتش جهنم عذاب نمی کرد.»

۱۲- حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسَنَةٌ

اشاره

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ مَعَ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَبُعْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ وَ لَوْ أَدَّى الْفَرَائِضَ.» (۱)

محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکی هاست

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«محبت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام حسنه ای است که با انجام فرایض، هیچ گناهی به او ضرر نمی رساند، و دشمنی با علی (علیه السلام)، گناهی است که هیچ حسنه ای با آن فایده ندارد، اگر چه همه فرایض نیز انجام داده شود.»

علامه سید هاشم بحرانی در کتاب ارزشمند معالم الزلفی، جلد دوم، باب ۸۱، در تفسیر آیه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَونَ يَوْمَئِذٍ آمَنُونَ * وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْلَمُونَ) (۲)؛ «کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز در امانند. و آنها که کار بدی انجام دهند، با صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید

ص: ۲۵۱

۱- غرر الأخبار، ص ۴۹.

۲- سوره نمل، آیات ۸۹ - ۹۰.

خواهید داشت؟»، یازده روایت نقل فرموده است که منظور از «حسنه» در آیه شریفه، معرفت و ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام و منظور از «سینه»، بغض و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام است.

۱۳- معرفه علی علیه السلام اولیائه

اشاره

عن أبي عبد الله عليه السلام :

«أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مَعَ أَصْحَابِهِ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَنَا وَاللَّهِ أَحْبَبُكَ وَآتَوْلَاكَ، وَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَذَبْتَ، قَالَ بَلَى وَاللَّهِ إِنِّي أَحْبَبُكَ وَآتَوْلَاكَ فَكَرَّرَ ثَلَاثًا، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَذَبْتَ، مَا أَنْتَ كَمَا قُلْتَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَزْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفِيءِ عَامٌ ثُمَّ عَرَضَ عَلَيْنَا الْمُحَبِّ لَنَا، فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رُوحَكَ فِيمَنْ عَرَضَ، فَأَيْنَ كُنْتَ؟ فَسَكَتَ الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ وَلَمْ يُرَاجِعْهُ.» وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «كَانَ فِي النَّارِ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ، دوستان خود را می شناسد

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«مردی خدمت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آمد، در حالی که آن حضرت همراه اصحابشان بودند. بر آن حضرت سلام کرد و گفت: "به خدا سوگند، من ولایت و محبت تو را دارم." امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: "دروغ می گویی." مرد گفت: "به خدا سوگند، من ولایت و محبت تو را دارم." و تا سه بار [این جمله را] تکرار کرد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: "دروغ می گویی، این طور که می گویی نیستی، همانا خداوند روح های همه مردم را دو هزار سال پیش از بدن هایشان آفرید و آن گاه دوستان ما را بر ما عرضه کرد، به خدا سوگند! من روح تو را در زمره کسانی که به ما عرضه شده ندیدم، پس تو کجا بودی؟" آن گاه مرد ساکت شد و جوابی نگفت.» و در روایت دیگر است که امام

صديق عليه السلام فرمود: «او در آتش است.»(۱)

۱۴- آثار حُبِّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اشاره

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَغَضِبَ ۙ وَ قَالَ :

«مَا بَالُ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ كَمَنْزِلَتِي وَ مَقَامٌ كَمَقَامِي إِلَّا التُّبُّوهُ.

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَاهُ بِالْجَنَّةِ.

[فِي بَشَارَةِ الْمُصْطَفَى ۙ ۹ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقَبَّلَ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ دُعَائِهِ].

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَغْفَرْتُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ حَاسِبَهُ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ.

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْثُرِ وَ يَأْكُلَ مِنْ شَجَرِهِ طُوبَى يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ.

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ جَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

أَلَا- وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْطَاهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ بَكْلَ عَرْقٍ فِي بَدَنِهِ حَوْرَاءَ وَ شَفَعَهُ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ لَهُ بَكْلُ شَعْرِهِ عَلَى بَدَنِهِ حَدِيقَةٌ فِي الْجَنَّةِ.

أَلَا- وَ مَنْ عَرَفَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَحَبَّهُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ، كَمَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ دَفَعَهُ عَنْهُ الْأَهْوَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ نَوَّرَ قَبْرَهُ وَ فَسَّحَهُ مَسِيرَهُ سَبْعِينَ عَامًا وَ بَيَّضَ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ص: ۲۵۳

۱- . كافي، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۱؛ بصائر الدرجات، ص ۸۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۳۸، ح ۱۵.

ألا- و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَآمَنَهُ مِنَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الصَّاحَةِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ حَسَنَاتِهِ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَ كَانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ حَمْرِهِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَثْبَتَ اللَّهُ الْحُكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ بَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَ حَمَلَهُ عَرْشَهُ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: أَنْ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجَّهَهُ كَالْقَمَرِ لِئَلَّهُ الْبَدْرُ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكِرَامَةِ، وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ، وَ لَمْ يَرِ صُعُوبَةً.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةً مِنَ التَّفَاقِ وَ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ وَ أَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُنْشَرُ لَهُ دِيوَانٌ، وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ قِيلَ لَهُ: أَدْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصَّرَاطِ.

ألا و مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ: صَافِحَتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى.

ألا و مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ: مَاتَ كَافِرًا.

ألا و مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ: مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ. (١)

ص: ٢٥٤

١- . بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١١٤، ح ٨٩؛ مأه منقبه، ص ٦٤، المنقبه السابعه و الثلاثون؛ فضائل الشيعة، ص ٣، ح ١؛ بشاره المصطفى، ص ٣٦؛ تأويل الآيات، ص ٨٢٤.

آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دنیا و آخرت

ابن عمر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال کردیم، پس آن حضرت غضبناک شد و فرمود:

«چه می شود گروهی را که کسی را یاد می کنند که منزلت او نزد خداوند مانند منزلت من، و مقام او مانند مقام من است، به جز نبوت.»

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که مرا دوست بدارد خداوند از او راضی است، و هر کس خدا از او راضی شود بهشت او را کفایت می کند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند نماز و روزه و قیام او را قبول می کند و دعایش را مستجاب می گرداند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، فرشتگان برای او استغفار می کنند و درهای بهشت برای او باز شده و بدون حساب از هر دری که بخواهد، داخل می شود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند نامه اعمال او را به دست راستش می دهد و حساب رسی او مانند حساب رسی پیامبران علیهم السلام است.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، از دنیا خارج نمی شود تا این که از آب حوض کوثر بیاشامد و از میوه های درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند سختی جان کندن را برای او آسان می گرداند و قبر او را باغی از باغ های بهشت قرار می دهد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگ های بدن او، حوریه ای در بهشت به او عطا می فرماید و شفاعت او را در مورد هشتاد نفر از خانواده اش می پذیرد و به تعداد هر مویی که در بدن او باشد، شهری در بهشت به او عنایت می فرماید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را بشناسد و او را دوست بدارد، خداوند ملک الموت را به سوی او می فرستد آن گونه که به سوی پیامبران علیهم السلام می فرستد، و اضطراب و نگرانی منکر و نکیر را از او دور می کند و قبر او را نورانی می کند و به اندازه راه هفتاد سال قبرش را وسعت می دهد، و صورتش در روز قیامت سفید و نورانی می شود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند او را در سایه عرش خود همراه با صدیقین و شهدا و صالحین قرار می دهد و او را از وحشت روز قیامت ایمن می دارد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند کارهای نیک او را قبول می کند و از گناهانش صرف نظر می نماید و در بهشت رفیق حضرت حمزه سیدالشهدا خواهد بود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلبش استوار و بر زبانش گفتار درست جاری می کند و درهای رحمت را برای او باز می نماید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، در زمین، اسیر خدا نامیده می شود و خداوند به وجود او بر فرشتگان و حاملان عرش، مباحات و افتخار می کند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، ملکی از زیر عرش او را ندا می دهد: ای بنده خدا! اعمال را از سر بگیر، زیرا خداوند همه گناهانت را بخشید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، در روز قیامت در حالی وارد می شود که صورتش مانند ماه کامل و تمام، می درخشد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند بر سر او تاجی از کرامت می گذارد، و لباس عزت بر او می پوشاند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، مانند برق جهنده از روی

پل صراط عبور می کند و سختی پل صراط را نمی بیند.

آگاه باشید! هر کس علی(علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند رهایی از آتش جهنم و دوری از نفاق را برای او می نویسد و جواز عبور از پل صراط و امان نامه عذاب الهی به او داده می شود.

آگاه باشید! هر کس علی(علیه السلام) را دوست بدارد، پرونده اعمالی برای او باز نمی شود و برای او میزان اعمالی نصب نمی گردد و به او گفته می شود: بدون حساب وارد بهشت شو.

آگاه باشید! هر کس علی(علیه السلام) را دوست بدارد، از [سختی و نگرانی] حساب و میزان و صراط در امان است.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد: بمیرد، فرشتگان با او مصافحه می کنند و ارواح همه انبیا به زیارت او می آیند و خداوند تعالی همه حاجات او را برآورده می کند.

آگاه باشید! هر کس با بغض و دشمنی آل محمد: بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد: بمیرد، با ایمان از دنیا رفته و من بهشت را برای او ضمانت می کنم.»

فصل نهم

اشاره

ص: ۲۵۹

(أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) (۱)

«یا این که نسبت به مردم (یعنی پیامبر و خاندانش) و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مظلوم دوران

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام تنها مولودی است که در خانه کعبه به دنیا آمد، و قبل از او هیچ فرزندی در درون خانه خدا متولد نشده است.

اول کسی است که نامش از جانب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دستور خداوند، «علی» انتخاب شد و هیچ کس قبل از او بر این اسم، نامگذاری نشده بود.

اول کسی است که در کودکی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورد و گفتار آن حضرت را تصدیق نمود.

تنها کسی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر در بین جمعیتی بیش از یکصد و بیست هزار نفر، دست او را بالا برد و فرمود: «هر کس من مولای اویم، این علی مولای اوست.»

اول کسی است که در کنار حوض کوثر بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد می شود و شیعیان و دوستانش را از آن حوض، سیراب می کند.

ص: ۲۶۱

و اوست اوّل مظلوم عالم. آنچه خداوند متعال از فضیلت ها به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

عطا فرموده است، موجب شد که بسیاری بر آن حضرت حسادت بورزند و با او دشمنی کنند، که زبان را قدرت گفتن و قلم را یارای نوشتن آن همه ظلم ها و ستم ها نیست. هم چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به اندازه ریگ های بیابان به من ظلم شده است.»

در این مقدمه به چند مورد از ظلم هایی که به آن حضرت شده است اشاره می کنیم.

به آتش کشیدن کتاب های فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

ذهبی، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، در این باره چنین نقل می کند :

عایشه می گوید: پدرم (ابوبکر) پانصد حدیث از احادیث پیامبر را در کتابی جمع کرده بود، آنها را به من سپرده بود، پس شب تا به صبح در بسترش آرام نداشت. چون صبح شد آن احادیث را از من گرفت، آن گاه آتش طلبید و همه را به آتش سوزانید. گفتم: «چرا احادیث را سوزاندی؟» گفت: «ترسیدم بمیرم و این احادیث نزد تو بماند، در حالی که من به روایان آنها اعتماد نموده و از آنان نقل حدیث کرده ام، اما حقیقت آن نبوده که آنان برای من روایت نموده اند»^(۱)

پیشگیری از نقل فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

شیخ مفید^(۲)، از علمای بزرگ شیعه، در بیان مظلومیت امیر مؤمنان

ص: ۲۶۲

۱- تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

۲- محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید، در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد به دنیا آمد و در سال ۴۱۳ هجری از دنیا رفت، بنابر نقل شیخ طوسی، شاگرد برجسته شیخ مفید، وی بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب تألیف نموده که مهم ترین آنها، المقنعه، الکلام فی دلائل القرآن، الإفصاح، الأمالی، الإرشاد و الإختصاص می باشد.

می گوید: «زمامداران ستمکار، کسانی را که از آن حضرت به نیکی یاد می کردند، به زیر شلاق می گرفتند و حتی به خاطر آن، گردنشان را می زدند و مردم را به اعلام بیزاری از وی وامی داشتند.

رسم بر آن شده بود که به هیچ شکل از علی (علیه السلام) به خوبی یاد نشود، چه برسد به این که از فضایل او یاد شود یا مناقب او گزارش گردد و یا درباره حقایق او استدلالی صورت گیرد.»^(۱)

جلوگیری از نام گذاری به «علی»

از ابوعباس درباره علی بن ابی طالب نقل شده که وی در هنگام نماز ظهر، عبدالله بن عباس را ندید، به یاران خود گفت: «چرا ابن عباس نیامده است؟»

گفتند: «بچه دار شده است.» هنگامی که علی (علیه السلام) نماز را خواند، فرمود: «نزد ابن عباس برویم.» آن گاه نزد وی رفت و به وی تبریک گفت و فرمود: «خداوند بخشاینده را شکر می گذارم. خداوند در آنچه به تو داده است برای تو برکت قرار دهد. نامش را چه گذاشته ای؟»

ابن عباس گفت: «آیا رواست که من قبل از شما وی را نام گذاری کنم؟»

ابن عباس، بچه را خواست و نزد علی (علیه السلام) آورد، علی (علیه السلام) بچه را گرفت و کام وی را برداشت و برایش دعا کرد، سپس او را به ابن عباس برگرداند و فرمود: «آن را بگیر ای پدر پادشاهان! او را "علی" نامیدم و کنیه اش را "ابوالحسن" قرار دادم.»

هنگامی که معاویه به قدرت رسید، به ابن عباس گفت: «حق گذاشتن [نام و کنیه علی را بر فرزندانان] ندارید، من این [فرزندت] را "ابومحمد" کنیه دادم.» و عادت بر همین جاری گشت.^(۲)

ص: ۲۶۳

۱- . إرشاد، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲- . دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۰۶، ح ۶۳۱۲، به نقل از: الکامل، ج ۲، ص ۷۵۶.

علی بن جهیم بن بدر بن محمّد بن مسعود بن اسد بن ادینه ساجی (شاعر روزگار متوکّل)، مشهور به بدگویی بود و از علی (علیه السلام) و اهل بیت علیهم السلام بسیار عیب جویی می کرد.

گفته اند که وی پدرش را به خاطر آن که او را «علی» نامیده بود، لعن می کرد. (۱)

گسترش مخالفت و بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

معاویه جار زد که تعهد [حکومت] را از کسی که حدیثی از فضایل علی (علیه السلام) را نقل کند، برداشته است؛ به گونه ای که عبدالله بن شداد لیشی گفت: «دوست داشتم مرا رها می کردند که یک روز تا شب فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام را نقل کنم و آن گاه گردنم زده می شد.»

شرایط، چنان بود که اگر محدّثی در موضوع «فقه» حدیث نقل می کرد، یا حدیثی درباره «مبارزات» علی (علیه السلام) [می آورد، می گفت: «مردی از قریش گفت»] او جرأت نمی کرد نام علی (علیه السلام) را بیاورد.

عبدالرحمان بن ابی لیلی [هنگامی که حدیثی را از زبان علی (علیه السلام) نقل می کرد] می گفت: «یکی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم نقل کرد.» و حسن بصری می گفت: «ابوزینب گفت.» (۲)

از عبدالله بن فائد و سحیح بن حفص نقل شده که: معاویه به مغیره بن شعبه نوشت: «بدگویی به علی و تحقیر وی را آشکار کن.» (۳)

واقعدی نقل می کند: عمر بن ثابت سوار می شد و در روستاهای شام می چرخید و هر گاه وارد روستایی می شد، مردم آن روستا را جمع می کرد و می گفت: «ای مردم! علی بن ابی طالب علیه السلام مردی منافق بود، او قصد داشت

ص: ۲۶۴

- ۱- دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۰۷، ح ۶۳۱۳، به نقل از: لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰، شماره ۵۵۸.
- ۲- همان، ج ۱۱، ص ۴۰۲، ح ۶۳۰۲، به نقل از: مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۸، ح ۱۲.
- ۳- أنساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۳، ش ۷۵.

در شب عقبه، پیامبر خدا را [از مرکبش] سرنگون کند، او را لعن کنید!»

مردم آن روستا نیز علی (علیه السلام) را لعن می کردند، سپس، وی به روستایی دیگر می رفت و همین کار را انجام می داد. (۱)

بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر فراز منبرها

دشنام گویی و بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بیش از چهل سال به عنوان یک سنت رواج یافت و بر روی منبرها و در بین همه جوامع اسلامی در زمان معاویه و کارگزارانش به اجرا درآمد، تا جایی که ابن ابی الحدید سنی معتزلی از عباس بن بکار ضبی روایت کرده است که ابوبکر همدلی از زهری برایم نقل کرد که ابن عباس به معاویه گفت: «آیا از بدگویی این مرد (علی (علیه السلام)) دست نمی کشی؟» معاویه پاسخ داد: «به این کار، همچنان ادامه خواهم داد تا کوچک ترها با کینه او پرورش یابند و بزرگ ترها با آن پیر گردند» (۲)

مورخین و دانشمندان اهل تسنن، از جمله زمخشری در ربیع الابرار، نقل کرده اند در زمان بنی امیه در بیش از هفتاد هزار منبر در کشورها و مناطق اسلامی، به پیروی از معاویه بر علی بن ابی طالب علیه السلام سب می کردند و دشنام می دادند. (۳)

با مطالعه تاریخ اسلام به این مطلب می رسیم که گروهی خفّاش صفت، کورکورانه از هوای نفس خود پیروی کرده و در ظلمت جهل خویش مانده، و به دشمنی و مخالفت با نور خدا حضرت علی مرتضی علیه السلام برخاسته اند.

ما در این بخش به چهارده اثر از آثار دشمنی با حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اشاره خواهیم کرد.

ص: ۲۶۵

- ۱- دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۲۰، ح ۶۳۳۰، به نقل از: الغارات، ج ۲، ص ۵۸۱؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۴، ص ۱۰۳.
- ۲- شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۲۲.
- ۳- الغدير، ج ۲، ص ۱۵۹.

۱- من أبغض عليًا عليه السلام فقد أبغض الله ورسوله

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«من أحبني فإني أحب عليًا عليه السلام، ومن أبغض عليًا عليه السلام فقد أبغضني و من أبغضني فقد أبغض الله عزوجل و من أبغض الله أدخله النار.» (۱)

دشمن امير مؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول است

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «هر کس مرا دوست بدارد باید علی (علیه السلام) را نیز دوست بدارد، و هر کس علی (علیه السلام) را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است، و هر کس مرا دشمن بدارد خدا را دشمن داشته، و هر کس خدا را دشمن بدارد خداوند او را وارد آتش جهنم می کند.»

۲- من أبغض عليًا عليه السلام لم يشم رائحة الجنة

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«يا علي! لو أن عبد الله عزوجل مثل ما قام نوح في قومه، و كان له مثل

ص: ۲۶۶

۱- . تاريخ مدينة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۴؛ تاريخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳، ح ۶۹۸۸.

أَحَدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيٌّ، لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا» (۱)

بوی بهشت به مشام دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نمی رسد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! اگر بنده ای به اندازه ای که نوح علیه السلام در میان قومش عمر کرد، خدا را عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق نماید و عمرش آن قدر طولانی شود که هزار سال با پای پیاده حج بگزارد و سپس بین کوه صفا و مروه مظلومانه کشته شود، ولی ای علی تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید و داخل آن نخواهد شد.»

۳- من أنقض عليا عليه السلام مات ميتة جاهلية

اشاره

قال علي عليه السلام:

«إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَخَذَ بِيَدِي ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: مَنْ مَاتَ وَ هُوَ يُبْغِضُكَ فَقِي مِيتَةٍ جَاهِلِيَّةٍ، يُحَاسِبُ بِمَا عَمِلَ فِي الْأَسْلَامِ، وَ مَنْ عَاشَ بَعْدَكَ وَ هُوَ يُحِبُّكَ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ كُلَّهَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ غَرِبَتْ حَتَّى يَرِدَ عَلَيَّ الْحَوْضُ» (۲)

دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی می میرد

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«روزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستم را گرفت و فرمود: هر که بمیرد در

ص: ۲۶۷

۱- . بشاره المصطفی، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۴، ح ۵۳؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۶۷، ح ۴۰.

۲- . احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۳۱۱؛ امالی مفید، ص ۱۲۰، م ۱۴، ح ۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۲، ح ۸۸۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۰۹، ح ۵۳.

حالی که با تو دشمنی داشته باشد به مرگ جاهلی مرده است و به آنچه در دوران اسلام انجام داده، مؤاخذه خواهد شد. و هر که پس از تو زندگی کند و دوستت بدارد، خداوند تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می کند، آرامش و ایمان را بر وی تمام می کند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شود.»

۴- من أبغض علينا عليه السلام فهو في النار

اشاره

قال عليُّ عليه السلام: «من أبغضنا بقلبه و أعان علينا بلسانه و يده فهو مع عدونا في النار، و من أبغضنا بقلبه و أعان علينا بلسانه فهو في النار و من أبغضنا بقلبه و لم يُعِن علينا بلسانه و لا يديه فهو في النار.» (۱)

دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در آتش است

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما اقدام نماید، همراه دشمنان ما وارد آتش می شود. و کسی که ما را به قلبش دشمن بدارد و با زبانش علیه ما اقدام کند در آتش جهنم است. و کسی که با قلبش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما کاری نکند، باز هم در آتش جهنم جای دارد.»

۵- من أبغض علينا عليه السلام فهو في أسفل درك النار

اشاره

قال رسولُ الله صلى الله عليه و آله: «في الجنة ثلاثُ درجاتٍ و في النار ثلاثُ دركاتٍ، فأعلى درجات الجنة لمن أحبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و يده، و في الدرجة الثانية من أحبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و في الدرجة الثالثة من أحبنا بقلبه.»

و في أسفل الدرك من النار من أبغضنا بقلبه و أعان علينا بلسانه و يده و في

ص: ۲۶۸

۱- . خصال، ج ۲، ص ۶۲۹، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۸۹، ح ۳۹، باب ۴.

الدَّرَكُ الثَّانِيهِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بَقْلَهُ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ فِي الدَّرَكِ الثَّلَاثَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بَقْلَهُ» (۱)

دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در پایین ترین درجه جهنم است

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«در بهشت سه درجه است و جهنم سه طبقه دارد؛ بالاترین درجه بهشت برای کسی است که در دل، ما را دوست بدارد و با زبان و دستش ما را یاری رساند. در درجه دوم بهشت کسی جای دارد که در دل ما را دوست بدارد و با زبانش ما را یاری رساند. و در درجه سوم کسی جای دارد که در دل ما را دوست بدارد.

و در پایین ترین طبقه جهنم کسی جای می گیرد که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما یاری رساند. در طبقه دوم جهنم کسی جای می گیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبانش به زیان ما کار کند. و در طبقه سوم جهنم کسی جای می گیرد که در دلش ما را دشمن بدارد.»

۶- مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ مُنَافِقٌ

اشاره

عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ لَعَلِّيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ وَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ وَ لَوْ ضُرِبَتْ خَيْشُومُ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضُوكَ وَ لَوْ نُثِرَتِ الدَّنَانِيرُ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحْبَبُوكَ، يَا عَلِيُّ! لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» (۲)

ص: ۲۶۹

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۳، ح ۵۳، باب ۴؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۶، باب ۲۱.

۲- شرف المصطفى صلی الله علیه و آله، ج ۵، ص ۵۱۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الإمام علی علیها السلام)، ج ۴۲، ص ۲۷۷.

هر که با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دشمنی کند، منافق است

ابوذر می گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی (علیه السلام) می فرمود :

«خداوند [در عالم الست] از مؤمنان بر محبت تو و از منافق بر بغض تو پیمان گرفته است.

و اگر بینی مؤمن را قطع کنی با تو دشمنی نمی کند، و اگر دنیا را به پای منافق بریزی باز هم دوست نخواهد داشت. ای علی! تو را دوست ندارد مگر مؤمن و با تو دشمنی نمی کند مگر منافق.»

۷- مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله - للمهاجرين والأنصار - :

«أَحْبَبُوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِحُبِّي وَأُكْرِمُوهُ لِكِرَامَتِي، وَاللَّهِ مَا قُلْتُ لَكُمْ هَذَا مِنْ قَبْلِي وَ لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِذَلِكَ. وَيَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ! مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِي حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى لَيْسَ لَهُ حُجَّةٌ.» (۱)

دشمن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کور و نابینا محشور می شود

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به مهاجران و انصار فرمود :

«علی (علیه السلام) را به خاطر محبت به من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی بدارید. به خدا سوگند، این مطلب را از جانب خود نگفتم، بلکه خداوند متعال مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است.

ای جماعت عرب! هر کس پس از من علی (علیه السلام) را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را نابینا محشور می کند و حجّتی نخواهد داشت.»

ص: ۲۷۰

۱- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۵۲۳؛ احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۳۳۱.

۸- عَدُوٌّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدُوٌّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ

اشاره

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله لعليِّ عليه السلام :

«وَأنتَ وليُّي، ووليُّي وليُّ الله، وِعدُوُّكَ عدُوِّي وِعدُوِّي عدُوُّ اللهِ» (١)

دشمن امير مؤمنان علي (عليه السلام) دشمن خدا و رسول اوست

رسول خدا صلى الله عليه وآله به علي (عليه السلام) فرمود :

«دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.»

وفي حديثٍ آخرَ عنهُ صلى الله عليه وآله: «ولِيُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَيْثَاللهِ وَعَدُوُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدُوُّ اللهِ» (٢)

و در حديثِ ديگري فرمود :

«دوست علي (عليه السلام) دوست خداست و دشمن علي (عليه السلام)

دشمن خداست.»

۹- عَدُوٌّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْقُرْآنِ

اشاره

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«يَقُولُ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِي وَلِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْخَلَا الْجَنَّةَ مِنْ أَحَبِّكُمْمَا وَأَدْخَلَا النَّارَ مِنْ أَبْغَضِكُمَا؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عِنْدِي) (٣)» (٤)

ص: ٢٧١

١- . أمالي مفيد، ص ٢١٣، مجلس ٢٤، ح ٤؛ خصال، ج ٢، ص ٦٥٢، ح ٥٣؛ بشاره المصطفى، ص ٢١٦.

٢- . خصال، ج ٢، ص ٤٩٦، ح ٥؛ أمالي صدوق، ص ٨٩، مجلس ٢٠، ح ١؛ بشاره المصطفى، ص ١٩.

٣- . سورة ق، آيه ٢٤.

٤- . إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٢٥٥؛ بشاره المصطفى، ص ١٤٤؛ أمالي طوسي، ص ٢٩٠، مجلس ١١، ح ٥٦٣؛ بحار الأنوار، ج

٣٩، ص ١٩٦؛ احقاق الحق، ج ٦، ص ٢١٠؛ غايه المرام، ج ٤، ص ١٦٥.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«خداوند در روز قیامت به من و علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید: هر که شما دو نفر را دوست داشته وارد بهشت کنید، و هر که با شما دو بزرگوار دشمنی کرده است وارد جهنم کنید، و این معنای سخن خداوند متعال است که می فرماید: "هر کافر متکبر و لجوج را در آتش جهنم افکنید".»

۱۰- الحُبُّ وَ الْبُغْضُ سَبَبُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ

اشاره

قال الباقر عليه السلام :

«لَوْ صِيَمْتُ النَّهَارَ وَلَا أَفْطَرْتُ وَلَا صَلَّيْتُ اللَّيْلَ لَا أَفْتَرُ وَأَنْفَقْتُ مَالِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ عُلُقًا عُلُقًا، ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةً لِأَوْلِيَاءِهِ وَلَا بُغْضَةً لِأَعْدَائِهِ مَا نَفَعَنِي ذَلِكَ شَيْئًا.» (۱)

دوستی و دشمنی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) سبب قبولی اعمال

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید :

«اگر تمام روزها را روزه بگیرم و شب ها را یکسره نماز بخوانم و همه اموال خود را در راه خدا انفاق کنم، اما محبت دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا در قلبم نباشد، این اعمال کمترین سودی برایم نخواهد داشت.»

در این روایت صریحاً بیان شده است که محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام میزان سنجش اعمال و سبب قبولی افعال بندگان است، و هیچ عملی بدون ولایت آنها پذیرفته نیست.

و در بسیاری از روایات معتبر از شیعه و سنی نقل شده که شرط قبولی

ص: ۲۷۲

اعمال، محبت و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و اقرار به امامت آن بزرگواران و همچنین برائت و بیزاری از دشمنان ایشان است.

یکی از زیباترین آنها روایتی است که در آن چنین نقل شده است: روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مسجد کوفه رفتند، در حالی که قنبر در خدمت حضرت بود. در این هنگام، چشم قنبر به مردی افتاد که در حال نماز خواندن بود، به حضرت عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مردی که زیباتر از این شخص نماز بخواند، ندیده ام!

حضرت فرمود: «ساکت باش ای قنبر! به خدا سوگند، اگر کسی به ولایت ما اهل بیت یقین پیدا کند از کسی که هزار سال عبادت کند بالاتر است. و اگر شخصی خداوند را هزار سال عبادت کند، عبادتش پذیرفته نمی شود مگر آن که ولایت ما را بشناسد [و بپذیرد]. و اگر شخصی خدا را هزار سال عبادت کند و عبادت هفتاد و دو پیغمبر را انجام دهد، خداوند قبول نخواهد کرد مگر آن که ما را بشناسد [و ولایت ما را بپذیرد]. و اگر ولایت ما را قبول نکند، خداوند او را با صورت به آتش جهنم خواهد افکند.» (۱)

۱۱- بُغْضُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَامَةُ حُبِّ الْوَلَادَةِ

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«يا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَي طَيْبِ مَوْلَدِهِ، فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلادَتُهُ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ حَبِثَتْ وِلادَتُهُ.» (۲)

ص: ۲۷۳

- ۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲۷۳، باب ۲۷.
- ۲- أمالی صدوق، ص ۴۵۷، مجلس ۷۲، ح ۱۴؛ معانی الأخبار، ص ۱۶۱، ح ۳؛ بشاره المصطفی، ص ۱۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۱، ح ۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! هر که من و تو را و امامان از نسل تو را دوست بدارد، پس باید خداوند را به خاطر حلال زادگی خود سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد مگر حلال زاده و ما را دشمن ندارد مگر حرام زاده.»

۱۲- أَحَبُّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ

اشاره

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله :

«أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ عَمَلْتُ لِي عَمَلًا قَطُّ؟ قَالَ: إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ وَ صُمْتُ وَ تَصَدَّقْتُ وَ ذَكَرْتُ لَكَ.

فَقَالَ: إِنَّ الصَّيْلَةَ لَكَ بُرْهَانٌ وَ الصَّوْمُ جُنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ ظِلٌّ وَ الذِّكْرُ نُورٌ، فَأَيُّ عَمَلٍ عَمَلْتَ لِي؟ فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذُنِّي عَلَى عَمَلٍ هُوَ لَكَ.

فَقَالَ: يَا مُوسَى! هَلْ وَالَيْتَ لِي وَ لِيَّآ وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؟! فَعَلِمَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ.» (۱)

محبوب ترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود :

«خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد: آیا هرگز برای من عملی انجام داده ای؟ حضرت موسی علیه السلام پاسخ داد: خدایا! برایت نماز خوانده ام، روزه گرفته ام، صدقه داده ام، و ذکر تو را گفته ام.

خداوند متعال فرمود: نماز برایت برهان و راهنماست، روزه سپر است، صدقه سایه سرت [در روز قیامت] است و یاد من برای تو نور است. [این ها همه برای خودت بوده است] پس برای من چه عملی به جا آورده ای؟

ص: ۲۷۴

۱- . جامع الأخبار، ص ۱۲۸، فصل ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۴، ح ۱۳۹۷۵؛ الدعوات، فصل الثانی، ص ۲۸، ح ۵۰.

حضرت موسی علیه السلام گفت: مرا به کاری که برای توست راهنمایی کن. خداوند متعال فرمود: ای موسی! آیا هرگز با یکی از دوستانم دوستی کرده ای و آیا با یکی از دشمنانم، دشمنی ابراز نموده ای؟

پس حضرت موسی علیه السلام فهمید که محبوب ترین عمل، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست.»

۱۳- مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

اشاره

قال رسولُ الله صلى الله عليه و آله :

«ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ اللَّهِ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ وَ قِيَامُهُ وَ اسْتِجَابَ دُعَاؤُهُ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عَرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ.

ألا و مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ : أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصَّرَاطِ.

ألا و مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ : فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ.

ألا و مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ : جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.» (۱)

دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ناامید از رحمت الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند متعال نماز و روزه و قیام او را قبول فرماید و دعایش را مستجاب گرداند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند متعال به تعداد

ص: ۲۷۵

۱- . مائة منقبه، ص ۱۷۰، المنقبه الخامسة و التسعون؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۲۰، ح ۱۰۰؛ فرائد السیمطين، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۷۲، ح ۵۱؛ احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۶۱؛ کشفالیقین، ص ۲۲۷.

رگ های بدنش، شهری در بهشت به او عطا فرماید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد از حساب و میزان و صراط ایمن است.

آگاه باشید! هر کس بر محبت آل محمد : بمیرد، من بهشت را [همراه هم نشینی] با انبیا برای او ضمانت می کنم.

آگاه باشید! هر کس بر بغض و دشمنی آل محمد : بمیرد، روز قیامت در حالی محشور می گردد که بین دو چشمانش نوشته شده: این شخص از رحمت خدا ناامید است.»

۱۴- این المُنْبَغُضُونَ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَام

اشاره

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله :

«يا أبا الحسن! إن الله عزوجل أوجب لك بذلك من الفضائل و الثواب ما لا يعرفه غيره، يُنادى مُنادٍ يوم القيامة: أَيْنَ مُحِبُّوا عَلِيَّ بنِ أَبِي طالبٍ عليه السلام؟ فيقوم قومٌ من الصالحين، فيقال لهم: خذوا بأيدي من شئتم من عرصات القيامة فأدخلوهم الجنة، فأقل رجلٌ منهم ينجو بشفاعته من أهل [تلك] العرصات ألف ألف رجل. ثم يُنادى مُنادٍ: أَيْنَ البقيَّة من مُحبي علي بن أبي طالب عليه السلام؟ فيقوم قومٌ مُقتصدون، فيقال لهم: تُمنوا على الله عزوجل ما شئتم فيتمنون فيفعل بكل واحدٍ [منهم] ما تمنى ثم يضعف له مائة ألف ضعف.»

ثم يُنادى مُنادٍ: أَيْنَ البقيَّة من مُحبي علي بن أبي طالب عليه السلام، فيقوم قومٌ ظالمون لأنفسهم مُعتدون عليها، فيقال: أَيْنَ المُنْبَغُضُونَ لَعَلِّي بنِ أَبِي طالبٍ عليه السلام؟ فيؤتى بهم جثمٌ غفيرٌ و عددٌ كثيرٌ، فيقال: ألا نجعل كل ألفٍ من هؤلاء فداءً لواحدٍ من مُحبي علي بن أبي طالبٍ عليه السلام ليَدْخُلُوا الجنة، فينجي الله عزوجل مُحبيك و يجعل أعداءك فداءهم.»

ثم قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

«هذا الأفضل الأكرم، مُحبه مُحبُّ الله و [مُحبُّ] رسوله، و مُبغضه مُبغضُ»

اللَّهِ وَ [مُبْغِضٌ] رَسُوْلُهُ هُمْ خِيَارُ خَلْقِ اللّٰهِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «(۱)

دشمنان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کجایند!؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود :

«ای ابوالحسن! خداوند به خاطر آن فداکاری که انجام دادی به اندازه ای پاداش و ثواب به تو عطا می فرماید که هیچ کس جز او نمی داند. هنگامی که روز قیامت فرامی رسد، فریاد کننده ای فریاد می زند: "دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام کجا هستند؟" گروهی از صالحین و نیکوکاران به پا خیزند، به آنها گفته می شود: "از این عرصات قیامت دست هر که را می خواهید بگیرد"، و وارد بهشت کنید و کمترین تعدادی که به شفاعت یک نفر از این صالحین نجات پیدا می کند و وارد بهشت می شود، یک میلیون نفر می باشد.

سپس آن ندا کننده فریاد می زند: "بقیه دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام کجایند؟" پس گروهی میانه [که هم حسنات دارند هم سیئات] برخیزند، به آنها گفته می شود: "آنچه می خواهید از خداوند عزوجل درخواست کنید"، پس به هر یک از آنها آنچه را که درخواست کند، عطا می نماید و سپس آن را صد هزار برابر می کند.

بار دیگر آن ندا کننده فریاد می زند: "بقیه دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام کجایند؟" پس گروهی که با گناه کردن به خود ظلم کرده اند برمی خیزند، سپس گفته می شود: "دشمنان علی بن ابی طالب علیه السلام کجایند؟" جمعیت بسیار زیادی برمی خیزند، ندا می رسد: "هر هزار نفر از این ها را در مقابل یک نفر از دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دهید [و اعمال خوب و حسنات آنها را برای دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام بنویسید]، و دوستان حضرت را از آتش نجات داده و وارد بهشت کنید." پس خداوند عزوجل دوستان تو را

ص: ۲۷۷

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۰۸، ح ۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۸، ح ۲.

نجات می دهد و دشمنان تو را فدای آنها می کند.»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«مقام علی (علیه السلام) برتر و والاتر از این ها است. هر که تو را دوست بدارد خدا و رسولش را دوست داشته، و آن که با تو دشمنی کند با خدا و رسولش دشمنی نموده است، و ایشان برترین خلق خدا از امت محمد صلی الله علیه و آله هستند.»

ص: ۲۷۸

فصل دهم

اشاره

ص: ۲۷۹

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ) (۱)

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را جانشین خود در زمین قرار دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیشوای پیامبران علیهم السلام

خداوند علم اسماء را به آدم علیه السلام آموخت: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ)، و او را خلیفه خود در زمین نامید: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً).

ابراهیم علیه السلام را خلیل در گاه خود قرار داد: (وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)، و آتش نمرود را برای او گلستان نمود: (يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا).

اسماعیل علیه السلام را در کتاب خود ستود و او را «صادق الوعد» نامید: (وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ).

یوسف علیه السلام را صدیق: (يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ) نامید و تمام حسن و زیبایی را به او عنایت فرمود.

ص: ۲۸۱

دعای زکریا علیه السلام: (رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً) را اجابت فرمود و او را به یحیی علیه السلام بشارت داد.

یحیی علیه السلام را در کودکی به پیامبری مبعوث نمود: (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابُ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا)، و وجود او را موجب برکت قرار داد: (و جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ).

حکمت را به لقمان علیه السلام عطا فرمود: (و لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ).

کتابی آسمانی برای داود علیه السلام فرستاد: (و آتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا)، و فرزندی چون سلیمان علیه السلام به او هبه فرمود: (و هَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ).

پادشاهی و ملک عظیم را به سلیمان علیه السلام عطا فرمود: (هَبْ لِي مَلَكًا لَا يُنْبَغِي لِاحِدٍ)، و جن و انس و پرندگان را مطیع او ساخت: (و حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ).

ید بیضاء را به موسی علیه السلام عنایت کرد: (و أَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءً)، و او را هم کلام خویش قرار داد: (و كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا).

عیسی علیه السلام را از روح خود آفرید: (فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا)، و روح القدس را به یاری او فرستاد: (و أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ).

و همه آنچه که خداوند متعال به صد و بیست و چهار هزار پیامبر خود عنایت کرده است، همه را به امام پیامبران حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) عطا فرمود و تمامی صفات پیامبران را در او جمع نمود. همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر که می خواهد به آدم در حلمش، به نوح در فهمش، به موسی در مناجاتش، به ادریس در کمالش، به یوسف در جمالش، به ابراهیم در خلیل بودنش و به یحیی در زهدش نگاه کند، پس به سیمای علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد.»

ما نیز در این بخش به چهارده مورد از حکایت های پیامبران علیهم السلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره می کنیم.

عن علی بن موسی الرضا علیه السلام قال :

«لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْغَرَقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنا فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْغَرَقَ وَ لَمَّا رُمِيَ إِبْرَاهِيمُ ۷ فِي النَّارِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنا فَجَعَلَ اللَّهُ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا ضَرَبَ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنا فَجَعَلَهُ اللَّهُ يَسًّا وَ إِنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنا فَتَجَّى مِنَ الْقَتْلِ فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ»^(۱)

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) یاور پیامبران علیهم السلام

امام رضا علیه السلام فرمودند :

«هنگامی که حضرت نوح علیه السلام نزدیک به غرق شدن بود، خداوند را به حقّ ما اهل بیت خواند، پس خداوند بلائی غرق شدن را از او دور نمود.

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام در آتش افکنده شد، خداوند را به حقّ ما خواند، پس خداوند آتش را بر او سرد و سلامت نمود.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام عصا را به دریا زد تا راه عبور بگشاید، خداوند را به حقّ ما خواند، پس خداوند آب دریا را برای او خشک گردانید.

ص: ۲۸۳

۱- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۵، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۳، ح ۸۸۵۳؛ قصص الأنبياء (راوندی)، ص ۱۰۵، ح ۹۹.

هنگامی که یهودیان قصد کشتن حضرت عیسی علیه السلام را نمودند، خداوند را به حقّ ما خواند، لذا از کشته شدن نجات یافت و خداوند او را به سوی خود بالا برد.»

حکایت دوم

اشاره

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

« يَا مُفَضَّلُ! وَاللَّهِ مَا اسْتَوْجِبَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَخْلُقَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَيَنْفُخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ إِلَّا بَوْلَايَهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تَكْلِيمًا إِلَّا بَوْلَايَهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَقَامَ اللَّهُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ آيَةً لِلْعَالَمِينَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِعَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

تکمیل نبوت پیامبران، به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

مُفَضَّلُ مِي كَوَيْد: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود :

«ای مُفَضَّل! به خدا سوگند، آدم علیه السلام لیاقت پیدا نکرد که خداوند او را به دست خود بیافریند و از روح خود در او بدمد، مگر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. و خداوند حضرت موسی علیه السلام را هم صحبت خود قرار نداد، مگر به خاطر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. و خداوند عیسی علیه السلام را نشانه برای عالمیان قرار نداد، مگر به جهت این که [در مقابل ولایت] امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کوچکی و تواضع نمود.» (۱)

حکایت سوم

اشاره

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَمَّا أُلْفِيَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْجُبِّ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ مَا تَصْنَعُ هَاهُنَا؟ مِنْ طَرَحِكَ فِي هَذَا الْجُبِّ؟ فَقَالَ: إِخْوَتِي لِمَنْزِلَتِي مِنْ أَبِي حَسَدُونِي وَ لَذَلِكَ فِي هَذَا الْجُبِّ طَرَحُونِي. فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ: أَتُحِبُّ أَنْ تُخْرَجَ مِنْ هَذَا الْجُبِّ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ إِلَى إِلِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ فَقَالَ لَهُ

ص: ۲۸۴

۱- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۹۴، باب ۶، ح ۵۶؛ إختصاص، ص ۲۵۰.

جبرئیل: فَإِنَّ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ يَقُولُ لَكَ قُلُوبًا :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَسْتَسْبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَسْتَسْبُ.

فَدَعَا يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْخَيْبِ يَوْمئِذٍ فَرْجًا وَ مِنْ كَيْدِ الْمَرْأَةِ مَخْرَجًا وَ أَتَاهُ مُلْكُكَ مُضِيرٍ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُ. (۱)

نجات یوسف علیه السلام به خاطر ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

«هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام را در درون چاه افکندند، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: "ای پسر! این جا چه می کنی؟ چه کسی تو را درون این چاه افکنده است؟" یوسف علیه السلام گفت: "برادرانم به خاطر محبتی که پدرم نسبت به من داشت، بر من حسد ورزیدند و مرا در چاه افکندند."

پس جبرئیل گفت: "آیا دوست می داری از این چاه خارج شوی؟" گفت: "این را واگذار می کنم به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب." جبرئیل گفت: "پس بدان که خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب به تو می گوید که بگو:

خداوندا! من از تو که سزاوار حمد و ستایشی و خدایی جز تو نیست و نعمت دهنده و آفریدگار آسمان ها و زمین و صاحب جلال و اکرامی می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای کار من گشایش و رهایی قرار بده و روزی مرا از طریقی که گمان می رود و از طریقی که گمان نمی رود عطا فرما."

پس یوسف آن دعا را خواند، آن گاه خداوند همان روز او را از چاه نجات داد و از حيله آن زن (همسر عزیز مصر) رهانید و حکومت مصر را از راه بی گمان به او ارزانی داشت.»

ص: ۲۸۵

۱- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۶؛ در المنثور، ج ۴، ص ۹.

عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ انْتَهَى بِي الْمَسِيرُ مَعَ جِبْرَائِيلَ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَرَأَيْتُ بَيْتًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ فَقَالَ لِي جِبْرَائِيلُ: يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ! هَذَا هُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ، قُمْ يَا مُحَمَّدُ فَصَلِّ إِلَيْهِ.» قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى اجْتَمَعَ جَمِيعُ الرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ: فَصَفَّهُمْ جِبْرَائِيلُ وَرَأَى صَفًّا فَصَلَّيْتُ بِهِمْ فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنَ الصَّلَاةِ أَتَانِي آتٍ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ رُبُّكَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ سَلِّ الرُّسُلُ عَلَى مَاذَا أَرْسَلْتَهُمْ مِنْ قَبْلِكَ، فَقُلْتُ: مَعَاشِرَ الرُّسُلِ! عَلَى مَاذَا بَعَثْتُمْ رَبِّي قَبْلِي؟ فَقَالَتِ الرُّسُلُ: عَلَى وَلايَتِكَ وَوَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَسَلِّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مَنْ رُسُلْنَا) (١).» (٢).

پیامبران ابلاغ کننده ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند، همین که همراه جبرئیل از آسمان چهارم گذشتیم، خانه ای دیدم که از یاقوت قرمز بود، پس جبرئیل به من گفت: "ای محمد! این بیت المعمور است که خداوند متعال آن را خلق نموده پنجاه هزار سال قبل از آن که آسمان ها و زمین ها را خلق کند آفریده است. ای محمد به پا خیز و به سوی او نماز گزار."»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سپس خداوند تعالی امر فرمود تا همه رسولان و انبیا گرد آمدند، پس جبرئیل همه آنها را در پشت سر من در یک صف نظم داد، پس با آنها نماز گزاردم. آن گاه که از نماز فارغ شدم، پیامی از جانب پروردگارم

ص: ۲۸۶

۱- .سوره زخرف، آیه ۴۵.

۲- . ماه منقبه، المنقبه الثانیه و الثمانون، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۰۷، ح ۶۹؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۵۵؛ تأویل الآیات، ص ۵۴۷.

به من رسید، به من گفت: "ای محمد! پروردگارت سلامت می رساند و می فرماید: از پیامبران سؤال کن که به چه منظور آنها را قبل از تو فرستادم." پس گفتم: "ای فرستادگان خدا! به چه منظور خداوند شما را قبل از من برانگیخت؟" گفتند: "خداوند ما را برای ابلاغ ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام برانگیخت و گفتار خداوند که می فرماید: "ای پیامبر! از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس"، اشاره به همین مطلب است.»

حکایت پنجم

اشاره

رَوَى أَصْحَابُ التَّوَارِيخِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ جَالِسًا وَعِنْدَهُ جَنِّي يَسْأَلُهُ عَنْ قَضَايَا مُشْكَلَةٍ فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ تَصَاغِرَ الْجَنِّي حَتَّى صَارَ كَالْعُضْفُورِ ثُمَّ قَالَ: «أَجْزَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ.» فَقَالَ: «مَمَّنْ؟» قَالَ: «مَنْ هَذَا الْفَتَى الْمُقْبِلُ.»
فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَمَا ذَاكَ؟» فَقَالَ الْجَنِّي: «أَتَيْتُ سَفِينَةَ نُوحٍ لِأَغْرَقَهَا يَوْمَ الطُّوفَانِ فَلَمَّا تَنَاوَلْتُهَا ضَرَبَنِي هَذَا، فَقَطَعَ يَدِي.» ثُمَّ أَخْرَجَ يَدَهُ مَقْطُوعَةً، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «هُوَ ذَلِكُ.» (١)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، ناجی حضرت نوح علیه السلام

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند و یکی از جن ها نزد آن حضرت بود و از قضایای مشکل از رسول خدا سؤال می کرد، در این هنگام، امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد. وقتی آن جن، حضرت را دید، کوچک شد تا اندازه یک گنجشک درآمد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «ای رسول خدا! مرا پناه بده!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از چه کسی؟» عرضه داشت: «از این جوانی که در مقابل ماست.» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا تو را از این جوان پنهان کنم؟» جواب داد: «هنگامی که من به کشتی نوح علیه السلام آمدم و خواستم آن را در روز طوفان، غرق کنم، وقتی آن را گرفتم، این جوان آمد و

ص: ۲۸۷

۱- . مشارق الأنوار، ص ۱۳۲؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۸۱.

دستم را قطع کرد.» سپس دست قطع شده خود را به رسول خدا نشان داد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، این همان جوان است.»

حکایت ششم

اشاره

عن الصادق عليه السلام قال :

«أتى يهوديٌ إلى النبي صلي الله عليه وآله فقام بين يديه يُحدِّ النظر إليه. فقال: ما حاجتُك يا يهوديُّ؟

قال: أنت أفضل أم موسى بن عمران عليه السلام الذي كلمه الله و أنزل عليه التوراه و العصا و فلق له البحر و أظله بالغمام؟

فقال له النبي صلي الله عليه وآله: إنَّهُ يُكره للعبيد أن يُزكى نفسه و لكني أقول: إنَّ آدم عليه السلام لَمَّا أصاب الخطيئه كانت توبته أن قال: اللّهُمَّ إنِّي أسئلك بحقِّ مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ لَمَّا غفرت لي؛ فغفرها الله له.

و إنَّ نوحاً عليه السلام لَمَّا ركب السيفينه و خاف الغرق قال: اللّهُمَّ إنِّي أسئلك بحقِّ مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ لَمَّا أنجيتني من الغرق؛ فنجاه الله منه.

و إنَّ إبراهيم عليه السلام لَمَّا ألقى في النار قال: اللّهُمَّ إنِّي أسئلك بحقِّ مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ لَمَّا أنجيتني منها؛ فجعلها الله عليه بزداً و سلاماً.

و إنَّ موسى عليه السلام لَمَّا ألقى عصاه و أوجس في نفسه خيفه قال: اللّهُمَّ إنِّي أسئلك بحقِّ مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ لَمَّا أمّنتني؛ فقال الله تعالى: (لا تخفُ إنك أنت الأعلى). (١)

يا يهوديُّ! إنَّ موسى عليه السلام لو أدركني ثم لم يؤمن بي و ببؤتي ما نفعه إيمانه شيئاً و لانفعته التبوّه، يا يهوديُّ و من ذريّتي المهديُّ ٧ إذا خرج نزل عيسى بن مريم لنصرته فقدّمه و صلى خلفه.»

ص: ٢٨٨

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و در مقابل آن حضرت که قرار گرفت، خیره خیره به ایشان نگاه کرد. رسول خدا به او فرمود: "ای یهودی! چه کاری با من داری و حاجت تو چیست؟"»

عرض کرد: "می خواهم سؤال کنم آیا تو افضل هستی یا موسی بن عمران؟ که خداوند با او تکلم کرده و تورات را بر او نازل نمود و عصا به او مرحمت کرد و دریا را برایش شکافت و دستور داد ابرها بر او سایه افکنند؟"»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "شایسته نیست کسی از خودش تعریف کند، ولی در جواب تو می گویم :

وقتی حضرت آدم علیه السلام آن خطا را مرتکب شد، برای توبه کردن چنین گفت: خداوندا! از تو می خواهم که به حقّ محمد و آل محمد گناه مرا بیامرزی؛ و خدا او را آمرزید.

وقتی حضرت نوح علیه السلام در میان کشتی از غرق شدن ترسید، گفت : خداوندا! از تو درخواست می کنم به حقّ محمد و آل محمد مرا از غرق شدن نجات دهی؛ و خداوند او را نجات داد.

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به آتش افکنده شد، گفت: خداوندا! از تو درخواست می کنم به حقّ محمد و آل محمد مرا از این آتش نجات بخشی؛ و خداوند آتش را بر او سرد و بی آزار قرار داد.

وقتی حضرت موسی علیه السلام عصا را رها کرد و در وجود خود ترسی احساس نمود، گفت: خداوندا! از تو درخواست می کنم به حقّ محمد و آل محمد مرا ایمن گردانی و از وحشت رها سازی؛ خداوند تبارک و تعالی فرمود: (لا تخف إناک أنت الأعلی)؛ ترس زیرا تو برتر هستی.

ای یهودی! اگر موسی علیه السلام مرا درک کند و سپس به من و نبوت من ایمان نیاورد، هرگز ایمانش برای او نفعی ندارد و از نبوتش سودی نمی برد.

ای یهودی! مهدی علیه السلام از ذریه و نسل من است که وقت ظهورش، عیسی بن مریم علیها السلام از آسمان برای یاری او حاضر می شود و هنگام نماز او را مقدم می دارد و به او اقتدا می کند." (۱)

حکایت هفتم

اشاره

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي.»

قال عليّ عليه السلام: «فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جِبْرِئِيلُ؟»

فقال صلى الله عليه وآله: «يا عليّ! إنّ الله تبارك و تعالی فضل أنبياءه المرسلين على ملائكته المقربين، و فضلني على جميع النبيين و المرسلين و الفضل بعدي لك يا عليّ، و لأئمتهم من بعدك و إنّ الملائكة لخدّامنا و خدّام محبينا، يا عليّ الذين يحملون العرش و من حوله يسبحون بحمد ربهم و يستغفرون للذين آمنوا بولايتنا.

يا عليّ! لولا نحن ما خلق الله آدم و لا حواء، و لا الجنة و لا النار و لا السماء و لا الأرض و كيف لا تكون أفضل من الملائكة و قد سبقناهم إلى معرفه ربنا و تشيحه و تهليله و تقديسه؟ لأنّ أول ما خلق الله عزوجل أرواحنا، فأطلقنا بتوحيده و تحميده، ثم خلق الملائكة فلما شاهدوا أرواحنا نوراً و احداً استعظمت أمرنا فسبحنا لتعلم الملائكة أنا خلق مخلوقون و أنّه منزّه عن صفاتنا فسبحت الملائكة بتسبيحنا و نزهته عن صفاتنا.

فلما شاهدوا أعظم شأننا، هللنا لتعلم الملائكة أنّ لا إله إلا الله، و أنا عبيد و لسنا بألهه يجب أن نعبد معه أو دونه فقالوا: لا إله إلا الله.

فلما شاهدوا كبر محلنا كبرنا لتعلم الملائكة أنّ الله أكبر من أن ينال عظم

ص: ٢٩٠

۱- . أمالی صدوق، ص ٢١٨، مجلس ٣٩، ح ٤؛ تأويل الآيات، ص ٥٣؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٣٦٦، ح ٧٢؛ احتجاج، ج ١، ص ٤٧؛ روضه الواعظين، ج ٢، ص ٢٧٢؛ وسائل الشيعه، ج ٧، ص ١٠٠، ح ٨٨٤٦؛ جامع الأخبار، الفصل الرابع، ص ٨.

المحلل إلما به، فلما شاهدوا ما جعله لنا من العزه و القوه، فقلنا: لا حول و لا قوه إلّا بالله، فقالت الملائكه: لا حول و لا قوه إلّا بالله. فلما شاهدوا ما أنعم الله به علينا و أوجبهُ لنا من فرض الطاعه، قلنا: الحمد لله لتعلم الملائكه ما يستحق لله تعالى ذكره علينا من الحمد على نعمته فقالت الملائكه: الحمد لله، فبنا اهتدوا إلى معرفه توحيد الله عزوجل و تسبيحه و تهليله و تمجيدهِ و تمجيدهِ ثم إن الله تبارك و تعالى خلق آدم فأودعنا صلبه و أمر الملائكه بالسجود له تعظيماً لنا و إكراماً و كان سيجودهم لله عزوجل عبوديه و لادم إكراماً و طاعه، لكوننا في صلبه فكيف لا نكون أفضل من الملائكه؟ و قد سجدوا لادم كلهم أجمعون» (١)

آفرينش امير مؤمنان علي (عليه السلام) قبل از آدم عليه السلام

امير مؤمنان علي (عليه السلام) می گوید: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود :

«خداوند نیافریده خلقی که بهتر از من باشد، و نزد او گرامی تر از من باشد.»

علي (عليه السلام) فرمود: عرض کردم: «یا رسول الله! تو برتری یا جبرئیل؟» پیامبر فرمود: «خدای تبارک و تعالی پیغمبران مرسل خود را بر فرشتگان مقرب برتری داده و مرا بر همه پیغمبران و رسولان برتری داده و پس از من ای علی! برتری از آن تو و امامان بعد از توست؛ زیرا فرشتگان، خادمین ما و خادمان دوستان ما هستند.

ای علی! کسانی که عرش را حمل می کنند و کسانی که اطراف آنها هستند، به واسطه ولایت ما حمد الهی را به جا می آورند و برای کسانی که مؤمن هستند طلب آموزش می کنند.

ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم، و آسمان و

ص: ۲۹۱

۱- . عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۳۵، ح ۱؛ تأویل الآیات، ص ۸۳۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، باب ۷.

زمین را نمی آفرید. و چگونه برتر از ملائکه نباشیم، در حالی که در معرفت پروردگاران و تسبیح و تهلیل و تقدیس او بر آنها سبقت گرفته ایم؛ زیرا خداوند اولین چیزی را که خلق فرمود، ارواح ما بود، و او ما را به توحید و تمجید خود، گویا ساخت.

سپس ملائکه را آفرید و آنان چون ارواح ما را در حالی که نور واحدی بود مشاهده نمودند، امر (ولایت) ما را بزرگ شمردند.

پس ما تسبیح خدا را گفتیم تا ملائکه بدانند که ما مخلوق خدا هستیم و او از صفات ما منزّه است. بعد از آن، ملائکه نیز تسبیح او را گفتند و او را از صفات ما تنزیه کردند. و چون بزرگی مقام و شأن ما را مشاهده کردند، تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که هیچ معبودی جز خدا نیست و بدانند ما بندگانی هستیم و نه خدایانی که با او یا در کنار او پرستیده شویم، و ملائکه گفتند: "لا اله الا الله". و هنگامی که بزرگی منزلت و جایگاه ما را مشاهده کردند، تکبیر خدا گفتیم تا ملائکه بدانند که خدا بزرگ تر از آن است که در دسترس باشد و جایگاه او بزرگ و عظیم است. و هنگامی که آن عزّت و قدرتی را که خدا به ما داده است مشاهده کردند، ما گفتیم: لا حول و لا قوه الا بالله، تا فرشتگان بدانند که برای ما هیچ قدرت و قوتی نیست مگر به واسطه خدا، و ملائکه گفتند: "لا حول و لا قوه الا بالله". و هنگامی که مشاهده کردند آن نعمتی را که خدا بر ما ارزانی داشته و طاعت ما را واجب شمرده، گفتیم: "الحمد لله"، تا به ملائکه بیاموزیم آنچه را خداوند از حمد ما بر نعمت هایش سزاوار است، ملائکه هم گفتند: "الحمد لله". پس ملائکه به وسیله ما به شناخت توحید خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او راهنمایی شدند. سپس خدای متعال آدم را آفرید و نور ما را در صُلب او قرار دارد و به ملائکه دستور داد برای تعظیم و احترام ما به او سجده کنند؛ و سجده آنها برای خدا بندگی و برای آدم، احترام و طاعت بود؛ و این برای آن بود که ما در صُلب او بودیم. چگونه ما از ملائکه بهتر نباشیم با آن که همه آنها برای آدم سجده کردند»

عن سلمان الفارسي قال: كنت أنا والحسن والحسين ومحمّد بن حنفيّه ومحمّد بن أبي بكر وعمار بن ياسر والمقداد بن الأسود الكنديّ جلوساً عند أمير المؤمنين عليه السلام بمنزله لما بويح عمر بن الخطاب.

فقال له ابنته الحسن عليه السلام: «يا أمير المؤمنين! إن سليمان سئل ربّه ملكاً لا ينبغي لأحد من بعده فأعطاه ذلك، فهل ملكت ممّا ملكت سليمان بن داود؟» ٨

فقال عليه السلام: «والذي فلق الحبه وبرأ النسمه، إن سليمان بن داود عليه السلام سئل الله عزّ وجلّ الملّك فأعطاه وإن أباك ملك ما لم يملكه - بعد جدك رسول الله - أحد قبّله ولا يملكه أحد بعده.»

فقال الحسن عليه السلام: «نريد أن تُرينا ممّا فضلك الله به من الكرامه.» فقال عليه السلام: «أفعل إن شاء الله تعالى.»

فقام أمير المؤمنين عليه السلام فتوضّأ وصلى ركعتين ودعا الله عزّ وجلّ بدعواتٍ لم يفهمها أحد، ثمّ أوماً بيده إلى جهه المغرب فما كان بأسرع من أن جاءت سحابه فوقفّت على الدار وإذا بجانبها سحابه أخرى.

فقال أمير المؤمنين عليه السلام: «أيتها السحابه اهبطي بأذن الله تعالى فهبطت و هي تقول: أشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمّد آ رسول الله وأنك خليفته و وصيّته من شكّ فيك فقد ضلّ عن سبيل النجاه.»

قال: ثمّ إنسبت السحابه على الأرض كأنها بساط مبسوط.

فقال أمير المؤمنين عليه السلام: «إجلسوا على الغمامه فجلّسنا وأخذنا مواضعنا فأشار إلى السحابه الأخرى فهبطت و هي تقول كمقاله الأولى و جلس أمير المؤمنين عليه السلام عليها مفردة ثمّ تكلم بكلام وأشار إليها بالمسير نحو المغرب و إذا بالريح قد دخلت تحت السحابتين فرفعتهم رفعاً رفيقاً، فتمايلت نحو أمير المؤمنين عليه السلام و إذا به على كرسى والنور يشطع من وجهه يكاد يخطف الأبصار.»

فقال الحسن عليه السلام: يا أمير المؤمنين عليه السلام إن سليمان بن داود عليهما السلام كان مُطاعاً

بخاتمه و أمير المؤمنين بهذا يطاع؟

فقال عليه السلام: أنا عينُ الله في أرضه، أنا لسانُه النَّاطِقُ في خلقه، أنا نورُ الله الذي لا يُطفئُ، أنا بابُ الله الذي يُؤتى منه و حُجَّتُهُ على عباده، ثم قال: أتُحِبُّونَ أنْ أُرِيكُمْ خاتمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ إِلَى جَيْبِهِ فَأَخْرَجَ خَاتَمًا مِنْ ذَهَبٍ فَضَمَّهُ مِنْ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ» (١).

خاتم سليمان عليه السلام نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

از سلمان فارسی روایت شده که گفت: من و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن حنفیه و محمد بن ابی بکر و عمار بن یاسر و مقداد بن اسود کندی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودیم - زمانی که با عمر بن خطاب بیعت شده بود-.

امام حسن علیه السلام به پدر بزرگوارش عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! همانا سلیمان بن داود علیه السلام از خداوند متعال ملک و سلطنتی درخواست کرد که هیچ کس بعد از او آن ملک را نداشته باشد، پس خداوند آن ملک را به او عطا فرمود. آیا از آن چیزهایی که خداوند به سلیمان داده به شما هم عطا فرموده است؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ دادند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و مردم را آفرید، همانا سلیمان علیه السلام از خداوند خواست و خداوند نیز به او داد، [اما] همانا خداوند تبارک و تعالی به پدرت مُلکی عطا فرموده که بعد و قبل از جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس صاحب آن نیست.»

پس امام حسن علیه السلام عرضه داشت: «دوست داریم به ما نشان بدهی، از آن کرامت های که خداوند به وسیله آنها تو را برتری داده است.» امیرالمؤمنین فرمود: «انجام می دهم ان شاء الله.»

ص: ۲۹۴

۱- . بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۳۳، ح ۵؛ مدینه المعجز، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۵۵، و ص ۵۴۹، ح ۳۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۶۷۵، ح ۶۷۸۸.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست و وضو گرفت و دو رکعت نماز به جای آورد و خدای عزوجل را با دعایی که هیچ کس مفهوم آن را نمی دانست دعا کردند، سپس به طرف مغرب اشاره نمودند. تگه ابری از طرف مغرب بالای منزل حضرت آمد و بعد از آن، تگه ابر دیگری به دنبال آن آمد.

امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به آن ابر فرمود: «ای ابر! به اذن خدا، پایین بیا.» پس به اذن خدا تگه ابر اولی پایین آمد، در حالی که می گفت: «شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست و همانا تو جانشین و وصی او هستی و هر که به تو شک کند، همانا از راه راست و نجات، گمراه خواهد شد.»

سپس تگه ابر مانند فرش بر زمین پهن شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «روی ابر سوار شوید.» ما نیز سوار شدیم. سپس به ابر دوم اشاره فرمود، آن هم پایین آمد و همان کلماتی را که ابر اولی گفته بود، او نیز اقرار کرد، سپس حضرت تنهایی بر آن سوار شدند و کلماتی فرمودند و اشاره فرمود ابر را که به طرف مغرب برود، ناگهان باد زیر آن دو ابر آمد و آنها را بالا برد. ابری که بر آن سوار شده بودیم به طرف ابری که امیرمؤمنان علیه السلام سوار شده بودند تمایل پیدا کرد و نزدیک شد. ناگهان حضرت را بر روی کرسی از نور دیدیم، در حالی که از جمال آن حضرت نوری ساطع بود که چشم ها را به خود خیره می کرد.

پس امام حسن علیه السلام عرضه داشت: «ای امیرمؤمنان! همانا سلیمان بن داود ۸ به واسطه انگشترش اطاعت می شد، و امیرالمؤمنین علیه السلام به چه وسیله اطاعت می شود؟» حضرت فرمود: «من چشم خداوند در زمین هستم. من زبان گویای خداوند در بین مخلوقات می باشم. من نور خدایم؛ نوری که خاموش نمی شود. من باب خدایم؛ بابی که از آن وارد می شوند [و به خدا تقرّب پیدا می کنند]، و حجت خدا بر بندگان می باشم.»

سپس فرمود: «آیا دوست دارید انگشتر سلیمان علیه السلام را ببینید؟» گفتیم:

«آری.» حضرت دست مبارک خود را در گریبان فرو برد و انگشتری بیرون آورد از طلا که نگین آن، یاقوت سرخی بود که روی آن «محمد» و «علی» نوشته شده بود.

حکایت نهم

اشاره

عن أبي عبد الله جعفر بن محمدٍ عليهما السلام قال :

«إذا كان يومُ القيامة نادى مُنادٍ من بطنان عرش: "أين خليفَةُ اللهِ في أرضه؟" فيقومُ داوُدُ النَّبِيُّ عليه السلام. فيأتي النداءُ من عند الله عزَّوجلَّ: "لشنا إياك أردنا و إن كُنْتَ لله تعالى خليفَةً."»

ثُمَّ ينادى ثانية: "أين خليفَةُ اللهِ في أرضه؟" فيقومُ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فيأتي النداءُ من قبل الله عزَّوجلَّ: يا معشر الخلائق! هذا عليُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خليفَةُ اللهِ في أرضه و حُجَّتُهُ على عبادِهِ فَمَنْ تعلق بحبله في دار الدُّنيا فليَتعلق بحبله في هذا اليومِ يشتضىءُ بنوره وليَتبِعْهُ إلى الدَّرَجَاتِ العُلَى من الْجَنَّاتِ. " قال: «فيقومُ النَّاسُ العالَمِينَ قَدْ تعلقوا بحبله في الدُّنيا فيتبعونه إلى الجَنَّةِ.»

ثُمَّ يَأْتِي النداءُ من عند الله جلَّ جلالُهُ: أَلَا مَنْ اتَّبَعْتُمْ بِإِمامٍ في دار الدُّنيا فليَتبِعْهُ إلى حيثُ يذهبُ به، فحينئذٍ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ العالَمِينَ اتَّبَعُوا و رأوا العذابَ و تقطعتْ بهمُ الأَسْبَابُ و قال الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فنتبَرَّأُ مِنْهُمْ كما تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللهُ أَعْمَالَهُمْ حَسراتٍ عَلَيْهِمْ و ما هُمْ بخارجين من النَّارِ (١). (٢).

ص: ٢٩٦

١- .سوره بقره، آیات ١٦٦ - ١٦٧.

٢- .بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣ ح ٤؛ أمالی مفید، ص ٢٨٥، مجلس ٣٤، ح ٣؛ أمالی طوسی، ص ٦٣، مجلس ٣، ح ٩٢؛ تفسیر برهان، ج ١، ص ٣٦٨، ح ٧٥١؛ تأویل الآیات، ص ٨٩؛ تفسیر نورالثقلین، ج ١، ص ١٥١، ح ٤٨٥.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

«چون روز قیامت فرا رسد، منادی از میان عرش ندا می دهد که: "خلیفه خدا در زمین کجاست؟" در این هنگام، داود پیامبر دعوت حق را لبیک می گوید و برمی خیزد. از ناحیه خداوند ندا داده می شود که ما تو را اراده نکردیم، هرچند تو نیز خلیفه خدا هستی.

بار دوم ندا رسد: خلیفه خدا در زمین کجاست؟ پس امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام برمی خیزد. از جانب خدا ندا می رسد: "ای مخلوقات! این علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه خدا در زمین و حجتش بر بندگان اوست. پس هر که در دنیا به ریسمان [ولایت] او آویخته، امروز نیز به ریسمان او بیاویزد تا از نور او روشنی گیرد و به دنبال او به درجات بالای بهشت راه یابد." پس گروهی از مردم که در دنیا به ریسمان ولایت او آویخته بودند، بلند می شوند و به دنبال آن حضرت به بهشت می روند.

سپس از جانب خداوند ندا می رسد: "آگاه باشید! هر کس در دنیا به پیشوایی اقتدا کند، امروز نیز به هر جا او را ببرد، راهی شود." در این هنگام، پیروان می گویند: "کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم تا از آنها (پیشوایان گمراه) بیزاری جویم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند." خداوند این چنین اعمال آنان را به صورت حسرت زایی به آنان نشان می دهد، و هرگز از آتش [دوزخ] خارج نخواهند شد.»

حکایت دهم

اشاره

عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ لِي :

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْخَلَائِقَ كَانُ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى بِهِ فَيَقَالُ لَهُ: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقَالُ لَهُ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَيَخْرُجُ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَتَخَطَّى النَّاسَ حَتَّى يَجِيءَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ

هُوَ عَلَى كَثِيبِ الْمَسِيكِ وَمَعَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا) (۱)، فيقول نوح عليه السلام لمحمد صلى الله عليه وآله: إن الله تبارك وتعالى سألني هل بلغت؟ فقلت: نعم، فقال: من يشهد لك؟

فقلت: محمد صلى الله عليه وآله، فيقول: يا جعفر! يا حمزة! اذها واشهدا له إنَّه قد بلغ.

فقال أبو عبد الله عليه السلام: «فجعفر وحمزة هما الشاهدان للأنبياء: بما بلغوا.» فقلت: جعلت فداك! فعلى عليه السلام أين هو؟ فقال: «هو أعظم منزلة من ذلك.» (۲)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) شاهد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قیامت

یوسف بن ابوسعید می گوید: روزی نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم، به من فرمود:

«هنگامی که قیامت برپا می شود و خداوند همه مخلوقات را جمع می کند، نخستین کسی را که صدا می زند، حضرت نوح علیه السلام است. به او گفته می شود: "آیا دین الهی را به مردم رسانده ای؟" می گوید: "بلی." به او گفته می شود: "چه کسی به این عمل تو شهادت و گواهی می دهد؟" می گوید: "محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله"، سپس در طلب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به راه می افتد و مردم را کنار می زند و از بین آنها عبور می کند تا خود را به آن حضرت می رساند، در حالی که حضرت بر روی منبری از مشک نشسته است و علی (علیه السلام) در کنار اوست. و این همان کلام خداوند متعال است: "هنگامی که او را از نزدیک می بیند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد."

حضرت نوح علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می دارد: "خداوند متعال از من سؤال کرده است آیا پیام و فرامین الهی را به مردم رساندی؟ گفتم: بلی، فرمود: چه کسی شاهد تو است؟ عرض کردم: حضرت محمد صلی الله علیه و آله." در این

ص: ۲۹۸

۱- .سوره ملک، آیه ۲۷.

۲- . کافی، ج ۸، ص ۲۶۷، ح ۳۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۸۲، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۴۵، ح ۱۰۹۲۵.

هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله به جعفر بن ابی طالب و حمزه می فرماید: بروید و شهادت بدهید که نوح علیه السلام وظیفه خود را انجام داده است.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «پس جعفر و حمزه دو شاهدند برای پیامبران که ابلاغ رسالت نموده اند.» عرض کردم: «فدای شما شوم، پس علی (علیه السلام) کجاست و چه می کند؟» حضرت فرمود: «مقام و مرتبه او بالاتر از این هاست.»

حکایت یازدهم

اشاره

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكْرَمَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِإِسْتِجَادِ مَلَائِكَتِهِ لَهُ وَ بِإِدْخَالِ الْجَنَّةِ، قَالَ فِي نَفْسِهِ: هَلْ خَلَقَ اللَّهُ بَشَرًا هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي؟

فناداهُ اللهُ: اِرْفَعْ رَأْسَكَ يَا آدَمُ! وَأَنْظِرْ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ آدَمُ فَنَظَرَ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ اللهُ: هَؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي، وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجَكَ مِنْ جَوَارِي» (۱)

دیدن آدم علیه السلام نور امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را در عرش

امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را به وسیله سجده نمودن ملائکه بر او و داخل کردن او به بهشت کرامت بخشید، آدم علیه السلام با خود گفت: آیا خداوند بشری را برتر از من خلق فرموده است؟

پس

ص: ۲۹۹

۱- . جواهر السیة، ص ۲۵۲، الباب الثانی عشر؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۴، ح ۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۶؛ ح ۶۷؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳، ح ۱۵.

خداوند او را ندا کرد: "ای آدم! سرت را بلند کن و به ساق عرش نظر بیفکن." پس آدم علیه السلام سرش را بلند کرده و به پایه عرش الهی نگاه کرد، دید بر آن نوشته شده: "لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین و همسرش فاطمه ۳ سرور زنان عالم و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام آقای جوانان اهل بهشت."

آدم علیه السلام عرض کرد: "خداوندا این ها کیستند؟" خطاب آمد: "این ها از نسل تو هستند و از تو و از همه مخلوقات برتر و بهترند، اگر ایشان نبودند، تو را نمی آفریدم و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کردم. پس مبادا که بر آنان به نظر حسد نگاه کنی که در آن صورت تو را از جوار خودم بیرون می رانم."

حکایت دوازدهم

اشاره

عَنْ أَبِي عَقَالٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَأَلَ أَبُو عَقَالٍ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ تَطَنَّ يَا أَبَاقَالٍ؟» فَقَالَ: آدَمُ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «هَهُنَا مَنْ أَفْضَلُ مِنْ آدَمَ.» فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَيْسَ اللَّهُ خَلَقَهُ بَيِّدَةً، وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَزَوَّجَهُ حَوَاءَ أُمَّتِهِ وَأَشْرَكَهُ جَنَّتَهُ؟ فَمَنْ يَكُونُ أَفْضَلَ مِنْهُ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.» فَقَالَ: شَيْثٌ؟ فَقَالَ: «أَفْضَلُ مِنْ شَيْثٍ.» فَقَالَ: إِدْرِيسُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ إِدْرِيسَ وَنُوحَ.» فَقَالَ: هُودٌ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ هُودٍ وَصَالِحَ وَلُوطَ.» فَقَالَ: مُوسَى وَهَارُونَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ مُوسَى وَهَارُونَ.» قَالَ: فِإِبْرَاهِيمَ اذْنِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ.» قَالَ: فَيَعْقُوبَ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ يَعْقُوبَ وَيُوسُفَ.» قَالَ: فِدَاؤُدَ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ.» قَالَ: فَأَيُّوْبَ اذْنِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ أَيُّوْبَ وَيُونُسَ.» قَالَ: زَكَرِيَّا اذْنِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ زَكَرِيَّا وَيَحْيَى.» قَالَ: فَالْيَسَعَ اذْنِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنَ الْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ.» قَالَ: فَعِيسَى اذْنِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ مِنْ عِيسَى.»

قال أبو عقال: ما علمت من هو، يا رسول الله! ملكٌ مقربٌ؟ فقال النبيُّ :

«مُكَلِّمُكَ، يَا أَبَاعِقَالٍ [يَعْنِي نَفْسَهُ].»

فَقَالَ أَبُو عِقَالٍ: سَوَّرْتَنِي وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَزِيدُكَ يَا أَبَاعِقَالٍ؟» قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اعْلَمْ يَا أَبَاعِقَالٍ، أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ ثَلَاثُمَاءُ وَثَلَاثَةٌ عَشْرَ نَبِيَّاتٍ، أَوْ جَعَلُوا فِي كَفِّهِ وَصَاحِبِكَ فِي كَفِّهِ لِرَجْعِ عَلَيْهِمْ.»

فَقُلْتُ: مَلَاتَنِي سُورُورًا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَكَ؟ فَذَكَرَ لَهُ نَفَرًا مِنْ قُرَيْشٍ، ثُمَّ قَالَ: «ابْنُ أَبِي طَالِبٍ.»

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيُّهُمْ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.» فَقُلْتُ: لِمَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «خَلَقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ - إِلَى أَنْ قَالَ: - يَا أَبَاعِقَالٍ! فَضَّلْتُ عَلِيًّا عَلَى سَائِرِ النَّاسِ كَفَضَّلْتُ جِبْرِيئِيلَ عَلَى سَائِرِ الْمَلَائِكَةِ.»

ثُمَّ قَالَ الْكُنْجِيُّ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ عَالٍ. (١)

برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر مردم، مانند برتری جبرئیل بر فرشتگان

از ابی عقال روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «ای رسول خدا! سرور مسلمانان کیست؟» فرمود: «به نظر تو کیست؟» گفت: «آدم.» حضرت فرمود: «در این جا کسی هست که از آدم برتر است.» گفت: «ای رسول خدا! مگر نه این است که آدم را خداوند با دست خود آفرید و از روح خود در او دمید و کنیز خود حوا را به همسری او درآورد و او را در بهشت جای داد؟ پس چه کسی می تواند از او برتر باشد؟» حضرت فرمود: «کسی هست که خداوند او را [بر همه عالمیان] برتری داده است.» گفت: «شیث است؟» فرمود: «برتر از شیث است.» گفت: «ادریس است؟» حضرت فرمود: «از ادریس و نوح برتر است.» گفت: «هود است؟» حضرت فرمود: «از هود و صالح و لوط برتر است.» گفت: «هارون و موسی هستند؟» حضرت فرمود: «از هارون و موسی برتر است.» گفت: «ابراهیم است؟» فرمود: «از ابراهیم و

ص: ۳۰۱

۱- . الإمام علیّ ابی طالب علیه السلام (رحمانی همدانی)، ص ۳۲۹، ح ۱۰، به نقل از: کفایه الطالب، ص ۳۱۶.

اسماعیل و اسحاق برتر است.» گفت: «پس یعقوب است؟» فرمود: «از یعقوب و یوسف برتر است.» گفت: «پس داود است؟» فرمود: «از داود و سلیمان برتر است.» گفت: «ایوب است؟» فرمود: «از ایوب و یونس برتر است.» گفت: «زکریا است؟» فرمود: «از زکریا و یحیی برتر است.» گفت: «یسع است؟» فرمود: «از یسع و ذی الکفل برتر است.» گفت: «پس عیسی است؟» حضرت فرمود: «از عیسی برتر است.»

ابوعقال گفت: «ای رسول خدا! من نمی دانم او کیست؟ آیا ملک مقربى است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «همین کسی است که اکنون با تو سخن می گوید - یعنی خود پیامبر اکرم -.»

ابوعقال گفت: «ای رسول خدا! به خدا سوگند مرا شاد نمودی.» حضرت فرمود: «آیا بیشتر بگویم؟» گفت: «آری.» حضرت فرمود: «بدان که پیامبران و رسولان الهی سیصد و سیزده نفرند، اگر همه آنها را در یک کفه ترازو قرار دهند و صاحب تو را در کفه دیگر، کفه صاحب تو بر آنان برتری دارد.»

ابوعقال گفت: «سرور و شادی مرا زیاد کردی ای رسول خدا، اما برترین مردم پس از شما کیست؟» حضرت چند نفر از قریش را نام برد، سپس فرمود: «فرزند ابی طالب.»

گفتم: «ای رسول خدا! کدامین آنها نزد تو محبوب ترند؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام.» گفتم: «به چه دلیل؟» فرمود: «من و علی از یک نور خلق شدیم»، تا آن جا که فرمود: «ای ابوعقال! برتری علی (علیه السلام) بر سایر مردم، مثل برتری جبرئیل بر سایر فرشتگان است.»

گنجی شافعی (۱) می گوید: «این حدیثی حسن و با سند عالی است.»

ص: ۳۰۲

۱- . حافظ ابو عبدالله، محمد بن یوسف گنجی شافعی، در سال ۶۵۸ از دنیا رفت. از مهم ترین آثار وی: البیان فی أخبار صاحب الزمان علیه السلام، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیها السلام می باشد.

استمداد حضرت سلیمان علیه السلام از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۶ م) هنگامی که عده ای از سربازان انگلیسی در چند کیلومتری بیت المقدس مشغول سنگرگیری و حمله بودند، در دهکده کوچکی به نام «اونتره» یک لوح نقره ای پیدا کردند که حاشیه اش به جواهرات گرانبها مرصع، و در وسطش خطوطی به حروف طلائی نگارش یافته بود.

هنگامی که آن را نزد فرمانده خود «میجرای این گریندل» بردند، هر چه کوشید نتوانست از آن چیزی بفهمد، ولی دریافت که این نوشته به زبان اجنبی بسیار قدیمی است.

بالاخره این لوح، به وسیله وی دست به دست گردید تا به دست فرماندهان ارتش انگلیس «لیفتونانت» و «گلدستون» رسید، و ایشان هم آن را به دست باستان شناسان انگلستان سپردند.

پس از پایان جنگ (۱۹۱۸ م) درباره لوح مذکور به تحقیق و بررسی پرداختند و کمیته ای تشکیل دادند که اساتید شناخت زبان های باستانی انگلستان، آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی در آن عضو بودند.

پس از چند ماه بررسی و تحقیق، در سوم ژانویه ۱۹۲۰ م، معلوم شد که این لوح مقدسی است به نام «لوح سلیمانی»، و سخنانی از حضرت سلیمان علیه السلام در بردارد که به الفاظ عبرانی قدیم نگارش یافته است.

ما اکنون خود الفاظ لوح را با ترجمه اش در این جا می آوریم.

ترجمه لوح سلیمانی :

الله

احمد ایلی (علی)

باهتول (بتول)

حاسن (حسن) حاسین (حسین)

یاہ احمد! مقدا = ای احمد! به فریادم رس.

یاہ ایلی! انصطاه = یا علی! مرا مدد فرمای.

یاہ باهتول! اکاشی = ای بتول! نظر مرحمت فرمای.

یاہ حاسن! اضو مظع = ای حسن! کرم فرمای.

یاہ حاسین! بارفو = یا حسین! خوشی بخش.

امو سلیمان صوه عئخب زالهلاد اقتا = این سلیمان اکنون به این پنج بزرگوار استغاثه می کند.

بذت الله کم ایلی = و «علی» قدرت الله است.

اعضای کمیته چون بر مضمون نوشته لوح مقدس اطلاع یافتند، هر یک با دیده تعجب به دیگری نگریستند و انگشت حیرت به دندان گزیدند و پس از تبادل نظر، قرار بر این شد که لوح در موزه سلطنتی بریتانیا گذاشته شود.

اما چون این خبر به اسقف اعظم انگلستان (pohsiB droL) رسید،

ص: ۳۰۴

فرمان محرمانه ای به کمیته نوشت که خلاصه اش این است :

«اگر این لوح در موزه گذاشته شود و در دیدگاه مردم قرار گیرد، اساس مسیحیت متزلزل خواهد شد، و سرانجام خود مسیحیان، جنازه مسیحیت را بر دوش بلند نموده، در قبر فراموشی دفن خواهند کرد، لذا بهتر آن است که لوح مذکور، در رازخانه کلیسای انگلستان گذارده شود و جز اسقف و اهل سرّ، کسی آن را نبیند.»

برای کسب اطلاع بیشتر در این باره، مراجعه شود به: کتاب *lufrednoW malsI fo seirots*، صفحه ۲۴۹، چاپ لندن.

کسانی که این لوح را دیدند و بینشی داشتند، گرایشی عجیب به اسلام پیدا کردند و همان وقت بین دو نفر از دانشمندان به نام «ولیم» و «تامس» پیرامون لوح گفت و گوهایی شد که به اسلام آوردن هر دو انجامید. سپس ولیم، نام خود را به «کرم حسین»، و تامس، به «فضل حسین» تغییر دادند.

برای اطلاع بیشتر در این زمینه، مراجعه شود به: مجله الاسلام، دهلی، فوریه ۱۹۲۷ م، و مسلم کرانیکل، لندن، ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶ م. (۱)

حکایت چهاردهم

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) و کشتی حضرت نوح علیه السلام

در ژوئیه ۱۹۵۱ میلادی، گروهی از دانشمندان معدن شناس روسی، برای اکتشاف معدن، مشغول زمین کاوی بودند که ناگهان به تخته چوب هایی پوسیده برخوردند و پس از کاوش بیشتر معلوم شد که در آن جا چوب های بسیاری در زیر زمین وجود دارد که گذشت زمان، آنها را کهنه و پوسیده ساخته است. آنان دریافتند که باید این چوب ها غیر عادی و مشتمل بر راز نهفته ای باشد.

ص: ۳۰۵

۱- رساله علی و پیامبران، ص ۲۱.

این بود که با دقت کامل، زمین را شکافتند، و در نتیجه، تخته چوب های پوسیده و چیزهای دیگری از آن جا درآوردند و در آن میان تخته چوب مستطیلی یافتند که همه را به حیرت انداخت؛ زیرا در اثر گذشت زمان، کهنگی و پوسیدگی به تمام چوب ها راه یافته بود، جز این تخته که چهارده اینچ طول، و ده اینچ عرض داشت و حروفی چند بر آن منقش بود.

دولت روس، برای تحقیق و بررسی درباره این تخته چوب، در ۲۷ فوریه ۱۹۵۳ میلادی، کمیته ای تشکیل داد که اعضای آن، باستان شناسان و استادان شناخت زبان های عتیق بودند و ما اکنون نام و عنوان آنها را در این جا می آوریم :

۱- سولی نوف، استاد دانشگاه مسکو (بخش زبان ها).

۲- ایفاهان خینوا، استاد شناخت زبان های باستانی در دانشکده رچاینا.

۳- میثانن لوفارتگ، رییس اداره باستان شناسی.

۴- تانمول گورت، استاد زبان ها در دانشکده کیفزو.

۵- دی راکن، عتیقه شناس و استاد دانشگاه لنین.

۶- ایم احمد کولاد، ناظم اداره تحقیق زتکومن.

۷- میجر کولتوف، ناظر دفتر تحقیقات دانشکده استالین.

بالاخره پس از هشت ماه تحقیق و کاوش، اسرار آن تخته چوب برای کمیته کشف گردید و معلوم شد که این تخته چوب از کشتی حضرت نوح علیه السلام است که برای تیمن و مددخواهی چیزهایی بر آن نوشته و بر کشتی نصب شده است.

در وسط تخته، یک تصویر پنجه نمایی وجود داشت که عبارتی چند به زبان سامانی بر آن نگاشته بود و اکنون آن تخته را در دیدگاه خوانندگان محترم قرار می دهیم تا تصویر و نوشته ها را چنان که در زمان حضرت نوح علیه السلام بود، مشاهده کنند :

از راست به چپ خوانده می شود :

□

کمیته تحقیق، پس از هشت ماه فکر و دقت و زحمت، نوشته مذکور را خواندند و به حروف روسی درآوردند، بدین صورت :

□

ص: ۳۰۷

سپس استاد زبان باستان شناس بریتانیا RM .F .N .skaM، الفاظ مذکور را به انگلیسی چنین ترجمه کرد :

htiw dnA ycreM htiw dnaH yM peek .repleH yM dog yM .O :seidobyloh ruoy

ametaF .ribbabs .rabbabs .ailA .damahoM.

selbar uonoH dnA stseggiB erA lIA yehT.

mehT roF dehsilbatsE dlrow ehT.

semaN rieht yB eM pleH.

thgiR ot mrfeR nac uoy.

ای خدای من! ای مددکار من!

به لطف و مرحمت خود و به طفیل ذوات مقدّس :

محمّد، ایلیا، شبر، شبیر و فاطمه [علیهم السلام]، دست مرا بگیر.

این پنج نور مقدّس از همه باعظمت تر و واجب الاحترام هستند و تمام دنیا برای آنان برپا شده است.

پروردگارا! به واسطه نامشان، مرا مدد فرمای.

تو می توانی همه را به راه راست هدایت نمایی. (۱)

ص: ۳۰۸

فصل یازدهم

اشاره

ص: ۳۰۹

(یا زکریا! اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ یَحیی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا) (۱)

«از زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش "یحیی" است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم.»

آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار علیهم السلام

انتخاب نام خوب برای فرزندان، یکی از حقوق دینی آنان است که بر عهده والدین می باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا علی! حقُّ الولد علی والده أن یحسُنَ اسمَهُ و أدبَهُ و یضعَهُ موضِعاً حسناً.»

«ای علی! از حقوقی که فرزند بر پدر دارد این است که نام خوبی برای او انتخاب کند و او را نیکو تربیت کند و به کارهای

خوب بگمارد.» (۲)

و امام رضا علیه السلام می فرماید: «اولین نیکی پدر به فرزند خود این است که او را به نام نیک نام گذاری کند؛ پس باید

اسم خوبی را برای فرزند خود انتخاب کنید.» (۳)

برای نام های نیک، به ویژه نام های نورانی ائمه اطهار علیهم السلام آثار فراوانی

ص: ۳۱۱

۱- .سوره مریم، آیه ۷.

۲- .من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۱.

۳- .تهذیب، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۱۴۷۵.

ذکر شده است که به چند نمونه آنها اشاره می‌کنیم :

امام رضا علیه السلام فرمود :

«هر خانه ای که در آن شخصی به نام "محمد" باشد، اهل آن خانه، صبح و شام در خیر و خوشی هستند.»^(۱)

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید :

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَلَا لِيُقَمَّ كُلُّ مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ فَلْيَدْخُلِ الْجَنَّةَ لِكِرَامَةِ سَمِيهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.»^(۲)

«هنگامی که قیامت برپا می‌شود، منادی ندا می‌دهد: آگاه باشید! هر کس که نامش "محمد" است، قیام کند و به احترام و بزرگی همانم بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله وارد بهشت شود.»

امام رضا علیه السلام می‌فرماید :

«در منزلی که نام "محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله" و از زنان "فاطمه" باشد، هیچ گاه فقر راه نخواهد یافت.»^(۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید :

«همیشه برکات خداوند بر اهل خانه ای که یک نام از نام های پیامبران الهی در آن باشد، نازل خواهد گشت.»^(۴)

در روایت است که: «در روز قیامت افرادی را می‌آورند که اسم های آنها "محمد" است. خداوند متعال به آنها می‌فرماید: شما که نامتان "محمد" بود، حیا نکردید و از گناه دست برداشتید، اما من از این که همانم حبیبم هستید، شرم دارم شما را عذاب کنم.»^(۵)

ص: ۳۱۲

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۳۱، ح ۲۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۵، ح ۲۷۳۹۳، باب ۲۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱، ح ۲۵.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۹، ح ۱۷۷۵۱.

۵- همان، ج ۱۵، ص ۱۳۰، ح ۱۷۷۵۷.

شخصی خدمت امام جعفر صادق علیه السلام عرضه داشت: مدّتی از ازدواجم می گذرد، ولی بیچه دار نمی شویم. امام علیه السلام به او فرمود: «پس از آمیزش این دعا را بخوان: "اللَّهُمَّ إِنَّ رِزْقَتِي وَلِدَا سَمِيَّتِهِ مُحَمَّدًا [؛ خدایا! اگر فرزندی به من عطا فرمودی، او را مُحَمَّد می نامم]"، خداوند به تو فرزندی عنایت خواهد کرد.» آن شخص، دستور امام را انجام داد، خداوند نیز به او پسری روزی فرمود. (۱)

آثار و برکات نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«هنگامی که وارد بهشت شدم، مشاهده کردم که بر درب آن با طلا نوشته شده بود: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمُّ اللَّهِ وَالْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى مُحَبِّبِهِمْ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.» (۲)

«خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله حبیب خدا، علی بن ابی طالب علیه السلام ولی خدا، و فاطمه ۳ کنیز خدا و حسن و حسین علیهما السلام برگزیدگان خدا هستند و رحمت خدا بر دوستانشان و لعنت او بر دشمنانشان باد.»

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خورشید دو طرف دارد که یکی از آنها برای آسمانی ها نورافشانی می کند و طرف دیگرش اهل زمین را روشن می کند و بر هر دو روی آن چیزی نوشته شده است.»

ص: ۳۱۳

۱- وسائل الشّیعه، ج ۲۱، ص ۳۷۷، ح ۲۷۳۴۸، باب ۱۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳، ح ۶؛ مأه منقبه، المنقبه الرابع و الخمسون؛ احقاق الحق، ج ۲۲، ص ۲۶۲.

سپس حضرت فرمود: «آیا می دانید بر آنها چه نوشته شده است؟» عرض کردیم: «خدا و رسول او بهتر می دانند.» حضرت فرمود: «بر آن طرفی که به سوی اهل آسمان است نوشته شده است: "اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ"، و بر طرفی که برای اهل زمین نورافشانی می کند، نوشته شده است: "عَلِيُّ نُورُ الْأَرْضِينَ"»^(۱)

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«روزی جبرئیل امین نزد من آمد و بال هایش را باز کرده در حالی که روی یکی از بال هایش "لا إله إلا الله مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ"، و بر بال دیگرش "لا إله إلا الله عَلِيُّ الْوَصِيِّ" نوشته شده بود.»^(۲)

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آسمان ها

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«شبی که مرا به آسمان ها بالا بردند، هیچ دری و پرده ای و درختی و برگی و میوه ای ندیدم، مگر این که بر روی آن نوشته شده بود: "علی علی"، و همانا نام علی (علیه السلام) بر هر چیزی [در آسمان ها] نوشته شده بود.»^(۳)

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی

روزی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در راهی می گذشت، یک نفر یهودی از اهل خیبر با حضرت همراه شد. در بین راه به درّه ای که در آن آب زیادی جمع

ص: ۳۱۴

-
- ۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹، ح ۲۱؛ مأه منقبه، ص ۷۷، المنقبه الخامسة و الأربعون؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۶۳۱.
 - ۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹، ح ۱۹؛ غایه المرام، ج ۲، ص ۱۴۹؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کشفالیقین، ص ۱۰.
 - ۳- مشارق الأنوار، ص ۲۳۶.

شده بود رسیدند. یهودی فوراً پارچه ای را که نخ‌ی یا پشمی بود به خود پیچید و روی آب به راه افتاد، مقصدی که رفت، علی(علیه السلام) را صدا زد و گفت: «اگر آنچه را من می‌دانم، تو می‌دانستی، از آب عبور می‌کردی همان‌طور که من عبور کردم.» امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: «قدری توقّف کن.» سپس اشاره ای فرمود، فوراً آب منجمد شد، و روی آن به راه افتاد. یهودی که چنین دید، خود را بر روی قدم‌های علی(علیه السلام) انداخت و عرض کرد: «ای جوان مرد! چه چیزی گفتی که آب را به سنگ تبدیل کردی؟»

حضرت فرمود: «تو چه چیزی گفتی که بر روی آب عبور کردی؟» عرض کرد: «من خدا را به اسم اعظم او خواندم.» حضرت فرمود: «اسم اعظم خدا چیست؟» عرض کرد: «اسم جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله.» حضرت فرمود: «من همان جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستم.» یهودی به مقام آن حضرت اعتراف کرد و اسلام آورد. (۱)

ص: ۳۱۵

اشاره

اسم های بسیاری در قرآن از زبان معصومین علیهم السلام برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ذکر شده و در این زمینه، کتاب های متعددی نگارش یافته است که از جمله آنها می توان به کتاب ارزشمند لوامع النورانیة، نوشته علامه بحرانی اشاره کرد که به یک هزار و صد و پنجاه و چهار اسم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن اشاره نموده است. همچنین علامه دیلمی در کتاب غرر الأخبار (۱) به یکصد اسم حضرت در قرآن کریم، اشاره نموده است، که در این مختصر، مجال بیان آنها نیست، ولی از باب «ما لا یدرک کُلُّه لا یترک کُلُّه»، به مختصری از آنها اشاره می کنیم.

۱- منفق

المُنْفِق: لقوله تعالى: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (۲)؛ «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند.»

ص: ۳۱۶

-
- ۱- . ابو محمد، حسن بن ابی الحسن دیلمی، از علمای قرن هشتم هجری است. بنابر نقل سید محسنامین در اعیان الشیعه، وفات او در سال ۸۴۱ هجری بوده است و از جمله تألیفات او می توان به: ارشاد القلوب، غرر الأخبار، و اعلام الدین اشاره کرد.
 - ۲- . سوره بقره، آیه ۲۷۴.

ابن عباس در تفسیر این آیه می گوید: علی (علیه السلام) چهار درهم داشت، درهمی از آن را روز، درهم دیگری را شب، درهم سومی را پنهانی و چهارمین درهم را به صورت آشکار در راه خدا انفاق نمود. آن گاه این آیه در شأن او نازل شد.

۲- حسنه

الحسنه: لقوله تعالى: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مَنْ فَزِعَ يَوْمَئِذٍ آمُونًا) (۱)؛ «کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن

خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز (قیامت) در امان خواهند بود.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«منظور از "حسنة"، ولایت علی (علیه السلام) است.»

۳- صالح المؤمنین

صالح المؤمنین: فی قوله تعالى: (وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرَائِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) (۲)؛ «و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید

[کاری از پیش نخواهید برد]؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.»

ابن عباس می گوید: منظور از «صالح المؤمنین»، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۴- جنب الله

جنب الله: فی قوله تعالى: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْبُوتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (۳)؛ «این که روز رستاخیز کسی بگوید: "افسوس بر من"، به خاطر

کوتاهی کردن در مورد جنب خدا.»

ص: ۳۱۷

۱- .سوره نمل، آیه ۸۹.

۲- .سوره تحریم، آیه ۴.

۳- .سوره زمر، آیه ۵۶.

حضرت امام ابی الحسن علیه السلام فرمود :

«منظور از "جنب الله"، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۵- شاهد

الشَّاهد: فی قوله تعالی: (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) (۱)؛ «آیا کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن

شاهدی از سوی او می باشد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من دلیل و برهان از سوی پروردگار هستم و علی (علیه السلام) شاهد و گواه از سوی من است.»

۶- مؤمن

المؤمن: فی قوله تعالی: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَشْتَوُونَ) (۲)؛ «آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که فاسق است؟ نه، هرگز این دو با هم برابر نیستند.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود :

«مراد از "مؤمن"، در آیه شریفه، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

۷- علی

العلی: فی قوله تعالی: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ) (۳)؛ «و او در امّ الکتاب [لوح محفوظ] نزد ما بلندمرتبه و استوار است.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«منظور از "علی حکیم"، امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

است.»

ص: ۳۱۸

۲- . سورة سجده، آيه ۱۸.

۳- . سورة زخرف، آيه ۴.

۸- نور

النُّور: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)^(۱)؛ «دلیل روشنی از جانب پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری

به سوی شما نازل کردیم.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «برهان و دلیل»، رسول خدا، و منظور از «نور مبین»، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

۹- عروه الوثقی

العُرْوَةُ الْوُثْقَى: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى)^(۲)؛ «در

واقع، به دستگیره محکم الهی چنگ زده.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «منظور از "عروه الوثقی"، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و امامان از فرزندان آن حضرت است.»

۱۰- احسان

الإِحْسَان: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى)^(۳)؛ «خدا به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«منظور از "عدل"، شهادت به یگانگی خداوند متعال و این که حضرت محمد فرستاده اوست، و منظور از "احسان"، ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و پذیرش اطاعت آن دو بزرگوار است.»

۱۱- رحمت

الرَّحْمَةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ)^(۴)؛ «هر کس را

ص: ۳۱۹

۱- .سوره نساء، آیه ۱۷۴.

۲- .سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۳- .سوره نحل، آیه ۹۰.

بخواهد [و شایسته بدانند] در رحمت [وسیع] خود وارد می کند.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، همان رحمت خدا بر بندگان است؛ هر که ولایت او را بپذیرد، نجات یابد و از مقربان گردد و کسی که ولایت او را نپذیرد، از هلاک شوندگان خواهد شد.»

۱۲- کلمه ناته

الكلمة التامة: في قوله تعالى: (و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا) (۱)؛ «و

کلمه پروردگار تو با صدق و عدل به حدّ تمام رسید.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«همانا امام در شکم مادر می شنود، وقتی از مادر متولد می شود، بر بازوی راستش نوشته شده: "و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا"»

۱۳- حق الیقین

الحقُّ اليقین: في قوله تعالى: (وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيَقِينِ) (۲)؛ «و آن یقین خالص

است.»

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید :

«مقصود از "حقّ الیقین" ، همان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ کسی که آن را تکذیب کند، در حسرت خواهد بود و در واقع "حقّ الیقین" را تکذیب نموده که ولایت آن حضرت واجب است.»

۱۴- انسان

الإنسان: في قوله تعالى: (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ) (۳)؛

ص: ۳۲۰

۱- .سوره انعام، آیه ۱۱۵.

۲- .سوره حاقّه، آیه ۵۱.

۳- .سوره رحمن، آیات ۱ - ۳.

«خدای رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید.»

امام رضا علیه السلام فرمود: «منظور از "انسان"، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است که خداوند متعال همه آنچه مردم به آن احتیاج دارند را به حضرتش آموخت.»

۱۵- سلم

السَّلْمُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً) (۱)؛

«ای کسانی که ایمان آوردید! همگی در صلح و آشتی درآید!»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«منظور از "سلم"، ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ولایت امامان از فرزندان آن حضرت است، پس همگی به ولایت آنان روی آورید و آن را انکار نکنید.»

۱۶- یمین

الْيَمِينُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ) (۲)؛ «و اما اگر

از اصحاب یمین باشد.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «منظور از "یمین"، امیرمؤمنان علیه السلام و "اصحاب یمین"، همان شیعیان آن حضرت هستند.»

۱۷- ایمان

الْإِيمَانُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ) (۳)؛ «و

کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«منظور از "ایمان"، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

ص: ۳۲۱

۲- .سوره واقعہ، آیه ۹۰.

۳- .سوره مائدہ، آیه ۵.

کلمه التَّقْوَى: فی قوله تعالى: (وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا) (۱)؛ «و آنان را به حقیقت تقوا ملزم نمود و آنان از هر کس شایسته تر و

اهل آن بودند.»

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

«[منظور از "کلمه التقوی" همان ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۱۹- حق

الحق: فی قوله تعالى: (قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْدِفُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْغُيُوبِ) (۲)؛

«بگو: پروردگار من حق را [بر دل پیامبران خود] می افکند، که او دانای غیب ها [و اسرار نهان] است.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «[منظور از "حق" در آیه شریفه] امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و پیشوایان از فرزندان آن حضرت هستند.»

۲۰- امام

الإمام: فی قوله تعالى: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ) (۳)؛ «[به یاد

آورید] روزی که ما همه گروه ها را با پیشوایانشان دعوت می کنیم.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان او نازل شده است.»

۲۱- امانت

الأمانة: فی قوله تعالى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا) (۴)؛

«خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش برسانید.»

ص: ۳۲۲

۲- .سوره سبأ، آیه ۴۸.

۳- .سوره اسراء، آیه ۷۱.

۴- .سوره فتح، آیه ۲۶.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«سوگند به خدا، "امانت"، همان ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۲۲- هدی

الهُدَى: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَأَنَا لِمَا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ) (۱)؛ «و این که ما

هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم.»

۲۳- تجاره

التَّجَارَةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ) (۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به

تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟»

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

«منم آن تجارت بزرگ سودآوری که به وسیله آن از عذاب دردناک خدای متعال رهایی می یابید؛ تجارتی که خداوند در قرآن به آن راهنمایی و اشاره فرموده است.»

ص: ۳۲۳

۱- .سوره جنّ، آیه ۱۳.

۲- .سوره صفّ، آیه ۱۰.

(حم) * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ (١).

«حم» * سوگند به کتاب مبین [و روشنگر] * که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، تا شما [آن را به خوبی] درک کنید * و آن در "امّ الکتاب" (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است.»

علی: فاعیل، بمعنی فاعل، از «علا یعلو» از مادّه «عُلو» است که به معنای رفعت و بلندی است. و العلیّ؛ یعنی: رفیع و والا.

العُلو: ضدّ واژه «سُفل» است. «عُلوّی» و «سُفلیّ» (بالایی و پایینی) صفتی منسوب به آنها است.

عُلوّ به معنای ارتفاع و برافراشتگی است؛ گاهی از علا یعلو عُلوّآ است که اسمش «عال» می باشد. و گاهی از علی یعلی علاء که اسمش «علیّ» است. علی بیشتر درباره اجسام و مکان ها است. (٢).

ص: ۳۲۴

۱- .سوره زخرف، آیه ۱ - ۴.

۲- . مفردات قرآن، ماده «علا»، ص ۵۸۲. العُلوّ: ضدّ السُفل و العُلوّی و السُفلیّ المنسوبُ إليهما و العُلوّ: الارتفاع و قد علا یعلو عُلوّآ و هو عالٍ و علی یعلی علاءً فهو علیّ فعلا بالفتح فی الامکنه و الأجساماً کثر.

در قرآن صفت «العلی» پنج بار با صفت «الکبیر» آمده و دوبار با صفت «العظیم» و یکبار با صفت «الحکیم» به کار رفته و صفت «المتعال» یکبار ذکر شده است.

علی بن ابراهیم می گوید: «منظور از کلام خداوند: (و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ)؛ "و او در امّ الكتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است" امیرمؤمنان علیه السلام است که در سوره حمد در آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) ذکر شده است.»

عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) قَالَ: «هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ مَعْرِفَتُهُ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ)، وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ فِي قَوْلِهِ: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ).» (۱)

امام جعفر صادق علیه السلام در مورد آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) فرمودند: «منظور، امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفت او است، و دلیل بر این که منظور این آیه، امیرالمؤمنین علیه السلام است، این آیه است: "و آن در امّ الكتاب نزد ما بلندپایه و استوار است" که امیرالمؤمنین در امّ الكتاب (سوره حمد)، یعنی همان (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، ذکر شده است.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ)، قَالَ: «هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۲)

شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه «و او در امّ الكتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است» سؤال کرد، حضرت فرمود: «منظور، امیرالمؤمنین علیه السلام است.»

ص: ۳۲۵

۱- . معانی الأخبار، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۴۵، ح

۹۵۶۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱، ح ۹۰.

۲- . تأویل الآيات، ص ۵۲۷.

(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) (۱).

«و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم، این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دست های خود فرستاده می بیند، و کافر می گوید: "ای کاش خاک بودم [و گرفتار عذاب نمی شدم]"».

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ عُبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ: «لَمْ كُنِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَا تُرَابٍ؟» قَالَ: «لَأَنَّهُ صَاحِبُ الْأَرْضِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِهَا بَعْدَهُ وَبِهِ بَقَاءُهَا وَإِلَيْهِ سَيُّكُونُهَا وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: "إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَأَى الْكَافِرَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِشِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الثَّوَابِ وَالزُّلْفَى وَالْكَرَامَةِ، قَالَ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا، أَيْ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا)» (۲).

عبایه بن ربیع می گوید: به عبدالله بن عباس گفتم: «به چه دلیلی رسول خدا صلی الله علیه و آله علی (علیه السلام) را ابوتراب نامید؟» گفت: «به خاطر این که علی (علیه السلام) صاحب زمین و حجّت خدا بر اهل آن، پس از رسول خداست، و بقای زمین و آرامش آن به اوست، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: "هنگامی که روز قیامت شود و شخص کافر، پاداش و نزدیکی و کرامتی را که خداوند متعال برای شیعیان علی (علیه السلام) آماده نموده، ببیند، گوید: ای کاش من تُرابی بودم؛ یعنی کاش از شیعیان علی (ابوتراب) بودم. و این است معنای این آیه: و کافر گوید: ای کاش من تُراب بودم."»

ص: ۳۲۶

۱- .سوره نبأ، آیه ۴۰.

۲- . بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۳، ح ۵۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۵۷۲، ح ۴؛ بشاره المصطفی، ص ۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۳۶؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۰؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۶۰.

و فی تفسیر القمّی: (و یقولُ الکافرُ یا لیتنی کُنْتُ تُراباً)، ائی علویّاً و ذلك أن رسول الله کُنّی أمير المؤمنين أبا ترابٍ» (۱)

در تفسیر قمی می گوید: «و کافر می گوید: "ای کاش خاک بودم"، یعنی: علوی بودم؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان را ابوتراب نامید.»

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قوله تعالى: (يَوْمَ يُنظَرُ الْمُؤْمِنُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا)، یعنی علویّاً یوالی أبا ترابٍ» (۲)

ابی بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت درباره آیه "روزی که آدمی آنچه را از قبل با دست های خود فرستاده می بیند و کافر می گوید: ای کاش خاک بودم" فرمود: «یعنی روزی که کافر می گوید: ای کاش علوی بودم و ابوتراب علیه السلام را دوست می داشتم.»

نام سوم: «جَنبُ اللَّهِ»

(أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَشْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ) (۳).

«مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی هایی که در "جَنبُ خدا" کردم و از مسخره کنندگان [آیات او] بودم.»

شیخ صدوق می فرماید: «جَنب» در زبان عربی به معنای «اطاعت» است، گفته می شود: "این در جنب خدا ناچیز است"؛ یعنی "در برابر اطاعت خداوند ناچیز است"، خداوند عزوجل که فرموده: «این که بگوید افسوس بر آنچه در جنب الله کوتاهی کردم»، یعنی در اطاعت خدا کوتاهی کردم.

عن عبد الله بن سليمان قال: قُلْتُ لابي عبد الله عليه السلام قول الله عزوجل: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَشْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قال عليه السلام: «علِيٌّ عليه السلام»

ص: ۳۲۷

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۷۱، ح ۱۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۶۲، ح ۱۰؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۶.

۳- سورة زمر، آیه ۵۶.

عبدالله بن سلیمان می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) پرسیدم، فرمود: «علی (علیه السلام) جنب الله است.»

عَنْ عَطَاءِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قَالَ: «قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا حَسْرَةٌ لِلنَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۲)

امام محمّد باقر علیه السلام در مورد گفتار خداوند متعال: «مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی های که در مورد جنب الله کردم» فرمودند:

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «من جنب خدا هستم، و من موجب حسرت در روز قیامت می باشم [هر که ولایت مرا قبول نکند در قیامت دچار حسرت می شود].»

عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدِ السَّائِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قَالَ: «جَنْبُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْآخِرِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ.» (۳)

علی سائی می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام درباره گفتار خداوند: «ای وای بر من که در مورد "جنب الله" کوتاهی کردم» فرمود:

«منظور از "جنب الله"، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و همچنین آنهایی است که بعد از او از اوصیای الهی هستند که در جایگاه بلندی قرار دارند تا آن که این وصایت منتهی شود به آخرین ایشان (حضرت مهدی علیه السلام)

ص: ۳۲۸

۱- . بصائر الدرجات، ص ۶۲، باب ۳.

۲- . تفسیر برهان، ج ۴، ص ۷۱۹، ح ۸؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۵۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۵۰، ح ۱۲۸.

۳- . بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۲، ح ۱۰؛ تأویل الآيات، ص ۵۰۹.

و خدا بهتر می داند که بعد از آخرین وصی، چه خواهد شد.»

الصَّادِقُ وَ الْبَاقِرُ وَ السَّجَّادُ : فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالُوا: «جُنِبَ اللَّهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱)

امام صادق و امام باقر و امام سجّاد : در تفسیر آیه فرمودند :

«منظور از "جنب الله"، علی (علیه السلام)

است و او در روز قیامت حجت خدا بر بندگانش خواهد بود.»

نام چهارم: «حَبْلُ اللَّهِ»

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا) (۲).

«همگی به ریسمان خدا، چنگک بزنید و پراکنده نشوید.»

حبل: کلمه ای است که برای وصل یا هر چیزی که وسیله اتصال به چیزی است، استعاره گرفته شده است. (۳)

عَنْ ابْنِ يَزِيدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا)، قَالَ :

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَبْلُ اللَّهِ الْأَمْتِينُ» (۴)

ابن یزید می گوید: از حضرت ابوالحسن علیه السلام درباره گفتار خداوند : «همگی به ریسمان خدا چنگک زنید» سؤال کردم، حضرت فرمود :

«ریسمان محکم خدا، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذْ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَمِعْتُكَ تَقُولُ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ)، فَمَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي نَعْتَصِمُ

ص: ۳۲۹

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۱، ح ۳.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳- مفردات قرآن، ص ۲۱۷.

۴- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۲۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷.

به؟ فُضِرَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدُهُ فِي يَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ :

«تَمَسَّكُوا بِهَذَا! فَهَذَا هُوَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ»^(۱)

از عبدالله بن عباس نقل شده که گوید: خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که یک نفر اعرابی وارد شد و عرضه داشت: «یا رسول الله! از شما شنیدیم که فرمودید: "همگی به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید"، منظور از حبل الله چیست که ما به آن توسل و تمسک بجوییم؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بر دست علی (علیه السلام) زد و فرمود :

«به این آقا تمسک جوید که او ریسمان محکم الهی است.»

عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

«أَلُّ مُحَمَّدٍ : هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرْنَا بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ، فَقَالَ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)»^(۲)

امام محمد باقر علیه السلام فرمود :

«حبل الله و ریسمان محکم خداوند که مردم به توسل به آن امر شده اند، آل محمد می باشند؛ همان گونه که خداوند متعال در قرآن فرموده: " و همگی به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید "»

قال عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام :

«أنا حبلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُ أَنْ يَعْتَصِمُوا بِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا)»^(۳)

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود :

«منم آن ریسمان استوار الهی که خداوند متعال، مخلوقات را به تمسک به آن فرمان داده، آن جا که فرموده است: "همگی به ریسمان خدا چنگ زنید"»

ص: ۳۳۰

۱- . تفسیر برهان، ج ۱، ص ۶۷۲، ح ۶؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۳۲؛ احقاق الحق، ج ۲۰، ص ۲۰۴.

۲- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۵، ح ۹، باب ۳۱.

۳- . الفضائل، ص ۸۳.

قال جعفر بن مُحَمَّد صلى الله عليه و آله في قوله تعالى: (واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) :

«نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ: (واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)»^(١)

امام جعفر صادق عليه السلام در تفسیر آیه (واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) می فرماید :

«ما همان ریسمان خدای متعال هستیم که در قرآن فرموده: "همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید."»

نام پنجم: «فَضْلُ اللَّهِ»

(قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)^(٢) .

«بگو که به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوید که این، از تمام آنچه گردآوری کرده اند، بهتر است!»

فَضْل : زیادت؛ راغب می گوید: «الفضل: الزيادة من الاقتصار.» در مصباح گفته شده: «فَضْلٌ فَضْلًا»، یعنی: «زیادت یافت». «خُذِ الْفَضْلَ»؛ یعنی: «زیادت را بگیر». در قاموس آن را ضِدِّ نَقْصٍ گفته است.

هر گاه در آیات قرآن دَقَّتْ شود، خواهیم دید که فَضْلٌ به دو معنی به کار رفته :

۱- برتری؛ ۲- عطیه و احسان و رحمت.

اگر در معنای اوّل (برتری) به کار رود ممکن است معنوی باشد، مثل : (فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ)^(٣)؛ «شما را بر ما برتری و فضیلتی نبود.» و

ص: ۳۳۱

۱- . العمدہ، ص ۲۸۸، ح ۴۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۴، باب ۳۱، ح ۳؛ فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۶۸؛ صواعق المحرقة، ص

۹۰؛ نور الأبصار، ص ۱۰۱.

۲- . سوره یونس، آیه ۵۸.

۳- . سوره اعراف، آیه ۳۹.

نیز مانند: (و لقد آتینا داوود منا فضلاً) (۱)؛ «و ما به داود از سوی خود

فضیلتی بزرگ بخشیدیم.»

و ممکن است مادی باشد، مثل: (والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق) (۲).

گاهی نیز در معنای دوم به کار رفته است، مثل: (و لکن الله ذو فضل علی العالمین) (۳)؛ «لیکن خدا صاحب احسان و رحمت است بر مردمان.»

راغب گوید: «هر عطیه ای را که بر معطی لازم نیست فضل گویند، یعنی احسان و رحمت و عطایی که خدا بر بندگان می کند بر خداوند لازم نیست، بلکه از روی لطف و کرم می کند لذا به آن فضل گوئیم که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند.» (۴)

قال ابن عباس: (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ)، فالفضل من الله النبي صلى الله عليه وآله و برحمته علی علیه السلام. (۵)

ابن عباس در مورد کلام خداوند: «بگو [ای مؤمنان] باید فقط به فضل و رحمت خدا شاد باشید، که بهتر از هر چیزی است که جمع آوری کرده اید.» گفته است: منظور از فضل الهی، خاتم پیامبران و منظور از رحمت الهی علی (علیه السلام) است.

قال أبو جعفر الباقر علیه السلام: «(فضل الله) رسول الله و (رحمته): علی بن أبي طالب صلوات الله عليه.» (۶)

ص: ۳۳۲

- ۱- .سوره سبأ، آیه ۱۰.
- ۲- .سوره نحل، آیه ۷۱.
- ۳- .سوره بقره، آیه ۲۵۱.
- ۴- .ر.ک: قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۸۲.
- ۵- .روضه الواعظین، ص ۱۰۶؛ کفایه الطالب، ص ۲۳۷؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۶، ح ۴۹۲۱؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۷۹، ح ۲۳۱.
- ۶- .مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۷۸؛ تأویل الآیات، ص ۲۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۶ ذیل ح ۱۰.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «منظور از "فضل الله"، رسول خدا صلی الله علیه و آله، و مقصود از "رحمت" علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: (لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ) قَالَ:

«"فَضْلُ اللَّهِ" رِسْوَلُهُ، وَ "رَحْمَتُهُ" وَ لِيَاةُ الْأَيْمَةِ:» (١)

زراره از حضرت صادق علیه السلام و حمران از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که آن دو بزرگوار در مورد این آیه «اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود» فرمودند: «"فضل الهی" رسول خدا صلی الله علیه و آله و "رحمت خدا"، ولایت ائمه معصومین است.»

قال الباقر عليه السلام:

«"فَضْلُ اللَّهِ" الْأَقْرَارُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ "رَحْمَتُهُ" الْأَقْرَارُ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (٢)

«امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«منظور از "فضل الله"، اقرار به نبوت و رسالت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، و "رحمته"، اقرار به ولایت علی (علیه السلام) است.»

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)، قَالَ:

«بِوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ: هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُ هَؤُلَاءِ مِنْ دُنْيَاهُمْ.» (٣)

محمد بن فضیل می گوید: از حضرت رضا علیه السلام در مورد آیه «بگو باید به فضل و رحمت خدا خوشحال باشید، که آن از هر چه جمع آوری نموده اید بهتر است» پرسیدم، فرمود:

«مؤمنان به ولایت محمد و آل محمد: خوشحال هستند که آن از هر چیزی که از دنیا جمع آوری نموده اند بهتر است.»

ص: ۳۳۳

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۶۳، ح ۴۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۴، ذیل ح ۵.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۶۱، ح ۴۱.

(وجعل كلمه الذين كفروا السفلى وكلمه الله هي العليا والله عزيز حكيم) (۱).

«و گفتار [و هدف] کافران را پایین قرار داد و سخن خدا بالا [و پیروز] است و خداوند عزیز و حکیم است.»

کلمه: در شرح جامی آمده است: علت این تسمیه آن است که کلمه و کلام در نفوس و اذهان اثر می کنند، مانند زخم ها در اجسام. پس سخنان و کلمات انسان را از آن جهت کلمه و کلام گویند که به واسطه دلالت بر معانی خود در اذهان اثر می گذارند.

کلمه در قرآن به چند معنی آمده است :

۱- لفظ و سخن: (يخلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمه الكفر) (۲) ،

(كبرت كلمه تخرج من أفواههم ان يقولون إلا كذبا) (۳) که مراد کلام کفرآمیز است.

۲- حضرت عیسی علیه السلام: (إنما المسيح عيسى ابن مريم رسول الله و كلمته ألقاها إلى مريم) (۴) ، (إن الله يُبشرك بكلمه منه اسمهُ المسيح عيسى ابن مريم) (۵) .

۳- وعده: (و ما كان الناس إلا أمة واحدة فاختلّفوا و لولا كلمه سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون) (۶) . مراد از «کلمه» در این جا چنان که گفته اند، وعده است. (۷)

معنای «کلمات الله» در قرآن

خداوند متعال می فرماید: (و لو أن ما فی الأرض من شجره أقلام)

ص: ۳۳۴

- ۱- .سوره توبه، آیه ۴۰.
- ۲- .همان، آیه ۷۴.
- ۳- .سوره كهف، آیه ۵.
- ۴- .سوره نساء، آیه ۱۷۱.
- ۵- .سوره آل عمران، آیه ۴۵.
- ۶- .سوره يونس، آیه ۱۹.
- ۷- .ر.ك: قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۴۰.

وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مَنْ بَعْدَهُ سَبْعُهُ أُبْحُرٌ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱).

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد و هفت دریا به آن افزوده شود، این ها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی پذیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است.»

سأل يحيى بن أکثم أبا الحسن العالم عليه السلام عن قوله: (سبعه أبحر ما نفذت كلمات الله) ما هي؟ فقال:

«هي عين الكبريت، و عين اليمن و عين البرهوت و عين الطبرية و حمه ماسيدان و حمه افريقية و عين باحوران و نحن الكلمات التي لا تدرك فضائلنا و لا تستقصى.» (۲)

يحيى بن اکثم از امام عالم عليه السلام در مورد قول خداوند متعال: «[اگر] هفت دریا [مرکب شود]، این ها هم تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی پذیرد» سؤال کرد که: دریاهاى هفت گانه چیست و کلمات خدا کدام است؟ حضرت فرمود:

«دریاهاى هفت گانه، چشمه کبريت، چشمه يمن، چشمه برهوت، چشمه طبريه، حمه ماسيدان، حمه افريقية، و چشمه باحوران است، و "کلمات خداوند متعال" ما هستيم که فضایل و علوم ما درک نخواهد شد و پایان نمی پذیرد.»

عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

«المخالف على علي بن أبي طالب عليه السلام بعدي كافر و المشرك به مشرك و المحب له مؤمن و المبعض له منافق و المفتني لاثره لاحق و المحارب له مارق و الزاد عليه زاهق علي نور الله في بلاده و حجته على عباده علي سيف الله على

ص: ۳۳۵

۱- .سوره لقمان، آیه ۲۷.

۲- .بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۴، ح ۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۰۱؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۴؛ تحف العقول، ج ۲، ص

أعدائه و وارث علم أنبيائه عليّ كلمه الله العُلّيا و كلمه أعدائه السُّفلى» (١)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«مخالف علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من کافر است، و مشرک به او مشرک است. دوست او مؤمن است و دشمن او منافق. و پیرو دستورات او به حقّ می رسد، و جنگ کننده با او از دین خدا بیرون است، و ردّ کننده بر او نابود است. علی نور خداست در بلاد او، و حجّت بر بندگانش. علی شمشیر خداست بر دشمنانش، و وارث علم پیامبران اوست. علی کلمه برتر خداست و کلمه دشمنانش پایین تر است.»

نام هفتم: «امام مبین»

(و کُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) (٢).

«و همه چیز را در "امام مبین" به شماره درآورده ایم.»

مبین: اسم فاعل از «ابان یُبین ابانه» است و مَبِين: اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید (باب تفعیل) «بَيْنُ يُبِينُ تَبِينًا» هر دو مشتق از ریشه «بین» و این ریشه بر دو معنای ضدّ هم (فراق، وصل) دلالت می کند. (٣)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (و كَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ)، قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هُوَ التَّوْرَةُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْأَنْجِيلُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْقُرْآنُ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَأَقْبَلُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْأَمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ. (٤)

ص: ٣٣٦

١- بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٠، ح ٣؛ أمالي صدوق، ص ١١، مجلس ٣، ح ٦.

٢- سوره يس، آيه ١٢.

٣- صحاح اللغه، ج ٥، ص ٢٠٨٢.

٤- بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٢٧، ح ٢؛ معانی الأخبار، ص ٩٥، ح ١؛ احقاق الحق، ج ١٤، ص ٤٧٢؛ تفسير برهان، ج ٤، ص

٥٦٩، ح ١٧.

امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش، از جد گرامیش امام حسین علیه السلام روایت نموده که فرمود :

«وقتی این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد: "همه چیز را در امام مبین به شماره درآورده ایم"، ابوبکر و عمر از جایگاه خود برخاستند و گفتند: "ای پیامبر خدا! آیا امام مبین که همه چیز در آن آورده شده، تورات است؟" رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "نه." گفتند: "پس انجیل است؟" فرمود: "نه." گفتند: "پس قرآن است؟" فرمود: "نه." در این هنگام، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "این همان امام مبین است که خداوند علم همه چیز را در او احصا فرموده است."»

عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَمَرَرْنَا بِوَادٍ مَمْلُوءٍ نَمْلًا فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! تَرَى يَكُونُ أَحَدٌ مَنِ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى يَعْلَمُ عَدَدَ هَذَا النَّمْلِ؟ قَالَ: «نَعَمْ يَا عَمَّارُ! أَنَا أَعْرِفُ رَجُلًا يَعْلَمُ عَدَدَهُ وَ كَمَ فِيهِ ذَكَرٌ وَ كَمَ فِيهِ أَنْثَى!» فَقُلْتُ: مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: «يَا عَمَّارُ! أَمَا قَرَأْتَ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ؟)» فَقُلْتُ: بَلَى يَا مَوْلَايَ! فَقَالَ: «أَنَا ذَلِكَ الْأَمَامُ الْمُبِينُ.» (١)

از عمار بن یاسر نقل شده که گوید: با امیرالمؤمنین علیه السلام همراه بودم تا به سرزمینی پُر از مورچه رسیدیم، من گفتم: «یا امیرالمؤمنین! آیا کسی عدد این مورچه ها را می داند؟» حضرت فرمود: «بلی، ای عمار! من مردی را می شناسم که عدد آنها را می داند، بلکه می داند چه تعداد آنها نر و چه مقدارشان ماده اند!»

عمار گوید: عرضه داشتیم: «آن مرد کیست؟» حضرت فرمود: «مگر در سوره "یس" نخوانده ای: "ما همه چیز را در امام مبین به شماره درآورده ایم؟" گفتیم: «بلی، ای مولای من!» حضرت فرمود: «آن امام مبین من هستم.»

عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْرَأُ: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

ص: ۳۳۷

۱- بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۷۶، ح ۵۸؛ الرّوضه فی الفضائل، ص ۲۶؛ احقاق الحق، ج ۲۰، ص ۲۲۰.

فی إمامٍ مُبیینٍ، قال: «فی أميرالمؤمنین علیه السلام» (۱).

صالح بن سهل می گوید: شنیدم حضرت اباعبدالله علیه السلام هنگامی که این آیه را قرائت می کرد: «و ما همه چیز را در امام مبین به شماره در آوردم» می فرمود: «این آیه در مورد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

نام هشتم: «وجهُ الله»

(و لله المشرقُ و المغربُ فأینما تولُّوا فثمَّ وجهُ الله إنَّ اللهَ واسعٌ عَلیمٌ) (۲).

«مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر طرف روی کنید، به وجه خدا روی آورده اید که خدا بی نیاز و داناست.»

وجه: در (لغت) به معنای عضوی از اعضای بدن (صورت) است و چون صورت اولین عضوی است که از انسان به چشم می خورد و با شرافت ترین عضوی است که ظاهر بدن انسان است، به همین مناسبت، قسمت خارجی هر چیز را هم که مشرف به بیننده است «وجه» آن چیز گویند، مثلاً گفته می شود: وجه فلان چیز، وجه النهار؛ یعنی ابتدای روز. (۳)

«وجه» چیزی است که انسان به آن رو می کند و وجه هر چیز با همان چیز متناسب است.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ: لَابِي عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَأَنْتُمْ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَنْتُمْ الزَّكَاةُ وَأَنْتُمْ الْحَجُّ؟ فَقَالَ:

«يا داؤد! نحنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللهِ وَنَحْنُ الزَّكَاةُ وَنَحْنُ الصَّيَامُ وَنَحْنُ الْحَجُّ وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللهِ وَنَحْنُ قَبْلَةُ اللهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللهِ، قَالَ اللهُ تَعَالَى: (فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثُمَّ وَجْهُ اللهِ)، وَنَحْنُ الْآيَاتُ وَنَحْنُ الْبَيِّنَاتُ» (۴)

ص: ۳۳۸

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۸، ح ۲۴.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۳- مفردات قرآن، ص ۸۵۵. أَضَلُّ الْوَجْهُ الْجَارِحُ وَ لَمَّا كَانَ الْوَجْهُ أَوَّلَ مَا يُسْتَقْبَلُكَ وَ أَشْرَفُ مَا فِيظَاهِرِ الْبَدَنِ اسْتَعْمَلَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ فِي أَشْرَفِهِ وَ مَبْدِئِهِ فَقِيلَ: وَجْهُ كَذَا وَ وَجْهُ النَّهَارِ.

۴- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

داود بن کثیر می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتیم: «آیا شما در قرآن نماز و زکات و حجّ هستید؟» حضرت فرمود:

«ای داود! ما در قرآن نماز، زکات، روزه، و حجّ و شهر حرام و کعبه و قبله و وجه خدا هستیم. خداوند متعال فرموده: "پس به هر طرف روی کنید به وجه خدا روی آورده اید"، ما آیات و بیّنات [الهی] هستیم»

عنّ أبي جعفرٍ عليه السلام: قال: «نَحْنُ الْمَثَانِي الَّتِي أَعْطَاهَا اللَّهُ بِنَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ نَتَقَلَّبُ فِي الْأَرْضِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ عَرَفْنَا مَنْ عَرَفْنَا وَجْهًا مَن جَهِلْنَا مَنْ جَهِلْنَا فَمَامَهُ الْيَقِينُ وَ مَنْ جَهِلْنَا فَمَامَهُ السَّعِيرُ» (۱)

امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند:

«ما "مثنای" هستیم که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا فرموده، و ما وجه الله هستیم که روی زمین بین شما رفت و آمد می کنیم. می شناسد ما را آن کس که شناخته و جاهل است هر که ما را نشناسد، و هر که ما را بشناسد، یقین به او روی می آورد و هر که به حقّ ما جاهل باشد، آتش پیش رویش قرار می گیرد.»

عن الرضا عليه السلام قال في قوله: (فأئینما تولّوا فثمّ وجهه الله)، قال: «علیّی علیه السلام» (۲)

امام رضا علیه السلام در تفسیر کلام خداوند: «به هر طرف روی کنید، به وجه خدا روی آورده اید» فرمود: «منظور از "وجه الله"، علی (علیه السلام) است.»

نام نهم: «لسان صدق»

(و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیاً) (۳).

«و از رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنان نام نیک و مقام برجسته ای [در میان همه امت ها] قرار دادیم.»

ص: ۳۳۹

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۴، ح ۱؛ توحید، ص ۱۵۰، ح ۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۸.

۳- سوره مریم، آیه ۵۰.

عن الزَّكِيِّ العَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«(و وهبنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا)، یعنی لایبراهیم و اسحاق و یعقوب «مَنْ رَحْمَتِنَا» رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، (و جعلنا لَهُمْ لِسَانَ صَدِّقٍ عَلِيًّا) یعنی أميرالمؤمنین علیه السلام.»^(۱)

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه: "و از رحمت خود به آنان عطا کردیم" فرمود: «یعنی ما به ابراهیم و اسحاق و یعقوب، از رحمت خود، رسول خدا صلی الله علیه و آله را عطا کردیم.» و در تفسیر آیه: "و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای [در میان همه امت ها] قرار دادیم" فرمود: «یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.»

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

«إِلَيْهِ عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ حَمَلَنِي جِبْرَائِيلُ عَلَى جَنَاحِهِ الْأَيْمَنِ فَقِيلَ لِي: مَنْ اسْتَخْلَفْتَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ؟ فَقُلْتُ: خَيْرَ أَهْلِهَا لَهَا أَهْلًا: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ حَبِيبِي وَ صَهْرِي يَعْنِي ابْنَ عَمِّي، فَقِيلَ لِي: يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ لِي: أَحَبُّهُ وَ مَرْؤَمَتُكَ بِحُبِّهِ فَإِنِّي أَنَا الْعَلِيُّ الْأَعْلَى اسْتَفَقْتُ لَهُ مِنْ أَسْمَائِي اسْمًا فَسَمَّيْتُهُ عَلِيًّا، فَهَبَطَ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِقْرَأْ قُلْتُ: وَ مَا أَقْرَأُ؟ قَالَ: (و وهبنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جعلنا لَهُمْ لِسَانَ صَدِّقٍ عَلِيًّا).»^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«شبی که به آسمان ها برده شدم و جبرئیل مرا بر روی بال راست خود قرار داده بود، از طرف خداوند به من خطاب شد: "چه کسی را جانشین خود در زمین قرار داده ای؟" گفتم: "بهترین اهل زمین، علی بن ابی طالب برادر، دوست، داماد و پسر عمومی خویش را."»

پس خطاب شد: "ای محمد! آیا او را دوست داری؟" گفتم: "آری، ای

ص: ۳۴۰

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۹۳، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱۷.

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۴۸۸.

پروردگار عالمیان!" فرمود: "او را دوست بدار و امت خود را نیز امر کن که او را دوست بدارند؛ زیرا من علی اعلی هستم و نام او را از نام خودم برگزفتم و او را علی نامیدم." سپس جبرئیل بر من هبوط کرد و گفت: "خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: بخوان!" گفتم: "چه بخوانم؟" گفت: "[این آیه را]: و از رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای [در میان همه امت ها] قرار دادیم."

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لَابِيَالْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ قَوْمًا طَالِبُونَ بَاسْمَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقُلْتُ لَهُمْ مَنْ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا)، فَقَالَ: «صَدَقْتَ هُوَ كَذَا» (١).

یونس بن عبدالرحمان خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: «بعضی از مردم می پرسند: نام علی (علیه السلام) در کجای قرآن آمده است؟ من در جواب می گویم: (و جعلنا لهم لسان صدق علیاً)، آیا این پاسخ، صحیح است؟» حضرت فرمود: «راست گفתי، مطلب همان طور است که تو می گویی.»

نام دهم: «باب حطه»

(و إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَتُرِيدُ الْمُحْسِنِينَ) (٢).

«[به یاد آورید] وقتی که گفتیم: وارد این قریه (بیت المقدس) شوید و از نعمت های فراوان آن، هر چه می خواهید بخورید و از آن سجده کنان وارد شوید و بگویید: [خدایا!] گناهان ما را فرو ریز؛ تا از خطای شما در گذریم.»

حط، پایین آوردن چیزی است از بلندی. (٣).

ص: ۳۴۱

۱- . تأویل الآیات، ص ۲۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۵۷، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱۷، ح ۶۸۹۳.

۲- . سوره بقره، آیه ۵۸.

۳- . مفردات قرآن، ص ۲۴۲. الحطُّ إنزالُ الشَّيْءِ من علو.

واژه «حطه» به معنای ریزش گناهان است و لازمه آن بخشودن و از بین رفتن است. این کلمه در دو آیه از قرآن آمده که هر دو درباره بنی اسرائیل است. یکی در سوره بقره، آیه ۵۸؛ و دیگری در سوره اعراف، آیه ۱۶۱. در هر دو آیه «حطه» مرفوع و خبر مبتدای محذوف است. «حطه» نکره است و باید مراد از آن فرود آمدن خاصی باشد.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«لُكِّلَ أُمَّهُ صَدِيقٌ وَ فَارُوقٌ وَ صَدِيقٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ فَارُوقُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنَّ عَلِيًّا سَفِينَةُ نَجَاتِهَا وَ بَابُ حَطِّهَا.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«در هر امتی صدیق و فاروقی بوده است و صدیق و فاروق این امت، علی بن ابی طالب است. علی (علیه السلام) کشتی نجات و باب آمرزش گناهان این امت است.»

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«إِنَّمَا مِثْلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مِثْلُ بَابِ حَطِّهِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«مثل اهل بیت من در میان شما، همچون باب حطه است در میان بنی اسرائیل؛ هر کس وارد آن شود، آمرزیده شود.»

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تَسْبِعُهُ مِنْ صَوْلَبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ أَلَا إِنَّ مِثْلَهُمْ فِيكُمْ مِثْلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ وَ مِثْلُ بَابِ حَطِّهِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.» (۳)

ص: ۳۴۲

۱- بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۱۲، ح ۴۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳، ح ۳۰؛ إثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۳۶، ح ۵۶۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۴۰، ح ۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۹۳، ح ۱۲۳؛ کفایه الأثر، ص ۳۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند، نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام است که نهمین آنها قائم علیه السلام است. آگاه باشید! مثل آنها در میان شما، همچون کشتی نوح علیه السلام است که هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس از آن تخلف ورزد نابود شود، و مثل آنها همچون باب حطه در میان بنی اسرائیل است.»

قال علی علیه السلام :

«نَحْنُ بَابُ حَطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ السَّلَامِ، مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى.» (۱)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«ما باب حطه هستیم و آن باب سلام (و امتیت) است؛ هر که وارد آن شود نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد هلاک شود.»

قال الباقر علیه السلام: «نَحْنُ بَابُ حَطَّتْكُمْ.» (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: «ما باب حطه [و وسیله آمرزش] شما هستیم.»

نام یازدهم: «صراط مستقیم»

(أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) (۳) .

«ما را به راه راست هدایت کن؛ راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی.»

«صراط»: برخی اصل این واژه را «سراط» (بلعیدن) دانسته اند، بنابر این، بزرگراه را از آن جهت صراط گفته اند که با فراخی و وضوحی که دارد، گویا سالک را در کام خود می کشد و او را پیش می برد یا از آن جهت که سالک با پیمودن خود، گویا آن را می بلعد. (۴)

ص: ۳۴۳

۱- بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶۱، ح ۱۱۳؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۲، ح ۴۶.

۳- سوره فاتحه، آیات ۶ - ۷.

۴- ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۹۱.

صاحب کتاب التّحقیق می گوید: «الصّراط، هو الطّریق الواضح الواسع»؛ صراط به معنای راه روشن و وسیع است. (۱)

عن أبی بصیر عن أبی عبدالله علیه السلام فی قوله: (اهدنا الصّراط المُستقیم)، قال: «هو الطّریق، و معرفه الإمام». (۲)

عن حمّاد عن أبی عبدالله علیه السلام فی قوله: (الصّراط المُستقیم)، قال :

«هو أمير المؤمنين و معرفته، و الدّلیل علی أنّه أمير المؤمنين قوله: (و إنّّه فی أمّ الكتاب لدینا لعلیّ حکیم)» (۳) و هو أمير المؤمنين علیه السلام فی أمّ الكتاب فی قوله عزّوجلّ (اهدنا الصّراط المُستقیم).» (۴)

حمّاد بن عیسی گوید: امام جعفر صادق علیه السلام در معنای آیه (الصّراط المُستقیم) فرمود :

«منظور، امیرالمؤمنین علیه السلام و شناخت او است، و دلیل بر این مطلب، قول خداوند است: "و او در امّ الكتاب [لوح محفوظ] نزد ما بلندمرتبه و استوار است"، و منظور آن امیرالمؤمنین است که در امّ الكتاب (یعنی سوره حمد) نام او ذکر شده است.»

عن داود بن فرقد عن أبی عبدالله علیه السلام قال :

«(اهدنا الصّراط المُستقیم)، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.» (۵)

داود بن فرقد گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«منظور از آیه "اهدنا الصّراط المستقیم"، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.»

عن المُفضّل بن عُمر قال: سألتُ أبا عبد الله علیه السلام عن الصّراط، فقال: «هو الطّریقُ إلی معرفه الله عزّوجلّ و هُما صراطان: صراطٌ فی الدُّنیا و صراطٌ فی

ص: ۳۴۴

۱- . التحقیق فی کلمات القرآن الحکیم، ج ۶، ص ۲۴۶.

۲- . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱، ح ۸۸.

۳- . سوره زخرف، آیه ۴.

۴- . بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ معانی الأخبار، ص ۳۲، ح ۳.

۵- . بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳، و ج ۸۹، ص ۲۴۰، ح ۴۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴، ح ۲۵.

الأخره، فأما الصِّراطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْأَمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ، مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهُدَاهُ، مَرَّ عَلَى الصِّراطِ الَّذِي هُوَ جَسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْأخره، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا، زَلَّتْ قَدْمُهُ عَلَى الصِّراطِ فِي الْأخره فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (١)

مفضل بن عمر گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» حضرت فرمود:

«راهی است برای شناختن خداوند؛ و صراط دو گونه است: ۱- صراط در دنیا؛ ۲- صراط در آخرت. اما صراط در دنیا، امام علیه السلام است که فرمانبرداری از او واجب است، هر که او را در دنیا شناخت و به گفتار و کردار او اقتدا نمود، در آخرت از صراط - که پلی است به روی جهنم - خواهد گذشت، و هر کس در دنیا، امام خود را نشناخت، هنگام عبور از پل صراط، قدم هایش می لغزد و در آتش جهنم می افتد.»

نام دوازدهم: «نبا عظیم»

(عم يتساءلون * عن النبا العظيم * الذي هم فيه مختلفون) (٢).

«آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟ از خبر بزرگ و پراهمیت! همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند.»

نبا: چیزی است که دارای فایده بزرگ و مفید علم یا ظن باشد، به هر خبری، نبا نمی گویند مگر این که این سه چیز (فایده بزرگ، علم، ظن) را در بر داشته باشد. خبری که آن را نبا گویند سزاوار است از کذب عاری باشد؛ مثل خبر متواتر و خبر خدا و رسول او. (٣)

ص: ۳۴۵

۱- معانی الأخبار، ص ۳۲، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۳.

۲- سوره نبا، آیه ۱ - ۳.

۳- مفردات قرآن، ص ۷۸۸. النبا: النبا خبر ذو فائده عظیمه یحصل به علم أو غلبه ظن و لا یقال للخبر فی الاصل نبا حتی یتضمن هذه الأشياء الثلاثة، و حق الخبر الذي یقال فيه نبا أن یتعریعن الكذب كالتواتر و خبر الله تعالى و خبر النبي صلی الله علیه و آله.»

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ)، قَالَ :

«قال أمير المؤمنين عليه السلام: " ما لله نبأ أعظم مني و ما لله آية أكبر مني و لقد عرض فضلي على الأمم الماضية على اختلاف ألسنتها فلم تقرّ بفضلي ".» (١)

امام رضا عليه السلام در مورد قول خداوند: «از چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ از آن خبر بزرگ که درباره آن با هم اختلاف دارند» فرمود :

«امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرمود: "هیچ خبری نزد خدا برتر از من و هیچ نشانه ای بزرگ تر از من نیست و هنگامی که ولایت من بر امت های گذشته عرضه شد، آنها به فضل من اقرار نکردند."»

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ)، قَالَ :

«هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ فِيهِ خِلَافٌ.» (٢)

ابان بن تغلب گفت: از امام محمد باقر علیه السلام درباره سخن خداوند: «از چه چیزی می پرسند؟ از آن خبر بزرگ که در آن اختلاف دارند» پرسیدم، حضرت فرمود :

«خبر بزرگ، علی بن ابی طالب علیه السلام است، چون درباره رسول خدا اختلافی نیست.»

روى الأصبغ بن نباته: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

«وَاللَّهِ أَنَا النَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ كَمَا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّمَا سَيَعْلَمُونَ حِينَ أَقْفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَقُولُ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ.» (٣)

اصبغ بن نباته می گوید: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «به خدا سوگند، من آن خبر بزرگی هستم که مردم در آن اختلاف می کنند، چنین نیست [که

ص: ۳۴۶

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱، ح ۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۹.

۲- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۰؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲، ح ۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۴، ح ۶؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۵.

منکران پنداشته اند]، به زودی خواهند دانست؛ و باز چنین نیست که آنها می پندارند، البتّه به زودی آگاه می شوند، هنگامی که من بین بهشت و جهنّم می ایستم و می گویم: این مال تو و این مال من.»

قال أمير المؤمنين عليه السلام: «ما لله آية هي أكبر منّي ولا لله من نبيّ أعظم منّي ولقد عرضت ولايتي على الأمم الماضية فأبث أن تقبلها.» (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«برای خداوند نشانه ای بزرگ تر و خبری عظیم تر از من نیست. و ولایت من به امت های پیشین عرضه شد، ولی آنان از پذیرش آن سر باز زدند.»

نام سیزدهم: «حقّ الیقین»

اشاره

(و إنّه لحقّ الیقین) (۲)؛ «و آن یقین خالص است.»

اصل «حقّ» به معنای مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است. (۳)

یقین: از نتایج و صفات علم و دانش است که از معرفت و درایت و دیگر معانی از این قبیل برتر و بالاتر است. (۴)

مراتب یقین

یقین دارای مراحل مختلفی است :

گاه از دلیل عقلی حاصل می شود، مثل این که دودی را از دور مشاهده می کنیم و از آن به وجود آتش یقین حاصل می شود، در حالی که آتش را ندیده ایم؛ این را «علم الیقین» گویند.

گاه نزدیک تر می رویم و شعله های آتش را با چشم می بینیم، در این جا یقین محکم تر می شود و آن را «عین الیقین» می نامند.

ص: ۳۴۷

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱، ح ۳؛ غایه المرام، ج ۴، ص ۱۴، باب الزّابع و الأربعون.

۲- سورة الحاقّه، آیه ۵۱.

۳- مفردات قرآن، ص ۲۴۶.

۴- همان، ص ۸۲۹.

گاه از این هم نزدیک تر می رویم و در مجاورت آتش یا داخل آتش قرار می گیریم و سوزش آن را با دست خود لمس می کنیم؛ مسلماً این مرحله بالاتری از یقین است که آن را «لحقّ الیقین» می نامند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «و آن یقین خالص است» می فرماید :

«ولایه علی بن ابی طالب علیه السلام فمن کذب بها کانت علیه حشره، کان قد کذب بالحقّ الی-قین من وُجوب ولای-ته.»

«منظور از "حقّ الیقین"، ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، پس هر که آن را تکذیب نماید، (روز قیامت) در حسرت و ندامت خواهد بود و حقیقتاً او "حقّ الیقین" را تکذیب نموده که (قبول) ولایت آن بزرگوار (بر هر کسی) واجب است.»^(۱)

نام چهاردهم: «نور مبین»

(یا ائها الناس قد جاءکم بؤهان من ربّ ۴۰۷

کم و أنزلنا إلیکم نوراً مبیناً)^(۲).

«ای مردمان! برای شما دلیل و برهان روشنی از جانب پروردگارتان آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.»

نور: راغب در معنای «نور» می گوید: «نور، روشنایی پراکنده ای است که به دیدن کمک می کند.»^(۳)

نور در مقابل ظلمت است و دو ویژگی دارد: ۱- خودش ظاهر است؛ ۲- دیگران را ظاهر و آشکار می کند.^(۴)

نور اولین مخلوق الهی است؛ همان گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام [در پاسخ مرد شامی که از ایشان خواست وی را از اولین مخلوق الهی آگاه کند]

ص: ۳۴۸

۱- .القطره، ج ۲.

۲- .سوره نساء، آیه ۱۷۴.

۳- . مفردات قرآن، ص ۸۲۷. «الضوء المنتشر الذی یعین علی الأبصار.»

۴- . مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۸۹. «کیفیه ظاهره بنفسها مظهره لغيرها.»

فرمود: «أولین مخلوق الهی نور است.»^(۱)

عن الصادق علیه السلام: «التُّورُ ولایةُ علیٍّ علیه السلام.»^(۲)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

«منظور از "نور"، در آیه، ولایت علی علیه السلام است.»

عن عبدالله بن سلیمان قال: قُلْتُ لابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی: (قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)، قال :

«الْبُرْهَانُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ «التُّورُ الْمُبِينُ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.»^(۳)

عبدالله بن سلیمان می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند متعال: "برای شما دلیل و برهان روشنی از جانب پروردگارتان آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم" سؤال کردم، حضرت فرمود :

«منظور از "برهان"، در آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، و منظور از "نور مبین"، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

علی بن ابراهیم قمی می گوید: «مقصود از "نور"، امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام و مقصود از "اعتصام"، چنگ زدن به ولایت آن حضرت و ولایت امامان پس از ایشان است.»

قال علی علیه السلام :

«كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ النَّورَ أَنْ يَشُقَّ فَقَالَ لِلنَّصْفِ: كُنْ مُحَمَّدًا، وَ قَالَ لِلنَّصْفِ: كُنْ عَلِيًّا.»^(۴)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«من و محمد صلی الله علیه و آله یک نور بودیم که از نور خداوند عزوجل [خلق

ص: ۳۴۹

۱- بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۶.

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۱۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۱۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳.

شدیم]، پس خداوند متعال به این نور امر فرمود که دو نیم شود، به نصف آن فرمود: محمّد صلی الله علیه و آله باش؛ و به نصف دیگر فرمود: علی علیه السلام باش.»

ص: ۳۵۰

(يُؤْتِي الْحُكْمَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحُكْمَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) (۱).

«[خدا] دانش و حکمت را به هر کس بخواهد [و شایسته بدانند] می دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان [این حقایق را درک نمی کنند و] متذکر نمی گردند.»

نهج البلاغه

کتاب گرانقدر نهج البلاغه، که «أَخُ الْقُرْآن» لقب یافته، گلچینی از آثار کلامی امام الفُصحاء و البُلغاء، حضرت علی مرتضی علیه السلام است. این کتاب شریف شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت از کلمات قصار آن بزرگوار است، که به وسیله علامه بزرگوار مرحوم سید رضی جمع آوری شده است.

مؤلف «نهج البلاغه»

علامه ابوالحسن محمد بن الحسین، معروف به «سید رضی» در سال ۳۵۹ هجری قمری، در یکی از خاندان علویان بغداد متولد شد. نسب او از طرف پدر با پنج واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و از جانب مادر با شش واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می رسد. (۲).

ص: ۳۵۳

۱- .سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲- .ر.ک: در پیرامون نهج البلاغه.

نقل شده در ایام کودکی سید رضی و برادر بزرگ ترش، سید مرتضی، شیخ مفید، عالم بزرگ شیعه، شبی در خواب دید که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دست دو فرزند گرامی خود، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را گرفته نزد وی آوردند و فرمودند: «یا شیخ! عَلِمَهُمَا الْفَقْه؛ ای مرد بزرگ! علم فقه را به دو فرزندم بیاموز!»

فردای آن شب، مادر سید رضی و سید مرتضی که اتفاقاً «فاطمه» نام داشت، در حالی که دست کودکان خود، سید مرتضی و سید رضی را در دست گرفته بود، نزد شیخ مفید آمد و گفت: «ای شیخ! این دو کودک، فرزندان من هستند، آنها را نزد شما آورده ام تا علم فقه و احکام دین را به آنها بیاموزی!»

شیخ مفید از آن خواب و این تعبیر در شگفت ماند و گریست، سپس به احترام آنان از جای برخاست و به مادرشان سلام کرد و خواب خود را برای آنها نقل نمود. آن گاه با کمال اشتیاق، تعلیم و تربیت آنها را به عهده گرفت و در ارتقای آنان به مدارج عالی علمی و عملی کوشید تا آن جا که از نوابغ روزگار و علمای نامی به شمار آمدند. (۱)

سید رضی، این دانشمند بلندقدر و نابغه شیعه، سرانجام در سال ۴۰۶ قمری در سن ۴۷ سالگی در بغداد وفات یافت.

عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان

اشاره

ابن ابی الحدید، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن و شارح نهج البلاغه، در شرح خطبه ۲۱۲ (۲) می نویسد:

«این خطبه از چنان عمق و محتوای بلیغ و مشکل و فصیحی برخوردار

ص: ۳۵۴

۱- در پیرامون نهج البلاغه، ص ۲۱.

۲- ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۶۹۶ (فیض الاسلام)؛ و در نهج البلاغه با ترجمه دشتی، خطبه ۲۲۱.

است که اگر کسی این فصل از نهج البلاغه را بررسی کند می‌فهمد که معاویه که گفت: "علی علیه السلام بلاغت را برای قریش بنیان‌گذاری کرده است"، درست گفته است.»

وی سپس می‌گوید:

«اگر تمام فصیح‌های عرب در یک جا نشسته باشند و این خطبه علی بن ابی طالب علیه السلام قرائت بشود، شایسته است که همه آنها سجده کنند. همان‌گونه که قرآن سوره‌هایی دارد که در آن سوره‌ها، آیاتی است که اگر آن آیات خوانده شود باید سجده کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام هم خطبه‌هایی دارد که یکی از آن خطب همین خطبه (۲۱۲) است. اگر این خطبه برای خردمندان فصیح و بلیغ و کارشناسان فصاحت و بلاغت تلاوت شود، آنان باید سجده کنند.»

ابن ابی الحدید سوگند یاد می‌کند و می‌گوید:

«به آن مبدئی که همه امت‌ها بدان سوگند می‌خورند، قسم یاد می‌کنم که من این خطبه را از پنجاه سال قبل تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام و هر بار که می‌خواندم برای من تازگی داشت و مطلب جدید و موعظه تازه‌ای در قلب من ایجاد می‌کرد.»^(۱)

سرچشمه ناب

هانری کربن، محقق و شرق‌شناس معروف فرانسوی، می‌گوید:

«پس از قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام، نهج البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد. باید گفت [تأثیر] نهج البلاغه تنها به قلمرو حیات مذهبی تشیع محدود نیست، بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه می‌گیرد. از این رو، باید نهج البلاغه را از مهم‌ترین سرچشمه‌هایی به شمار آورد که متفکران شیعه پیوسته از آن سیراب گشته‌اند.»^(۲)

ص: ۳۵۵

۱- حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ص ۲۵ - ۲۷.

۲- در آستانه آفتاب، ص ۴۰.

بولس سلامه، شاعر و نویسنده معروف مسیحی لبنانی، می گوید :

«کتاب مشهور نهج البلاغه، اثر جاودانه ای است که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابی طالب علیه السلام وادار می سازد و هیچ کتابی جز قرآن بر آن برتری ندارد»^(۱)

امام خطیبان

جاحظ، ادیب و سخن شناس معروف، می گوید :

«علی بن ابی طالب -کرم الله وجهه-، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از همگان فصیح تر و دانشمندتر و زاهدتر، و در رابطه حق سخت گیر و پس از پیامبر اسلام، امام خطبای عرب به طور مطلق به شمار می رود.»^(۲)

دو خطبه شگفت امیر مؤمنان علی علیه السلام

اشاره

امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرموده است :

«گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در انجمنی گرد آمده و به گفت و گوی علمی پرداخته بودند و بحث به جایگاه و نقش حروف در سخن گفتن رسید و این که کدام حرف از بین حروف الفبا نقش بیشتری در کلام دارد، به گونه ای که نبودن آن حرف، سخن گفتن را مشکل و یا مُختَل می گرداند.

نظر همه اصحاب به اتفاق آرا بر این شد که حرف «الف» بیشترین نقش را در کلام دارد. در این هنگام، امیر بیان، امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بی درنگ از آن میان برمی خیزد و بالبداهه خطبه ای شگفت و زیبا بدون حرف «الف» ایراد می نماید، سپس خطبه ای دیگر بدون بهره گرفتن از حروف نقطه دار بیان می فرماید.

ص: ۳۵۶

۱- . در آستانه آفتاب، ص ۴۱.

۲- . همان، ص ۱۶.

فصاحت و بلاغت عجیب و شگفت انگیز خطبه ها از یک سو، و بی مقدمه و ارتجالی بودن آنها از سوی دیگر و مستند بودن تمامی مضامین آنها به قرآن کریم از دیگر سو، اعجاب همگان را برمی انگیزد و عجز و ناتوانی آنها را در هم آوردی با وی آشکار می سازد که چگونه امام علی علیه السلام به رغم محدودیتی که از التزام به حذف حرف «الف» و یا حذف «حرف نقطه دار» برای حضرتش ایجاد می شود، خطبه هایی این چنین شگفت و زیبا و سرشار از فصاحت و بلاغت و لبریز از عرفان و حکمت ایراد می نماید.

شیوایی و رسایی خطبه ها در کنار دوری آنها از تصنع و تکلف، آن سان اعجاب برانگیز است که انسان را بی اختیار به تحسین وامی دارد و موجب می شود هر ادیب و فرهیخته ای انگشت تعجب و شگفتی به دندان بفشارد.^(۱)

در این مجال، بخشی از این دو خطبه را برای تیمن و تبرک می آوریم.

خطبه بدون الف

«حَمَدٌ مِّنْ عَظْمَتِ مَنَّةٍ، وَ سَبْعٌ نَّعْمَةٌ، وَ سَبَقَتْ غَضَبُهُ رَحْمَتُهُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ وَ نَفَذَتْ مَشِيَّتُهُ وَ بَلَغَتْ قَضِيَّتُهُ، حَمْدُتُهُ حَمْدٌ مُّقَرَّرٌ بَرُّبُوبِيَّتِهِ، مُتَخَضِعٌ لِعِبَادِيَّتِهِ، مُتَفَضِّلٌ مِّنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفٌ بِتَوْحِيدِهِ، مُسْتَعِيدٌ مِّنْ وَعِيدِهِ، مُؤْمِلٌ مِّنْهُ مَغْفِرَةً تُنْجِيهِ يَوْمَ يُشْغَلُ عَنِ فَصِيلَتِهِ وَ بَنِيهِ.

وَ نَشِيْتَعِيْنُهُ وَ نَسْتَرْشِدُهُ وَ نَسْتَتَهْدِيهِ وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَ شَهِدْتُ لَهُ شُهُوْدًا مُّخْلِصًا مُّيَقِّنًا، وَ فَرَدُّنَاهُ تَفْرِيدًا مُّؤْمِنًا مُّيَقِّنًا، وَ وَحَدَّثَهُ تَوْحِيدًا مُّذْعِنًا لَيْسَ لَهُ شَرِيْكٌ فِي مُلْكِهِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ، جَلَّ عَنِ مُشِيْرٍ وَ وُزِيْرٍ، وَ»^(۲)

ص: ۳۵۷

۱- . خطبه های شگفت، ص ۲۹۸ - ۲۹۹.

۲- . ر.ک: کفایه الطالب، ص ۳۹۳؛ فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۵۶؛ مصباح کفعمی، ص ۹۶۸؛ مصباحالبلاغه، ج ۱، ص ۲۷؛ مطالب السؤل، ص ۲۴۸؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۹، ص ۱۴۰؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۰۹.

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلُ الْحَمْدِ وَمَأْوَاهُ لَهُ أَوْكَدُ الْحَمْدِ وَأَخْلَاهُ وَاشْرَعَهُ الْحَمْدُ وَأَشْرَاهُ وَأَكْرَمُ الْحَمْدِ وَأَوْلَاهُ، الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَا وَالِدَ وَلَا وَلَدًا، سَلَطَ الْمُلُوكَ وَأَعْدَاهَا وَأَهْلَكَ الْعُدَاهُ وَأَذْحَاهَا وَأَوْصَلَ الْمَكَارِمَ وَأَشْرَاهَا وَسَمَكَ السَّمَاءَ وَعَلَاهَا وَسَطَّحَ الْمَهَادَ وَطَحَاهَا وَوَطَّئَهَا وَدَحَاهَا وَمَدَّهَا وَسَوَّاهَا وَمَهَّدَهَا وَوَطَّأَهَا وَأَعْطَاكُمْ مَاءَهَا وَمَزَعَاهَا وَأَحْكَمَ عِدَدَ الْأُمَمِ وَأَخْصَاهَا وَعَدَلَ الْأَعْلَامَ وَأَرْسَاهَا.

الْإِلَهُ الْأَوَّلُ لَا مُعَادِلَ لَهُ وَلَا رَادَّ لِحُكْمِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ السَّلَامُ الْمُصَوِّرُ الْعَلَّامُ الْحَاكِمُ الْوَدُودُ الْمُطَهِّرُ الطَّاهِرُ الْمُحْمَدُ أَمْرُهُ، الْمَعْمُورُ حَرَمُهُ الْمَأْمُولُ كَرَمُهُ.

عَلِمْتُمْ كَلَامَهُ وَأَرَاكُمْ أَعْلَامَهُ وَحَصَّلَ لَكُمْ أَحْكَامَهُ وَحَلَّلَ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ، وَحَمَلَ مُحَمَّدٌ آ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالرَّسَالَةَ، رَسُولُهُ الْمُكَرَّمُ الْمُسَدَّدُ الطُّهْرُ الْمُطَهَّرُ» (١)

در این بخش به ذکر چهارده حکمت از سخنان حکیمانه امیرمؤمنان علی علیه السلام از کتاب ارزشمند نهج البلاغه می پردازیم، و در ذیل هر سخن، روایاتی را در همان موضوع بیان می کنیم.

ص: ۳۵۸

قال علی علیه السلام: «أَعَجَزُ النَّاسُ مِنْ عَجَزِ عَنِ الْأَخْوَانِ وَأَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ» (۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

«ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد، و ناتوان تر از او کسی است که دوستی را پیدا کند و او را از دست بدهد.»

انواع دوستی

قال علی علیه السلام: «أَصْدِقَاءُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ؛ فَأَصْدِقَاؤُكَ: صَدِيقُكَ، وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَعَدُوُّ عَدُوِّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ: عَدُوُّكَ وَعَدُوُّ صَدِيقِكَ وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند :

«دوستان و دشمنان تو سه دسته اند؛ اما دوستانت [عبارتند از: دوستت، دوست دوستت، و دشمن دشمنت؛ دشمنانت] عبارتند از: [دشمنت، دشمن دوستت، و دوست دشمنت].»

حقوق دوستی

قال علی علیه السلام: «تَحَبَّبْ إِلَى خَلِيلِكَ يُحِبِّبَكَ وَأَكْرَمُهُ يُكْرِمُكَ وَآثَرُهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤَثِّرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ».

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «به دوستت ابراز دوستی کن تا دوستت بدارد، گرامی اش بدار تا گرامی ات بدارد، و او را بر خود مقدم بدار، تا تو را بر خود و خانواده اش مقدم بدارد.» (۳)

ص: ۳۵۹

۱- . نهج البلاغه، حکمت ۱۲.

۲- . همان، حکمت ۲۹۵.

۳- . غرر الحکم، ح ۹۶۷۴.

قال عليّ عليه السلام: «إِيْدُلْ لَصَدِيْقِكَ كُلَّ الْمُوْدَةِ وَ لَا تَبْدُلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَأْنِيْنَةِ وَ أَعْطِهِ كُلَّ الْمُوَاسَاةِ وَ لَا تَفُضِّ إِلَيْهِ بِكُلِّ الْأَشْوَارِ؛ تُؤَفِّي الْحِكْمَةَ حَقَّهَا وَ الصَّدِيْقَ وَاجِبَهُ.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«همه دوستی را نثار دوستت کن، اما همه اعتمادات را نثارش مکن. از جان و مالت در راهش بگذر و با او همدردی کن، اما همه رازهایت را با او در میان مگذار. بدین ترتیب، حقّ حکمت را به تمامی ادا کرده ای و حقوق دوست را به جا آورده ای.» (۱)

عوامل دوستی و راه نفوذ در دل ها

اشاره

قال عليّ عليه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ الْمُصَاحِبَةَ كَثُرَ أَصْحَابُهُ.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هر که خوش رفتاری پیشه کند، دوستانش فراوان شوند.» (۲)

الف) صله رحم :

قال عليّ عليه السلام: «صَلَةُ الرَّحْمِ تُوجِبُ الْمَحَبَّةَ.» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «صله رحم، سبب دوستی می شود.»

ب) بخشش :

قال عليّ عليه السلام: «مَنْ بَدَلَ النَّوَالَ قَبْلَ السُّؤَالِ فَهُوَ الْكَرِيمُ الْمَحْبُوبُ.» (۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «هر که پیش از آن که از او بخواهند،

ص: ۳۶۰

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۵، ح ۲۹؛ كنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۳.

۲- غرر الحکم، ح ۹۷۹۹.

٣- . همان، ح ٩٣٠٩.

٤- . همان، ح ٨٥١١.

بیخشد، بزرگوار و محبوب خواهد شد.»

ج) گشاده رویی :

قال علیُّ علیه السلام: «سببُ المحبَّةِ البُشْرُ»^(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «گشاده رویی، عامل دوستی است.»

د) نیکی کردن :

قال علیُّ علیه السلام: «من کثر إحسانه أحبَّه إخوانه»^(۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هر که بسیار نیکی کند، برادرانش دوستش خواهند داشت.»

ص: ۳۶۱

۱- . غرر الحکم، ح ۴۳۴.

۲- . همان، ح ۸۱۲.

حکمت دوم: «ارزش استغفار در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام»

اشاره

و حکى عنه أبو جعفر مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الباقِر عليه السلام أنه قال :

«كان فى الأرض أمانان من عذاب الله وقد رُفِعَ أحدهُما، فدُونُكُمْ الآخر فتمسَّيْ كُوا به، أمّا الأمان الذى رُفِعَ فهو رسولُ الله صلى الله عليه وآله و أمّا الأمان الباقى فالأستغفار، قال الله تعالى: (و ما كان الله ليعذبَهُمْ و أنت فىهم و ما كان الله مُعَذِّبَهُمْ و هم يستغفرون) (١).» (٢)

امام محمد باقر عليه السلام [از پدرانِش،] از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند :

«دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خواهد بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید، اما امانی که برداشته شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و اما امان باقی مانده، استغفار کردن است، که خدای متعال به رسول خود فرمود: "ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد، و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند."»

آثار و خواص استغفار

الف) وسعت در رزق :

قال عليُّ عليه السلام: «الاستغفارُ يزيدُ فى الرِّزْقِ.» (٣)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «استغفار کردن، رزق را زیاد می کند.»

ب) محو کردن گناهان :

قال عليُّ عليه السلام: «الاستغفارُ يَمْحُو الأوزار.» (٤)

ص: ۳۶۲

۱- .سوره انفال، آیه ۳۳.

۲- . نهج البلاغه، حکمت ۸۸؛ مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۲۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸۴، ح ۳۱.

۳- . بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷، باب ۱۵، ح ۴؛ خصال، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۲.

۴- . غرر الحکم، ح ۳۸۲۰.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «استغفار، گناهان را پاک می کند.»

ج) بالاترین توسل :

قال علیُّ علیه السلام: «أفضلُ التوسُّلِ الاستغفارُ»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «برترین توسل، استغفار است.»

د) موجب امیدواری :

قال علیُّ علیه السلام: «عجبتُ لمنْ یقنطُ و معهُ النِّجاءُ و هو الاستغفارُ»^(۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «در شگفتم از کسی که ناامید است، در حالی که نجات و رستگاری با اوست و آن استغفار است.»

ه) بهترین عبادت :

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «خیرُ العبادهِ الاستغفارُ»^(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین عبادت، استغفار است.»

و) بهترین شفیع :

قال علیُّ علیه السلام: «لا شفیع أنجح من الاستغفار»^(۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هیچ یاری، نیرومندتر از استغفار نیست.»

ره آورد استغفار

قال علیُّ علیه السلام: «من أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمْ أَرْبَعًا: مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْأَجَابَهُ، وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ، وَ مَنْ أُعْطِيَ الْأَسْتَغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ

ص: ۳۶۳

۱- . غرر الحکم، ح ۳۸۲۵.

۲- . همان، ح ۳۸۲۹.

٣- . كافي، ج ٢، ص ٥١٧.

٤- . غرر الحكم، ح ٣٨٣٣.

المَغْفِرَة، و مَنْ أَعْطَى الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزَّيَادَةَ، وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ فِي الدُّعَاءِ: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (١)، وَ قَالَ فِي الْأَسْتِغْفَارِ: (وَ مَنْ يَعْمَلْ

سُوءًا أَوْ يُظْلِمُ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) (٢)، وَ قَالَ فِي

الشُّكْرِ: (لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (٣)، وَ قَالَ فِي التَّوْبَةِ: (إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ

لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا) (٤). «(٥)

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

«هر که را چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد؛ هر که توفیق دعا کردن داشته باشد از اجابت، هر که توفیق توبه کردن پیدا کند، از پذیرفته شدن، هر که توفیق استغفار داشته باشد، از آمرزش گناهان، و هر که توفیق شکرگزاری به او عطا شود از افزونی نعمت، محروم نمی ماند.

و این مطلب مورد تصدیق کتاب الهی است که در مورد دعا می فرماید: "مرا بخوانید تا خواسته های شما را اجابت کنم." در مورد استغفار می فرماید: "هر که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت." در مورد شکر می فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود." و در مورد توبه می فرماید: "پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند سپس زود توبه می کنند، خداوند توبه چنین اشخاصی را می پذیرد، و خدا دانا و حکیم است."

ص: ۳۶۴

۱- .سوره مؤمن، آیه ۶۰.

۲- .سوره نساء، آیه ۱۱۰.

۳- .سوره ابراهیم، آیه ۷.

۴- .سوره نساء، آیه ۱۷.

۵- .روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۷۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

اشاره

قال علی علیه السلام:

«یابن آدم! لا- تحصل هم یومک (عمرک) الّذی لم یأتک علی یومک الّذی قد أتاک، فإنّه إن یک من عمرک یأت الله فیہ برزقک.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفرز؛ زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد، خداوند روزی تو را خواهد رساند.»

قدرت خداوند در روزی رساندن

قیل له علیه السلام: لو سید علی رجیل باب یتنه و ترک فیہ، من این کان یأتیہ رزقه؟ قال علی علیه السلام: «من حیث یأتیہ أجله.» (۲)

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند: اگر در خانه مردی را به رویش ببندند، رزق و روزی او از کجا خواهد آمد؟ حضرت فرمود: «از آن جایی که مرگ او به سراغش می آید!»

اقسام رزق و روزی

قال علی علیه السلام: «یابن آدم! الرزق رزقان: رزق تطلبه و رزق یطلبیک، فإن لم تأته أتاک، فلا تحمل هم سنتک علی هم یومک! کفاک کل یوم علی ما فیہ، فإن تکن السینه من عمرک فإن الله تعالی سیؤتیک فی کل غد جدید ما قسم لک، و إن لم تکن السینه من عمرک فما تصنع بالهم فیما لیس لک، و لن یشبقک إلی رزقک طالب، و لن یغلبک علیه غالب، و لن یعطی عنک ما قد قدر لک.» (۳)

ص: ۳۶۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۶.

۲- همان، حکمت ۳۵۶.

۳- همان، حکمت ۳۷۹.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«ای فرزند آدم! روزی دو گونه است: روزی که تو آن را بجویی، و روزی که تو را می جوید که اگر به سراغش نروی به سوی تو آید. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت قرار مده، که برطرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد، همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد و اگر از شمار عمرت نباشد، تو را با اندوه آن چه کار است، که هرگز جوینده ای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد، و چیره شونده ای بر تو چیره نگردد، و آنچه برای تو مقدر گشته، بی کم و کاست به تو خواهد رسید.»

موجبات برکت در رزق و روزی

الف) خوش اخلاقی :

قال علیُّ علیه السلام: «فی سعه الأخلاق کُنُوزُ الأرزاق.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«گنج های رزق و روزی، در وسعت اخلاق [و خوش اخلاقی]، است.»

ب) استغفار :

قال علیُّ علیه السلام: «أكثرُوا الاستغفار تجلبوا الرزق.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بسیار استغفار کنید تا روزی را جلب کنید.»

ج) نماز :

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«الصلاة من شرائع الدین و فیها مرضاهُ الرَّبِّ فهی منهاجُ الأنبیاء و للمُصلِّی

ص: ۳۶۶

۱- . غرر الحکم، ح ۵۳۸۳.

۲- . خصال، ج ۲، ص ۶۱۵.

حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

«نماز از راه های بندگی در دین و دربردارنده رضای پروردگار است. و نماز راه و رسم انبیا است. و دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و روشنایی در شناختن حق و برکت در روزی همراه نماز گزار است.»

(د) صدقه :

قال علی علیه السلام: «بركه المال فی الصدقه» (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «برکت مال، در صدقه دادن است [یعنی صدقه دادن سبب افزونی مال می گردد].»

(ه) صله رحم :

قال علی علیه السلام: «إن صله الرّحم لتزید فی الرّزق» (۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «همانا صله رحم، رزق را زیاد می کند.»

(و) راستگویی :

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الوفاء و الصدق یجبران الرزق» (۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

«وفاداری و راستگویی، دو عامل جاری شدن رزق هستند.»

ص: ۳۶۷

۱- . خصال، ج ۲، ص ۵۲۲؛ بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱، ح ۵۶.

۲- . غرر الحکم، ح ۹۱۴۲.

۳- . مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۸۳، باب ۱۱، ح ۷۹۸۲.

۴- . فردوس دیلمی، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۷۲۶۸.

اشاره

قال علی علیه السلام:

«علامه الأیمان أن تُؤثر الصدق حيث يضرُّك على الكذب حيث ينفعك و ألا يكون في حديثك فضلٌ عن عملك (علمك) و أن تتقى الله في حديث غيرك.»^(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «نشانه ایمان، این است که راست گفتن را - اگر چه بر زیان تو باشد - بر دروغ گویی - اگر چه به نفع تو باشد، ترجیح دهی، و آن که بیش از مقدار عمل و آگاهی خود سخن نگویی، و چون از دیگران سخن گویی، از خداوند بترسی.»

تعریف ایمان

و سُئل عن الأیمان فقال علیه السلام:

«الإیمان معرفةً بالقلب و إقراراً باللسان و عملٌ بالأركان.»^(۲)

از امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد «ایمان» پرسیده شد، حضرت فرمود:

«ایمان، شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.»

حقیقت ایمان

قال علی علیه السلام: «الإیمان شجرة أصلها یقین و فروعها التقی و نورها الحیاة و ثمرها السخاء.»^(۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«ایمان، درختی است که ریشه اش یقین، شاخه اش پرهیزکاری، شکوفه اش حیا، و میوه اش بخشنده‌گی و سخاوت است.»

ص: ۳۶۸

۱- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۴۳۱، و ج ۶۴، ص ۳۱۴؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۱۱؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳- غرر الحکم، ح ۱۴۴۱.

اهمیت ایمان

قال علی علیه السلام: «أقرب الناس من الله سبحانه أحسنهم إيماناً» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«نزدیک ترین مردم به خداوند، نیکوترین ایشان از جهت ایمان است.»

کمال ایمان

قال علی علیه السلام: «لا يكْمُلُ إيمانٌ عبْدٍ حَتَّى يُحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ اللهُ سُبْحَانَهُ وَيُبْغِضَ مَنْ أَبْغَضَهُ اللهُ سُبْحَانَهُ» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ایمان بنده ای کامل نمی شود مگر آنچه را که خدا دوست دارد او نیز دوست داشته باشد، و آنچه را خداوند دشمن دارد او نیز دشمن بدارد.»

آثار ایمان

الف) اَمْنِيَّة :

قال علی علیه السلام: «ما من شيءٍ يحصلُ به الأمانُ أبلغُ من إيمانٍ وإحسانٍ» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هیچ چیزی که به وسیله آن اَمْنِيَّة [دنیا و آخرت] حاصل شود، کامل تر از ایمان و احسان نیست.»

ب) نجات :

قال علی علیه السلام: «لا يَفُوزُ بالنَّجاةِ إلَّا مَنْ قامَ بشرائطِ الإيمانِ» (۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «به نجات و رستگاری نائل نمی شود مگر آن که شرایط ایمان را برپای دارد.»

ص: ۳۶۹

۱- . غرر الحکم، ح ۱۴۵۸.

۲- . همان، ح ۱۴۷۷.

۳- . همان، ح ۱۴۸۸.

ج) رستگاری :

قال عليّ عليه السلام: «ثمره الأيمان الفوزُ عند الله.»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ثمره و میوه ایمان، رسیدن به رستگاری نزد خداوند است.»

د) حیا :

قال عليّ عليه السلام: «حياءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ.»^(۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «شرم و حیای مرد از نفس خویش، [و مرتکب گناه نشدن]، ثمره ایمان است.»

ه) صبر :

قال عليّ عليه السلام: «الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ.»^(۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«صبر و شکیبایی [در مصیبت ها] ثمره ایمان است.»

و) میل به آخرت :

قال عليّ عليه السلام: «ثمره الأيمان الرّغبةُ في دار البقاء.»^(۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ثمره ایمان، رغبت داشتن به سرای آخرت است.»

ص: ۳۷۰

۱- . غرر الحکم، ح ۱۴۹۱.

۲- . همان، ح ۱۴۹۸.

۳- . همان، ح ۶۲۱۷.

۴- . همان، ح ۱۴۹۷.

اشاره

قال علی علیه السلام: «شوسوا (شوبوا) إیمانکم بالصدقه و حصنوا أموالکم بالزکاه و اذفعوا أمواج البلاء بالدعاء» (۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

«ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود دور کنید.»

دعا، بلاها را دفع می کند

قال علی علیه السلام: «اذفعوا أمواج البلاء عنکم بالدعاء قبل ورود البلاء فواللذی فلق الحبه و برأ النسمه البلاء أسرع إلى المؤمن من انحدار السيل من أعلى التلعه إلى أسفلها و من ركض البراذین» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «موج های بلا را پیش از آن که به شما برسد، با دعا کردن از خود دور کنید؛ سوگند به آن که دانه را شکافته و مردمان را آفریده است، بلا به سوی مؤمن، از شتاب سیلاب از فراز تپه به پایین آن و از سرعت راه رفتن اسب ها شتابنده تر می آید.»

آداب دعا نمودن

الف) صلوات فرستادن :

قال علی علیه السلام: «کلُّ دعاءٍ محبوبٌ عن السماء حتی یصلی علی مُحَمَّدٍ و علی آل مُحَمَّدٍ:» (۳)

ص: ۳۷۱

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷۸، باب ۷، ح ۵۶۱۳؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۱، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۳- کنز العمال، ح ۳۹۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۶۰، ح ۱۵؛ ثواب الأعمال، ص ۵۵.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «هر دعایی تا در آن بر محمد و آل محمد: صلوات فرستاده نشود، از [ورود به] آسمان ممنوع است.»

(ب) اصرار در دعا :

قال علی علیه السلام: «فألحح فی المسأله یفتح لك أبواب الرّحمه.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «در مسألت از خدا پافشاری و اصرار کن تا درهای رحمت به رویت گشوده شود.»

(ج) ناامید نشدن :

قال علی علیه السلام: «لا یقتطّنک تأخیر إجابہ الدعاء، فإنّ العطيّه علی قدر التّیّه و ربّما تأخّرت الأجابہ لیكون ذلك أعظم لاجر السائل و أجزل لعطاء السائل.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«تأخیر در اجابت دعا، تو را ناامید نگرداند؛ زیرا که بخشش بستگی به نیت دارد و چه بسا در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل تر شود.»

(د) اخلاص :

قال علی علیه السلام: «علیک بإخلاص الدعاء فإنّه أخلق بالأجابہ.» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «بر تو باد به اخلاص [و حضور قلب] در دعا، پس به درستی که آن سزاوارتر است به اجابت.»

(ه) مداومت در دعا :

قال علی علیه السلام: «من استدام قرع الباب و لجّ ولجّ.» (۴)

ص: ۳۷۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲۵، ح ۱.

۲- . غرر الحکم، ح ۳۷۶۹.

۳- . همان، ح ۳۷۵۵.

۴- . همان، ح ۳۷۵۸.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هر که مدام دری را بکوبد و اصرار ورزد، باز گردد.»

(و) ستایش و ثنا پیش از دعا :

قال أبو عبد الله عليه السلام :

«إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَمَجِّدْهُ.» قُلْتُ: «كَيْفَ أُمَجِّدُهُ؟» قَالَ: «تَقُولُ: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالًا لَمَّا يُرِيدُ يَا مَنْ يُحَوِّلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمَثَلِهِ شَيْءٌ.» (١)

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید :

«همانا در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که مدح [خداوند] پیش از خواستن حاجت است؛ پس هر گاه خواستی به درگاه خدا دعا کنی، او را تمجید و ستایش کن.» گفتم: «چگونه او را تمجید کنم؟» حضرت فرمود: «می گویی: ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری، ای که هر چیز را خواهی به خوبی انجام می دهی، ای کسی که میان مرد و قلبش حایل می شود، ای کسی که در جایگاه برتر هستی، ای آن که چیزی به ماندش نیست.»

(ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا يُرَدُّ دُعَاءٌ أَوْلَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (٢)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

«دعایی که با بسم الله الرحمن الرحيم شروع گردد، رد نمی شود.»

ص: ۳۷۳

-
- ۱- . مکارم الأخلاق، ص ۲۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۴، ح ۲۰؛ کافی، ج ۲، ص ۴۸۴.
 - ۲- . الدعوات، ص ۵۲، ح ۱۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰۴، ح ۵۹۲۹.

اشاره

قال علی علیه السلام: «و لا خیر فی الدُّنیا اِلا لِرَجُلین: رَجُلٌ اُذْنِبَ ذُنُوبًا فَهُوَ یَتَدَارَکُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٌ یُسَارِعُ فی الخیرات.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «در دنیا جز برای دو کس خیر نیست، یکی گناهکاری که با توبه جبران [گذشته خود] کند و دیگر نیکوکاری که در کارهای نیکو و خیرات شتاب ورزد.»

پایه های توبه

قال علی علیه السلام: «التَّوْبَةُ علی اَرْبَعَةِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ وَ عَزْمٌ اَنْ لَا یُعُودَ.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «توبه بر چهار پایه استوار است: ۱- پشیمانی در دل؛ ۲- استغفار کردن به زبان؛ ۳- عمل کردن (و جبران نمودن) با اعضا و جوارح؛ ۴- تصمیم بر بازنگشتن به گناه.»

شتاب در توبه کردن

قال علی علیه السلام: «اِنْ فَارَقْتَ سَيِّئَةً فَعَجَّلْ مَحْوَهَا بِالتَّوْبَةِ.» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«هر گاه مرتکب گناهی شدی، با توبه به محو کردن آن شتاب کن.»

توبه نصوح

قال علی علیه السلام: «تَرْكُ الذَّنْبِ اَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.» (۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «ترک گناه از طلب توبه، سهل تر است.»

ص: ۳۷۴

۱- نهج البلاغه، حکمت صلی الله علیه و آله ۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۱ ح ۷۴.

۳- همان، ج ۷۴، ص ۲۱۰.

۴- همان، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

الف) نزول رحمت الهی :

قال علی علیه السلام: «التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ»^(۱).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «توبه، رحمت الهی را نازل می کند.»

ب) پاک شدن گناهان :

قال علی علیه السلام: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»^(۲).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«توبه کننده از گناه، مانند کسی است که گناه نکرده است.»

ج) موجب خشنودی خداوند :

قال علی علیه السلام: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ».

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«به درگاه خداوند عزوجل توبه کنید و در محبت او داخل شوید؛ زیرا همانا خداوند توبه کنندگان را دوست می دارد.»

ص: ۳۷۵

۱- غرر الحکم، ح ۳۷۳۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۵، ح ۲۱۰۲۲.

اشاره

قال علی علیه السلام: «كُلُّ وعاءٍ يَضِيقُ بها جُعل فيه إلّا وعاءُ العِلمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ به.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پُر می شود، به جز ظرف علم و دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعتش بیشتر می شود.»

علم بهتر از ثروت است

قال علی علیه السلام: «العِلمُ خَيْرٌ من المالِ، العِلمُ يَحْرُسُكَ و أنتَ تَحْرُسُ المالَ.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«دانش از مال بهتر است؛ زیرا دانش تو را محافظت می کند، در حالی که تو باید مال را محافظت کنی.»

اقسام علم حقیقی

قال النبی صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا العِلمُ ثلاثَةٌ: آیهٌ مُحْكَمَةٌ أوْ فَرِیضَةٌ عادِلَةٌ أوْ سُنَّةٌ قائِمةٌ و ما خِلاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.» (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا علم [حقیقی] سه چیز است: آیه محکم (اصول عقاید)، فریضه عادل (علم اخلاق)، سنت قائمه (علم احکام شرعی)، و غیر از این ها فضل است.»

فضیلت طلب علم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

ص: ۳۷۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵.

۲- غرر الحکم، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۵؛ خصال، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۲۵۷.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۱.

«بينما أنا جالسٌ في مسجد النبي صلى الله عليه وآله إذ دخل أبوذرٌ فقال: يا رسول الله! جنازة العابد أحب إليك أم مجلسُ العالم؟»

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أباذر! الجلوس ساعة عند مُذاكره العلم أحبُّ إلى الله تعالى من قيام ألف ليلة يُصلى في كلِّ ليلة ألف ركعة والجلوس ساعة عند مُذاكره العلم أحبُّ إلى الله تعالى من ألف غزوه وقراءة القرآن كله.

فقال: يا رسول الله، مُذاكره العلم خيرٌ من قراءة القرآن كله؟!!

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أباذر! الجلوس ساعة عند مُذاكره العلم أحبُّ إلى الله من قراءة القرآن كله اثني عشر ألف مره، عليكم بمُذاكره العلم فإن العلم تعرفون الحلال من الحرام، ومن خرج من بيته ليتمس باباً من العلم، كتب الله عزوجل له بكل قدم ثواب نبي من الأنبياء وأعطاه الله بكل حرفٍ يسْمَعُ أو يكتبُ مدينه بالجَنه و طالب العلم أحبُّ الله وأحبُّه ملائكته وأحبُّه النبيون ولا يُحبُّ العلم إلا السعيدُ وطوبى لطالب العلم يوم القيامة» (١)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «روزی در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستہ بودم کہ اباذر وارد شد و عرضه داشت: "ای رسول خدا! تشییع نمودن جنازه عابد در نزد شما بهتر است یا نشستن در نزد عالم؟"»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "ای اباذر! ساعتی نشستن در حضور عالم و مذاکره علم، از هزار شب قیام و عبادت که هر شب هزار رکعت نماز خوانده شود، نزد خدا بهتر است، و ساعتی به گفت و گوی علمی پرداختن نزد خداوند از هزار جهاد و قرائت تمام قرآن محبوب تر است."

اباذر [با تعجب] گفت: "گفت و گوی علم از قرائت تمام قرآن برتر است؟"

حضرت فرمود: "ای اباذر! ساعتی در گفت و گوی علمی به سر بردن، نزد خدا از دوازده هزار ختم قرآن محبوب تر است. بر شما باد به مذاکره علم؛

ص: ۳۷۷

۱- . معالم الزلفی، ج ۱، الباب الرابع، ح ۶؛ جامع الأخبار، ص ۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۹۶، ح ۱۷۶.

زیرا به وسیله آن احکام حلال را از حرام می شناسید. و هر کس برای یافتن بابی از علم از منزل خارج شود، خداوند متعال برای هر قدمی که برمی دارد، ثواب پیامبری از پیامبران الهی را می نویسد و برای هر حرفی که می شنود و یا می نویسد، شهری در بهشت قرار می دهد. و خداوند متعال و فرشتگان، طالب علم را دوست دارند. و علم و دانش را دوست نمی دارد مگر انسان خوشبخت و خوشا به حال [و مقام] طالب علم در روز قیامت. "»

ص: ۳۷۸

اشاره

و سمع علیه السلام رجلاً من الحروریه يتهجّد و يقرأ فقال :

«نومٌ علی یقینٍ خیرٌ من صلاحٍ فی شکٍّ»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام - هنگامی که صدای مردی از اهالی حروراء^(۲) را شنید که نماز شب می خواند و قرآن قرائت می کرد - فرمود :

«خوایدن همراه با یقین، برتر از نماز خواندن با شک و تردید است.»

بزرگ ترین سعادت

قال علیٌّ علیه السلام: «ما أعظم سعادة من بُوشر قلبه ببرد اليقين»^(۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «چه سعادت بزرگی دارد کسی که در دلش خُنکی یقین را چشیده است.»

بالاترین دعا

قال علیٌّ علیه السلام: «أيتها الناس! سلوا الله اليقين وارغبوا إليه في العافية فإن أجل النعم العافية، و خير ما دام في القلب اليقين، والمغبون من غبن دينه و المغبوط من حسن يقينه»^(۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ای مردم! از خداوند یقین بخواهید و عافیت از او درخواست کنید؛ زیرا بزرگ ترین نعمت عافیت است و بهترین چیزی که در دل پایدار ماند

ص: ۳۷۹

۱- نهج البلاغه، حکمت صلی الله علیه و آله ۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۳۵۷.

۲- حروراء، دهکده ای نزدیک کوفه است که گروه منحرف خوارج آن جا را برای پیکار با امام علیها السلام انتخاب کرده بودند و آن شخص «عروه بن ادنه» بود که در جنگ نهروان کشته شد.

۳- غرر الحکم، ح ۷۱۶.

۴- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴، ح ۳۸.

یقین است، و زیان دیده آن کسی است که در دینش زیان ببیند، و آن کس مورد غبطه است که در یقینش نیکوست.»

یقین، رأس دین است

قال علیُّ علیه السلام: «قُوُوا إِيمَانَكُمْ بِالْيَقِينِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الدِّينِ» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ایمان خود را با یقین تقویت کنید؛ زیرا که یقین برترین دین است.»

برترین عبادت

قال علیُّ علیه السلام: «الْيَقِينُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «یقین، برترین عبادت است.»

آثار و برکات «یقین»

الف) صبر :

قال علیُّ علیه السلام: «الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْيَقِينِ» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «صبر، ثمره یقین است.»

ب) اخلاص :

قال علیُّ علیه السلام: «سَبَبُ الْأَخْلَاصِ الْيَقِينُ» (۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «سبب اخلاص، یقین است.»

ص: ۳۸۰

۱- . غرر الحکم، ح ۷۳۲.

۲- . همان، ح ۷۰۶.

۳- . همان، ح ۶۲۱۶.

۴- . همان، ح ۷۴۶.

ج) زهد:

قال عليّ عليه السلام: «الْيَقِينُ يُثْمِرُ الزُّهْدَ»^(١)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «یقین، میوه زهد است.»

د) خشنود بودن:

قال عليّ عليه السلام: «الرِّضَا ثَمَرُهُ الْيَقِينُ»^(٢)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «رضایت، میوه یقین است.»

ه) توکل:

قال عليّ عليه السلام: «بِحُسْنِ التَّوَكُّلِ يُسْتَدَلُّ عَلَى حُسْنِ الْإِيقَانِ»^(٣)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«نیکویی توکل [به خداوند] دلیل بر نیکویی یقین است.»

و) بهشت:

قال عليّ عليه السلام: «عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْيَقِينِ وَالتَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَى»^(٤)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «همواره با یقین و تقوا باشید؛ چرا که آن دو شما را به سرای بهشت می رساند.»

ص: ۳۸۱

۱- . غرر الحکم، ح ۷۳۵.

۲- . همان، ح ۱۸۲۳.

۳- . همان، ح ۳۸۸۰.

۴- . همان، ح ۵۹۳۰.

قال علی علیه السلام:

«و من کثر کلامه کثر خطؤه و من کثر خطؤه قل حیاؤه و من قل حیاؤه قل ورعه و من قل ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«و هر کس زیاد سخن بگوید، خطایش زیاد می گردد، و هر کس خطایش زیاد شود، حیا وی کم شود؛ و هر کس حیا کم شود، ورعش نیز می کاهد؛ و هر کس ورع و پرهیز از گناهش کم شود، قلبش می میرد؛ و هر کس قلبش بمیرد، وارد دوزخ می گردد.»

شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر

قال علی علیه السلام:

«ستة أشياء حسنٌ و لكنّها من ستّةٍ أحسن؛ العدلُ حسنٌ و هو من الأمراء أحسن، والصبرُ حسنٌ و هو من الفقراء أحسن، والورعُ حسنٌ و هو من العلماء أحسن، والحياءُ حسنٌ و هو من النساء أحسن و أميرٌ لا عدلٌ له كغمامٍ لا غيثٌ له و فقيرٌ لا صبرٌ له كمضيٍّ باحٍ لا ضوءٌ له و عالمٌ لا ورعٌ له كشجرةٍ لا ثمر لها و غنيٌّ لا سخاءٌ له كمكانٍ لا نبتٌ له و شابٌّ لا توبهٌ له كنهْرٍ لا ماءٌ له و امرأةٌ لا حياءٌ لها كطعامٍ لا ملحٌ له.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

«شش چیز نیکو است، ولی از شش نفر نیکوتر است:

۱- عدل نیکوست، ولی از فرمان روایان نیکوتر است.

ص: ۳۸۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹؛ تحف العقول، ص ۸۹، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۶؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۹۶.

۲- إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۳، الباب الثانی و الخمسون.

۲- صبر خوب است، ولی از فقرا و نیازمندان پسندیده تر است.

۳- ورع و پارسایی نیکو است، ولی از دانشمندان و علما بهتر است.

۴- سخاوت نیکو است، ولی از ثروتمندان نیکوتر است.

۵- توبه پسندیده است، ولی از جوانان پسندیده تر است.

۶- حیا نیکوست، ولی از زن ها نیکوتر است.

و فرمانروایی که عدالت ندارد، همانند قطعه ابری است که باران ندارد؛ و فقیری که صبر ندارد، همانند چراغی است که روشنایی ندارد؛ و دانشمندی که ورع ندارد، همانند درختی است که میوه ندارد؛ و ثروت مندی که سخاوت ندارد، همانند زمینی است که در آن گیاه نمی روید؛ و جوانی که توبه نمی کند، همانند نهری است که آب ندارد؛ و زنی که شرم و حیا ندارد، همانند غذایی است که نمک ندارد.»

مواردی که در آن، «حیا» نیست

قال علیُّ علیه السلام: «ثلاث لا یُسْتَحیا مِنْهُنَّ، خَدْمَةُ الرَّجُلِ ضِیْفُهُ و قِیَامُهُ عَنِ مَجْلِسِهِ لایبِهِ و مُعَلِّمُهُ و طَلَبُ الْحَقِّ و اِنْ قَلَّ» (۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سه چیز است که در آنها نباید حیا نمود: خدمت کردن انسان برای میهمان خودش، و از جابرخواستن برای احترام پدر و معلم، و طلب نمودن حق خویش اگر چه اندک باشد.»

آثار و برکات «حیا»

الف) کلید همه خوبی ها :

قال علیُّ علیه السلام: «الْحِیاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَیْرٍ»

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «حیا، کلید هر خیری است.»

ص: ۳۸۳

ب) سبب کرامت انسانی :

قال علیُّ علیه السلام: «الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكُرْمِ وَ أَحْسَنُ الشِّيمِ»^(۱)

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«حیا، سبب کمال همه کرامت ها و بهترین خصلت ها است.»

ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح :

قال علیُّ علیه السلام: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبِيحِ»^(۲)

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«حیا، انسان را از کارهای زشت باز می دارد.»

د) نشانه ایمان :

قال علیُّ علیه السلام: «كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلٌ عَلَى إِيمَانِهِ»^(۳)

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«زیادی حیا در مرد، دلیل بر ایمان وی است.»

ه) محوکننده گناهان :

قال علیُّ علیه السلام: «الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا»^(۴)

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«حیا و شرم از خداوند، بسیاری از گناهان را نابود می کند.»

ص: ۳۸۴

۱- . غرر الحکم، ح ۵۴۳۷.

۲- . همان، ح ۵۴۵۴.

۳- . همان، ح ۵۴۴۶.

۴- . همان، ح ۵۴۵۵.

حکمت دهم : «سخاوت در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام»

اشاره

قال علیّ علیه السلام :

«السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً، فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَحِيَاءٌ وَ تَذَمُّمٌ.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سخاوت آن است که تو آغاز کنی؛ اما آنچه با درخواست، داده می شود شرم و حیا و مذمت است.»

حدّ و مرز بخشندگی

قال علیّ علیه السلام: «كُنْ سَمِحًا وَ لَا تُكُنْ مُبَدِّرًا، وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تُكُنْ مُقْتَرًا.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بخشنده باش، اما زیاده روی نکن؛ صرفه جو باش، اما سخت گیر نباش.»

عطا کردن قبل از درخواست

قال علیّ علیه السلام: «أَفْضَلُ الْعَطِيَّةِ مَا كَانَ قَبْلَ مَذْلِهِ السُّؤَالُ.» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«برترین بخشش آن است که قبل از خواری طلب کردن باشد.»

آثار و برکات سخاوت

الف) زینت انسان :

قال علیّ علیه السلام: «السَّخَاءُ زِينَةُ الْإِنْسَانِ.» (۴)

ص: ۳۸۵

۱- . نهج البلاغه، حکمت ۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۵۷، ح ۱۲۴۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۵۷.

۲- . نهج البلاغه، حکمت ۳۳.

۳- . غرر الحکم، ح ۸۵۰۷.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سخاوت و بخشندگی، زینت آدمی است.»

ب) ایجاد محبت :

قال علی علیه السلام: «السَّخَاءُ يَذْرَعُ الْمَحَبَّةَ» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سخاوت و بخشندگی، دوستی را در دل ها می کارد.»

ج) کم کردن گناهان :

قال علی علیه السلام: «السَّخَاءُ يُمَحِّصُ الذُّنُوبَ وَيَجْلِبُ مَحَبَّةَ الْقُلُوبِ» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سخاوت و بخشندگی، گناهان را کم می کند و محبت قلب های [مردم] را به سوی صاحب خود می کشاند.»

د) موجب برکت در رزق و روزی :

قال علی علیه السلام :

«عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرَّزْقَ وَ يُوجِبَانِ الْمَحَبَّةَ» (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بر شما باد به بخشندگی و خوش خلقی، که این دو، روزی را زیاد می کند و دوستی و محبت برای صاحب خود می آورد.»

ه) موجب بزرگی :

قال علی علیه السلام: «سَبَبُ السِّيَادَةِ السَّخَاءُ» (۴)

ص: ۳۸۶

۱- . غرر الحکم، ح ۸۵۲۱.

۲- . همان، ح ۸۵۲۴.

۳- همان، ح ۸۵۲۸.

۴- همان، ح ۸۵۵۵.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سبب بزرگی، سخاوت و بخشندگی است.»

(و) پوشیده شدن عیب ها :

قال علی علیه السلام: «غَطُّوا مَعَايِكُمْ بِالسَّخَاءِ فَإِنَّهُ سِتْرُ الْعُيُوبِ.» (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«عیب های خود را با سخاوت بپوشانید، که همانا بخشندگی پوشاننده عیب هاست.»

(ز) موجب تقرب به خدا :

قال علی علیه السلام: «السَّخَاءُ قُرْبَةٌ.» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بخشندگی، موجب نزدیکی [به خدا و مردم] است.»

آفت سخاوت

قال علی علیه السلام: «آفَةُ السَّخَاءِ الْمُنُّ.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «آفت بخشندگی، منت گذاشتن است.»

ص: ۳۸۷

۱- . غرر الحکم، ح ۸۵۷۰.

۲- . بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۳، ح ۹.

حکمت یازدهم: «ره آورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام»

اشاره

قال علیُّ علیه السلام:

«إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»^(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«اگر بردبار نیستی، خود را به شخص بردبار شبیه نما؛ زیرا کم پیش می آید کسی خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به حساب نیاید.»

معنا و مفهوم «حلم»

قال علیُّ علیه السلام: «لَيْسَ الْحَلِيمُ مَنْ عَجَزَ فَهَجَمَ وَ إِذَا قَدَرَ انْتَقَمَ، إِنَّمَا الْحَلِيمُ مَنْ إِذَا قَدَرَ عَفَا، وَ كَانَ الْحَلِيمُ غَالِبًا عَلَى كُلِّ أَمْرِهِ»^(۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«بردبار آن نیست که چون ناتوان شد، خاموش شود، و چون قدرت یابد، انتقام کشد، بلکه بردبار کسی است که قدرت داشته باشد، اما گذشت کند و بردباری بر تمام کارهای او غالب باشد.»

برترین صفات انسانی

قال علیُّ علیه السلام: «الْحَلْمُ سَجِيَّةٌ فَاضِلَةٌ»^(۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«حلم و بردباری از صفات برجسته انسان است.»

ص: ۳۸۸

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

۲- غرر الحکم، ح ۶۴۳۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۲۸، ح ۷۸.

الف) موجب عزت و بزرگواری :

قال عليّ عليه السلام: «لا عزّ أرفع من الحلم»^(۱).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «عزّتی برتر از حلم و بردباری نیست.»

ب) ثمره علم :

قال عليّ عليه السلام: «لن يُثمر العلم حتّى يُقارنه الحلم»^(۲).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «علم و دانش ثمره نمی دهد، مگر هنگامی که همراه با حلم و بردباری باشد.»

ج) غلبه بر دشمن :

قال عليّ عليه السلام: «من حلم من عدوّه ظفر به»^(۳).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هر کس در مقابل دشمن خود بردبار باشد، بر او پیروز می گردد.»

د) ایمنی از عذاب الهی :

قال عليّ عليه السلام: «الحلم عند شدّه الغضب يؤمن غضب الجبار»^(۴).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «بردباری در اوج غضب، انسان را از خشم خداوند جبار ایمن می سازد.»

ه) زینت انسان :

قال عليّ عليه السلام: «مزيّن الرّجل علمه و حلمه»^(۵).

ص: ۳۸۹

۱- بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۱۴، ح ۳۲.

۲- غرر الحکم، ح ۱۲۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۲۸، ح ۷۸.

٤- . غرر الحکم، ح ٦٤٤٦.

٥- . همان، ح ٥٨.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«زینت دهنده مرد، دانش و بردباری اوست.»

(و) زینت علم :

قال علیّ علیه السلام: «زینُ العِلْمِ الحِلْمُ»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «زینت دانش، حلم و بردباری است.»

(ز) کثرت علم :

قال علیّ علیه السلام: «حُسْنُ الحِلْمِ دَلِيلُ وُقُورِ العِلْمِ»^(۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«خوبی بردباری، دلیل فراوانی علم و دانش است.»

(ح) رأس علم :

قال علیّ علیه السلام: «رَأْسُ العِلْمِ الحِلْمُ»^(۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «ریشه و اصل دانش، بردباری است.»

(ط) کمال ایمان :

قال علیّ علیه السلام: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِيمَانُهُ العَقْلُ و العِلْمُ و الحِلْمُ»^(۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«سه چیز است که در هر کس باشد، ایمانش کامل و تمام است: ۱- عقل و خرد؛ ۲- علم و دانش؛ ۳- حلم و بردباری.»

ص: ۳۹۰

۱- غرر الحکم، ح ۶۴۲۳.

۲- همان، ح ۶۴۲۶.

۳- همان، ح ۶۴۲۷.

اشاره

قال علیُّ علیه السلام فی قوله تعالی: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) (۱):

«العَدْلُ: الْإِنصَافُ، وَالْإِحْسَانُ: التَّفْضِيلُ». (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «خدا به عدل و احسان فرمان می دهد» فرمود:

«عدل، همان انصاف، و احسان، همان بخشش است.»

بالاترین احسان

قال علیُّ علیه السلام: «إِنَّ مُقَابِلَهُ الْأَسَاعِهِ بِالْإِحْسَانِ وَتَعَمُّدِ الْجَرَائِمِ بِالْعُفْرِانِ لِمَنْ أَحْسَنَ الْفَضَائِلِ وَأَفْضَلَ الْمَحَامِدِ». (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«همانا بدی را با احسان پاسخ دادن و گناهان را با گذشت و عفو پوشاندن، از بهترین فضیلت ها و برترین صفات ستوده است.»

احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان

قال علیُّ علیه السلام: «إِنَّكَ إِنْ أَحْسَنْتَ فَنَفْسُكَ تُكْرَمُ، وَإِلَيْهَا تُحْسَنُ إِنَّكَ إِنْ أَسَأْتَ فَنَفْسُكَ تَمْتَهَنُ وَإِيَّاهَا تَعْبَنُ.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«تو اگر نیکی کنی خودت را گرامی داشته ای و به خودت نیکی کرده ای، و اگر بدی کنی خودت را خوار کرده ای و به خودت زیان رسانده ای.»

ص: ۳۹۱

۱- .سوره نحل، آیه ۹۰.

۲- . نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۹، ح ۲۱.

۳- . غرر الحکم، ح ۸۸۷۷.

الف) موجب محبت :

قال علي عليه السلام: «سببُ المحبّة الأُحسانُ»^(١)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «احسان کردن، سبب محبت است.»

ب) حُسن عاقبت :

قال علي عليه السلام: «من أحسن إلى الناس حَسُنَتْ عواقبُهُ و سَهَلَتْ لَهُ طُرُقُهُ»^(٢)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «هر که به مردم احسان کند، عاقبت [کارهای] او آسان شود، و راه های او آسان گردد.»

ج) موجب بزرگواری :

قال علي عليه السلام: «مع الأُحسان تُكُونُ الرُّفْعَةُ»^(٣)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«احسان و نیکی کردن، بزرگواری و سربلندی به همراه دارد.»

د) بهترین توشه قیامت :

قال علي عليه السلام: «نعم زادُ المعاد الأُحسانُ إلى العباد»^(٤)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بهترین توشه برای معاد، نیکی کردن به بندگان خداوند است.»

ه) کثرت دوستان :

قال علي عليه السلام: «من كَثُرَ إِحْسَانُهُ، كَثُرَ خِدْمَتُهُ و أَعْوَانُهُ»^(٥)

ص: ۳۹۲

۲- همان، ح ۸۳۴.

۳- همان، ح ۸۰۸.

۴- همان، ح ۷۶۸.

۵- همان، ح ۸۳۳.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«آن که بسیار نیکوکار باشد، خدمت گزاران و یارانش بسیار شوند.»

بالاترین فضیلت انسان

قال علیُّ علیه السلام: «حَفِظُ اللِّسَانِ وَ بَدَلُ الْإِحْسَانِ مِنْ أَفْضَلِ فَضَائِلِ الْإِنْسَانِ.»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«نگاهداشتن زبان [از گناهان] و بذل و عطای احسان، از برترین فضیلت های آدمی است.»

بالاترین اعمال

قال علیُّ علیه السلام :

«شَيْئَانِ لَا يُوَازِنُهُمَا عَمَلٌ: حُسْنُ الْوَرَعِ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ.»^(۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«دو چیز است که هیچ عملی با آنها هم وزن نمی شود: ۱- پرهیزکاری نیکو؛ ۲- احسان به مؤمنان.»

ص: ۳۹۳

۱- . غرر الحکم، ح ۴۱۸۱.

۲- . همان، ح ۸۷۱۰.

اشاره

قال علی علیه السلام: «إِذَا أُمِّلْتُمْ فَتَجَرُّوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ» (۱).

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«هر گاه تهی دست شدید، با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید.»

آثار و برکات «صدقه»

الف) زیاد کردن روزی:

قال علی علیه السلام: «اسْتَنْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (۲).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «با صدقه دادن، روزی را [بر خود] نازل کنید.»

ب) درمان بیماری ها:

قال علی علیه السلام: «الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ، وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَالِهِمْ» (۳).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «صدقه دادن دارویی مؤثر است، و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه گر است.»

در حدیث است که مردی به امام کاظم علیه السلام از عیال واری خود و این که همه آنها بیمارند شکوه کرد، حضرت فرمود:

«آنها را با صدقه درمان کن؛ زیرا هیچ چیز زودتر از صدقه به درگاه خدا پذیرفته نمی شود، و برای بیماری دارویی سودمندتر از صدقه نیست.» (۴)

ص: ۳۹۴

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۷۲، ح ۱۲۲۷۱؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۱، الباب التاسع و العشرون.

۲- غرر الحکم، ح ۹۱۳۶.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۸، ح ۱۲.

۴- میزان الحکمه، باب الصَّدَقَةِ، ح ۱۰۳۶۶.

ج) نزول رحمت :

قال عليّ عليه السلام: «الصدقة تستنزل (تنزل) الرحمه» (١)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «صدقه، رحمت الهی را نازل می نماید.»

د) دفع بلا :

قال عليّ عليه السلام: «الصدقة تستدفع البلاء و النقمه» (٢)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«صدقه دادن، بلا و عقوبت را دفع می کند.»

ه) برکت در روزی :

قال عليّ عليه السلام: «بركة المال في الصدقه» (٣)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«افزونی و برکت مال، در صدقه دادن است.»

و) دفع فقر :

قال عليّ عليه السلام: «داؤوا الجور بالعدل و داؤوا الفقر بالصدقه و البذل» (٤)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«ستم را به وسیله عدل، و فقر را به صدقه دادن و بخشش، مداوا کنید.»

ز) محو کردن گناهان :

قال الصادق عليه السلام: «إن صدقه اللیل تُطفئ غضب الربّ و تمحو الذنب العظيم و تُهون الحساب و صدقه النهار تُثمر

المال و تزيد في العمر» (٥)

- ١- . غرر الحكم، ح ٩١٣٤.
- ٢- . همان، ح ٩١٣٥.
- ٣- . همان، ح ٩١٤٢.
- ٤- . همان، ح ٧٨٥٤.
- ٥- . كافي، ج ٤، ص ٩، ح ٣؛ ثواب الأعمال، ص ١٧٤، ح ٢.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«صدقه دادن در شب، خشم خدا را فرومی نشاند و گناه بزرگ را پاک می کند و حساب را آسان می گرداند؛ و صدقه دادن در روز، مال و ثروت می آورد و عمر را زیاد می کند.»

فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا

قال علی علیه السلام: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوْسَلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ وَصَدَقَهُ النَّيِّرَ فَإِنَّهَا تُكْفِّرُ الْخَطِيئَةَ وَصَدَقَهُ الْعَلَانِيَةَ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِثَّةَ السُّوءِ»^(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«بهترین وسیله ای که متوسلین به خدای سبحان به آن توسل پیدا می کنند، ایمان به خدا و رسول اوست و صدقه نهانی، گناهان را پاک می کند و صدقه آشکار، که از مرگ ناگهانی و دلخراش جلوگیری می کند.»

ص: ۳۹۶

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۰۰، ح ۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۸، ح ۶۸، ح ۲۱۵۶۸؛ امالی طوسی، ص ۲۱۶، مجلس ثامن.

اشاره

و سُئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ :

«لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ، وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ، وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمَدَتَ اللَّهُ وَ إِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرْتَ اللَّهُ» (۱)

از امیرمؤمنان علی علیه السلام سؤال شد: خیر چیست؟ حضرت فرمود:

«خوبی آن نیست که مال و فرزندت بسیار شود، بلکه خیر آن است که علم و دانش تو فراوان و بردباری تو عظیم گردد و با پرستش خداوند در میان مردم افتخار کنی؛ پس اگر کار نیکی انجام دهی، شکر خدا را به جای آوری و اگر کار بدی انجام دادی از خدا طلب آمرزش کنی.»

آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است

قال عليّ عليه السلام: «أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: صَدَقَ حَدِيثٌ وَ أَدَاءُ أَمَانَةٍ وَ عَفَّةٌ بَطْنٍ وَ حُسْنُ خُلُقٍ» (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «چهار چیز است که به هر کس داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: ۱- راستگویی؛ ۲- امانتداری؛ ۳- عفت شکم و پاکدامنی؛ ۴- خوش خلقی.»

بهترین کارها

قال عليّ عليه السلام :

«خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلَتْ مَبَادِئُهُ وَ حَسُنَتْ خَوَاتِمُهُ وَ حُمِدَتْ عَوَاقِبُهُ» (۳)

ص: ۳۹۷

۱- . نهج البلاغه، حکمت صلی الله علیه و آله؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۴۰، ح ۵.

۲- . غرر الحکم، ح ۴۲۸۲.

۳- . همان، ح ۱۸۵۹.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «بهترین کارها آن است که ابتدایش آسان و انتهایش نیکو و عاقبتش پسندیده باشد.»

اهمیت شناخت «خیر و شر»

قال علیُّ علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْبَهِيمَةِ»^(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

«هر کس کار خیر را از کار شرّ نشناسد، همانند چهارپایان است.»

آنچه با آن خیر دنیا و آخرت به دست می آید

۱- ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» :

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«"لا حول و لا قوه الا بالله" كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ مَنْ قَالَهَا نَظَرَ اللهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ نَظَرَ اللهُ إِلَيْهِ أَعْطَاهُ اللهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^(۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«"لا حول و لا قوه الا بالله"، گنجی از گنج های بهشت است؛ هر که آن را بگوید، خداوند به او نظر لطف بنماید، و هر که خداوند به او نظر لطف کند، خیر دنیا و آخرت را به او می بخشد.»

۲- شکیبایی و شکرگزاری :

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «خَصْلَتَانِ مِنْ رِزْقِهِمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: مَنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ»^(۳)

ص: ۳۹۸

۱- تحف العقول، ص ۹۹؛ کافی، ج ۸، ص ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۹۰؛ أمالی صدوق، ص ۳۲۰؛ مجلس ۵۲، ح ۸.

۲- فردوس دیلمی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۷۲۸۵.

۳- تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۲۴۷.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«دو خصلت است که به هر که داده شده باشد، خیر دنیا و آخرت را به او داده اند: ۱- کسی که چون مبتلا [به مصیبتی] شود، صبر کند؛ ۲- کسی که چون به او عطا شود، سپاسگزار باشد.»

۳- حُسن خلق :

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بَخِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«همانا خوش خلقی، خیر دنیا و آخرت را به همراه خود دارد.»

۴- قرائت سوره «طور» :

قال الصادقُ علیه السلام: «مَنْ قرأ سُورَةَ الطُّورِ، جَمَعَ اللهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^(۲)

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس سوره "طور" را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می آورد.»

ص: ۳۹۹

۱- . بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۴، ح ۲۳؛ خصال، ج ۱، ص ۴۲، ح ۳۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۵، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۴، ح ۱۵۹۳۳.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۶، ح ۷۸۸۶؛ ثواب الأعمال، ص ۱۴۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۴.

بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام

- «شَرُّ الْأَفْعَالِ مَا جَلَبَ الْأَثَامَ» (۱)؛

«بدترین کردارها آن است که گناهان را جلب نماید.»

- «شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا أُكْسِبَ الْمَذَامَ» (۲)؛ «بدترین مال ها، مالی است که مذمت

و نکوهش (برای صاحبش) بار آورد.»

- «شَرُّ الْأَفْعَالِ مَا هَدَمَ الصَّنِيعَةَ» (۳)؛

«بدترین کردارها آن است که نیکی را از بین ببرد.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ» (۴)؛

«بدترین مردم کسی است که به مردم ستم روا دارد.»

- «شَرُّ مَالٍ لَمْ يُنْفَقْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْهُ وَ لَمْ تُؤَدَّ زَكَاتُهُ» (۵)؛ «بدترین اموال،

مالی است که در راه خدا انفاق نگردد و زکاتش داده نشود.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَلَا يُقِيلُ الذَّنْبَ» (۶)؛

«بدترین مردم کسی است که پوزش را نمی پذیرد و از گناه نمی گذرد.»

- «شَرُّ مَنْ صَاحَبَتِ الْجَاهِلُ» (۷)؛

«بدترین مصاحب و همراه، شخص نادان است.»

- «شَرُّ الْعَمَلِ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ مَعَادُكَ» (۸)؛

«بدترین اعمال آن است که آخرت را با آن از بین ببری.»

- «شَرُّ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ تَتَكَلَّفُ لَهُ» (۹)؛

«بدترین دوستان تو کسی است که برای او به زحمت و سختی بیفتی.»

- «شَرُّ الْعِلْمِ عِلْمٌ لَا يُعْمَلُ بِهِ» (۱۰)؛

- ١- . غرر الحكم، ح ٣٠٠٤.
- ٢- . همان، ح ٨٣٥٢.
- ٣- . همان، ح ٨١٦٣.
- ٤- . همان، ح ١٠٣٩٣.
- ٥- . همان، ح ٨٣٥٤.
- ٦- . همان، ح ١٠٢٤٦.
- ٧- . همان، ح ٩٨٦٦.
- ٨- . همان، ح ٣٠٠٥.
- ٩- . همان، ح ٩٥٨١.
- ١٠- . همان، ح ١٦٩.

«بدترین علم، علمی است که به آن عمل نشود.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ» (۱)؛ «بدترین مردم

کسی است که اعتقاد به امانت داری ندارد و از خیانت کاری نمی پرهیزد.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعًا لِعُيُوبِ النَّاسِ عَمِيًّا عَنْ مَعَايِبِهِ» (۲)؛ «بدترین

مردم کسی است که عیوب مردم را دنبال کند و عیوب خود را نبیند.»

- «شَرُّ الْقُلُوبِ الشَّاكُّ فِي إِيْمَانِهِ» (۳)؛ «بدترین دل ها آن است که در ایمانش

دچار شک گردد.»

- «شَرُّ الْمُحْسِنِينَ الْمُؤْمِنِينَ بِإِحْسَانِهِ» (۴)؛ «بدترین نیکوکاران کسی است که با

نیکی خود بر مردم منت گذارد.»

- «شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا» (۵)؛ «بدترین فتنه ها، دوستی دنیا است.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَافَى عَلَى الْجَمِيلِ بِالْقَبِيحِ وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَافَى عَلَى الْقَبِيحِ بِالْجَمِيلِ» (۶)؛ «بدترین مردم کسی است که

نیکی را به بدی پاداش دهد،

و بهترین مردم کسی است که بدی را با نیکی پاسخ گوید.»

- «شَرُّ آفَاتِ الْعُقْلِ الْكِبْرُ» (۷)؛ «بدترین آفت های عقل، بزرگی بینی است.»

ص: ۴۰۱

۱- . غرر الحکم، ح ۱۰۵۲۸.

۲- . همان، ح ۹۶۵۳.

۳- . همان، ح ۹۱۲.

۴- . همان، ح ۸۹۲۹.

۵- . همان، ح ۲۴۵۳.

۶- . همان، ح ۱۱۰۵۰.

۷- . همان، ح ۸۴۹.

- «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعُ» (۱)؛ «بهترین علم آن است که نفعی ببخشد.»

- «خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْاِثَارُ» (۲)؛ «بهترین نیکی ها، اثار است.»

- «خَيْرُ الْاِخْتِيَارِ صُحْبَةُ الْاِخْيَارِ» (۳)؛

«بهترین برگزیدن ها، همنشینی با نیکان است.»

- «خَيْرُ الْبِرِّ مَا وَصَلَ اِلَى الْاِخْرَارِ» (۴)؛

«بهترین نیکی ها آن است که به آزادمردان برسد.»

- «خَيْرُ الثَّنَاءِ مَا جَرَى عَلَيَّ اَلْسِنَةُ الْاَبْرَارِ» (۵)؛

«بهترین ستایش ها آن است که بر زبان نیکان جاری گردد.»

- «خَيْرُ اَمْوَالِكَ مَا وَقَى عَرَضَكَ» (۶)؛

«بهترین اموال تو آن است که آبرویت را نگهدارد.»

- «خَيْرُ الْعُلُومِ مَا اَصْلَحَكَ» (۷)؛

«بهترین علم ها آن است که تو را اصلاح کند.»

- «خَيْرُ الضَّحْكَ التَّبَسُّمُ» (۸)؛ «بهترین خنده، تبسم است.»

- «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا قَارَنَهُ الْعَمَلُ» (۹)؛

«بهترین علم آن است که همراه با عمل باشد.»

- «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمَلُّ وَلَا يَقْلُّ» (۱۰)؛ «بهترین سخن، سخنی است که

شنونده را خسته نسازد و از گوینده نکاهد.»

- «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا أَدَّى إِلَى الْاِخْلَاصِ» (۱۱)؛ «بهترین امور، اموری است که

- ١- . غرر الحکم، ح ١٨١.
- ٢- . همان، ح ٨٤٧٠.
- ٣- . همان، ح ٩٧٧٩.
- ٤- . همان، ح ٨٨٩٤.
- ٥- . همان، ح ٧٥٣٠.
- ٦- . همان، ح ٥٣٩٠.
- ٧- . همان، ح ١٨٢.
- ٨- . همان، ح ٤٤٦٣.
- ٩- . همان، ح ١٨٣.
- ١٠- . همان، ح ٤٠٥٣.
- ١١- . همان، ح ٢٩٣٣.

انسان را به سوی رهایی کشاند.»

- «خَيْرُ الْبِرِّ مَا وَصَلَ إِلَى الْمُحْتَاكِ» (۱)؛

«بهترین نیکی ها (صدقه ها) آن است که به نیازمند برسد.»

- «خَيْرُ الصَّدَقَةِ أَخْفَاهَا» (۲)؛ «بهترین صدقه، صدقه دادن پنهانی است.»

- «خَيْرُ النَّفْسِ أَرْكَاهَا» (۳)؛ «بهترین جان ها، پاک ترین آنهاست.»

- «خَيْرُ الْأَخْتِيَارِ مُوَادَّةُ الْأَخْيَارِ» (۴)؛

«بهترین برگزیدن ها، دوستی با نیکان است.»

- «خَيْرُ الْأَخْوَانِ مَنْ لَا يُخَوِّجُ إِخْوَانَهُ إِلَى سُوءٍ» (۵)؛ «بهترین برادران

(دوستان)، کسی است که برادرانش را نیازمند دیگران نگرداند.»

- «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ» (۶)؛

«بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.»

- «خَيْرُ الْعِبَادِ مَنْ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ» (۷)؛

«بهترین بندگان خدا کسی است که اگر خوبی کند شادمان باشد، و اگر بدی کند از خدا طلب آمرزش نماید.»

- «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ» (۸)؛

«بهترین ارثی که پدران به پسران می دهند، ادب است.»

- «خَيْرُ الْعَطَاءِ مَا كَانَ عَنْ غَيْرِ طَلْبٍ» (۹)؛

«بهترین بخشش آن است که بدون درخواست باشد.»

- «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي يُسْرَةٍ سَخِيًّا شُكُورًا» (۱۰)؛ «بهترین مردم کسی

است که در هنگام آسایش، بخشنده و سپاسگزار باشد.»

- ١- . غرر الحکم، ح ٨١٩٥.
- ٢- . همان، ح ٩١٤٥.
- ٣- . همان، ح ٤٨٤٤.
- ٤- . همان، ح ٩٧٨٠.
- ٥- . همان، ح ٩٥٢٩.
- ٦- . همان، ح ١٠٣٥٢.
- ٧- . همان، ح ٨٧٠٢.
- ٨- . همان، ح ٩٣٤٧.
- ٩- . همان، ح ٨٥٠٨.
- ١٠- . همان، ح ٨٤٧١.

- «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي عُسْرِهِ مُؤَثِّرًا صَبُورًا» (١)؛

«بهترین مردم کسی است که هنگام دشواری، ایثارگر و صابر باشد.»

- «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا عَرَى عَنِ الطَّمَعِ» (٢)؛

«بهترین کارها آن است که از طمع خالی باشد.»

- «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلَتْ مَبَادِيهَ وَ حَسَّنَتْ خَوَاتِمَهُ وَ حَمَدَتْ عَوَاقِبَهُ» (٣)؛

«بهترین کارها آن است که ابتدایش آسان و انتهایش نیکو و عاقبتش پسندیده باشد.»

ص: ٤٠٤

١- . غرر الحکم، ح ٨١٩٩.

٢- . همان، ح ٦٦٩٠.

٣- . همان، ح ١٨٥٩.

فصل سیزدهم

اشاره

ص: ۴۰۵

(و إذ ابتلى إبراهيم ربه بكلماتٍ فاتمهنّ قال إني جاعلك للناس إماماً) (۱)

«[و به خاطر آورید] هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند به او فرمود: "من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!"»

امام کیست؟

امام به کسی گفته می شود که پیشوای گروهی باشد و سرپرستی و رهبری آنان را بر عهده بگیرد و آن گروه به افعال و گفتار و سیره او عمل و اقتدا کنند.

در تعریف «امام» آمده است: «امام کسی است که از سخن و کارهایش پیروی نمایند، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن.» (۲)

امامت چیست؟

امامت عهد و پیمانی از جانب خداوند و منصبی الهی است که مردم هیچ گونه دخالتی در آن ندارند. امامت، ریاست عمومی و کاملی در تمام امور دین و دنیا است. علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در آثار خویش به مفهوم و

ص: ۴۰۷

۱- .سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲- .ر.ک: مفردات قرآن، ص ۸۷.

معنای امامت اشاره کرده اند، که بعضی از تعریف ها مطابق عقیده اهل تسنن است، اما از جامع ترین تعاریف در مورد امامت می توان به عبارت زیر اشاره کرد :

«هی مَنْصَبُ إلهی حائزٌ لجمع الشُّونِ الکریمه و الفضائلِ إِلَّا التُّبُّوَه و ما يُلازمُ تَلکَ المَرْتَبه السامیه.»

«امامت یک منصب الهی است که تمام شئون والا و فضائل را جز نبوت و آنچه لازمه آن مرتبه عظیمه است در بردارد.»^(۱)

چرا به امام معصوم احتیاج داریم؟

دلایل زیادی برای نیاز جامعه به امام معصوم بیان شده است. برخی از دلایل را می توان به صورت زیر شماره کرد :

۱- تقویت شناخت عقلی به وسیله بیان نقلی؛ به این ترتیب که انسان با نیروی عقل بسیاری از حقایق را چه در اصول و چه در فروع دین درک می کند، ولی گاه در اعماق دلش وسوسه هایی وجود دارد و همین تزلزل مانع از اعتماد بر آن و انجام آن می گردد، امّا هنگامی که این احکام عقلی با بیان پیشوایان معصوم الهی تأیید و تقویت شود، هر گونه ابهام و تزلزل زدوده خواهد شد و انسان با قوت قلب به سراغ انجام آن می رود.

۲- گاه انسان از انجام کارهایی بیم دارد؛ چرا که می ترسد عمل او برخلاف رضای خدا و موجب تصرف در قلمرو و حاکمیت الهی باشد؛ بیان پیشوایان الهی این بیم و ترس را زایل می کند.

۳- تمام اعمال انسان در محدوده «حُسن و قبح عقلی» جمع نمی شوند، و چه بسیارند اموری که عقل انسان حُسن و قبح آن را درک نمی کند؛ در این جا باید دست به دامان پیشوایان الهی شد و خوبی و بدی آنها را با راهنمایی آنان درک نمود.

ص: ۴۰۸

۱- احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۰۰، پ ۱.

۴- بعضی از اشیاء، مفید و بعضی زیان بخشند، و انسان تنها با فکر خود و بدون راهنمایی پیشوایان الهی قادر به درک سود و زیان همه آنها نیست؛ این جاست که به آنان احساس نیاز پیدا می کند.

۵- انسان یک موجود اجتماعی است؛ یعنی بدون همکاری و تعاون با دیگران قادر به حل مشکلات زندگی خود نیست. این نکته نیز مسلم است که اجتماع بدون داشتن قوانینی که حقوق همه افراد را حفظ کند و آنها را در مسیر صحیح پیش ببرد، سامان نخواهد یافت و به کمال مطلوب نخواهد رسید. تشخیص این قوانین به طور صحیح و سپس اجرای آنها جز به وسیله رهبران آگاه و پاک و معصوم الهی صورت نخواهد گرفت.

۶- انسان ها در درک کمالات و تحصیل علوم و معارف و کسب فضایل متفاوتند؛ بعضی توانایی حرکت در این مسیر را دارند و بعضی عاجز و ناتوانند؛ رهبران الهی گروه اول را تقویت می کنند و گروه دوم را مدد می دهند تا هر دو گروه به کمال ممکن برسند.

۷- نوع انسان برای سامان دادن به زندگی خود نیازمند وسایل، صنایع و علوم است؛ رهبران الهی می توانند بنیانگذار و محرک انسان ها در وصول به این هدف گردند.

۸- مراتب اخلاق در انسان ها متفاوت است و برای پرورش این فضایل تنها راه، رهبران پاک و معصوم الهی هستند.

۹- پیشوایان الهی از ثواب و عقاب و پاداش و کیفر الهی در برابر طاعت و گناه آگاهی کامل دارند و هنگامی که دیگران را از این امور آگاه کنند، انگیزه نیرومندی برای انجام وظایف در آنان پیدا می شود. (۱)

خداوند متعال امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندان بزرگوارش را جانشین خود در زمین قرار داده است و امامت که امری الهی است و به ظالمان

ص: ۴۰۹

نمی رسد را در نسل آن حضرت قرار داده است. اگر چه ادله امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام بسیار زیاد است و نمی توان همه آنها را در این مختصر جمع آوری کرد، ولی در این بخش، به چهارده حدیث معتبر در مورد امامت و ولایت و فضایل امیرمؤمنان علی علیه السلام اشاره می کنیم.

ص: ۴۱۰

قال علیُّ علیه السلام: قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ كَهَاتَيْنِ - وَضَمَّ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ -»
فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ عِثْرَتُكَ؟» قَالَ: «عَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ :
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود :

«من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می گذارم؛ قرآن و عترتم که اهل بیت من هستند، و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که بر من در کنار حوض کوثر، وارد گردند، مانند این دو - و دو انگشت سبابه را به هم چسبانید-». آن گاه جابر بن عبدالله انصاری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! عترت تو چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: «علی، حسن، حسین و امامان از نسل حسین علیهم السلام تا روز قیامت.»

حدیث ثقلین از احادیث متواتر و مُسَلَّم بین خاصّه و عامّه است و به عبارت های مختلف نقل شده است. علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، سی و نه حدیث از اهل تسنن و هشتاد و دو حدیث از شیعه در این باره نقل کرده است.

معنای لغوی «ثقلین»

در تاج العروس، ذیل ماده «ثقل» چنین آمده است :

«الثَّقَلُ مُتَحَرِّكَةٌ: مَتَاعُ الْمُسَافِرِ وَ حَشْمَةٌ وَ الْجَمْعُ أَثْقَالٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَطِيرٍ نَفِيسٍ مَصُونٍ لَهُ قَدْرٌ وَ وَزْنٌ ثَقُلَ عِنْدَ الْعَرَبِ.»

ثقل - با فتحه قاف، - به معنی متاع مسافر و خدمتکاران اوست و جمع

ص: ۴۱۱

آن «اثقال» است، و هر چیزی که دارای اهمّیت و نفاست است و باید محفوظ و مصون بماند و دارای وزن و ارزش است، عرب آن را ثقل گوید.

در نهاییه ابن اثیر نیز در این باره چنین آمده است :

«رسول خدا صلی الله علیه و آله "کتاب و عترت" را دو ثقل نامید به علّت آن که گرفتن آن دو سنگین است و به هر چیز خطیر [نفیس] ثقل گفته می شود و به جهت بزرگداشت میزان قدر آنها و اهمّیت و مقام بلند و رفیع آنها، پیغمبر آن دو را ثقل نامید.»^(۱)

اهمّیت حدیث ثقلین و تکرار آن

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در موارد گوناگون مردم را به پیروی از کتاب و عترت امر می فرمودند، از جمله :

۱. هنگام برگشت از طائف؛^(۲)

۲. در حجّه الوداع (عرفات)؛^(۳)

۳. در روز غدیر خم؛^(۴)

۴. هنگام وفات.^(۵)

این تأکید و تکرار، بیانگر عظمت کتاب و عترت و اهمّیت پیروی از آنهاست.

ص: ۴۱۲

۱- «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابِ اللَّهِ وَعُتْرَتِي وَسَمَاهُمَا ثَقَلَيْنِ لِأَنَّ الْأَخْذَ بِهِمَا ثَقِيلٌ وَيُقَالُ لِكُلِّ خَطِيرٍ [نَفِيسٍ] ثَقْلٌ فَسَمَاهُمَا ثَقَلَيْنِ أَعْظَامًا لِقُدْرَتِهِمَا وَتَفْخِيمًا لِشَأْنِهِمَا.» النهایه، ج ۱، ص ۲۱۶، ماده ثقل.

۲- الصّواعق المحرقة، ص ۶۴.

۳- صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱؛ کنز العمّال، ج ۱، ص ۴۸؛ نوادر الأصول، ص ۶۸؛ معجم الکبیر، ج ۳، ص ۶۳، برقم ۲۶۷۹.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۷؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۳۱۰؛ سنن الکبری، ج ۲، ص ۱۴۸؛ تاریخ (ابن کثیر)، ج ۵، ص ۲۰۹.

۵- الصّواعق المحرقة، ص ۸۹.

۱- اهل بیت علیهم السلام افضل و اشرف از تمام مردم

در این حدیث شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کتاب خدا و عترت خود را قرین و عدیل یکدیگر قرار داده و فرموده که این دو چیز سنگین و گرانقدر تا روز قیامت از همدیگر جدا نمی شوند و هر که به این دو متمسک شود از ضلالت و گمراهی نجات می یابد. روشن است که اگر در میان امت پیغمبر، فردی افضل از اهل بیت: می بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به تمسک به اهل بیت امر نمی فرمود. حال که آن حضرت تنها به تمسک به همین دو چیز امر فرموده، می رساند که این دو از همه چیز افضلند و اهل بیت علیهم السلام نیز بر تمام ابنای بشر اشرفیت و افضلیت دارند.

۲- اهل بیت علیهم السلام معصوم از هر خطا و لغزش اند

از این عبارت که: «عترت از قرآن جدا نمی شود و تمسک به آنها امان از گمراهی است»، استفاده می شود که عترت باید معصوم باشند؛ برای آن که اگر معصوم نباشند، تمسک به آنان موجب نجات از گمراهی نخواهد بود. از دیگر سو، اگر آنان معصوم نباشند از قرآن نیز جدا خواهند شد. پس اهل بیت باید معصوم بوده باشند که هیچ وقت از قرآن جدا نشوند. هم چنین باید معصوم باشند تا تمسک به آنان موجب رهایی از ضلالت باشد.

۳- اهل بیت علیهم السلام آگاه به تمام علوم قرآن

از این حدیث استفاده می شود که عترت باید به تمام علوم قرآن عالم باشند؛ برای این که اگر بعضی از مسایل و علوم قرآن را ندانند، در آنچه نمی دانند از قرآن جدا می شوند؛ چون جاهل از آنچه نمی داند جداست و در این فرض که بعضی را نداند، تمسک به آنان مصونیت از ضلالت نمی آورد.

۴- اهل بیت علیهم السلام خلیفه خدا و رسول اویند

این نکته از آن آشکار می شود که در بعضی از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جای «دو چیز سنگین» فرمودند: «من "دو خلیفه" را در میان شما می گذارم: کتاب خدا و عترت پاکیزه ام»

۵- هدایت و سعادت فقط منحصر در تمسک به ثقلین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مادامی که به آن دو متمسک شوید، هرگز گمراه نخواهید شد.» از این کلام نورانی استفاده می شود که راه هدایت منحصر در این دو چیز گرانقدر است و هیچ چیز دیگری نمی تواند جایگزین آنها شود.

ص: ۴۱۴

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«أنت منِّي بمنزله هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«مقام و منزلت تو نسبت به من همانند هارون به موسی است، جز این که بعد از من پیغمبری نخواهد بود.»

حدیث منزلت از جمله احادیثی است که با سندهای معتبر بسیار زیادی از شیعه و سنی ذکر شده و بسیاری از بزرگان اهل تسنن اتفاق بر صحیح بودن این حدیث دارند. از جمله، ابن عبدالبر می نویسد: «و روی قوله ۹: أنت منِّي بمنزله هارون من موسى جماعة من الصحابه و هو أثبت الآثار و أصحها و طُرق حدیث سعد فيه كثيرة جدًّا.» (۲)

«جماعتی از صحابه حدیث منزلت را نقل کرده اند و آن از ثابت ترین و صحیح ترین آثار رسیده از پیامبر اسلام است و راه های حدیث "سعد" درباره این حدیث جدًّا بسیار زیاد است.»

حاکم حسکانی می گوید: «استاد ما، ابوحازم حافظ، درباره حدیث منزلت می گوید: من آن را با پنج هزار سند نقل کرده ام.» (۳)

و همچنین علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، با یکصد طریق از اهل تسنن و هفتاد طریق از شیعه حدیث منزلت را نقل می کند.

این حدیث بیان گر آن است که هر مقامی را که هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام داشته - به استثنای مقام نبوت - برای علی علیه السلام نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت است.

ص: ۴۱۵

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۳۲، به نقل از: السیره (ابن هشام)، ج ۲، ص ۵۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۵۶؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۹؛ حلیه الأولیاء، ج ۷، ص ۱۹۶؛ ذخایر العقبی، ص ۶۳.

۲- . استیعاب، قسم ثالث، ص ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

۳- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۵.

اشاره

خداوند متعال می فرماید :

(واجعل لی وزیراً منْ أهلی * هارون أخی * اشدُّ به أزری * و أشركه فی أمری)(۱)

«و قرار بده برای من وزیری از خاندان خودم. هارون برادرم را وزیرم قرار بده و به وسیله او پشتم را محکم کن و او را در کار من شریک کن.»

و در سوره اعراف، آیه ۱۴۲ می فرماید :

(و قال موسى لآخیه هارون اخلفنی فی قومی و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین).

«و گفت موسی به برادرش که جانشین من در قومم باش و امور و کارهایشان را اصلاح کن و از مفسدین پیروی مکن.»

خداوند متعال در این آیات، پنج منزلت را برای هارون بیان فرموده است و طبق حدیث منزلت، چون منزلت علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله همانند منزلت هارون نسبت به موسی علیه السلام است، این پنج مقام نیز برای امیرمؤمنان علی علیه السلام ثابت است. پنج منزلت هارون، بر اساس آیات قرآن عبارتند از :

۱- وزیر بودن :

همان طور که هارون وصی و وزیر حضرت موسی علیه السلام بود، طبق حدیث منزلت، مقام وزارت برای امیرمؤمنان علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ثابت می شود.

۲- اخوت و برادری :

همان طور که خداوند مقام اخوت را برای هارون نسبت به موسی علیه السلام بیان می فرماید، این مقام برای امیرمؤمنان علی علیه السلام نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز طبق حدیث منزلت ثابت می شود.

۳- شرکت در امر :

همچنان که هارون شریک امور حضرت موسی علیه السلام

بود، این مقام به مقتضای حدیث منزلت برای امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز ثابت است.

۴- شدت ازر:

همچنان که موسی علیه السلام از خدا خواست که پشت او را به هارون محکم کند، مقام پشتیبانی کردن امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به مقتضای حدیث منزلت ثابت می شود.

۵- خلافت:

همان طور که هارون خلیفه حضرت موسی علیه السلام بود، به مقتضای این حدیث، خلافت بلافصل آن حضرت نیز ثابت می شود.

ص: ۴۱۷

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ.»^(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر فرمودند :

«هر کس من مولای او هستم، پس علی علیه السلام مولای اوست. خدایا! دوست بدار دوستان او را و دشمن بدار دشمنانش را.»

اسناد حدیث غدیر

حدیث غدیر، از احادیث مشهور بین شیعه و سنی است، و بسیاری از محدثان و دانشمندان به صحت حدیث غدیر و متواتر بودن آن تصریح کرده اند. اسناد و مدارک حدیث غدیر بیشتر از آن است که در این اندک اوراق گنجانده شود.

ابوالمعالی جونی (متوفای علیه السلام ۷۲ ه. ق) با تعجب بسیار می گوید :

«در بغداد در دست یک صحافی، یک جلد کتاب را دیدم که بر روی آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث "من كنت مولاة فعلی مولاة"، و بعد از این جلد، مجلد بیست و نهم خواهد بود.»^(۲)

حافظ عماد الدین ابن کثیر شافعی (متوفای علیه السلام ۷۴ ه. ق) می گوید :

«کتابی در دو جلد ضخیم دیدم که محمد بن جریر طبری در آن، [اسناد] حدیث غدیر را جمع آوری کرده بود.»^(۳)

علامه امینی در کتاب الغدیر، نام یکصد و ده تن از صحابه و هشتاد و

ص: ۴۱۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۵؛ احتجاج، ج ۱، ص ۶۰؛ إقبال الأعمال، ص ۴۵۶؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۶۹؛ مراجعات، ص ۳۶۴.

۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳۵.

۳- . همان، ج ۳۷، ص ۲۳۶.

چهار تن از تابعین را ذکر می کند که حدیث غدیر را نقل کرده اند.^(۱)

علامه سید هاشم بحرانی در کتاب غایه المرام، هشتاد و نه حدیث از اهل تسنن و چهل و سه حدیث از شیعه در این مورد نقل کرده است.

تصریح به تواتر حدیث غدیر

عده زیادی از دانشمندان شیعه و سنی به متواتر بودن حدیث «غدیر» تصریح کرده اند. از جمله، حافظ شهاب الدین ابوالفیض می گوید:

«حدیث "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ" به تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق شصت نفر رسیده است و اگر بخواهیم سندهای همه آنها را بیاوریم جدآ به طول خواهد انجامید، ولی به ناقلین آن، به جهت تمیم فایده اشاره خواهیم کرد، و هر کس که اراده نموده تا بر طُرُق و سندهای آن مطلع شود، به کتاب "المتواتر" ما مراجعه کند.»^(۲)

حافظ شهاب الدین می گوید: «حدیث غدیر، حدیثی متواتر است و اگر می خواستم سندهای آن را نقل کنم، سخن به درازا می کشید.»^(۳)

تصریح به صحت حدیث غدیر

عده بسیاری از علمای عامه (سُنی) به صحت حدیث «غدیر» تصریح کرده اند. از جمله، ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۴ ه. ق.) می گوید:

«حدیث غدیر، حدیث صحیحی است و هیچ گونه شکی در آن نیست و گروهی همچون "ترمذی و نسائی و احمد بن حنبل" آن را نقل کرده اند و طرق روایات آن بسیار فراوان است.»^(۴)

ص: ۴۱۹

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲- امام شناسی (رضوانی)، ج ۲، ص ۹۰، به نقل از: تشنیف الآذان، ص ۷۷.

۳- الغدیر، ج ۱، ص ۵۶۷، به نقل از: تشنیف الآذان، ص ۷۷.

۴- صواعق المحرقة، ص ۴۲.

ضیاء الدین مُقبلی (متوفای ۱۱۰۸ ه. ق) می گوید :

«اگر حدیث غدیر را معلوم و مسلم ندانیم، هیچ واقعه ای در دین اسلام قابل اثبات نیست.»^(۱)

بسیاری از دانشمندان اهل تسنن این حدیث را نقل کرده و آن را از احادیث متواتر و صحیح السیند می دانند، ولی گروهی برای رهایی از توابع و لوازم سخن نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این مطلب اصرار می کنند که «مولی» در حدیث غدیر، به معنی سرپرست و امام نیست؛ با این که قرائن متعددی برای اهل دقت وجود دارد که نشان می دهد که «مولی» به معنای امام و اولی به تصرف است که ما در فصل «فضایل امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه غدیر» به بعضی از آنها اشاره کردیم.

معنای حدیث غدیر در روایات معصومین علیهم السلام

ابواسحاق می گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: «مقصود از "مولا" در فرمایش پیامبر اکرم "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ" چیست؟» حضرت فرمود :

«به مردم اعلام کرد که علی علیه السلام بعد از او، صاحب منصب امامت و رهبری است.»

ص: ۴۲۰

۱- . هدایه العقول الی غایه السؤل، ج ۲، ص ۳۰.

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«أنا مدینةُ العِلْمِ و علیُّ علیه السلام بائها فمن أراد العِلْمَ فلیأت الباب.» (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«من شهر علم هستم و علی علیه السلام درب آن است؛ پس هر که خواهان علم است باید از درب آن وارد شود.»

این حدیث در بسیاری از منابع حدیثی شیعه و سنی ذکر شده و بسیاری از علمای خاصه و عامه به صحت آن اشاره کرده اند.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، حدیث «مدینه العلم» را با شانزده طریق از اهل تسنن و شش طریق از شیعه نقل می کند.

اعلمیت امیرمؤمنان علی علیه السلام از همه مردم

سعید بن مسیب می گوید: عمر همیشه به خدا پناه می برد از این که مشکلی علمی برای او پدید آید و امام علی علیه السلام در آن هنگام حاضر نباشد. به همین جهت همیشه می گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود.» (۲)

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«علیُّ علیه السلام أعلَمُ الأُمَّه بما أنزل اللهُ.» (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«علی علیه السلام از همه افراد امت به آنچه خدا فرو فرستاده داناتر است.»

ص: ۴۲۱

۱- .ر.ک: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۸۲، ح ۶۹؛ کفایه الطالب، ص ۹۹.

۲- .استیعاب، ج ۳، ص ۳۹.

۳- .احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۳۹۹.

امیرمؤمنان علی علیه السلام باب علم رسول خدا صلی الله علیه و آله

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«ما علمتُ شيئاً إلا علمتهُ علياً عليه السلام فهو بابُ مدینه علمی.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«من به هیچ چیز علم ندارم مگر این که آن را به علی علیه السلام آموختم؛ از این جهت علی علیه السلام دروازه علم من است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به امیرمؤمنان علی علیه السلام آموخت

عن أبي عبد الله عليه السلام قال :

«علم رسولُ الله صلی الله علیه و آله علياً عليه السلام حرفاً يفتحُ ألفَ حرفٍ، كُلُّ حرفٍ منها يفتحُ ألفَ حرفٍ.» (۲)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

«رسول خدا صلی الله علیه و آله حرفی به علی علیه السلام آموخت که هزار حرف از آن گشوده می شد، و هر حرفی به هزار حرف دیگر راه داشت.»

امیرمؤمنان علی علیه السلام دروازه شهر فقه است

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«أنا مدینهُ الفقه و عليٌّ عليه السلام بابُها فمن أراد العلمَ فليأتِ الباب.» (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«من شهر فقههم و علی علیه السلام دروازه آن است، هر که خواهان علم است باید از درب آن وارد شود.»

ص: ۴۲۲

-
- ۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۱.
 - ۲- . إختصاص، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۴۰؛ بصائر الدرجات، ص ۳۰۲، ح ۱.
 - ۳- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۵؛ تذکره الخواص، ص ۵۲.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«أنا مدينةُ الحُکْمه و علیٌّ علیه السلام بآبِها فمن أراد المدينه فلیأتِ إلی بابها» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«من شهر حکمت و علی علیه السلام درب آن است، هر که خواهان ورود به این شهر است باید از دروازه آن وارد شود.»

امیرمؤمنان علی علیه السلام راه رسیدن به علوم پیامبر صلی الله علیه و آله

از حدیث «مدینه العلم» استفاده می شود که هر کس می خواهد به علوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه پیدا کند، باید از راه امیرالمؤمنین علی علیه السلام برسد؛ همان گونه که قرآن نیز می فرماید: (وَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِهَا) (۲)؛ «و خانه ها را از درهای آن وارد شوید.»

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام حافظ و خزانه دار علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تمام علوم الهی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا شده در سینه امیرالمؤمنین علیه السلام جمع است. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است :

«هیچ علم و دانشی نیست مگر آن که خداوند آن را در من احصا فرموده. و هر علمی را که من می دانم، آن را در امام مبین، امیرالمؤمنین علیه السلام احصا کردم، و هیچ علمی نیست مگر آن که آن را به علی علیه السلام آموختم.» (۳)

ص: ۴۲۳

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۴.

۲- . سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۳- . إحتجاج، ج ۱، ص ۷۴.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«مثلُ أهلِ بیتی مثلُ سفینه نوحٍ من ركب فیها نجی و من تخلف عنها غرق.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح علیه السلام است؛ هر که بر آن سوار شود نجات خواهد یافت، و هر کس از آن تخلف کند غرق شود.»

و فی حدیثِ آخر قال صلی الله علیه و آله :

«یا علی! مثلک فی اُمتی کمثل سفینه نوحٍ من ركبها نجی و من تخلف عنها غرق.» (۲)

«ای علی! مثل تو در میان اُمت من، مثل کشتی نوح است؛ هر که بر آن سوار شود نجات یابد، و هر که تخلف ورزد غرق شود.»

علامه میرحامد حسین هندی در عبقات الأنوار، این حدیث را از نود و دو نفر از دانشمندان اهل سنت نقل کرده است. علامه سید هاشم بحرانی نیز در غایه المرام، به یازده طریق از عامه و هفت طریق از خاصه این حدیث را روایت کرده است.

تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نوح علیه السلام

تشبیه اهل بیت علیهم السلام به چنان کشتی در چنان شرایطی، بسیار پُر معنی است و حقایق زیادی را می تواند به ما بیاموزد، از جمله :

۱- بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اُمت اسلامی گرفتار طوفان هایی خواهد شد که بسیاری را در میان امواج خود غرق می کند.

ص: ۴۲۴

۱- . احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۷۲.

۲- . تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۶۰؛ خصال، ج ۲، ص ۵۷۳.

۲- برای رهایی از چنگال خطرانی که دین و ایمان و روح و جان مردم را تهدید می کند، تنها یک نقطه امید وجود دارد و آن کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام است، که تخلف و جدایی از آن به یقین مایه هلاکت است.

۳- جدا ماندن از یک وسیله نقلیه در یک بیابان ممکن است همیشه با مرگ همراه نباشد، بلکه انسان را شدیداً به زحمت بیفکند، ولی جدا شدن از کشتی نجات در یک دریای طوفانی اثری جز هلاکت و مرگ ندارد.

۴- شرط قرار گرفتن در کشتی نوح علیه السلام، ایمان و عمل صالح بود، و به همین دلیل، نوح به فرزندش پیشنهاد کرد که ایمان بیاورد و از کافران جدا شود و همراه او و یارانش بر کشتی سوار شود: (اَزْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تُكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ). بنابراین، شرط نجات این امت از طوفان بلاها و انحراف ها ایمان و یقین به موقعیت این کشتی نجات است.

۵- آنچه مایه نجات است، تنها محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام نیست که بعضی از دانشمندان اسلامی آن را مطرح کرده اند و می گویند همه مسلمین اهل بیت علیهم السلام را دوست می دارند و بزرگ می شمردند، بنابراین، همه اهل نجاتند.

بلکه سخن از پیروی آنها (در مقابل تخلف) است که در روایت آمده است، فرزند نوح به پدر محبت داشت ولی از او پیروی نمی کرد و هرگز محبت به او مایه نجاتش نشد (دقت کنید).^(۱)

ص: ۴۲۵

۱- .ر.ک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۸۴.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«سُدُّوا أَبْوَابَ الْمَسْجِدِ كُلِّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^(۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«همه درب های رو به مسجد به جز درب خانه علی علیه السلام را ببندید.»

هنگامی که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند، خانه ای نداشتند که در آن جا بخوابند و شب را سپری کنند، بنابراین این شب ها در مسجد مانده و در آن جا می خوابیدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «در حالی که محتلم می شوید در مسجد نخوابید.»

سپس اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در اطراف مسجد خانه هایی ساختند و درهای آن را رو به مسجد قرار دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل را به سوی آنان فرستاد تا درب خانه هایشان را ببندند، به جز حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی جان! تو در این مسجد بمان که پاک و پاکیزه هستی.»

وقتی این سخن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به گوش بعضی اصحاب رسید، گفتند: «ای محمد! ما را از مسجد بیرون می کنی و پسران عبدالمطلب را نگه می داری؟»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند، کسی جز او به من چنین امری نکرده است و من از جانب خدا مأمور شدم درب خانه های شما را ببندم و درب خانه علی بن ابی طالب علیه السلام را باز گذارم.»^(۲)

ص: ۴۲۶

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۴۱، به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۳؛ خصائص نسائی، ص ۱۳؛ حلیه الأولیاء، ج ۴، ص

۱۵۳؛ جامع الأصول، ج ۹، ص ۴۷۵؛ تذکره الخواص، ص ۴۶؛ ریاضالنضره، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۴۱ - ۵۸۶.

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث «سَدُّ الْأَبْوَابِ» می گوید: «سند این حدیث صحیح است.»^(۱)

علّامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، حدیث سَدُّ الْأَبْوَابِ را به بیست و نه طریق از اهل تسنّن و پانزده طریق از شیعه نقل کرده است.

حدیث خُوخه

گروهی از مخالفان مکتب حقیقت در مقابل این فضیلت امیرمؤمنان علی علیه السلام، حدیثی به نام «حدیث خُوخه» جعل نموده اند.

بخاری از دانشمندان اهل تسنّن نقل می کند که ابن عبّاس می گوید :

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران بیماری خود که به فوت آن حضرت انجامید، در حالی از خانه بیرون آمد که سر خود را با پارچه ای بسته بود. او پس از وارد شدن به مسجد، بر فراز منبر نشست. پس از آن که خدا را ستود و به او درود فرستاد، فرمود :

«در میان مردم کسی بخشنده تر از ابوبکر بن ابی قحافه نیست که جان و مالش را برای من ارزانی داشته باشد، اگر می خواستم از میان مردم دوستی برای خود برگزینم، به یقین ابوبکر را برمی گزیدم (!) ولی برادری و دوستی اسلامی برتر است. هر دریچه خانه ای را که به این مسجد باز می شود جز دریچه خانه ابوبکر نبندید.»^(۲)

ص: ۴۲۷

۱- مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۵، ح ۴۶۳۱.

۲- نگاهی به حدیث «سَدُّ الْأَبْوَابِ»، به نقل از: صحیح بخاری. برای بررسی ضعف اسناد حدیث خُوخه و جعلی بودن آن به کتاب مذکور مراجعه شود.

رَوَى عَنْ أُسَيْمَاءِ بِنْتِ عُمَيْسٍ أَنَّهَا قَالَتْ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَائِمٌ ذَاتَ يَوْمٍ وَرَأْسُهُ فِي حَجَرٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ففَاتَتْهُ الْعَصْرُ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ، فَقَالَ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْزُدْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ.»

قَالَتْ أُسَيْمَاءُ: فَرَأَيْتُهَا وَاللَّهِ غَرِبَتْ ثُمَّ طَلَعَتْ بَعِيدَ مَا غَرِبَتْ وَلَمْ يَبْقَ جَبَلٌ وَلَا أَرْضٌ إِلَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ حَتَّى قَامَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَوَضَّأَ وَصَلَّى ثُمَّ غَرِبَتْ. (۱)

از اسماء بنت عمیس نقل شده که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که سرش را در دامان علی علیه السلام نهاده بود به خواب رفت و نماز عصر از علی علیه السلام فوت شد، زیرا خورشید غروب کرده بود، پیامبر گفت:

«خدایا! علی همواره در اطاعت تو و اطاعت پیامبرت بوده است، خورشید را برای او بازگردان.»

اسماء می گوید: به خدا سوگند، خورشید که غروب کرده بود، دیدم پس از غروب، طلوع کرد و هیچ کوه و سرزمینی نبود مگر این که خورشید بر آن تابید تا آن که علی علیه السلام برخاست و وضو گرفت و نماز گزارد، آن گاه دوباره غروب کرد.

شهرت حدیث «رُدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تسنن

از جمله احادیثی که دلالت بر فضیلت و برتری امیرمؤمنان علی علیه السلام می کند، حدیث «رُدُّ الشَّمْسِ» است. شهرت این حدیث به قدری است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت آن را نقل کرده و حتی کتاب مستقلی درباره آن تألیف کرده اند، از قبیل:

۱- رُدُّ الشَّمْسِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، تألیف: اخطب خوارزم.

۲- كشف اللبس عن حدیث رُدِّ الشَّمْسِ، تألیف: جلال الدین سیوطی.

ص: ۴۲۸

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، این حدیث را به هشت طریق از اهل تسنن و هفده طریق از شیعه نقل می کند.

شبهه ابن تیمیه درباره حدیث «ردّ الشمس»

اشاره

ابن تیمیه می گوید :

«احادیث "ردّ الشمس"، مشتمل بر شبهاتی است. از آن جمله این که پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت عصر خوابیده است، در حالی که خواب در این وقت مکروه است. و نیز چگونه ممکن است که نماز علی علیه السلام فوت شود؟ در حقیقت، این واقعه از مطاعن او به حساب می آید، نه از مناقب او» (۱)

پاسخ :

اولاً:

مطابق برخی از روایات، حضرت رسول صلی الله علیه و آله نخوابیده است، بلکه حالتی شبه غشوه به جهت نزول وحی بر او دست داده بود.

ثانیاً:

مطابق برخی از روایات، حضرت علی علیه السلام در آن حال، نماز را ترک نکرد، بلکه با اشاره به جای آورد و اگر خورشید برگشت به جهت آن بود که نماز حضرت در وقتش نیز خوانده شود و این دلالت بر نهایت کمال او دارد.

ثالثاً:

می توانیم چنین بگوییم که حضرت علی علیه السلام از آن جا که می دانسته است خورشید برای او به جهت نماز عصر برمی گردد، لذا نماز خود را به صورت طبیعی به تأخیر انداخته است. (۲)

سخن گفتن خورشید با امیرمؤمنان علی علیه السلام

ابوذر غفاری روایت کرده که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شبی از شب ها به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! فردا صبح به کوه های بقیع برو و هنگامی که خورشید طلوع

- ١- . منہاج السنّہ، ج ٤، ص ١٨٩.
- ٢- . ر.ک: امام شناسی (رضوانی)، ج ٢، ص ٤٨٧.

کرد بر آن سلام کن؛ زیرا او از طرف خدا مأمور است با تو حرف بزند.» صبح آن روز امیرالمؤمنین علیه السلام همراه جماعتی از مهاجرین و انصار و ابابکر و عمر به راه افتادند، هنگامی که خورشید طلوع کرد، حضرت فرمود: «سلام بر تو ای مخلوق مطیع خدا!» صدایی از آسمان به گوش رسید که: «و بر تو سلام باد، ای اوّل و آخر و ظاهر و باطن، و ای کسی که بر همه چیز عالم هستی!»

وقتی مهاجر و انصار این سخن خورشید را شنیدند، متعجب شدند. آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام از کنارشان رفتند و به مسجد برگشتند، و مهاجرین و انصار به دنبال حضرت برگشتند. وقتی نزد رسول خدا رسیدند، عرضه داشتند: «ای پیامبر! شما فرمودید علی علیه السلام مانند ما بشر است در حالی که خورشید چیزهایی گفت که فقط خدای تبارک و تعالی آنها را درباره خودش بیان فرموده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «از خورشید چه شنیدید؟» گفتند: «شنیدیم به او می گفت: ای اوّل! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفت؛ زیرا او اوّلین کسی است که به خدا و پیامبری من ایمان آورده است.» پس گفتند: «شنیدیم می گفت: ای آخر!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفت؛ زیرا او آخرین کسی است که پیش من می ماند و مرا کفن و دفن می نماید.» پس گفتند: «شنیدیم می گفت: ای ظاهر!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به ظاهر علم آگاه است.» پس گفتند: «شنیدیم می گفت: ای باطن!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به باطن ها آگاه است.» گفتند: «شنیدیم می گفت: ای کسی که به هر چیز عالم هستی!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به حلال و حرام و مشکلات آگاه است» (۱)

ص: ۴۳۰

۱- . مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۱۳۶، به نقل از: عیون المعجزات.

اشاره

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ عِنْدَهُ طَائِرٌ فَقَالَ:

«اللَّهُمَّ أَنْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ.» فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ فَرُذُوهُ ثُمَّ جَاءَ عُمَرُ فَرُذُوهُ ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَذَّنَ لَهُ. (۱)

انس بن مالک می گوید: مرغ بریان شده ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، فرمود:

«خدایا! محبوب ترین خلق خود را نزد من بفرست تا با من از این مرغ بخورد.» ابوبکر آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را بازگرداند، سپس عمر آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را بازگرداند، اما هنگامی که علی علیه السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او اجازه داد.

برخی از علمای اهل تسنن، حدیث «طیر مشوی» را از احادیث صحیح السند و معتبر می دانند، از جمله:

خطیب خوارزمی حنفی نقل می کند که حدیث طیر مشوی یکصد و بیست سند دارد، و این کثرت سند دلالت بر اهمیت زیاد آن نزد محدثین دارد. (۲)

و نیز حاکم نیشابوری می گوید: حدیث طیر مشوی صحیح است و لازم بود بخاری و مسلم آن را در «صحیح» خود نقل می کردند؛ زیرا رجال آن ثقه و مورد اعتماد هستند و شرط صحت حدیث نزد این دو نفر را دارد. (۳)

نکات حدیث

اشاره

از این حدیث شریف، نکات بسیاری استفاده می شود، از قبیل:

ص: ۴۳۱

- ۱- احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۱۸، به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۰؛ خصائص نسائی، ص ۵، مصابیح السنه، ص ۲۰۲؛ مناقب خوارزمی، ص ۶۷؛ جامع الأصول، ج ۹، ص ۴۷۱.
- ۲- مقتل الحسين عليه السلام، ص ۷۹.
- ۳- مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱.

۱- امام علی علیه السلام، محبوب ترین افراد نزد خداوند

پیامبر از خداوند درخواست نمود که محبوب ترین افراد نزد خود را پیش ایشان بفرستد، و خداوند امام علی علیه السلام را نزد او فرستاد. از این حدیث به صراحت استفاده می شود که حضرت علی علیه السلام محبوب ترین افراد نزد خداوند است.

۲- برتری امام علی علیه السلام بر سایر صحابه

هر کس که محبوب ترین افراد نزد خداوند باشد، افضل افراد است. به این نکته در کلام قسطلانی (المذاهب اللدنیّه، ج ۷، ص ۴۲) و قاضی سبکی (طبقات الشافعیّه، ج ۲، ص ۱۸۷) و ابوحامد غزالی (احیاء العلوم، ج ۴، ص ۳۲۷) و قاضی عیاض (الشفاء، ج ۳، ص ۳۷۲) و نووی (المنهاج فی شرح صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۵۱) و فخر رازی (التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۸) اشاره شده است.

برخی از علمای اهل سنت نیز به دلالت «حدیث طیر» بر افضلیت امام علی علیه السلام بر سایر صحابه اشاره کرده اند، از قبیل:

الف) علمای عصر مأمون (در: عقد الفرید، ج ۵، صص ۳۵۴ - ۳۵۸).

ب) حاکم نیشابوری (در: تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۱۰۳۹).

ج) فخر رازی (در: نهاییه العقول).

د) محمّد بن طلحه (در: مطالب السؤل، باب اوّل، فصل پنجم، ج ۱، صص ۴۲ و ۴۳).

ه) حافظ گنجی (در: کفایه الطالب، ص ۱۵۱).

۳- امامت حضرت علی علیه السلام

ابن تیمیّه و دیگران می گویند: «هر کس افضل امت است او سزاوارتر به امامت و خلافت است.» بنابراین، با اثبات افضلیت حضرت امیر علیه السلام بر

ص: ۴۳۲

صحابه به وسیله «حدیث طیر»، امامت و خلافت او نیز به اثبات می رسد.

۴- امام علی علیه السلام، برتر از تمام پیامبران

در برخی از طرق حدیث طیر، امام علی علیه السلام احبّ و افضل خلق خداوند از اولین و آخرین معرفی شده است. (۱)

این گونه تعابیر، دلالت دارد بر این که حضرت امیر علیه السلام از انبیای پیشین افضل است، و به دلیل آیه «مباهله»، با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز مساوی است. (۲)

ص: ۴۳۳

۱- مناقب ابن مغزلی، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲- ر.ک: امام شناسی (رضوانی)، ج ۲، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«التُّجُومُ أمانٌ لاهیل الارض من الغرق، و أهیل بیته أمانٌ لأمتی من الأختلاف فإذا خالفتها قبیله من العرب اختلفوا فصارو حزب إبلیس!»^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«ستارگان برای اهل زمین مایه امتیت و نجات از غرق شدن در دریا و اهل بیت من مایه امان امت من از اختلاف اند، پس هنگامی که قبیله ای از عرب با آنها مخالفت کنند، اختلاف در میان امت ظاهر می شود و آنها حزب شیطان خواهند بود.»

محتوای حدیث امان

ابن حجر مکی، از دانشمندان اهل تسنن، در شرح این حدیث می گوید :

«مقصود از این که اهل بیت پیامبر وسیله ایمنی از اختلاف معین شده اند، اختلاف در دین است و لذا اگر قبیله ای با آنها مخالفت کرده و از غیر آنها دین را اخذ کنند، در احکام دین بینشان اختلاف خواهد افتاد و به سبب مخالفت آنان با اهل بیت جزء حزب ابلیس درخواهند آمد؛ زیرا حق با اهل بیت است و مخالفت با آنها باطل است»^(۲)

حدیث امان، به آیاتی از قرآن اشاره دارد که برای ستارگان آسمان فواید بسیار مهمی بیان می کنند، مانند :

آیه شانزده سوره نحل که می فرماید: (و بالنجم هم یهتدون)؛ «آنها به وسیله ستارگان هدایت می شوند.»

ص: ۴۳۴

۱- . احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۹۴، به نقل از: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹؛ احیاء المیت، ص ۱۱۴؛ تلخیص المستدرک، ج

۳، ص ۱۴۵؛ منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۹۳؛ صواعق المحرقة، ص ۲۳۳.

۲- . صواعق المحرقة، ص ۱۵۰، باب ۱۱.

آیه نود و هفت سوره انعام که می فرماید: (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ)؛ «خداوند ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید!»

و آیات شش تا نه سوره صافات که می فرماید: (إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ * لَا يَسِيْرُ مَعُونٍ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ * دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ)؛ «آسمان دنیا را با ستارگان تزئین کردیم تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم. آنها نمی توانند به [سخنان] فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، و [هرگاه چنین کنند] از هر سو هدف تیرها قرار می گیرند! و آنها به شدت به عقب رانده می شوند و برای آنها مجازاتی دائم است.»

در حدیث «امان»، اهل بیت علیهم السلام به ستارگان آسمان تشبیه شده اند. با استفاده از آیات قرآن، وجه شبه بین ائمه اطهار علیهم السلام و ستارگان آسمان را می توان این گونه ترسیم کرد:

اولاً: اهل بیت علیهم السلام همچون ستارگان آسمان، مردم را از ضلالت و گمراهی نجات می بخشند، و ره پویان راه وصال را به سرمنزل حقیقت می رسانند؛ همچنان که از مفاد دیگر احادیث در فضیلت اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود که تمسک به ولایت اهل بیت علیهم السلام موجب رهایی از ضلالت و گمراهی است و هر که به این ریسمان الهی چنگ بزند، به هدایت حقیقی می رسد.

ثانیاً: همان طور که ستارگان آسمان، شیاطین خبیث را از نفوذ به عالم بالا به عقب می رانند، قلب هر مؤمنی که در معرض نور ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد نیز از نفوذ شیاطین جنّ و انس محفوظ می ماند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیثی نورانی در مورد تشبیه آل محمد: به ستارگان می فرماید:

«الَا إِنَّ مِثْلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمِثْلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا هَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ.»

«آگاه باشید! همانا آل محمّد:، همچون ستارگان آسمانند، هنگامی که یکی از آنها غروب کند، ستاره دیگری طلوع می کند.»^(۱)

معرف اهل بیت علیهم السلام، امان از عذاب الهی

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«معرفة آل مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله براءةٌ من النار و حُبُّ آل مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله جوازٌ علی الصِّراط، و الوِلائیة لایل مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أمانٌ من العذاب.»^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«معرفت و شناخت آل محمد صلی الله علیه و آله براءة از آتش، و دوست داشتن آل محمد صلی الله علیه و آله جواز عبور از پل صراط، و ولایت و پیروی از آل محمد : امان از عذاب است.»

ص: ۴۳۶

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۱۴.

۲- . احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۹۴، به نقل از: فرائد السمطين (مخطوط)، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ج ۲، ص ۴۱؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۰۵؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۳؛ شرح ديوانا مير المؤمنين، ص ۱۹۱؛ ينابيع المودة، ص ۲۶۳.

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«لَأَعْطِينَ الزَّيَاهِ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارًا غَيْرُ فَرَارٍ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيَّهٖ». فَأَعْطَاهَا عَلَيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ عَلَيَّ يَدِيَّهٖ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر فرمودند :

«فردا پرچم اسلام را به دست مردی می دهم که خدا و رسولش را دوست می دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می دارند، [در جنگ] بسیار حمله کننده و غیر فرار است، بر نمی گردد تا این که خداوند با دست او [قلعه خیبر] را فتح کند.»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به حضرت علی علیه السلام داد و خداوند آن قلعه را با دست آن حضرت گشود.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام به سی و پنج طریق از اهل تسنن و به سه طریق از شیعه، «حدیث رایت» را نقل کرده است.

غزوه «خیبر»

غزوه «خیبر» در اوّل سال هفتم هجری اتفاق افتاد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردمان خیبر را بیش از ۲۰ روز در محاصره داشت.

در خیبر حدود چهارده هزار یهودی اقامت داشتند و قلعه های محکم را برای خود تهیّه دیده بودند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هنگام محاصره، قلعه های آنها را یکی پس از دیگری می گرفت، و سخت ترین آنها «قموص» بود که اهمیّت فوق العاده ای داشت.

در یکی از روزها ابوبکر پرچم مهاجرین را در دست گرفت، و مدّتی با

ص: ۴۳۷

یهودیان جنگ کرد ولی نتوانست مقاومت کند و از میدان مبارزه فرار کرد. پس از فرار ابوبکر، عمر بن خطاب پرچم را گرفت، وی نیز از دشمن عقب نشینی کرد، و مردم را از مقابله با آنان می ترسانید؛ مسلمانان هم وی را می ترسانیدند.

در این هنگام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از این جریان ناراحت شدند و فرمودند :

«فردا پرچم را به مردی خواهم داد که از میدان مبارزه فرار نمی کند، خداوند و رسول، او را دوست دارند، و او نیز خدا و رسول او را دوست دارد. وی هرگز از جنگ فرار نمی کند تا آن گاه که خداوند قلعه های محکم را به دست او بگشاید.»

پس از این گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم به همدیگر می گفتند: مقصود آن حضرت از این مرد، علی بن ابی طالب علیه السلام نیست؛ زیرا که وی اکنون به درد چشم گرفتار است و حتی جلو پاهای خود را نمی بیند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز هنگامی که فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید، گفت: «خداوند، اگر اراده کنی به کسی نعمتی بدهی، احدی قادر نیست جلوی عطای شما را بگیرد، و اگر بخواهی نعمتی از کسی سلب کنی باز هم احدی نتواند وی را عزیز و ارجمند کند.»

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله صبح نمود، اصحاب پیرامونش اجتماع کردند. سعد گوید: من در مقابل حضرت رسول صلی الله علیه و آله روی پای خود ایستادم و امیدوار بودم که آن جناب مرا به طرف خود بخواند و پرچم را به من بدهد، در این هنگام فرمود :

«علی علیه السلام را به طرف من بیاورید.» مردم از هر طرف فریاد زدند: وی به درد چشم گرفتار است و جلوی پای خود را نمی بیند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی را بفرستید تا بیاید.» پس از این امیرالمؤمنین در حالی که دستش را گرفته بودند، به محضر پیامبر آمد و سرش را بر آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت. در این وقت پیامبر اسلام آب دهان

خود را بر چشم های او کشید، وی بلافاصله از درد چشم راحت شد. پیامبر پرچم جنگ را به دست او داد، امیرمؤمنان علیه السلام بعد از این که پرچم را گرفت، با جوش و خروشی به طرف قلعه های یهودیان حمله برد و قلعه ها را فتح نمود. (۱)

ص: ۴۳۹

۱- .ر.ک: زندگانی چهارده معصوم (عطاردی)، ص ۱۴۴.

اشاره

قال علیّ علیه السلام :

«سلونی قبل أن تفقدونی فوالذی فلق الحبّه و برأ التسمه لو سألتُمونی عن آیه فی لیلہ أنزلت أو فی نهارٍ أنزلت مکّیها و مدنیها و سفریها و حضریها ناسخها و منسوخها و مُحکمها و مُتشابهها و تأویلها و تنزیلها لاخبرتکم» (۱)

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«پیش از آن که مرا از دست بدهید از من بپرسید؛ زیرا سوگند به آن خداوندی که دانه را شکافته، و مردم را آفریده است، اگر شما از یک یک آیات قرآن بپرسید که آیا در شب نازل شده یا روز، در مکه نازل شده یا در مدینه، در سفر نازل شده یا در حضر، ناسخ و منسوخ آیات کدام است، محکم و متشابه آن کدام است، تأویل و تنزیل آیات چیست، من شما را از این مسایل خبردار می کنم.»

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، این حدیث را به هفت طریق از اهل تسنن و هفت طریق از شیعه نقل می کند.

علوم ظاهری و باطنی امیرمؤمنان علیه السلام

اشاره

امیرمؤمنان علی علیه السلام در موارد متعددی با بیان جمله «سلونی قبل أن تفقدونی»، به بعضی از علومی که در نزد آن حضرت موجود است اشاره کرده اند، از جمله :

۱- علم تفسیر و تأویل

عن علیّ علیه السلام :

«سلونی عن کتاب الله، فإنّه لیس من آیه إلا وقد عرفت بلیل نزلت أم بنهارٍ

ص: ۴۴۰

فی سهلٍ أمّ فی جبلٍ» (۱)

علی علیه السلام فرمود: «از کتاب خدا از من پرسید که هیچ آیه ای نیست مگر این که می دانم در شب نازل شده یا در روز، در دشت نازل شده یا در کوه.»

۲- علم منایا و بلایا و انساب

عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه كان يقول: «سلوني قبل أن تفقدوني، ألا تسألون من عنده علم المنایا و البلیایا و الأنساب؟» (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود :

«سؤال کنید پیش از آن که مرا از دست بدهید، آیا سؤال نمی کنید از کسی که علم مرگ و میرها و بلاها و نسب ها نزد اوست؟»

۳- علم راه های آسمان ها و زمین ها

قال أمير المؤمنين عليه السلام: «أيها الناس! سلوني قبل أن تفقدوني، فلانا بطرق السماء أعلم مني بطرق الأرض.» (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«ای مردم! پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من پرسید؛ همانا من به راه های آسمان داناترم تا به راه های زمین.»

۴- علم کتاب های آسمانی

قال أمير المؤمنين عليه السلام :

«سلوني قبل أن تفقدوني، فوالذي فلق الحبة و برأ النسمه إني لأعلم بالتوراه

ص: ۴۴۱

-
- ۱- . احقاق الحق، ج ۷، ص ۵۸۵، به نقل از: طبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۸؛ إستيعاب، ج ۲، ص ۴۶۳؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۵۶؛ رياض النضره، ج ۲، ص ۱۹۸؛ ذخایر العقبی، ص ۸۳.
 - ۲- . بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۷، ح ۲۶؛ بصائر الدرجات، ص ۲۶۶، ح ۱.
 - ۳- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸، ح ۷؛ ینایع المودّه، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۹.

و إني لأعلم بالأنجيل من أهل الأنجيل و إني لأعلم بالقرآن من أهل القرآن»^(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

«پیش از آن که مرا از دست بدهید از من پرسید. سوگند به آن خداوندی که دانه را شکافته و مردم را آفریده است، من از اهل تورات به تورات و از اهل انجیل به انجیل و از اهل قرآن به قرآن دانانترم.»

کسانی که «سلونی» گفتند و رسوا شدند

با این وجود، در طول تاریخ افرادی خواستند همانند حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، جمله «سلونی» را بازگو کنند و نشان دهند که به همه علوم آگاه هستند، ولی همگی آنان رسوا شدند، که در این بخش به دو نفر از این مدعیان اشاره می‌کنیم :

۱- هنگامی که مقاتل بن سلیمان بر منبر رفت و گفت: «پرسید از من از هر آنچه زیر عرش است تا طعام هایی که در منزل هایمان پنهان است.» مردی به او گفت: «هنگامی که آدم علیه السلام به حج رفت چه کسی سر او را تراشید؟» مقاتل گفت: «این حرف از شما نیست و بلکه خدا اراده کرده تا مرا محکوم کند به خاطر عجب و خودپسندی که مرا فرا گرفته است.»^(۲)

۲- قتاده زمانی که وارد مسجد کوفه شد و گفت: «از هر چه می خواهید از من پرسید.» ابوحنیفه گفت: «از او پرسید که مورچه ای که با [حضرت سلیمان علیه السلام] تکلم نمود [نر بوده یا ماده؟] قتاده در جواب فرو ماند^(۳)

ص: ۴۴۲

۱- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۶۴، ح ۱۴۶؛ کتاب سلیم، ص ۹۴۱، ح ۷۸.

۲- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۶۶.

۳- کشف زمخشری، ج ۳، ص ۳۵۶.

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله: «يا عليُّ! خُلِقْتُ أنا و أنت من شجرِهِ، فأنا أصلُها و أنت فَرْعُها والحسن والحُسَيْن عليهِ السلام أغصانُها فمن تعلقَ بِغُصْنٍ مِنْها أُدْخِلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! من و تو از یک درخت آفریده شدیم که من اصل (ریشه) آن درخت و تو فرع (تنه) آن و حسن و حسین علیهما السلام شاخه های آن هستند. پس هر کسی به یکی از آن شاخه ها بیاویزد، خدای تعالی او را داخل بهشت گرداند.»

شجره طیبه در قرآن

خداوند متعال در مورد «شجره طیبه» می فرماید :

(ألم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفروعها في السماء) (۲)؛ «آیا ندیدی چگونه خداوند "کلمه طیبه" [و گفتار

پاکیزه] را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟»

در احادیث، شجره طیبه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او : تفسیر شده است.

حاکم حسکانی، دانشمند بزرگ اهل تسنن، می گوید :

سلام ختمی گوید: روزی به حضور حضرت امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: یابن رسول الله! تفسیر آیه (کلمة طيبة كشجرة طيبة) چیست؟

ص: ۴۴۳

۱- . احقاق الحق، ج ۹، ص ۱۵۴، به نقل از: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸۳؛ مناقب (ابن مغازلی) مخطوط؛ مقتل الحسين عليه السلام، ص ۱۰۸؛ كفايه الطالب، ص ۱۷۸؛ لسان الميزان، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ينابيع المودة، ص ۲۴۵؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۲؛ صواعق المحرقة، ص ۲۳۰؛ مناقب (شافعی)، ص ۲۰۹.

۲- . سورة ابراهيم، آیه ۲۴.

حضرت فرمود: «ای سلام! شجره طیبه، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، و شاخه آن امیرمؤمنان علی علیه السلام و میوه و ثمره آن حسن و حسین علیهما السلام و شاخه فرعی آن حضرت فاطمه ۳ و شعبه های این شاخه، امامان از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و برگ این درخت، شیعیان و دوستان ما هستند. پس هنگامی که یکی از شیعیان ما از دنیا می رود، از این درخت برگ می افتد و هنگامی که برای دوستان و محبتین ما فرزندی به دنیا می آید، به جای آن، برگ دیگری سبز می شود.»(۱)

شجره خبیثه در قرآن

خداوند متعال در آیات مربوط به شجره طیبه می فرماید: «شجره طیبه، آن درختی است که ریشه ای ثابت و محکم دارد و همیشه پایدار است.» ولی در آیه بعد به شجره خبیثه اشاره می کند و می فرماید: «شجره خبیثه هیچ قرار و دوامی ندارد.»

(و مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجثت من فوق الأرض ما لها من قرار)(۲).

خداوند متعال در این آیه «کلمه خبیثه» (سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

همان گونه که در روایات معصومین علیهم السلام آمده است، «شجره خبیثه»، همان دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«شجره خبیثه، مثلی است که برای دشمنان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله زده شده است.»(۳)

ص: ۴۴۴

۱- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۲۸.

۲- . سوره ابراهیم، آیه ۲۶.

۳- . تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۵.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ:

«قُسِمَتِ الْحُكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ وَ النَّاسُ جُزْءَ آ وَاحِدًا وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْعُسْرِ الْبَاقِي» (۱)

عبدالله بن مسعود می گوید: نزد پیغمبر ۹ بودم، از علم علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«حکمت به ده جزء قسمت شده، نه جزء آن به علی علیه السلام داده شده و یک جزء به دیگر مردمان، و حال آن که علی علیه السلام در همان جزء باقی مانده هم از دیگران اعلم و داناتر است.»

معنا و مفهوم حکمت

واژه «حکمت» در لغت از ریشه «حُکِمَ» به معنای منع، گرفته شده است؛ زیرا حُکْم و داوری عادلانه مانع ظلم است. (۲)

واژه «حکمت»، بیست بار در قرآن کریم آمده است. خداوند متعال در این کتاب آسمانی، نود و یک بار خود را با صفت «حکیم» ستوده است.

صفت «حکیم» سی و شش بار همراه با صفت «علیم»، چهل و هفت بار با صفت «عزیز»، و چهار بار با صفت «خبیر»، و یکبار همراه هر یک از صفات «تَوَّاب»، «حمید»، «علی» و «واسع» آمده است.

ص: ۴۴۵

-
- ۱- ر.ک: احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۱۱، به نقل از: حلیه الأولیاء، ج ۱، ص ۶۴؛ تفسیر ثعلبی، ص ۸۱؛ مناقب امیرالمؤمنین (مخطوط)؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۴۹؛ مقتل الحسین، ص ۴۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸؛ منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲.
 - ۲- حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۲۴۶، به نقل از: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۹۱.

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«أنا مدينةُ الحكمه و عليٌّ عليه السلام بأبها فمن أراد المدينة، فليأت إلى بابها.»^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«من شهر حکمت و علی علیه السلام دروازه آن است؛ هر کس خواهان ورود به این شهر است، باید از دروازه آن وارد شود.»

حکمت در قرآن

خداوند متعال می فرماید :

(يُؤْتِي الْحُكْمَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحُكْمَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ)^(۲) .

«خداوند دانش و حکمت را به هر که بخواهد [و شایسته بداند] می دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده و جز صاحبان خرد [این حقایق را درک نمی کنند و] متذکر نمی شوند.»

حاکم حسکانی، دانشمند معروف اهل تسنن، از ربیع بن خثیم نقل می کند: نام علی علیه السلام را نزد من بردند، گفتم: «لم أرهم يجدون عليه في حكمه والله تعالى يقول: (و من يؤت الحكمه فقد أوتي خيرا كثيرا)»^(۳)؛ «ندیدم کسی از مردم، ایرادی بر حکم و داوری آن حضرت بگیرد؛ همان گونه که خداوند متعال فرموده است: "و به هر کس دانش حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است."»

کسی از مردم، ایرادی بر حکم و داوری آن حضرت بگیرد؛ همان گونه که خداوند متعال فرموده است: "و به هر کس دانش حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است."»

در بسیاری از احادیث وارد شده که آنچه خداوند متعال از علم و حکمت به پیامبران عطا فرموده است همه را در علی بن ابی طالب علیه السلام جمع نموده است. از جمله آنها می توان به این روایت اشاره کرد :

ص: ۴۴۶

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۲.

۲- . سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۳- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۱۵۰.

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله :

«من أراد أن ينظر إلى إبراهيم عليه السلام في حلمه و إلى نُوحٍ ٧ في حكّمته و إلى يُوسُف عليه السلام في اجتماعه فلينظر إلى عليّ بن أبي طالب عليه السلام»^(١)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود :

«کسی که می خواهد به حلم ابراهیم علیه السلام، به حکمت نوح علیه السلام، و به مردم داری یوسف علیه السلام بنگرد، پس باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نگاه کند.»

ص: ۴۴۷

۱- . شواهد التّنزِيل، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۱۴۷.

اشاره

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله :

«مَنْ مات و لم یعرفْ إمامَ زمانه مات میتةً جاهلیةً.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«هر کس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»

روایات و احادیث، نشناختن امام علیه السلام را مردن به مرگ جاهلیت دانسته است، و راه رهایی از مرگ جاهلی و رسیدن به سعادت را اطاعت و شناخت امام علیه السلام بیان کرده اند.

حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تسنن

ابن سعد در طبقات الکبری (ج ۵، ص ۱۰۷) نقل می کند: «مَنْ مات و لا بیعه علیه مات میتةً جاهلیةً.»

حافظ ابن ابی شیبہ در مصنف (ج ۱۵، ص ۳۸) می گوید: «مَنْ مات و لیسَتْ علیه طاعه مات میتةً جاهلیةً.»

احمد بن حنبل در المسند (ج ۳، ص ۹۶) می گوید: «مَنْ مات بغير إمام مات میتةً جاهلیةً.»

منظور از «امام» چه کسی است؟

منظور از «امام» که در این روایات ذکر شده و اگر کسی به او معرفت نداشته باشد و از او پیروی و اطاعت نکند، به مرگ جاهلی از دنیا می رود، چه کسی است؟

ص: ۴۴۸

۱- ر.ک: احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵ به نقل از: مسند (طیالسی)، ص ۲۵۹؛ صحیح (قشیری)، ج ۸، ص ۱۰۷؛ نفحات اللّاهوت، ص ۱۳؛ ینایع المودّه، ص ۱۱۷.

آیا او کسی است که جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و از جانب خداوند متعال برای هدایت مردم تعیین شده است؟ یا کسی است که مردم بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را از بین خود انتخاب کرده اند؟

آیا او همان کسی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را دروازه شهر علم خود بیان کرده است؟ یا آن کسی است که می گوید: همه مردم از من آگاه تر و عالم تر هستند، حتی زنانی که در خانه هایشان هستند؟

آیا منظور از معرفت امام، شناختن کسانی همچون: ابابکر، عمر، معاویه، یزید، مروان، عبدالملک، ولید بن یزید، منصور دوانیقی و است؟ یا منظور از امام، امیرمؤمنان علی علیه السلام و جانشینان بعد از او هستند؟

پاسخ این سؤال روشن است؛ منظور از «امام» همان گونه که در روایات آمده است، کسی است که افضل و اعلم مردم باشد و خداوند، خود، او را برای این امر انتخاب کرده باشد. درباره این که مصداق «امام» در حدیث «معرفت امام» چه کسی است، روایاتی وجود دارد که به طور روشن، منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان کرده است. از آن جمله، یحیی بن عبدالرحمان انصاری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«هر کس علی علیه السلام را در زندگانی و پس از مرگش دوست بدارد، تا هنگامی که خورشید طلوع و غروب می کند و جهان برپاست، خداوند برای او امتیّت و ایمان می نویسد. و هر کس با علی علیه السلام در زندگانی و پس از مرگش دشمنی کند، به مرگ جاهلیّت از دنیا می رود»^(۱)

روایتی که عمّار یاسر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده نیز در این باره راه گشاست.

عمّار می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به زودی پس از من در بین این امت، حوادثی اتفاق می افتد که باعث

ص: ۴۴۹

جنگ بین ایشان می شود، و بعضی برخی دیگر را بکشند و گروهی از گروه دیگر بیزاری بجویند.»

سپس - با اشاره به علی علیه السلام - به من فرمود :

«بر تو باد [مراجعه کردن به] این شخص اصلع که در طرف راست من نشسته است؛ اگر همه مردم به راهی بروند و علی به راه دیگر، تو همراه علی باش و مردم را رها کن.

ای عمار! علی علیه السلام تو را از راه هدایت خارج و به بی راه وارد نمی کند. ای عمار! اطاعت از علی علیه السلام، اطاعت از من، و اطاعت از من، اطاعت از خداوند عزوجل است.»^(۱)

ص: ۴۵۰

۱- مناقب (خوارزمی)، ص ۱۰۵، ح ۱۱۰.

فصل چهاردهم

اشاره

ص: ۴۵۱

وصیت اول: ثواب قرائت «آیه الکرسی»

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله لعلیُّ علیه السلام :

«یا علیُّ! علیک بتلاوه آیه الکرسی فی دبر صلاه المکتوبه، فإنَّه لا یحافظُ علیها إلَّا نبیُّ أو صدیقٌ أو شهیدٌ.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند :

«ای علی! بر تو باد که بعد از هر نماز واجب، آیه الکرسی را بخوانی؛ چرا که جز پیامبران و صدیقان و شهیدان، بر آن مداومت و محافظت نمی کنند.»

وصیت دوم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان

قال رسولُ الله صلی الله علیه و آله لعلیُّ علیه السلام :

«یا علیُّ! بادرُ بأربعِ قبلِ أربعٍ: شبابک قبلِ هرمک، و صحَّتک قبلِ سُقمک، و غناک قبلِ فقرک، و حیاتک قبلِ موتک.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ای علی! چهار چیز را

ص: ۴۵۳

۱- . وسائل الشَّیعه، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۸۴۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴، ح ۲۴.

۲- . وسائل الشَّیعه، ج ۱۶، ص ۸۳، باب ۹۱، ح ۲۱۰۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۰، باب ۶۴، ح ۳۲.

پیش از چهار چیز غنیمت بدان: ۱- جوانی خود را پیش از فرارسیدن پیری؛ ۲- سلامت خود را پیش از بیماری؛ ۳- بی نیازی خود را پیش از نیازمندی؛ ۴- زندگانی خود را پیش از فرارسیدن مرگ.»

وصیت سوم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می کند

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! لا تمزح فيذهب بهاءك ولا تكذب فيذهب نورك وإياك وخصيتين: الضجر والكسل، فإنك إن ضجرت لم تضبر على حق وإن كسرت لم تؤد حقاً.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند :

«ای علی! شوخی مکن که ارزش تو را از بین می برد، و دروغ مگو که نور (قلب) تو زایل می شود.

و از دو خصلت پرهیز کن: ۱- خستگی؛ ۲- تنبلی؛ زیرا اگر اظهار خستگی کردی، بر حق، شکیبیا نخواهی بود، و اگر تنبلی کنی، هیچ حق [و عملی] را ادا نخواهی کرد.»

وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می شود

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! أربع من كن فيهن في الجنة، من آوى اليتيم ورحم الضعيف و أشفق على والدته و رفق بمملوكه.» (۲)

ص: ۴۵۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۲، باب ۶۶، ح ۲۰۸۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۶، باب ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۳؛ أمالی صدوق، ص ۵۴۳، مجلس ۸۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۱، باب ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۷، باب ۱۹، ح ۲۱۷۰۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند :

«ای علی! هر کس دارای چهار خصلت باشد، خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا خواهد کرد: ۱- کسی که یتیم را جای دهد؛ ۲- کسی که بر ناتوان رحم کند؛ ۳- کسی که بر پدر و مادر مهر ورزد؛ ۴- کسی که با برده [وزیردستان] خود مدارا کند.»

وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می شود

قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام :

«یا علی! ثلاثٌ من لقی الله عزوجلّ بهنّ فهو من أفضل الناس، من أتى الله بما افترض علیه فهو من أعبد الناس و من ورع عن محارم الله عزوجلّ فهو من أورع الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من أغنى الناس.»^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! سه خصلت است که هر کس با آنها خداوند را ملاقات کند، از بالاترین و برترین مردم خواهد بود: ۱- کسی که واجبات خود را انجام دهد، عابدترین مردم است؛ ۲- کسی که از محرمات الهی دوری کند، پرهیزکارترین مردم است؛ ۳- کسی که به آنچه خدا روزی او کرده است، قناعت کند، بی نیازترین مردم است.»

وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است

قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام :

«یا علی! سبعه من کُنّ فيه فقد استکمل حقیقه الايمان و أبواب الجنّه مفتّحه له، من أشیغ وُضوءه و أحسن صلاته و أدی زکاه ماله و کفّ غضبه و سجن لسانه

ص: ۴۵۵

۱- . بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۵، باب ۳؛ خصال، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۲۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۶.

واستغفر لذنبه و أدى النصيحة لاهل بيت نبيه» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! هفت خصلت است که در هر کس باشد، حقیقت ایمان را به طور کامل دریافته و درهای بهشت بر او گشوده می شود: ۱- کسی که وضوی نیکو بگیرد؛ ۲- کسی که نماز نیکو بخواند؛ ۳- کسی که زکات مالش را پردازد؛ ۴- کسی که خشمش را نگه دارد؛ ۵- کسی که زبانش را حفظ نماید؛ ۶- کسی که برای گناهانش استغفار کند؛ ۷- کسی که برای خاندان پیامبرش خیرخواهی کند.»

وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! النُّومُ أَرْبَعَةٌ: نَوْمُ الْأَنْبِيَاءِ : عَلَى أَقْفِيَّتِهِمْ وَ نَوْمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى إِيْمَانِهِمْ وَ نَوْمُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ عَلَى أَيْسَارِهِمْ وَ نَوْمُ الشَّيَاطِينِ عَلَى وُجُوهِهِمْ.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! خوابیدن بر چهار نوع است: ۱- خواب پیامبران علیهم السلام که بر پشت می خوابند؛ ۲- خواب مؤمنان که بر طرف راست است؛ ۳- خواب کافران و منافقان که بر طرف چپ است؛ ۴- خواب شیاطین که بر روی است.»

ص: ۴۵۶

۱- . مکارم الأخلاق، ص ۴۳۶؛ خصال، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۱، باب ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۷، باب ۵۴.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۰۳، باب ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۵، باب ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۰.

وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! تختم باليمين فإنها فضيلة من الله عز وجل للمؤمنين». قال: «بم أتختم يا رسول الله؟» قال: «بالعقيق الأحمر، فإنه أول جبل أقر الله تعالى برؤيته، ولى بالثبوه ولك بالوصيه ولؤدك بالامامه ولشيعتك بالجنه ولاعدائك بالنار».(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! انگشتر به دست راست خود کن که این عمل برای مقربین، فضیلتی از جانب خداست.» حضرت علی علیه السلام پرسید: «ای رسول خدا! چه انگشتری در دست کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عقیق سرخ؛ زیرا آن اولین سنگی بود که به ربوبیت خدا و نبوت من و وصایت تو و امامت فرزندان تو و به بهشتی بودن شیعیانت و دوزخی بودن دشمنانت اقرار کرده است.»

وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام :

«يا علي! ثلاثٌ مُنجياتٌ: خوْفُ اللهِ في السِّرِّ والعلانيه والقصدُ في الغنى والفقرُ و كلمه العدل في الرضا والسخط.»(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی! سه چیز باعث نجات آدمی است: ۱- ترس از خداوند در نهان و آشکار؛ ۲- میانه روی در حال دارایی و فقر؛ ۳- منصفانه سخن گفتن در حال خشنودی و خشم.»

ص: ۴۵۷

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۲، ح ۵۹۸۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۲، باب ۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۳، باب ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۰، باب ۱۴.

وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام :

«يا عليّ! عليك بالسواك فإنّ في السواك مطهرة للفم و مرضاة للربّ و مجلّة للعین و الخلال يُحبّبك إلى الملائكة فإنّ الملائكة تتأذى بريح فم من لا يتخلّل بعد الطّعام»^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! بر تو باد به مسواک زدن؛ زیرا مسواک باعث پاکیزگی دهان و موجب خشنودی پروردگار است و چشم را پرنور می کند. و خلال کردن دندان ها تو را نزد فرشتگان محبوب می سازد؛ زیرا فرشتگان از بوی دهان کسی که پس از غذا خلال نکند، اذیت می شوند.»

وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام :

«يا عليّ! إذا أكلت فقل: بسم الله، إذا فرغت فقل: الحمد لله، فإنّ حافظك لا يبرحان يكتبان لك الحسنات حتى تُبيده عنك»^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! هرگاه خواستی غذا بخوری "بسم الله" بگو، و پس از فارغ شدن از آن "الحمد لله" بگو؛ زیرا دو فرشته نگهبان تو، همواره برایت حسنه می نویسند تا سفره را از خود دور کنی.»

ص: ۴۵۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۵، باب ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۳۹، باب ۱۸، و ج ۷۴، ص ۱۶۷، باب ۳، ح ۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۷۱، باب ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۵۵، باب ۵۷.

وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام

قال رسولُ الله صلى الله عليه و آله لعلِّي عليه السلام :

«يا عليُّ! افتتخ طعامك بالملح فإن فيه شفاءً من سبعين داءٍ منها الجُنُونُ والجُدَامُ والبرصُ و وجعُ الحلق والأضراس و وجعُ البطن.»^(۱)

رسول خدا به حضرت علی فرمود :

«ای علی! غذای خود را با نمک آغاز کن؛ زیرا در آن شفا و درمان از هفتاد نوع بیماری است که دیوانگی، خوره، پیسی، درد گلو و درد شکم از جمله آنهاست.»

وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی

قال رسولُ الله صلى الله عليه و آله لعلِّي عليه السلام :

«يا عليُّ! أنينُ المؤمن تشبيحٌ و صياحُه تهليلٌ و نومه على الفراش عبادةٌ و تقلُّبُه من جنبٍ إلى جنبٍ جهادٌ في سبيل الله فإن عوفى مشى في الناس و ما عليه من ذنب.»^(۲)

رسول خدا به حضرت علی علیه السلام فرمود :

«ای علی! ناله مؤمن بیمار، تسیح؛ و فریادش، تهلیل؛ و خوابیدنش در بستر بیماری، عبادت؛ و پهلو به پهلو شدنش جهاد در راه خداست، و اگر سلامتی خود را باز یافت، بی هیچ گناهی میان مردم رفت و آمد خواهد کرد.»

ص: ۴۵۹

۱- . وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۰۵، باب ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸، ح ۲۰؛ محاسن برقی، ج ۲، ص ۵۹۳، ح ۱۱۰.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۰، باب ۱، ح ۲۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۸.

وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا

قال رسولُ الله صلى الله عليه و آله لعليّ عليه السلام :

«يا عليّ! إنّ الوُضوءَ قبلَ الطَّعامِ و بعده شفاءٌ في الجسد و يُمنُّ في الرِّزْق.»(۱)

رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! وضو گرفتن پیش از غذا و بعد از آن، باعث درمان [بیماری های] بدن و برکت در روزی است.»

(و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا و عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ و هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)(۲)

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست.»

ص: ۴۶۰

۱- بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۵۶، ح ۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۷، باب ۴۹؛ محاسن برفی، ج ۲، ص ۴۲۴، باب ۳۰.

۲- .سوره انعام، آیه ۱۱۵.

- ۱- قرآن كريم.
- ۲- امام حسن عسكري عليه السلام، تفسير العسكري، منسوب إلى الإمام عليه السلام، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- ۳- امام صادق عليه السلام، مصباح الشريعة، شارح: سيد حسن مصطفوي، انتشارات علمي، طهران، سال ۱۳۶۳ ش، طبع اول.
- ۴- ابن بطريق، يحيى بن حسن، م ۶۰۰ ق، العمد، ۱ جلد، انتشارات جامعه مدرسين، قم، سال ۱۴۰۷ ق.
- ۵- ابن شاذان قمي، ابوالحسن محمّد بن احمد، م قرن پنجم، مأه منقبه في مناقب امير المؤمنين علي بن ابي طالب و الائمه من ولده، تحقيق: نبيل رضا علوان، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ اول.
- ۶- ابن طاووس، علي بن موسى حلي، م ۶۶۴ ق، الإقبال الأعمال الحسنه في ما يعمل مرّه في السنه، دار الكتب الاسلاميه، تهران، سال ۱۳۶۷ ش، چاپ دوم.
- ۷- ابن طاووس، علي بن موسى حلي، م ۶۶۴ ق، فلاح السائل، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، قم.
- ۸- ابن طاووس، علي بن موسى حلي، م ۶۶۴ ق، اليقين باختصاص مولانا علي (عليه السلام)

يامره المؤمنين، مؤسسه دارالكتاب، قم، سال ١٤١٣ ق، چاپ اول.

- ٩- ابن قولويه قمى، ابوالقاسم جعفر بن محمد، م ٣٦٨ ق، كامل الزيارات، انتشارت مرتضويه، نجف اشرف، سال ١٣٥٦ ش.
- ١٠- اربلى، ابوالحسن على بن عيسى، م ٦٨٧ ق، كشف الغمه فى معرفه الأئمه، ٢ جلد، تصحيح: هاشم رسولى محلاتى، مكتبه بنى هاشم، تبريز، سال ١٣٨١ ق.
- ١١- استرآبادى، شرف الدين على حسيني، م ٩٤٠ ق، تأويل الآيات، انتشارت جامعه مدرسين، قم، سال ١٤٠٩ ق، چاپ اول.
- ١٢- امينى، عبدالحسين، م ١٣٩٠ ق، الغدير فى الكتاب و السنه و الأدب، ١١ جلد، مركز الغدير، سال ١٤١٦ ق، چاپ اول.
- ١٣- انصارى، محمد باقر، اسرار غدیر، مولود كعبه، قم، سال ١٤١٥ ق، چاپ اول.
- ١٤- آمدى، عبدالواحد بن محمد تمیمی، م ٥٥٠ ق، غرر الحكم و دُرر الكلم، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، قم، سال ١٣٦٦ ش.
- ١٥- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، م ١١٠٧ ق، البرهان فى تفسير القرآن، بنياد بعثت تهران، سال ١٤١٦ ق، چاپ اول.
- ١٦- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، م ١١٠٧ ق، غايه المرام و حجه الخصام فى تعيين الإمام من طريق الخاص و العام، ٧ جلدی، تحقيق: سيد على عاشور، مؤسسه التاريخ العربى، بيروت ١٤٢٢ ق، چاپ اول.
- ١٧- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، م ١١٠٧ ق، كشف المهم فى خبر غدیر خم، مؤسسه احیاء تراث سيد بحرانی.
- ١٨- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، م ١١٠٧ ق، مدينه المعاجز الأئمه الإثني عشر و دلائل الحجج على البشر، ٨ جلد، مؤسسه المعارف الإسلاميه، قم، سال ١٤١٣ ق.
- ١٩- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، م ١١٠٧ ق، معالم الزلفى فى أحوال

النشأه الأولى و الأخرى، ٣ جلد، مؤسسہ انصاریان للطباعه و النشر، سال ١٤٢٤ ق، چاپ اول.

٢٠- بحرانی، عبدالله، م قرن ١٣، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، تحقیق و نشر: مؤسسہ امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ دوم.

٢١- بُرسی، حافظ رجب بن محمد، م علیه السلام ٧٣ ق، مشارق الأنوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق: سید علی عاشور، ذوی القربی، قم، سال ١٤٢٧ ق.

٢٢- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد، م ٢٧٤ ق، المحاسن، ١ جلد، دارالکتب الإسلامیہ، قم، سال ١٣٧١ ق، چاپ دوم.

٢٣- بلاذری، احمد بن یحیی، م ٢٧٩ ق، انساب الأشراف، دار الفکر، بیروت، سال ١٤١٧ ق، چاپ اول.

٢٤- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، م ٤٢٧ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سال ١٤٢٢ ق.

٢٥- حجازی، سید علیرضا، خطبه های شگفت، انتشارات فارس الحجاز، سال ١٣٨٤ ش، چاپ اول.

٢٦- حرّانی، ابومحمّد حسن بن علی معروف به ابن شعبه، م ٣٨١ ق، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسہ نشر اسلامی، قم، سال ١٤٠٤ ق، چاپ دوم.

٢٧- حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ١١٠٤ ق، اثبات الهداه، ٥ جلد، مؤسسہ الأعلمی، بیروت، سال ١٤٢٢ ق، چاپ اول.

٢٨- حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ١١٠٤ ق، جواهر السنیّه فی احادیث القدسیّه، چاپخانه النعمان، نجف اشرف، سال ١٣٨٤ ق.

٢٩- حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ١١٠٤ ق، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ٢٩ جلدی، مؤسسہ آل البيت لإحياء التراث، قم، سال ١٤٠٩ ق، چاپ اول.

۳۰- حسکانی، عبيدالله بن احمد، م قرن ۴۹۰ ق، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ۲ جلد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، تهران، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.

۳۱- حلي، ابوجعفر محمد بن ادریس، م ۵۹۸ ق، مستطرفات السرائر، ۱ جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ دوم.

۳۲- حلي، حسن بن يوسف مشهور به علامه حلي، م عليه السلام ۲۶ ق، كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام، تحقيق: حسين درگاهي، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.

۳۳- حلي، حسن بن يوسف مشهور به علامه حلي، م عليه السلام ۲۶ ق، نهج المسترشدين، مجمع ذخائر اسلامي، قم.

۳۴- حلي، حسن بن يوسف مشهور به علامه حلي، م عليه السلام ۲۶ ق، نهج الحق و كشف الصدق، مؤسسه دارالهجره، قم، سال ۱۴۰۷ ق.

۳۵- حلي، علي بن يوسف، م قرن هشتم، العيديد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه، تحقيق: مهدي رجائي، كتابخانه مرعشي نجفي، قم، سال ۱۴۰۸ ق.

۳۶- حنفي ترمذي، محمد صالح كشفي، م ۱۰۶۰ ق، مناقب مرتضوي، مطبعه المحمدي، بمبئي.

۳۷- حوزي، عبدعلي بن جمعه، م ۱۱۱۲ ق، تفسير نور الثقلين، تحقيق: رسولي محلاتي، انتشارات اسماعيليان، قم، سال ۱۴۱۵ ق.

۳۸- جوادي آملی، عبدالله، ادب فنای مقرّبان، تحقيق: محمد صفایي، مركز چاپ و نشر اسراء، سال ۱۳۸۶ ش، چاپ چهارم.

۳۹- خزاز قمي، ابوالقاسم علي بن محمّد، م قرن چهارم، كفايه الأثر في النصّ على الأئمّه الإثني عشر، انتشارات بيدار قم، سال ۱۴۰۱ ق.

۴۰- خوارزمي، حافظ موفق بن احمد، م ۵۶۸ ق، المناقب، مؤسسه نشر اسلامي، قم، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ دوم.

۴۱- ديلمي، ابومحمد حسن بن ابی الحسن، م عليه السلام ۱۱ ق، غرر الأخبار و دُرر

الآثار، تحقيق: اسماعيل الضغيم الهمداني، نشر دليل ما، قم، سال ۱۴۲۷ ق، چاپ اول.

۴۲- ديلمى، ابومحمد حسن بن ابى الحسن، م عليه السلام ۱۱ ق، إرشاد القلوب، ۱ جلد، انتشارات شريف رضى، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.

۴۳- ديلمى، ابوشجاع شيرويه، م ۵۰۹ ق، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقيق: سعيد بن سيونى زغلول، دار الكتب العلميه، بيروت، سال ۱۴۰۶ ق.

۴۴- راغب اصفهاني، حسين بن محمّد، م ۵۰۲ ق، المفردات فى غريب القرآن، تصحيح و تحقيق: صفوان عدنان داودى، دارالعلم، لبنان (سوريه)، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.

۴۵- راوندى، قطب الدين سعيد بن عبدالله، م ۵۷۲، قصص الأنبياء، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، بنياد پژوهش هاى آستان قدس، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.

۴۶- رحمانى همدانى، احمد، ت ۱۳۱۸ ش، الإمام على بن ابى طالب عليه السلام، ترجمه: حسين استادولى، مركز فرهنگى انتشارات منير، تهران، سال ۱۳۸۵ ش، چاپ چهارم.

۴۷- رضوانى، على اصغر، امام شناسى در قرآن و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمكران، سال ۱۳۸۴ ش.

۴۸- رضوانى، على اصغر، امام شناسى در احاديث و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمكران، سال ۱۳۸۵ ش.

۴۹- رضوانى، على اصغر، دفاع از تشييع و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمكران، سال ۱۳۸۸ ش.

۵۰- زمخشرى، محمود بن عمر، م ۵۳۸ ق، الكشاف، دار الكتاب العربى، بيروت، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ سوم.

۵۱- سبحانى، جعفر، فروغ ولايت، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، سال ۱۳۸۴ ش، چاپ هفتم.

۵۲- سراج، محمّد ابراهيم، امام على (عليه السلام) خورشيد بى غروب، مؤسسه انتشارات نبوى، تهران، سال ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.

۵۳- سيالكوتى، سيد محمود، على (عليه السلام) و پیامبران، ترجمه: سيد محمّد مختارى، مركز چاپ و نشر بنياد بعثت، سال ۱۳۷۱ ش، چاپ چهارم.

۵۴- سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر، م ۹۱۱ ق، الدر المنثور فى تفسير المأثور، كتابخانه مرعشى نجفى، قم، سال ۱۴۰۴ ق.

۵۵- شاذان بن جبرئيل، حدود ۶۰۰ ق، الرّوضه فى فضائل اميرالمؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، مكتبه الأمين، قم، سال ۱۴۲۳ ق، چاپ اول.

۵۶- شرف الدين، سيد عبدالحسين، م ۱۳۷۷ ق، المراجعات، تحقيق: حسين راضى، المجمع العالمى لأهل البيت، سال ۱۴۲۶ ق، چاپ دوم.

۵۷- شعيرى، تاج الدين محمّد بن محمّد، م قرن عليه السلام هجرى، جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أصول الدين، انتشارات رضى، قم، سال ۱۳۶۳ ش.

۵۸- شوشترى، قاضى نور الله، م ۱۰۱۹ ق، إحقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعليقات آيه الله مرعشى، مكتبه آيه الله المرعشى، سال ۱۴۰۹ ق.

۵۹- شهرستانى، هبه الدين، در پيرامون نهج البلاغه، ترجمه: عباس ميرزاده اهرى، دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ ششم.

۶۰- صدوق، محمّد بن على بابويه قمى، م ۳۸۱ ق، أمالى، ترجمه: كوه كمره اى، انتشارات كتابخانه اسلاميه، سال ۱۳۶۲ ش، چاپ چهارم.

۶۱- صدوق، محمّد بن على بابويه قمى، م ۳۸۱ ق، التّوحيد، انتشارات جامعه مدرّسين قم، سال ۱۳۹۸ ق، چاپ دوم.

۶۲- صدوق، محمّد بن على بابويه قمى، م ۳۸۱ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تحقيق: على اكبر غفارى، مكتبه الصّيدوق، طهران.

۶۳- صدوق، محمّد بن على بابويه قمى، م ۳۸۱ ق، الخصال، تصحيح: على اكبر غفارى، جامعه مدرّسين قم، سال ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.

۶۴- صدوق، محمّد بن على بابويه قمى، م ۳۸۱ ق، علل الشرايع، انتشارات

۶۵- صدوق، محمّد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی حسینی لاجوردی، ۱ جلدی، انتشارات جهان، سال ۱۳۷۸ ق.

۶۶- صدوق، محمّد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، فضائل الشیعه، انتشارات اعلمی، تهران.

۶۷- صدوق، محمّد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱ جلدی، دار الکتب الإسلامیّه، قم، سال ۱۳۹۵ ق.

۶۸- صدوق، محمّد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، سال ۱۳۶۱ ش.

۶۹- صدوق، محمّد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، ۴ جلدی، انتشارات جامعه مدرّسین قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ سوم.

۷۰- صفار قمی، محمّد بن حسن، م ۲۹۰ ق، بصائر الدّرجات فی مناقب آل محمّد:، تحقیق: کوچه باغی تبریزی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، سال ۱۴۰۴ ق.

۷۱- طباطبائی، سیّد محمّد حسین، م ۱۴۰۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین قم، سال ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.

۷۲- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، م ۶۲۰ ق، الإحتجاج علی أهل اللّجاج، ۱ جلد، نشر مرتضی، مشهد مقدس، سال ۱۴۰۳ ق.

۷۳- طبرسی، حسن بن فضل، م ۵۴۸ هجری، مکارم الأخلاق، ۱ جلد، انتشارات شریف رضی، قم، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ چهارم.

۷۴- طبرسی، حسن بن فضل، م ۵۴۸ هجری، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سال ۱۳۷۲ ش، چاپ سوم.

۷۵- طبرسی، علی بن حسن، م ۶۰۰ ق، مشکاه الأنوار، کتابخانه حیدریّه،

نجف، سال ۱۳۸۵ ق، چاپ دوم.

۷۶- طبری، عمادالدین محمد بن ابی قاسم، م ۵۲۵ ق، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، کتابخانه حیدریّه، نجف اشرف، سال ۱۳۷۳ ق، چاپ دوم.

۷۷- طبری، محمد بن جریر، م ۳۱۰ ق، جامع البيان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.

۷۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، أمالی، تحقیق: قسم دراسات الإسلامیه (مؤسسه بعثت)، انتشارات دارالثقافه، قم، سال ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.

۷۹- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، تلخیص الشافی، ۴ جلد در دو مجلد، دارالکتب الإسلامیه، قم، سال ۱۳۹۴ ق، چاپ سوم.

۸۰- طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، مصباح المتهجد، تحقیق: علی اصغر مروارید، ۱ جلدی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.

۸۱- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، تهذیب الأحكام، تحقیق: سید حسن خراسان موسوی، ۱۰ جلدی، دارالکتب الإسلامیه، سال ۱۳۶۵ ق، تهران، چاپ چهارم.

۸۲- طهرانی (آغا بزرگ)، محمد محسن، م ۱۳۸۹ ق، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ۲۵ جلد، کتابخانه اسلامیه، تهران، سال ۱۴۰۸ ق.

۸۳- عاملی، بهاء الدین محمد (معروف به شیخ بهایی)، م ۱۰۳۰ ق، أربعین، ترجمه: عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول.

۸۴- علم الهدی، سید مرتضی، م ۴۳۶، الذخیره فی علم الکلام، مؤسسه نشر اسلامی، سال ۱۴۱۱ ق.

۸۵- عیاشی، محمد بن مسعود، م ۳۲۰ ق، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپخانه علمیه، تهران، سال ۱۳۸۰ ق.

ص: ۴۶۸

۸۶- عمادزاده، حسین، ۱۳۶۹ ش، پیامی بزرگ از بزرگ پیامبران، کتابخانه صدر، تهران، چاپ دوم.

۸۷- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، م ۵۰۸ ق، روضه الواعظین، ۱ جلد، انتشارات رضی، قم.

۸۸- فقیه ایمانی، مهدی، امام امیرالمؤمنین علیه السلام از دیدگاه خلفا.

۸۹- فیروزآبادی، سید مرتضی، م ۱۴۱۰ ق، فضائل الخمسه من صحاح السیته و غيرها من الکتب المعتمده عند أهل السیته و الجماعه، ۳ جلد، منشورات ضیاء فیروزآبادی، قم، سال ۱۳۸۷ ش، چاپ اول.

۹۰- فیض الإسلام، سید علی نقی، م ۱۳۶۴ ق، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، چاپ پنجم.

۹۱- فیض کاشانی، محمد محسن، م ۱۰۹۱ ق، تفسیر الصافی، انتشارات صدر، تهران، سال ۱۴۱۵ ق، چاپ دوم.

۹۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلدی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ ششم.

۹۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلدی، مؤسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۰۴ ق.

۹۴- قندوزی حنفی، سلیمان، م ۱۲۹۴ ق، ینابیع الموده، ۲ جلدی، دارالاسوه للطباعه و النشر، سال ۱۴۱۶ ق، چاپ اول.

۹۵- کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، م ۴۴۹ ق، کنز الفوائد، تحقیق: عبدالله نعمه، ۲ جلدی، دارالذخائر، قم، سال ۱۴۱۰ ق، چاپ اول.

۹۶- کفعمی، ابراهیم بن علی، م ۹۰۵ ق، المصباح فی الأدعیه و الصلوات و الزیارات، ۱ جلدی، انتشارات رضی (زاهدی)، قم، سال ۱۴۰۵ ق، چاپ دوم.

۹۷- کلینی، محمد بن یعقوب، م ۳۲۹ ق، الکافی، دارالکتب اسلامیه، تهران، سال ۱۳۶۵ ش، چاپ چهارم.

٩٨- مازندراني، ابو جعفر محمّد بن علي بن شهر آشوب، م ٥٨٨ ق، مناقب آل ابي طالب، مؤسّسه انتشارات علامه، قم، سال ١٣٧٩ ق.

٩٩- مالكي، ورام بن ابي فراس، م ٦٠٥ ق، تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر، دارالتعارف و دار صعب، بيروت.

١٠٠- متقى هندی، علي، م ٩٧٥ ق، كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، مكتبه التراث الإسلامي، بيروت، سال ١٣٩٧ ق.

١٠١- مجلسي، محمّد باقر، م ١١١١ ق، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار:، ١١٠ جلدی، مؤسّسه الوفاء بيروت - لبنان، سال ١٤٠٤ ق.

١٠٢- محمودی، محمّد باقر، نهج السیاده في مستدرک نهج البلاغه، مؤسسه للطباعه و النشر و زاره الثقافه و الإرشاد الإسلامي، سال ١٤١٨ ق، چاپ اول.

١٠٣- مستنبت، سيّد احمد، م ١٣٩٩ ق، القطره من بحار مناقب النبي و العتره، نشر حاذق، سال ١٤٢١ ق، چاپ دوم.

١٠٤- مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الحكيم، م ١٤٢٦ ق، ١٤ جلدی، مركز الكتاب للترجمه و النشر، سال ١٤٠٢.

١٠٥- مظفر، محمّد حسن، دلائل الصدق، ٦ جلدی، مؤسسه آل البيت، قم، سال ١٤٢٢ ق، چاپ اول.

١٠٦- معتزلی، عبدالحميد بن هبه الله بن ابي الحديد، م ٦٥٦ ق، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمّد ابوالفضل ابراهيم، دارالجيل بيروت، سال ١٤٠٧ ق، چاپ اول.

١٠٧- مغازلی، حافظ ابوالحسن علي بن محمّد شافعی، م ٤٨٣ ق، مناقب علي بن ابي طالب، دار الأضواء بيروت، سال ١٤٢٤ ق، چاپ سوم.

١٠٨- مفيد، محمّد بن محمّد بن نعمان، م ٤١٣ ق، أمالي، كنگره شهيد مفيد، قم، سال ١٤١٣ ق، چاپ دوّم، سال ١٤١٣ ق، چاپ اول.

١٠٩- مفيد، محمّد بن محمّد بن نعمان، م ٤١٣ ق، الإفصاح في الإمامه،

المؤتمر العاملى للشيخ المفيد، قم، سال ١٤١٣ ق، چاپ اول.

١١٠- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، م ٤١٣ ق، الإختصاص، تصحيح: على ابر غفارى، كنگره شهيد مفيد، قم، سال ١٤١٣ ق، چاپ اول.

١١١- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، م ٤١٣ ق، الإرشاد، كنگره شهيد مفيد، قم، سال ١٤١٣ ق، چاپ اول.

١١٢- مكارم شيرازى، ناصر، آيات ولايت در قرآن، مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم، سال ١٣٨٣ ش، چاپ اول.

١١٣- مكارم شيرازى، ناصر، پيام قرآن، دارالكتب الإسلاميه، تهران، چاپ پنجم، سال ١٣٨١ ش.

١١٤- ميرجهانى، سيد محمد حسن، م ١٤١٣ ق، جُنه العاصمه، كتابخانه صدر، تهران، سال ١٣٩٨ ق.

١١٥- ميرجهانى، سيد محمد حسن، م ١٤١٣ ق، مصباح البلاغه فى مشكاه الصياغه، ٤ جلد در دو مجلد.

١١٦- ميرحامد حسين، هندى، خلاصه عباقت الأنوار، تلخيص: سيد على ميلانى، انتشارات نبأ، تهران، سال ١٣٨٢ ش.

١١٧- ميلانى، سيد على، نگاهى به حديث سدّ الأبواب، ترجمه: هيئت تحريريه مركز حقايق اسلامى، نشر مركز الحقايق الإسلاميه، سال ١٣٨٨ ش، چاپ اول.

١١٨- نورى، ميرزا حسين، م ١٣٢٠ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ١٨ جلدى، مؤسسه آل البيت، قم، سال ١٤٠٨ ق، چاپ اول.

١١٩- نيشابورى، ابوسعيد خرگوشى، شرف المصطفى، م ٤٠٦ ق، دارالبشائر الإسلاميه، مکه، سال ١٤٢٤ ق.

١٢٠- هلالى، ابوصادق سليم بن قيس، م ٨٠ ق، كتاب سليم، تحقيق: اسماعيل انصارى، الهادى، قم، سال ١٤١٥ ق، چاپ اول.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

